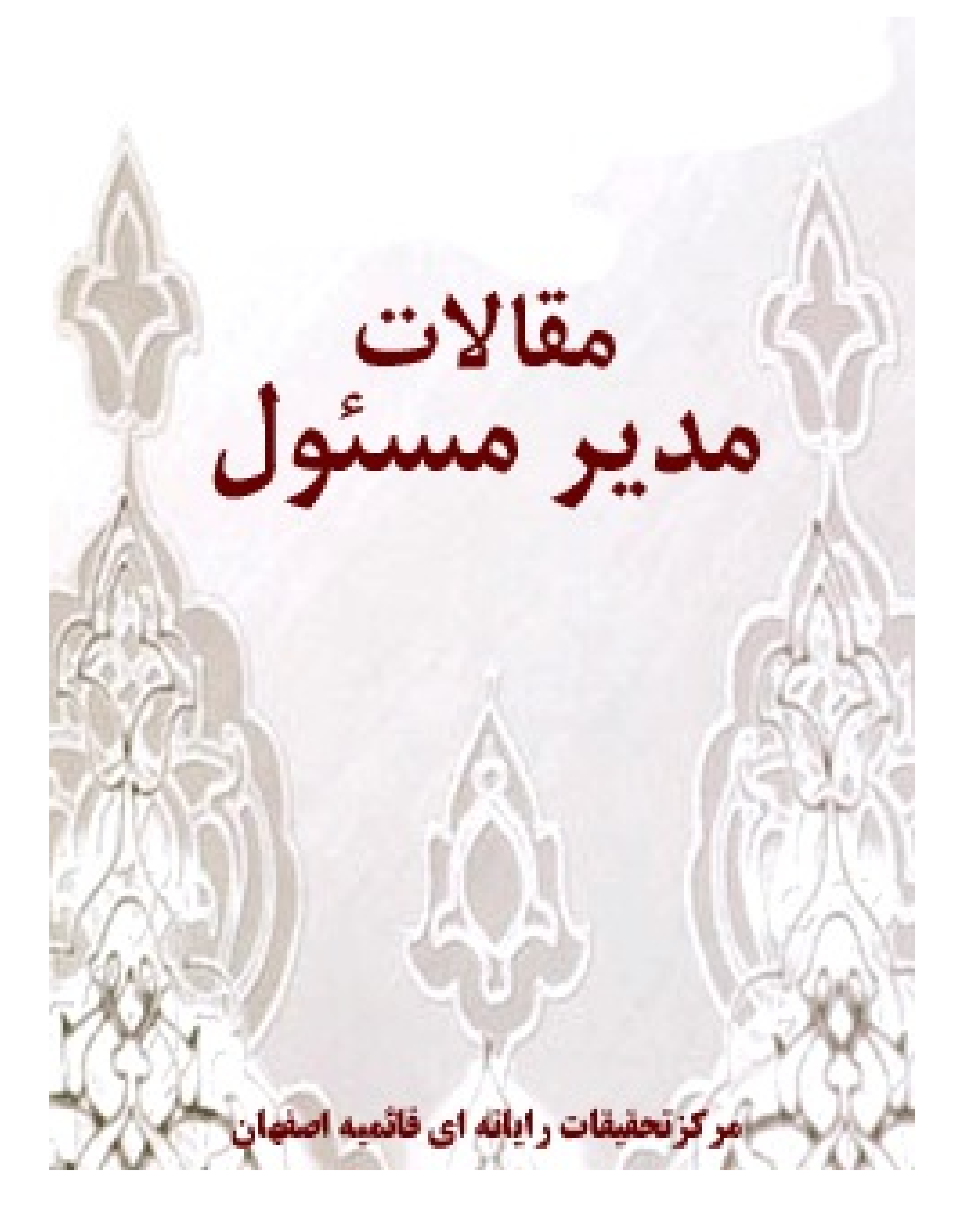


مقالات مدیر مسئول

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان


بسم الله الرحمن الرحیم

مقالات مدیر مسئول

نویسنده:

www.modiryar.com

ناشر چاپی:

www.modiryar.com

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مقالات مدیر مسئول

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مقالات مدیر مسئول/ www.modiryar.com
ناشر: www.modiryar.com
مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه , رایانه
موضوع:مدیریت - مقالات

مدیریت کیفیت؛ مدل تعالی سازمانی

...EFQMگردآوری: مهدی یاراحمدی خراسانی
معرفی: یکی از نیازهای واحدهای دارای سیستم کیفیت در جوامع صنعتی ارتقا و تعمیق سیستم کیفیت به موازات رشد سازمان می باشد. از طرفی سیستمهای مدیریت کیفیت در خصوص برخی موارد و فعالیتهای سازمانها سکوت کرده اند لذا سازمانهای مختلف پس از رسیدن به درجه ای از بلوغ سازمانی این استانداردها را پاسخگویی نیازهای رو به تعالی خود نمی بینند. با توجه به این موارد وجود مدلهای عملی و اجرایی جهت استقرار TQM به صورت قابل ارزیابی ضرورتی برای پاسخگویی به نیاز سازمانها است.اولین گام اجرایی در این زمینه با تعریف مدل جایزه دمینگ در ژاپن برداشته شد و پس از آن در ایالات متحده آمریکا و اروپا نیز مدلهایی برای پر کردن خلاء چنین جایزه بزرگی ارایه شد. جایزه کیفیت ملی مالکوم بالدریج (MBNQA) بر اساس نوعی مدل ارزیابی سازمانها در آمریکا تعریف شده و مدل اروپایی آن در سال ۱۹۹۱ در نشست بنیاد اروپایی برای مدیریت کیفیت (EFQM) تحت عنوان جایزه کیفیت اروپایی (EQA) مطرح شد.این جوایز در کشورهای مختلف به برترین شرکتها که به نحو موثرتری به TQM عمل می کنند اعطا می شود تا به ایجاد نوعی رقابت در تعالی و رشد سازمانها کمك نماید.مدل جایزه ملی تعالی سازمانی ایران نیز از مدل اروپایی آن (EFQM) اقتباس شده است و از سال ۱۳۸۲ اعطای جوایز آن در ایران شروع شده است. در این مدل بر اساس ارزیابی سازمانها و میزان نزدیکی آنها به TQM سه نوع تندیس (تندیس زرین برای بهترین سازمان، تندیس سیمین برای سازمان دوم و تندیس بلورین برای سازمان سوم) و دو نوع گواهینامه اهتمام به اجرای TQM در نظر گرفته شده است که به بهترین سازمان در هر زمینه کاری مشروط به کسب حداقل امتیاز لازم ارایه می شود.در این مدل، ارزیابی بر اساس تلاشها و فعالیتهای سازمان و نتایج حاصله انجام می شود. بخش و فعالیتها یا اقدامات اجرایی سازمان تحت عنوان توانمند سازها شامل ۵ گروه معیار (رهبری، خط مشی و راهکار، مدیریت مشارکتی، منابع و فرآیندها) و نتایج حاصله از توانمند سازها شامل ۴ گروه معیار (رضایت کارکنان، رضایت مشتری، تاثیر بر جامعه و نتایج) می باشد که با چك لیست های، مخصوص توسط ارزیابان آموزش دیده ارزیابی و امتیاز دهی می شود.مزایای به کارگیری:- انجام خود ارزیابی بر اساس این مدل به سازمانها کمك می کند تا وضعیت خود را نسبت به سازمانهای موفق ارزیابی نمایند و نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کنند.- وجود هدف در فرآیند استقرار انگیزه لازم جهت اعتلای سازمان را برای مدیران و کارکنان ایجاد می کند.- فضای رقابتی کسب جوایز به تسریع در رشد سازمانها کمك می کند که شعار« کیفیت راه بدون پایان» را جامعه عمل بپوشاند.- ارزیابی ها و گزارشات آن فضای مناسبی جهت الگوبرداری از بهترینها (Benchmarking) را فراهم می کند.- کسب جوایز حاصل از مدل (با توجه به دشواری دریافت آن) دستاورد بزرگی برای سازمان ایجاد می کند.دامنه کاربرد کلیه سازمانهای تولیدی و خدماتی که قدمهای اولیه برای استقرار

سیستمهای مدیریتی مختلف را برداشته و نیاز به مدلهای متعالی برای رشد و بلوغ سازمان دارند. تعالی سازمانی رشد و ارتقای سطح یک سازمان در تمامی ابعادکسب رضایتمندی کلیه ذینفعانایجاد تعادل بین خواسته ها و انتظارات کلیه ذینفعانتضمین موفقیت سازمان در بلند مدت کاربردهای مدل تعالی سازمانی ابزاری برای خود ارزیابی به منظور تعیین موقعیت سازمانها در مسیر تعالی،کمک به درک فاصله بین اهداف و واقعیت هاوترغیب سازمانها به یافتن راه حلهای بهبود.مبنایی برای ایجاد زبان و تفکر مشترک در تمامی ابعاد سازمان و در همه حوزههای عملکرد.چارچوبی برای درک وضعیت اقدامات انجام شده، حذف دوباره کاری ها و تشخیص انحرافاتساختاری برای سیستم مدیریتی سازمان مزایای مدل تعالی سازمانی برخورداری این مدل از دیدگاه سیستماتیک و فراگیرمدیریت مبتنی بر فرآیندهای سازمانیتوجه ویژه به نتایج کسب شده توسط سازمانارزیابی مبتنی بر واقعیاتمشارکت گسترده کارکنانشناسایی نقاط قوت و زمینه های قابل بهبودارائه تصویر واقعی از فعالیتهای سازمانتبادل تجربیات درون و برون سازمانی با بکارگیری ابزار کاوی (benchmarking)استفاده از رویکرد خودارزیابی به منظور تعالی سازمان ارزشها و مفاهیم بنیادین تعالی سازمانی بدون توجه به بخش و اندازه سازمان ها، برای کلیه آنها قابل کاربرد بوده و مدل تعالی سازمانی را پشتیبانی می نماید.نتیجه گرایی: تعالی دستیابی به نتایجی است که رضایت کلیه ذینفعان سازمان را در بر داشته باشد.مشتری مداری: تعالی خلق ارزش های مطلوب مشتری است.رهبری و ثبات در مقاصد: تعالی رهبری دوراندیش و الهام بخش همراه با ثبات در مقاصد است.مدیریت مبتنی بر فرآیندها و واقعیت ها: تعالی مدیریت سازمان از طریق مجموعه ای از سیستم ها ، فرآیندها و واقعیت های مرتبط و به هم پیوسته است.توسعه و مشارکت کارکنان: تعالی حداکثر نمودن مشارکت کارکنان از طریق توسعه و دخالت دادن آنها در امور است.یادگیری و بهبود مستمر: تعالی به چالش طلبیدن وضع موجود و ایجاد تغییر به منظور نوآوری و خلق فرصتهای بهبود با استفاده از یادگیری است.توسعه همکاری های تجاری: تعالی توسعه و حفظ مشارکت هایی است که برای سازمان ارزش افزوده ایجاد می کند.مسؤلیت اجتماعی سازمان: تعالی فراتر رفتن از چارچوب حداقل الزامات قانونی است که سازمان در آن فعالیت می کند و تلاش برای درک و پاسخگویی به انتظارات ذینفعان سازمان در جامعه است.

آزادی خرمشهر؛ اوج شکوفایی عزت ملی

فتح خرمشهر فتح خاک نیست، فتح ارزشهای اسلامی استمهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره :اشغال و آزاد سازی خرمشهر در دوره دفاع مقدس، یکی از نقاط عطف جنگ تحمیلی و حتی تاریخ معاصر ایران است.خرمشهرکه سقوط کرد ، قلب ملت ایران از کار ایستاد ،اما دم مسیحایی حضرت روح الله ، در کالبد خسته ملت و رزمندگان ما جان تازه دمید و فرزندان انقلابی امام ، تصمیم گرفتند که دل او را دوباره شاد کنند و این تلاش مستمر و توام با مظلومیت ولی همراه با عزت بعد از ماههای متمادی به ثمر رسید و در عملیات بیت المقدس آشکار شد . کوتاه سخن اینکه عملیات بیت‌المقدس به عنوان برجسته‌ترین عملیات پدآفندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تاریخ نظامی ۸ سال دفاع مقدس ثبت شده است. عملیاتی که نتیجه ی آن آزادی بود.آزادی خرمشهر. آزادی ای که غرور اسلامی و عزت ملی ما رابه اوج شکوفایی خویش رسانید. حال در سال نوآوری و شکوفایی، آزادی خرمشهر به عنوان سندی افتخار آمیز از شکوفایی عزت ملی در این مجال مورد بررسی قرار می گیرد.مقدمه : فتح خرمشهر (سوم خرداد ۱۳۶۱) در تاریخ جنگ ایران و عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خبر آزادی خرمشهر آن چنان شگفت‌آور بود که در سراسر میهن اسلامی ما مردم را به وجد آورد. با اعلام خبر فتح خرمشهر مردم ایران بسان خانواده‌ای بزرگ که فرزند از دست رفته خود را باز یافته است اشکهای شادی و شعف خود را نثار روح شهدای حماسه‌آفرین صحنه‌های شورانگیز این نبرد کردند. برای پی بردن به عظمت این نبرد حماسی کافی است بدانیم که نیروهای متجاوز عراق پیش از نبرد سرنوشت ساز رزمندگان ما برای آزادی خرمشهر در اطلاعیه‌ای به نیروهای خود دستور داده بودند که دفاع از خرمشهر را به

منزله دفاع از بصره، بغداد و تمام شهرهای عراق محسوب دارند. همچنین تجهیزات و امکانات دفاعی دشمن در این منطقه نشان می‌داد که عراق خرمشهر را به عنوان نماد پیروزی خود در جنگ به حساب آورده و قصد داشته است به هر قیمت، این شهر را در تصرف نیروهای خویش نگهدارد. هنگامی که مرحله اول و دوم عملیات بیت‌المقدس به پایان رسید و رزمندگان ما در اطراف خرمشهر مستقرشدند، رادیوی رژیم بعثی، می کوشید در تبلیغات کاذب خود، حضور نیروهای عراق را در خرمشهر به رخ بکشد تا توجیهی برای ترمیم روحیه نیروهای شکست خورده و رو به هزیمت عراق باشد. فتح خرمشهر در زمانی کمتر از ۲۴ ساعت، موجب شد که بخش قابل توجهی از نیروهای مهاجم عراقی به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی ایران درآیند. نبرد بزرگ، سرنوشت‌ساز و غرورآفرین بیت المقدس که برای رها سازی خرمشهر از سلطه نیروهای مهاجم عراقی انجام شد، از دهم اردیبهشت ماه تا چهارم خرداد ما ۱۳۶۰ به طول انجامید. این نبرد حماسی علاوه بر پایان بخشیدن به ۱۹ ماه اشغال بخشی از حساس‌ترین مناطق خوزستان و آزادسازی خرمشهر، ضربه‌ای سهمگین و کمرشکن به توان رزمی و جنگ طلبی‌های دشمن مهاجم وارد ساخت.جغرافیای خرمشهر : شهرستان خرمشهر با مساحت ۴۵۵۲ کیلومتر مربع، در منتهی الیه جنوب غربی استان خوزستان و در محل تلاقی رود کارون و اروند در واقع شده و از مهم‌ترین شهرهای این استان است که در ۱۸ کیلومتری شهر آبادان قرار دارد. این شهرستان از شمال به اهواز، از شرق به شادگان، از جنوب به آبادان ، و از غرب به اروند رود محدود است. شهرستان خرمشهر به طور کلی دشت و شوره‌زار است و ارتفاعات مهمی ندارد.فقط در جنوب شرقی آن، کوه میشان به ارتفاع ۲۵۰ متر دیده می‌شود. مهم ترین رود این شهرستان کارون است که از وسط شهر می گذرد و در نزدیکی خرمشهر به اروند رود می‌پیوندند. آب آشامیدنی شهر از رودخانه‌های کارون، اروند رود و بهمنشیر تامین می‌شود. شهرستان خرمشهر دارای دو بخش مرکزی و مینو است و ساکنین آن عموما به کار در بخش خدمات، کشاورزی(خرما و مرکبات)، حرفه‌های عبابافی و حصیر بافی و همچنین در کارهای صنعتی اشتغال دارند. بندر خرمشهر در آخرین نقطه سر حدی غربی کرانه خوزستان قرار دارد و بار اندازو اسکله های آن در کرانه اروند رود، ایران را از عراق جدا می کنند. خرمشهر همواره به دلیل موقعیت جغرافیایی و تجاری خود و به دلیل ارتباط با دریای آزاد، ثروت عظیمی را در خود جای داده است. وجود تجارتخانه‌های بزرگ و نمایندگی شرکت‌های بزرگ تجاری داخلی و خارجی، و همچنین شرکت‌های بزرگ کشتیرانی، به خرمشهر چهره یک بندر بین اللمللی بخشیده است. به همین دلیل خرمشهر از دو سده قبل، مورد توجه استعمارگران قرار گرفته و تاکنون چندین بار نیز به اشغال قوای خارجی درآمده است، از جمله عثمانی ها در سال ۱۹۸۲م، انگلیس در سال ۱۸۵۷ م و ارتش متجاوز عراق در سال ۱۳۵۹ش، به اشغال این شهر اقدام کردند.خرمشهر تا پیروزی انقلاب اسلامی : در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی درخرمشهر چندین گرایش سیاسی- اجتماعی فعال بودند: الف) جریان مذهبی – سنتی: کارهای علمی، فرهنگی و خدماتی نظیر امور خیریه، جنبه اصلی فعالیت این جریان را تشکیل می‌داد و به دلیل ارتباط با حوزه‌های علمیه که داشت، جریان نیرومندی بود. این جریان وجود بندری بودن شهر و تردید مداوم افرادی با فرهنگ‌های متنوع اجتماعی که تا حدودی محیط را تحت تاثیر قرار می‌داد و نیز با وجود آلودگی‌های فرهنگی ناشی از آمد و رفت خارجیان و فعالیت شرکت‌های خارجی، موفق شده بود فضای مذهبی را در حد نسبتا مطلوبی حفظ کند. ب) جریان مذهبی- انقلابی: اینان فعالیت خود را براساس مبنای اسلامیت قرار داده بود و در پیروی از سیاست‌های مذهبی- سیاسی قیام ۱۵ خرداد به وجود آمد. در این جریان عمدتا نیروهای جوان و پرشور مذهبی فعالیت داشتند. با شروع انقلاب اسلامی، نیروهای مذهبی- انقلاب خرمشهر همانند دیگر شهرها فعال شدند اما به دلیل عدم ارتباط قوی با شهرهایی چون قم، تهران و اصفهان که در مبارزه نقش محوری داشتند، در مبارزه خلل ایجاد می‌شد. در عین حال، حرکات انقلابی به صورت فعالیت‌های فرهنگی و نیز تظاهراتی که غالبا رنگ خشونت می گرفت و نیز تحصن و پخش اعلامیه انجام می‌شد. ج) جریان قومی: از سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ ش) در پی اوج گیری حرکت‌های ناسیونالیستی و استقلال طلبانه جهان سوم به خصوص با توجه به نهضتی که جمال عبدالناصر در مصر رهبری آن را به عهده داشت، در برخی کشورهای عربی خاورمیانه

تشکل‌هایی مبتنی بر ناصریسم شکل گرفت. از آن جمله تشکلی که مدتی بعد با نام (جبهه التحریر) (جبهه آزادی بخش) خوزستان ایجاد گردید، که البته این یکی در اصول به حزب بعث گرایش نشان می‌داد. در شرایطی که از سرکوب حرکت شیخ خزعل در خوزستان سال‌ها می گذشت، تاسیس سازمانی که اتکایش بر قومیت عربی بود، آن هم با شعارهای مترقی و با اتخاذ مشی مبارزه با رژیم وابسته شاه توانست در میان عده‌ای از جوانان عرب پایگاهی پیدا کند. این سازمان را عراق در شرایط خاص بین الملل و منطقه‌ای ایجاد کرد و به زودی آن را شکل یک جریان مبارزاتی و پیشرو خارج کرد و به گروهی مزدور مبدل ساخت که ابزاری شد برای اجرای سیاست‌های و مطامع رژیم عراق، از این رو وقتی ساواک موفق به قلع و قمع آن گردید، ماجرا به عنوان جنگ قدرت دو نیروی ضد انقلابی که به نفع یک طرف خاتمه یافته است، پایان پذیرفت و این سازمان نتوانست موجد یک حرکت اصیل باشد. پس از دستگیری و اعدام برخی سران جبهه، سایرین متواری شدند و در کشورهای لیبی، سوریه و عراق مراکزی برای ادامه فعالیت ایجاد کردند. رژیم عراق که پس از حاکمیت حزب بعث، آشکارا از خود تمایل تجاوز به منطقه بسیار با ارزش نظامی، سیاسی و اقتصادی خوزستان را نشان می‌داد، از این گروه به عنوان یک سرویس اطلاعاتی که به تحرکات سیاسی – تبلیغاتی و یا اقدامات خرابکارانه نیز دست می‌زد، استفاده می کرد. پس از توافق سال ۱۹۷۵ الجزایر، رژیم بعث تعدادی از عناصر جبهه را به رژیم شاه تحویل داد که برخی اعدام شدند و برخی به زندان‌های طولانی مدت محکوم گردیدند. با این وجود، عراق همچنان برای حفظ و بقای چنین گروهی تلاش می کرد تا در موقع مقتضی از آن استفاده کند. سقوط رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی و نابسامانی اوضاع در اوایل انقلاب، سران رژیم عراق را ترغیب کرد که مطامع خود را مجددا مطرح سازند و حرکات قومی و محلی جدیدی را علیه ایران سازماندهی و تدارک کنند. از این رو دو ماه پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، مراکزی را تحت عنوان (دفاتر جبهه آزادیبخش خوزستان) در بصره و العماره گشود و اقدام به عضو گیری کرد. بنابراین شرایط مناسب برای تشکیل و تقویت یک جبهه ضد انقلاب با محور قومیت ایجاد شد. صف بندی و جبهه بندی این گروه در یکی از بحران‌های جمهوری اسلامی، به اولین درگیری انقلاب اسلامی و بعث عراق شکل داد. در این درگیری رژیم بعثی عراق در پوشش دفاع از قومیت عربی، تا مدتی خرمشهر را در معرض تاخت و تاز قرار داد و تحرکاتی از جمله انفجار و خرابکاری و تجمع نیروهای نظامی در مرزها، انجام داد که در نهایت حاصلی نداشت.پس از فرو نشستن بحران ناشی از تحرکات (خلق عرب) در خرمشهر و شکست رژیم بعثی در استفاده از حضور سیاسی- نظامی گروه‌های وابسته، دوران دیگری آغاز گردید که دوران آمادگی عراق برای ورود به یک جنگ تمام عیار نظامی برای تحقق اهداف خود بود. خرمشهر در آستانه تهاجم عراق : از اواخر شهریور ۱۳۵۹ هر چند خرمشهر هنوز زیر آتش قرار نگرفته بود، اما اوضاع شهر متشنج بود. هر چه آخر شهریور نزدیک‌تر می‌شد، بر وخامت اوضاع افزوده می گردید. با تشدید درگیری در پاسگاه‌های مرزی، اروند رود و پایگاه نیروی دریایی، صدای انفجارهای مکرر، مردم شهر را که نمی خواستند جنگ را باور کنند، در تشویش فرو می‌برد. اصولا برای مردم شهر، قابل تصور نبود که عراق بخواهد در خاک ایران دست به پیشروی بزند و همه معتقد بودند در این صورت حتما شکست می‌خورد به همین دلیل آن عده که درصدد ترک شهر برمی‌آمدند مورد تمسخر قرار می گرفتند. در هفته آخر شهریور با گسترش درگیری های مرزی، مشکل دیگر بوجود آمد که بر اوضاع متشنج افزود. به علت آتش دشمن که علاوه بر پاسگاه‌ها، روستاهای مرزی خرمشهر و آسیب دیدن عده‌ای از مردم فقیر و عرب زبان منطقه، روستائیان از کوچک و بزرگ و مرد و زن با احشام خود به سوی خرمشهر سرازیر شدند. نبودن جای مناسب برای آن‌ها، شهر را دچار مشکل جدیدی کرد. روستائیان جنگ زده در شهر سرگردان یا در مساجد تجمع کرده بودند. از سوی دیگر، تلاش بازماندگان گروه‌های موسوم به خلق عرب نیز از عوامل افزایش تشنج بود. در این شرایط، نتیجه اغتشاش داخلی این بود که بخشی از نیروهای سپاه و بسیج درگیر مساله امنیت داخلی شوند و نتوانند در کنار دیگر نیروهای فعال در مرز حاضر شوند. در این میان، سپاه خرمشهر به فرماندهی محمد علی جهان آراء، از نقاط اتکاء مردم و از کانون‌های آرامش دهنده شهر محسوب می‌شد. سپاه خرمشهر نیز در این

شرایط هم در مقابله با ضد انقلاب و هم نسبت به حفاظت از مرزها نقش حساس و بار سنگینی بر دوش داشت هر چند که فاقد سلاح و تجهیزات نظامی کافی بود. در پی افزایش درگیری‌های مرزی و با توجه به وضع آشفته مرز و نیز اغتشاشات داخلی خرمشهر، در اردیبهشت ۱۳۵۹، تشکیلاتی تحت عنوان (ستاد اروند) به وجود آمد تا نیروهای نظامی و انتظامی را هماهنگ نموده، تصمیم مشخصی در ارتباط با مسائل مرزی و ضد انقلاب اتخاذ کند. این ستاد از نمایندگان نیروهای نظامی، انتظامی، استانداری و ...تشکیل شده بود و مسئولیت آن را فرمانده تیپ یک لشکر ۹۲ زرهی اهواز (سرهنگ عزیز مرادی) به عهده داشت که تا بیستم تیرماه در این سمت باقی بود و از آخرین وضعیت نیروها، امکانات و موقعیت مرز، اطلاعات کافی کسب کرد و با کشف کودتای نوژه، او که از مهره‌های اصلی کودتا و رهبری شاخه کودتا در خوزستان بود، با قایق از اروند رود عبور کرد و به عراق را نداشت. نه نیروی کافی و کارآمدی بود که کمبود امکانات را جبران کند، نه امکانات و تجهیزات مناسبی که در اختیار اندک نیروی مدافع قرار گیرد و نه فرمانده توانایی از این حداقل توازن، حداکثر بهره را برگیرد. برعکس، ارتش عراق با توجه به برنامه‌ریزی‌های طولانی و اقدامات گسترده، از آمادگی نظامی مناسبی برخوردار بود. یگان‌ها و نیروهای عمل کننده‌اش با انجام مانورهای متوالی و فشرده، آمادگی لازم را کسب کرده بودند و تجهیزات و امکانات گسترده‌ای در اختیار داشتند و ارتش عراق با اقدامات وسیع مهندسی، زمین مناطق عملیاتی و معابر وصولی را برای عبور ستون‌های نظامی آماده کرده و امکان پشتیبانی از یک جنگ گسترده و سریع را مهیا ساخته بود. علاوه بر این با استفاده از شیوه‌های رایج اطلاعاتی و شناسایی، اطلاعات لازم از استعداد و گسترش نیروهای نظامی جمهوری اسلامی، وضعیت زمین و عوارض آن را به دست آورده بود و با کمک سران فراری کشوری و لشکری شاه و همکاری اطلاعات کشورهای غربی و منطقه اطلاعات نظامی، سیاسی و اقتصادی خود را در مورد ایران افزایش داده بود. عراق بخصوص از مدت های قبل تحرکات، اقدامات و عملیات متعددی را در مناطق مرزی انجام داده بود و با جزیی‌ترین واکنش‌های خودی در مقابل انواع تحرکات عراق آشنا بود و ارزیابی دقیقی از اوضاع داشت. با نزدیک شدن زمان هجوم، به خصوص در روزهای پایانی شهریور، سیل یگان‌های ارتش عراق با سرعت در مواضع از قبل تعیین شده، مستقر شدند. اشغال خرمشهر : دنیای تقسیم شده به بلوک های شرق و غرب هرگونه انقلابی با ماهیت دینی و اسلامی را خلاف منافع خود ارزیابی می کرد. از سوی دیگر اسرائیل و کشورهای مرتجع عرب به دلیل عدم مشروعیت مردمی از پیروزی انقلاب اسلامی احساس نگرانی کرده و از تأثیر آن در مسلمانان منطقه هراسان بودند. ادامه نگهداری گروگان های آمریکایی نیز به خصومت آمریکا با انقلاب اسلامی می افزود. در فروردین ۱۳۵۹ آمریکا رابطه خود با ایران را قطع کرد و پس از ناکامی و شکست در عملیات طبس و کودتای نوژه آمریکایی ها تصمیم گرفتند صدام را در جنگ علیه ایران حمایت کنند. هجوم سراسری عراق علی رغم تحرکات نظامی عراق از چندین ماه قبل از هجوم سراسری در مرزها و همچنین پیش بینی نیروهای مسلح در مورد وقوع یک جنگ تمام عیار، بنی صدر که در آن زمان فرمانده کل قوا بود این تحرکات را جدی قلمداد نکرد و هیچ اقدام عملی برای محافظت از مرزها و آمادگی نیروها انجام نداد. عراق هجوم سراسری خود را در ساعت ۱۴ روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ با حملات هوایی آغاز کرد و ظرف چند ساعت ۱۹ نقطه مهم از جمله فرودگاه های کشور را مورد هدف قرار داد. نیروی زمینی ارتش عراق با استعداد ۱۲ لشکر، ۱۵ تیپ مستقل به اضافه تیپ ۱۰ گارد ریاست جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی شامل ۲۰ تیپ مرزی از سه جبهه به خاک ایران تهاجم کرد: ۱- جبهه جنوبی برای تصرف خرمشهر، آبادان، بستان، سوسنگرد، شوش، دزفول و دهلران۲- جبهه میانی برای تصرف مهران، سومار، نفت شهر، قصرشیرین، سرپل ذهاب و گیلان غرب ۳- جبهه شمالی برای تصرف نوسود و ارتفاعات مرزی مریوان. ارتش دشمن از مرز شلمچه تا پل نو را با سرعت طی کرد اما نزدیک پل نو با مقاومت شدید رزمندگان اسلام مواجه شد که اصلاً انتظار آن را نداشت و ضایعات و خسارات قابل توجهی به نیروهای دشمن وارد شد. رزمندگان اسلام در بندر خرمشهر با حمله به نیروهای دشمن موجب عقب نشینی آنها تا پل نو شدند و در نتیجه وحشت شدیدی بر دشمن مستولی شد و فرمانده نیروهای دشمن

در خرمشـهر، ضمن تقاضای کمک، عدم توانایی در اجرای مأموریت خود را اظهار نمود. هرچند شهامت رزمندگان در تمام دوران مقاومت در خرمشـهر ستودنی و غیرقابل توصیف است اما روز ۱۰ مهر جلوه دیگری داشت. در این روز جنگ تن به تن و تانک در آستانه خرمشـهر در گرفت در میـدان راه آهن، مـدافعین شـهر، چون صاعقه برتانک های دشـمن فرود آمـده و با پرتاب نارنجک و کوکتل مولوتف آنها را یکی پس از دیگری منهدم کردند و دشـمن مجدداً اقدام به عقب نشـینی کرد. دشـمن پس از تقویت نیرو و سازمان دهی جدید و افزایش آتش توانست به داخل شهر نفوذ کند و با عبور از کارون شهر را محاصره کرد. عقبه نیروهای اسلام و محل تـدارک، سازمـان دهی، استراحت و مـداوای مجروحیـن در مسـجد جامع واقع شـده بـود. بـه عبـارت دیگر مسجد جـامع با قدرتمنـدی، نقش سـتاد عملیات و فرمانـدهی و مرکز پشتیبانی و تغـذیه کننـده روحی و معنوی رزمندگان اسـلام را ایفا می کرد. به تعـداد نیروهای داخل شـهر نه تنها افزوده نمی شـد بلکه تـدریجاً با شـهادت و مجروح شـدن نیروهای موجود هر لحظه از تعداد آنها کاسته می شد. روز ۲۴ مهرماه خرمشهر «خونین شهر» نام گرفت. سرانجام پل خرمشهر نیز مسدود شد و دشمن روز دوم آبان را روز اشـغال خرمشـهر اعلام کرد و این درحـالی بـود که هنوز مقـاومت نیروهـا ادامه داشت و مـدافعین از زن و مرد و کوچـک و بزرگ همگی تا آخرین لحظات با دشـمن جنگیدند و با ۳۴ روز مقاومت خود حماسه آفریدنـد. دشـمن بعثی که در ابتدا تنها دو گردان را جهت تصـرف خرمشـهر اختصاص داده بود عملاً مجبور شـد که به منظور مقابله با مدافعین سلحشور و مظلوم خرمشـهر که از داخل کشور هم به خوبی حمایت نمی شدند و برخی از منافقین هم در داخل شهر کارشکنی می کردند بیش از دو لشکر را به کار بگیرد. صدام که قول تصـرف سه روزه اسـتان خوزسـتان را داده بود، ۳۵ روز طول کشـید تا توانست قسـمت غربی شـهر مرزی خرمشهر را تصرف کند پیامدهای فتح خرمشهر :بررسیهای اجمالی تاریخ جنگ تحمیلی روی همرفته سه پیامد عمده فتح خرمشهر را به قرار زیر نشان میدهـد : الف: تغییر توازن سیاسـی – نظامی به سود ایران: فتح خرمشـهر از دیدگاه حامیان عراق به منزله سـقوط رژیم عراق و فروپاشـی کشورهـای منطقه بود. به دنبـال موقعیت برتر ایران پس از فتـح خرمشـهر، در میـان آمریکاییها دو دیـدگاه کلی در مورد برخورد بـا ایران و عراق و مسـئله جنگ وجود داشت: اول، کیسـینجر و برخی دیگر بر این نظر بودنـد که با توجه به تبعات ناشـی از پیروزیهای ایران و تاثیرات آن بر تغییر موازنه در منطقه، لزوما میبایـد با دادن امتیاز به ایران، هر چه زودتر در این منطقه آتش بس برقرار کنیم. دوم، برخی دیگر از صـاحب نظران آمریکـایی عقیـده داشـتند در حـالی که ایران نسـبت به عراق در موضـع برتری قرار گرفته و نوعی اضـطراب و نگرانی در سراسر منطقه مستولی شده است و همچنین با توجه به وضعیت نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق، برقراری هر گـونه آتش بس همراه بـا دادن امتیـاز بـه ایران منجر به تشدیـد بیثبـاتی در منطقه و عراق و به عبـارتی گسـترش انقلاب اسـلامی خواهـد شـد و این مسئله چیزی نیست که آمریکا نسبت به آن بیتفاوت باشد. رویهم رفته احتمال فروپاشـی رژیم عراق و تبعـات ناشـی از آن در سـطح منطقه خلیـج فـارس، چنـان ابعـاد گسـتردهای به خـود گرفت که جلـوگیری از آن، محور همه تلاشهـا و اقـدامات نظـامی و دیپلماتیـک کشورهـای حـامی عراق قرار گرفت. ب: تغییر ماهیت جنگ: جمهوری اسـلامی ایران در فاصله زمانی شهریور ۱۳۵۹ تا قبل از شکسـته شـدن محاصـره آبادان(مهرماه ۱۳۶۰)، در حـالتی انفعـالی و عمیقـا تحت تاثیر ابعاد و اهداف تهاجم عراق داشت. بیثباتی در جبهه داخلی و فقدان قابلیت نظامی لازم برای بازپس گیری مناطق اشـغالی دو مشخصه بارز وضـعیت جمهوری اسـلامی در این دوره بود. چنین وضـعیتی امکـان هر گونه تحرک و فعـالیت گسترده را از نیروهـای نظامی ایران سلب کرده بود با توجه به اهداف آمریکا و عراق از تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران، جنگ در این دوره به منزله اهرم فشار سیاسـی و نظامی به ایران، برای سـقوط نظامی جمهوری اسـلامی و یا مهار و تعـدیل این نظام، قلمـداد میشد. ابزار لازم برای تحقق هـدف یـاد شـده، علاوه بر حضور نظامی در داخل و نیز در سـطح منطقه و بین الملل به ایران بود.در پی تحولات در جبهه داخلی و سپس تاثیرات آشـکار آن بر جبهه نظامی، روند تحولات با شکسـته شدن محاصره آبادان به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد. در موقعیت جدیـد، قوای اسـلامی با به دست گیری ابتکار عمل در جبهه های نبرد و هجوم های پی در پی به نیروهای عراق، اوضاع

را عمیقا به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر دادند. در واقع عنصر اصلی و تعیین کننده در این مرحله که منجر به تغییر ماهیت جنگ نیز شد، توانمندی رزمندگان اسلام برای حمله به نیروهای دشمن و آزاد سازی مناطق اشغالی بود. این مهم با جذب و سازمان دهی نیروهای مردمی، گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران و تجدید قوای نیروهای ارتش و همکاری و هماهنگی این نیروها با یکدیگر حاصل شد. از این پس ایران در موضعی قرار داشت که آمریکایی‌ها ارائه امتیاز به ایران را به زیان خود ارزیابی می کردند و توانایی نظامی ایران و برتری آن نسبت به عراق و پافشاری بر احقاق حقوقش را نگران کننده می‌دانستند. بر همین اساس و مبتنی بر درکی که غرب و شرق از وضعیت جدید و تبعات ناشی از آن داشتند، اقدامات گسترده‌ای به منظور تغییر مجدد اوضاع به سود عراق در دستور کار خود قرار دادند. ج: نگرانی ها و اقدامات آمریکا: آمریکایی ها بنا به اظهارات کارتر رییس جمهور وقت آمریکا امیدوار بودند که جنگ، ایران را بر سر عقل آورد و نیز پیش بینی آن‌ها مبنی بر اینکه روند فرسایش جنگ و بی ثباتی اوضاع داخل ایران، سرانجام منجر به فرسایش و اضمحلال جمهوری اسلامی و پذیرش شرایط صلح تحمیلی خواهد شد، در برابر پیدایش وضعیت جدید کاملا غافلگیر و به صورت فزاینده‌ای نگران شدند. روزنامه‌های پرتیراژ آمریکا تماما طی تجزیه و تحلیل‌های متعدد، وضعیت عراق را اسف‌بار توصیف کرده و نگرانی خود را از پیروزی‌های قریب الوقوع جمهوری اسلامی در سطح منطقه اظهار و به دست اندرکاران آمریکایی ضرورت برخورد فعال با روند تحولات منطقه را خاطر نشان کردند.نتیجه گیری : اگر امروز در هر شهر و روستا به گلزار شهیدان گذر کنیم و تاریخ نقش بسته بر سنگرها را مرور کنیم، خواهیم دید که مجموعه شهیدان سوم خرداد ۱۳۶۰ الگویی کوچک از ملت مقاوم ایران است که چونان سپهری پر ستاره می درخشد. شادیهای به یاد ماندنی خودجوش و سراسری پس از آزادسازی خرمشهر نیز برگ دیگری از این حماسه ملی بود و نشان داد که مردم سراسر ایران اعم از آن که هرگز خرمشهر را به چشم دیده باشند یا نه چگونه از شنیدن خبر این پیروزی ساعتها به دست افشانی و پایکوبی پرداختند وهزیمت دشمن اشغالگر را از خاک میهن جشن گرفتند.سوم خرداد یک حماسه ملی است؛ اگر حضور ملت در صحنه جبهه های دفاع نبود، نه حماسه آن پیروزی تحقق می یافت و نه حماسه حضور مردم در جشن پس از پیروزی. لذا به حق می توان گفت پاسداشت فتح خرمشهر در گرو پاسداشت حضور مردمی در همه صحنه هاست.بی‌شک آزادسازی خرمشهر یکی از درخشان‌ترین و شاخص‌ترین صفحات تاریخ ایران بزرگ است. بازگشت دوباره خرمشهر به آغوش میهن اسلامی با رهبری و فرماندهی روح خدا –که با تمسک به آموزه های پیامبر اعظم (ص)بود– و همبستگی ملی و و با حضور آگاهانه و شجاعانه همه مردم در عرصه‌های دفاع از تمامیت ارضی کشور تجلی یافت و اقتدار و پایندگی ملت بزرگ ایران را به تمامی دشمنان ثابت کرد. خلق این حماسه ملی مرهون قطره قطره‌ی خون شهیدانی است که تا ابد درس شرف و آزادگی را برای تمامی آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان تفسیر نموده‌اند.وبالاخره پایان این مجال کلام شیوای مرشد فتح است که میگوید ":فتح خرمشهر فتح خاک نیست، فتح ارزشهای اسلامی است. خرمشهر شهر لاله های خونین است. خرمشهر را خدا آزاد کرد". از بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (قدس سره) "والسلام"مهدی یاراحمدی خراسانی منابع ومآخذ :۱ ـ کاظمی ، اصغر . خرمشهر در اسناد ارتش عرا ق .۲- پیام حضرت امام خمینی (قدس سره) به مناسبت عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر .۳- اشغال خرمشهر ،نشریه بسیج .۴- خونین شهر تا خرمشهر ،جلد اول از مجموعه سیری در جنگ ایران و عراق.۵- خاتمی ،سید محمد،دیدگاههای ریاست جمهوری در مورد دفاع مقدس وجنگ تحمیلی.۶-موسوی ،سید محمد ،هشت سال پایداری.۷-درودیان، محمد،پایان (سیری در جنگ ایران و عراق) ، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ .۸- وزیری،معین – بختیاری ،نصرت الله،ازنبرد بیت‌المقدس ،آزادسازی خرمشهر ،نشر سازمان عقیدتی – سیاسی ،ارتش جمهوری اسلامی ایران

رسالت معلم از دیدگاه اسلام

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: کلمات رب، ربنا، ربکم، ربک، ربه، ربها، ربهم، ربی، ربهما، ربکما که در قرآن‌کریم آمده است بیانگر ربوبیت ذات مقدس احدیت است و اصل رب تربیت است و آن عبارت از ایجاد شی است تا به تدریج او را به مقصد کمال و تمام رهنمون سازد. با توجه به همین جایگاه تعلیم و تربیت است که هدف از بعثت پیامبران تعلیم کتاب، حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی‌ها معرفی شده است و در کلمات رسول الله (ص) آمده است (بالتعلم ارسلت)، (بعثت معلما)، (بعثت لا تمم مکارم الاخلاق) که این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام اصل خدا محوری یا اخلاص، اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران، اصل توکل و اعتماد به نفس، اصل آیت بودن و نشانه شدن بسوی کمال مطلق، اصل مدارا و دوری از سخت‌گیری و تکلف، اصل عقلانی بودن نظام تعلیم و تربیت و اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی می باشد. در مکتب تعلیم و تربیت اسلام فراگیری علم و دانش همراه با تهذیب و تربیت دینی هدف رسالت نبوی شمرده شده و برای تحصیل علم نه محدودیت زمانی دارد و نه مکانی و از نظر معلم مرز نمی‌شناسد چرا که علم و حکمت را گمشده مومن می‌داند که نزد هر کس بیابد آن را می گیرد.جایگاه معلم در مکتب تعلیم و تربیت اسلامیدر عظمت منزلت و مقام معلم همین کافی است که بزرگ ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم(ص) به این ویژگی خود افتخار می کرد.آن بزرگوار زمانی که با دو گروه در مسجد مواجه شد که گروه اول عبادت می کردند و گروه دوم به آموزش علم مشغول بودند، گروه دوم را که در محضر استادی علم می آموختند، افضل دانست و فرمود: «انما بعثت معلما؛ همانا که من به عنوان معلم انسان ها مبعوث شده ام. » آن حضرت چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهایش می فرمود: «اللهم اغفر للمعلمین و اطل اعمارهم و بارک لهم فی کسبهم؛ (کشف الخطا، ج۱، ص۴۸) خداوندا! معلمان را بیامرز و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان!» اسلام معلم را به عنوان پدر روحانی معرفی می کند و می گوید: (اب معلمک) یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، معلمی است که به تو دانش می آموزد و بنابراین تمام حقوقی که درباره پدر و مادر رعایت می شود باید در حق معلم به صورت کامل تری رعایت گردد. نام معلم چنان با عظمت است که در جای جای متون اسلامی از او تجلیل به عمل آمده تا به آن حد که خداوند علیم خود را معلم خوانده و رسول الله (ص) فرموده اند: (انما بعثت معلما).رسالت معلمان و مربیانپس از نهاد خانه و خانواده مدرسه مهم ترین مکان برای تعلیم و تربیت است جائی که محل بروز و ظهور رسالت خطیر معلمی است که اگر او معلمی کند راه انحراف بسته می شود و در زندانها مسدود می گردد. مکتب تعلیم و تربیت اسلامی رسالت های مهمی را برای معلم و مربی ترسیم کرده است که در ذیل با آن اشاره می شود:۱- دعوت به سوی خدا و تربیت الهی: یکی ازاهداف عالیه در دعوت انبیاء که سر لوحه کار آنها محسوب می شود دعوت به خدا و تربیت مردم برای حرکت در مسیر کمال معبود است. خداوند متعال از زبان پیامبر اکرم (ص) می فرماید: (الا تعبدوا الا الله) نخستین دعوت من این است که به جز خدای یگانه را نپرستید.۲- دعوت به سوی نور و تربیت نورانی:رسالت معلم درجامعه همان رسالت خداوند است که فرموده است: (الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور) یعنی خدای تبارک و تعالی ولی مومنین است و آنها را از ظلمات به سوی نور خارج می کند. نقش سرپرستی، دلسوزی و خروج آگاهانه افراد از ظلمات به سوی نور به عهده معلم گذاشته شده است، معلم همانند انبیاء که معلم بشریت هستند، بشریت را معلمی می کند و چه بسا با تربیت نورانی یک نفر جهانی را متحول کند.۳-دعوت به سوی اصلاح جامعه و تربیت صالح:در قرآن کریم آمده است (ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله) من جز اصلاح تا آنجا که توانائی دارم و توفیق من جز به خدا نیست. این شعار تربیتی همه ی انبیاء الهی بوده که توأم با عمل تربیتی آنها اسباب اصلاح در تفکر، اندیشه، اخلاق و نظامات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در همه ی ابعاد پدید آورده است. و رسالت معلمی نیز چنین است که با کسب توفیق الهی به اصلاح فرهنگ و تربیت فکر و مغزهای متفکر می

پردازد تـا تمامی عرصه های جامعه به سـمت اصـلاح حرکت نمایـد.۴-دعوت به پاکسـازی و تربیت اخلاـقی :(فقولا ـ قولا لینها لعله یتـذکر او یخشـی) این آیه اشـاره لطیفی به این حقیقت است که رسـالت انبیاء برای پاکسازی انسان ها و بازگردانـدن طهارت فطری نخستین به آنهـا است. نخستین دسـتور قرآن برخورد ملاـیم و توأم بـا مهر و عطوفت انسـانی است. هـدف آن است که مردم جـذب بشونـد، متـذکر شونـد راه پیـدا کننـد. توقع اصـلاح جـامعه بـدون اصـلاح مربیـان و معلمان آن جامعه توقعی بی جا و نارواست. لـذا پاکسازی و خودسازی را هر کس بایـد خودش شـروع کند و عقاید و اخلاق و اعمالش را تطبیق با اسـلام بدهد آن وقت به اصـلاح دیگران بپردازد. تربیت اخلاقی کنـد و احساس مسئولیت اخلاقی را در همه عرصه ها در متربیان رشد دهد و آنها را متعهد به جامعه اسلامی تحویل دهد.۵-دعوت به سوی علم و دانش و تربیت قرآنی : رسول الله (ص) فرموده انـد: (بـالتعلیم ارسـلت) یعنی من برای تعلیم فرسـتاده شده ام و باید دانست علم در آیات قرآن به معنی داشـتن یک سـری اصطلاحات و الفاظ نیست بلکه منظوراز علم آن معرفت و آگاهی خاصـی است که انسان را به اطاعت پروردگار و ترس و امید از خدا دعوت می کند. اگر در یک قلب تربیت شده این علم وارد بشود عطرش عالم را می گیرد و همه اسـتعدادها در پرتو آن شـکوفا می شود و جامعه به سوی اصلاح و کمال حرکت می نمایـد. و چنین علمی در پرتـو تربیت قرآنی میسر می گردد تربیـتی که نـورعلم را در وجود انسـان جلوه گر می سـازد.اوصـاف معلمین از منظر کلام وحی- خلوص نیت: از دیـدگاه کلام وحی، جاودانگی هر عملی نیاز به خلوص نیت دارد و بـدون این ویژگی اعمال افراد ارزش واقعی نخواهـد داشت: «فاعبـد الله مخلصا له الـدین ¤الا لله الـدین الخالص (زمر-۳) پس خـدای را با خلوص نیت درعمـل به آئین حق، بنـدگی کن، هـان ای انسـان! دین و آئین خالص وپاکیزه از آن خـدای متعال و برای او است.» بنا بر این اولین گـام توفیق درعرصه تعلیم، خـالص بودن نیت است و یـک معلم شایسـته در آموزش متعلمین خود فقـط و فقـط به خـاطر خـدا انجام وظیفه می کنـد.- صـلاحیت علمی: بـدون علم و آگـاهی هرگز کاری سامان نمی یابـد و دانسـتن راه و روش تعلیم از اساسـی ترین شرط هـای شـغل معلمی است.ذات نایافته از هستی بخش کی توانـد که شود هستی بخش-فروتنی و گـذشت: از ویژگی های معلمان موفق، تواضع و گـذشت آنان در مقابل خطاهای شاگردان می باشـد. عفو و گذشت یک معلم از خطاهای متعلمین می تواند هم شخصـیت معلم را در برابر دانش آموزان محبوب و دوست داشـتنی جلوه دهـد و هم درس عملی خوبی برای آنـان باشـد.سـخن پایـانیقرآن کریم به عنـوان چراغ پر فروغ که کـاملترین برنـامه و قوانین را برای سـعادت بشـر دارد در آیـات نورانیش مکتب تعلیم و تربیت اسلامی را به زیبائی هرچه تمام ترسیم نموده است و خداوند را به عنوان اولین معلم بشر معرفی نموده که به پیامبرش در آغاز بعثت فرمود: (اقراء باسم ربک الذی خلق) و اینچنین مکتب تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان مکتبی ممتاز، مستقل و با مبانی و اصول مشـخص پدیـدار گردیـد که در این مکتب علم و دانش، معلم و متعلم (شـاگرد و مربی) و مـدرسه و مکتب خـانه از جایگـاه بسیار ارزشـمند و رفیعی برخوردارند.در نظام تعلیم و تربیت اسـلام معلم مسؤل تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می آیـد و مسول تمـام انسـان هائی است که زیر دست او بایـد تربیت بشونـد. معلم اگر خودسازی کنـد و تهـذیب نفس نمایـد و حاکم برخود باشـد افراد یک جامعه صالـح و صالحه خواهند بود و اگر در این میان معلم تربیت دینی نداشته باشد سـبب انحراف نسـلها و عصـرها می گردد و جامعه ای را به خرابی می کشاند و همه سـعادت ها و همه شقاوت ها از مدرسه هاست و کلیدش به دست معلم است و این موضوع حکایت گر جایگاه خطیر و بسیار مهم معلم و مربی است.روزنامه رسالت

غفلت جایز نیست

!مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: انسان نیازمنـد آن است که خداونـد مهربان در هر حالی او را هدایت نمودهو از غفلت دراامان نگه دارد. زمانی که از یوسـف (ع) پرسیدند چرا گناهنکردی؟ فرمود: "ومابری نفسی ان النفس لاماره بسوء الاما رحم ربی انربی غفور رحیم" ومن خودستایی نمی

کنم ونفس خویش را از عیب وتقصیر مبرانمی دانم (زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا وا می دارد)جز آن که خدا به لطف خاص خود آدمی را نگه دارد که خدای من بسیار آمرزندهومهربان ا ست. خداوند متعال در آیات مختلفی از قرآن کریم، به کلمه "غفلت"اشاره فرموده و مسلمانان را از آن نهی کرده است. مقدمه ملاک ارزش اعمال انسان وابسته به میزان آگاهی اوست. هر قدر کارهایانسان آگاهانه تر باشد و نسبت به کار خود توجه و شناخت بیشتر داشتهباشد آن کار انسانی تر است و هر اندازه کار به انگیزه غرایز و امیالحیوانی که طبعا در آنها شناخت و آگاهی هم کم تر است انجام گیرد آن کارکم ارزش تر است وانسان را به حیوانیت نزدیک می کند. شاید همین باشد که درقرآن کریم داریم: کسانی که ازحیوانات پست ترند اهل غفلت اند و آگاهیندارند. پس غفلت و ناآگاهی انسان را آن قدر تنزل می دهد و پست می کند کهاز حد چهارپایان هم فروتر می رود. ظاهرا غفلت و ناآگاهی در زندگی انسانفراوان است و هر اندازه انسان در فکر اشباع غرایز حیوانی باشد از آگاهیانسانی دورترمی شود، تا آنجا که خدا را فراموش می کند، خدا هم به واسطهکفران این نعمت وعقوبت این گناه خودش را از یادش می برد. یعنی انساناز خودش هم غافل می شودو دیگر توجه ندارد که کیست و کجاست و از کجاآمده و کجا خواهد رفت. عینا مثل حیوانی که فقط چشمش به پر کردن شکم وتوابع و لوازمش است. غفلت چگونه انسان را در بر می گیرد؟ "غفلت" از آفات ایمان و شاید نخستین آفت آن است. همچنیناستمرار غفلت نیز، موجب "تکبر" و "انحراف" می گردد. در حقیقت،کردارناشایست و ناپسند و انواع گناهان آثار بدی روی حس تشخیص وقوه درک انسانمی گذارد و سلامت فکر را به تدریج از او می گیرد. هر اندازه، شخص در اینراه فراتر رود، پرده های غفلت و بی خبری بر دل، چشم و گوش او محکم تر میشود و سرانجام کارش به جایی می رسد که چشم دارد و گویی نمی بیند، گوشدارد و گویی نمی شنود و مانند اینکه دریچه روح او به سوی حقایق، بستهشده وحس تشخیص که برترین نعمتهاست از وی گرفته شده است. خداوند متعال درقرآن کریم می فرماید: بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایمزیرا دل هایی دارند که با آن حقایق را دریافت نمی کنند و چشمانی دارند کهبا آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانندچهارپایان بلکه گمراه ترند، آری آنها همان غافل ماندگان هستند.(سورهاعراف۱۷۹/) غفلت از نگاه قرآن کریم در فن اخلاق، غفلت به عنوان "مانع" و بیداری به عنوان "شرط لازم"تهذیب نفس و سیر و سلوک شمرده شده است. مقدمه واجب سیر و سلوک آن است کهانسان توجه کند که "ناقص" است و باید "کامل" شود و "مسافر" است و به زادو راحله و راهنما نیاز دارد و بدیهی است که اگر کسی غافل باشد و ندانـدمسافر است، در جای خود می ماند. توجه بدین نکته ضروری است که خداوند بزرگکسی را به خاطر ستم هایش و در حال غفلت، پیش از فرستادن پیامبران مجازاتنمی کند و این به این معنی است که کیفر دادن آنها در این حال ظلم و ستماست و خداوند برتر از آن ا ست که درباره کسی ستم روا دارد. از نگاه کلام خدا"غفلت" ریشه انحرافات و کژی هاست که سبب می شود انسان تنها ظاهری اززندگی دنیا را درک کند و به باطن و حقیقت آن،که همان آخرت است توجهنداشته باشد؛ یعلمون ظاهرا من الحیاه الدنیا وهم عن الاخره همغافلون.(سوره روم۷/) برخی از موارد مربوط به غفلت که در قرآن به آن اشارهشده است به شرح زیر است: الف) نکوهش غفلت: وان کثیرا من الناس عن ایاتنا لغافلون؛ بسیاری مردم،ازآیات و نشانه های ما غافل اند.(سوره یونس۹۲/) ب) نهی از غفلت: ولاتکن من الغافلین؛هرگز از غافلان و بی خبران از یادخدا مباش.(سوره اعراف۲۰۵/) مهمترین عوامل غفلت امام صادق(ع) در توصیف قلب سلیم می فرمایند: " قلب سلیم، قلبی استکه خدا را ملاقات کند، درحالی که هیچ کس جز او در آن نباشد"و این همانقلبی است که از هرگونه بیماری و فساد خالی باشد. چنین قلبی براساس روایتیاز پیامبر اکرم(ص) ،"اگر شیاطین، قلوب فرزندان آدمی را احاطه نکنند،می تواند به جهان ملکوت نظر افکند". (میزان الحکمه،ج۱) در قرآن کریممهمترین عوامل غفلت به شرح زیر ارائه گردیده است: ۱ - روی گردانی از یاد خدا: هر کس از یاد پروردگار خود دل برگرداند، وی رادر قید عذابی(روز) افزون درآورد. (سوره جن/۱۷) ۲ - فراموش کردن خدا: و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کرده اند و او(نیز) آنان را دچار خود فراموشی کرد، آنان همان بدکاران هستند. (سورهحشر۱۹/) ۳ -

عدم ایمان: وآنان را از روز حسرت بیم بده، آن گاه که داوری انجام گیردو حال آن که آنها (اکنون) در غفلت هستند و سر ایمان آوردن ندارند.(سورهمریم۳۹/) ۴ – فراموش کردن روز حساب: در حقیقت،کسانی که از راه خدا به در می رونـد،به سزای آنکه روز حساب را فراموش کرده اند،عذابی سخت خواهند داشت.(سورهص۲۶/) ۵ – دروغ انگاشتن آیات خدا: آنان آیات ما را دروغ انگاشتند و غفلتورزیدند.(سوره اعراف۱۴۶/) ۶ – فراموش کردن مرگ: به او می گوینـد واقعـا که از این حال سـخت در غفلتبودی، ولی مـا پرده ات را از جلوی چشـمانت برداشـتیم و دیـده ات امروز تیزاسـت.(سـوره ق۲۲/) ۷ – همنشـینی بـا دوسـتان نابـاب: ای وای!کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم!او بود که مرا به گمراهی کشانید؛ پس از آنکه قرآن به من رسـیده بود وشیطان همواره فروگذارنـده انسان است.(سوره فرقان۲۸/و۲۹) ۸ – غفلت ازآیـات الهی: کسـانی که امیـد به دیـدار مـا ندارنـد و به زنـدگی دنیادل خوش کرده و بـدان اطمینان یافته اند و کسانی که از آیات ما غافلهسـتند.آنان به کیفر آنچه به دست می آوردند، جایگاهشان آتش است.(سورهیونس۷/و۸) ۹ – کفر: آنان کسانی اند که خدا بر دل و گوش ودیدگانشانمهرنهادهوآنهاهمان غافلان می باشـند.(سوره نحل/۱۰۸) ۱۰ – علاـقه افراطی به اموال واولاد: ای کسانی که ایمان آورده ایـد،]زنهار[اموال شـما و فرزنـدانتان شـما را از یاد خـدا غافـل نگردانـد، البته کسانی کهـدر اثر توجه به امور دنیا از یاد خـدا غافل می شونـد، آنها، همان زیانکارانهسـتند.(سوره منافقون۹/) چگونگی درمان غفلت انسان های بی بصیرت، از هدف، خدا، خود، امکانات، آخرت، نشانه ها،قانون ها و نعمت های خداوندی و گناهان خویش غافل هستند. برای آنکه انسانبتواند از غفلت در امان باشد باید با تمرین تقوا و رعایت مواردی از بروزآن جلوگیری نمایـد. مهمترین موارد درمان غفلت ذکر خـدا، خوانـدن قرآن، یادنعمت ها و نعمت دهنده، عبرت از تاریخ پیشـینیان، یاد مرگ، یاد قیامت و ...می باشند. بعد از دوری از غفلت برای دستیابی به قلب سلیم می بایست نسبتبه؛ آرامش و پاکی دل، شرح صدر، ارتباط با علمای صالـح، خودسازی، پرهیز ازگناه و بویژه، پرهیز از غـذای حرام، عادت دادن خود به کارهای نیک اقدامنموده تا همواره مورد توجه حضـرت دوست باشـیم. سـخن پایانی همان طور که غفلت انسان را از سـرحد انسانیت تنزل می دهـد، توجه وآگاهی به خود، جهان و خـدا، انسان را به درجات معرفتی بالامی رساند. غفلت–که یکی از موانع سـیر انسان به سوی خداست– از نظر فرهنگ دین، رجس و چرکاست. امیرالمومنین (ع) می فرماید:"الغفله ضـلال النفوس"غفلت، گمراهی جاناست. باید توجه داشـته باشیم که صرف نیت اولیه برای یک کار کافی نیستکه آن کار سالم انجام بگیرد و به نفع انسان تمام شود، بلکه باید تا آخرکار، اخلاص داشته باشد و غافـل نشـود. از ایـن رو در دعـای ابـوحمزه آمـده اسـتکه خـدایا پنـاه می برم از آن کـاری که برای تـو آن کـار را شـروع کردم و بعدعارض شد برای من چیزی که من را از آن راه حق و هدف صـحیح منحرف و منصـرفکرد. هر قدر انسان از نعمت هایی که خدا به او داده بیشـتر بهره برداریکنـد و چشم و گـوش و دل و قلب و وسایـل ادراک و فکرخـود را در راه حقیقت بهکـار بینـدازد به مرز انسـانیت نزدیـک تر می شـود. ایـن یکی از مهـم ترینمسـائلی اسـت کـه انبیـا و اولیـای خـدا و مصـلحانی کـه از طرف خـدا برای اصلاحجامعه ها آمده اند بر آن همواره تکیه داشته اند.روزنامه رسالت

جایگاه تفکر و تعقل در دین

مهدی یاراحمدی خراسانی

مقـدمه: اهمیت تفکر و تعقـل در زنـدگی آدمی تـا بـدان جـاست که از آن به عنوان وجه تمـایز اصـلی انسـان و سـایر جانـداران نام می‌برنـد. در واقع آنچه انسـان را از سـایر موجودات متمـایز می‌سـازد توانایی عظیم قـدرت تفکر و تعقل اوست. این واقعیت که: «هر فردی تـا چه میزان از عقـل خود در راه تعـالی و در مسیر عمل اسـتفاده می‌نمایـد؟» یکی از عوامل اساسـی می‌باشـد که از طریق آن انسان‌ها در جوامع مختلف بشـری محک خورده و توسط دیگران مورد ارزیابی قرار می‌گیرنـد. اگر بخواهیم به صورت کلی نگاهی به رابطه عقل و دین هم داشـته باشیم باید به این نکته اشاره نماییم که دین ضمن تائید عقل به عنوان یکی از راه‌های اساسی شناخت

همواره از آن برای درک صحیح مسائل و قواعد دینی و فقهی بهره می‌گیرد. بر همین اساس متکلمین و اصولیون، تلازم عقل و شرع را قاعده ملازمه می‌نامند و می‌گویند: کل ما حکم به العقل حکم به الشرع. یعنی هر چه عقل حکم کند شرع هم طبق آن حکم می‌کند. تعریف تفکُّر و تعقُّل تفکر به معنای دقیق و صحیح کلمه، ویژگی اساسی انسان را تشکیل می‌دهد.« تفکر و تعقل » به معنای؛ « به کار گرفتن نیروی عقل و اندیشه برای استنتاج امور مثمر ثمر است »؛ چنانکه « تفکر علمی »، یک « نظر علمی » را نتیجه می‌دهد. عقل یکی از منابع چهارگانه احکام است. مقصود این است که گاهی ما یک حکم شرعی را به دلیل عقل کشف می‌کنیم. یعنی از راه استدلال و برهان عقلی کشف می‌کنیم که در فلان مورد فلان حکم وجوبی یا تحریمی وجود دارد و یا فلان حکم چگونه است و چگونه نیست. حجیت عقل، هم به حکم عقل ثابت است (آفتاب آمد دلیل آفتاب) و هم به تائید شرع. اساساً ما که حقانیت شرع و اصول دین را به حکم عقل ثابت می‌کنیم، چگونه ممکن است از نظر شرعی عقل را حجت ندانیم. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «لایستعان علی الدهر الابالعقل». تنها از طریق عقل می‌توان بر زمانه پیروز شد. حل مسائل شخصی، اجتماعی، بین المللی و تحکیم مناسبات انسانی و... در سایه تفکر میسر است. تعقل و تفکّر دینی تعقل و تفکر در دین شریف اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن کریم در تعلیمات خود، برای رسیدن به مقاصد و معارف اسلامی سه راه را در دسترس پیروان خود قرار داده است : الف – ظواهر دینی ب – حجّت عقلی (تفکّر فلسفی) و ج – درک معنوی. در دین مبین اسلام علاوه بر عبادات بدنی (چون نماز و روزه) و مالی (چون خمس و زکات) نوع دیگر از عبادت وجود دارد که عبارت است از: «عبادت فکری ». که اگر در مسیر بیداری و آگاهی بخشی انسان به کار گرفته شود، از سال‌ها عبادت بدنی هم برتر می‌باشد .دین ما نه تنها با قدرت تعقل و تفکر مخالفت و مبارزه نکرده، بلکه تقریباً در تمام جهات از آن کمک و تائید خواسته و به نحو عجیبی هم بر آن تاکید نموده است. ارزش واقعی دین مبین اسلام و انطباق آن با فطرت در همین جا مشخص می‌شود. درحالی که ادیان دیگر، قوه عقل انسان راحتی در جزئی ترین مسائل راکد و منجمد نگه داشته اند، اسلام آن قدر آن را محترم و آزاد دانسته که حتی درباره اصول عقیدتی خود- که تحصیل آنها بر همگان مفروض است – نه تنها تقلید وتعبد را ناکافی و مردود دانسته، بلکه خوان تعقل و تفکر انسان رانیز در ساحت آن گسترده و الزام داشته که هر فردی، مستقل وآزادانه صحت آنها را کسب کند. پیش ازاسلام، دین را به عنوان حقیقتی در تضاد با عقل می‌دانستند. علی الخصوص در تعالیم آیین تحریف شده مسیحیت، این طرزفکر غلط وجود داشته و دارد. آنان معتقد بوده و هستند که دین امری ربانی است و انسان را توان و اجازه تفکر در آن نیست و از همین روی زمینه انسداد فکری و بن بست عقلانی در عالم مسیحیت به وجود آمد و آنچه که امروز شاهد آنیم به وقوع پیوست! تفکّر و تعقّل دینی نیز مانند سایر تفکّرات منبع و ماخذی می‌خواهد تا مواد فکری از آن سرچشمه بگیرد. منبع و ماخذ تفکر و تعقل در اسلام، همانا قرآن کریم مدرک قطعی و همیشگی پیامبر اعظم (ص) می‌باشد. مصادیقی از جایگاه تفکر و تعقل در قرآنقرآن کریم انسان را به تفکر و تعقل دعوت نموده و ایمان را بر پایه آن می‌داند و بر همین اساس موضوعاتی که شایسته تفکرند بیان می‌فرماید. با مطالعه آیات مذکور می‌توان پی برد که قرآن، تفکر در چه موضوعاتی را توصیه کرده است . این موضوعات را می‌توان از دیدگاه قرآن به دو بخش کلی تقسیم کرد: ۱– آیات انفسی (خودشناسی) ۲– آیات آفاقی (جهان شناسی، تاریخ شناسی و آگاهی از سنن و نظامات الهی) که برخی از مصادیق آن به شرح ذیل نقل می‌گردد ۱– قرآن کریم به اشکال مختلف جایگاه بلند متفکران و دانشمندان را تذکر داده است : (زمر / ۹ – مجادله / ۱۱ ۲– انسان را به تفکر در آفرینش و تفکر در خودشان دعوت کرده است : (آل عمران / ۱۹۱ ۳– در بسیاری از آیات، بدون اینکه صریحاً مردم را به تفکر دعوت کند، استدلال عقلی آورده می‌شود؛ و بدون اینکه اعتبار تعبدی خود را لحاظ کند با منکران احتجاج می‌کند: (هود / ۳۵– انبیاء / ۲۲– مومنون / ۹۱ ۴– در ده‌ها آیه نشانه‌های خود را با هدف به تفکر واداشتن مردم بیان می‌نماید. تعابیری چون : (لعلهم یتفکرون، لعلکم تتفکرون، افلاـتتفکرون، لقوم یتفکرون) و یا تعابیری چون: (افلاـتعقلون، افلم تکونوا تعقلون، لعلکم تعقلون، ان کنتم تعقلون، لقوم یعقلون، افلایعقلون) که هر یک از آنها چندین بار تکرار شده است. عناصر و

محورهای تفکر و تعقلاز دیدگاه قرآن کریم، سه منبع اصلی برای تفکر وجوددارد: ۱- طبیعت(تفکر و تعقل در طبیعیات عالم)،۲- تاریخ و ۳- ضمیر انسان. انسان‌ها به صورت فطری خود قادر به تفکر هستند. با این تفاسیر منطقی‌ها تفکر انسان را دارای دو عنصر اساسی می‌دانند:۱- مواد تفکر(دانسته هایی که انسان از قبل آموخته و می‌خواهد توسط آنها به مطالب جدیدی دست یابد) ۲- شکل تفکر(چینش و نظمی که متفکر به دانسته‌های قبلی خود می‌دهد تا به طور صحیح به نتیجه برسد) اصول تفکر و تعقل قرآن کریم آشکارا بر استقلال قوه عقل تاکید و آن را در حکم غربال و وسیله هدایت معرفی می‌فرماید و آن‌گاه این «هدایت عقلی » را «هدایت الهی» می‌داند. اما برای تفکر و تعقل صحیح اصولی مطرح است که عمده‌ی آن به شرح زیر است ۱- اقامه دلیل و برهان روشن: از فحوای آیه شریفه ۱۲۶سوره مبارکه «نحل » چنین مستفاد می‌شود که پذیرفتن هرادعایی منوط است به اقامه دلایل روشن ۲- پشتوانه علمی: مایه تفکر، علم است و امر به هر چیزی ،امر به مقدمه آن است و چون تفکر بدون علم میسّر نیست لذاامر به تفکر، خود امر به سرمایه آن (کسب علم) نیز هست ۳- ژرف نگری: تفکر اگر سطحی و پراکنده باشد، فایده واثری بر آن مترتب نیست ولی اگر مبتنی بر مطالعات وآزمایش‌ها و حسابگری‌های دقیق باشد، بسیار مفید خواهد بود ۴- دوری از تعصب : حقیقت جویی منزّه از جزم اندیشی و تعصب کور و جاهلانه است آفات تفکُّر و تعقُّل قرآن کریم عقل را مبرّا از خطا و اشتباه ندانسته و آفات آن را مشخص نموده است ۱- تکیه بر ظنّ و گمان به جای علم و یقین: یکی از عوامل عمده اشتباهات عقل پیروی از ظنیات (به جای پیروی از یقینیات) است. ۲- پیروی از امیال و هواهای نفسانی : قرآن کریم امیال وهواهای نفسانی را نیز یکی از عوامل لغزش عقل برمی شمارد ۳- شتابزدگی : شتاب و تعجیل ،یکی از لغزش‌های اندیشه است ۴- سنت گرایی: مشکلی که تمامی پیامبران الهی در امر دعوت با آن مواجه می‌شده اند، استناد جاهلان به عقاید آباء و اجدادشان بوده است ۵- پیروی از اکثریت: تصمیم اکثریت نمی تواند ملاک درستی برای تصمیم گیری باشد ۶- شخصیت گرایی : قرآن کریم همه افراد بشر را به استقلال رای و فکر دعوت می‌کند و پیروی کورکورانه را موجب شقاوت می‌داند. سخن پایانی عقل» یکی از مواهب الهی و استعداد مخصوصی است که خداوند متعال به انسان عنایت فرموده تا با بهره گیری از آن بتواندر مسیر زندگانی خود، راه سعادت و رستگاری را از طریق آن طی نماید. پیامبر اعظم(ص) می‌فرمایند: «خداوند متعال به بندگانش چیزی بهتر ازعقل نبخشیده است ». همچنین تفکر منطقی عبارت است از بررسی فعال، مداوم و دقیق هر عقیده یا هر شکل فرضی دانش، با توجه به دلایلی که آن عقیده را تائید می‌کنند و نتایج بیشتری که این عقیده به آنها گرایش دارد

بایسته های جهاد اقتصادی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره؛نامگذاری سال ۹۰ با عنوان سال «جهاد اقتصادی» نشان دهنده اهمیت و وزن اصلاحات و تحولات اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری است. حال اگر بخواهیم به اختصار این رویکرد را واکاوی کنیم باید دقت در تعبیر به کار برده شده توسط ایشان با عنوان « جهاد اقتصادی» داشته باشیم. عبارت جهاد اقتصادی به دلیل استفاده از واژه «جهاد» در دو بعد دینی و وظیفه محور برای هر ایرانی حائز اهمیت است. بعد وظیفه محوری به لحاظ مردمی بودن آن و سهم توده مردم در این حرکت بسیار اهمیت دارد چرا که شکل گیری اصلاحات اقتصادی از یک موضوع دانشگاهی و نخبگی وارد فاز مردمی و به عنوان یک وظیفه عمومی ترسیم شده است.نگاهی به مفهوم جهاد اقتصادیدر باب مفهوم و نسبت دو کلمه جهاد و اقتصاد دو نکته حائز اهمیت است.نکته اول : مفهوم جهاد اقتصادی و خصوصاً کلمه جهاد یک تعبیر استعاره گونه و دارای معانی و دلالت های خاصی است. کلمه جهاد به نوعی تلاش مقدس اطلاق می شود و یکی از کلماتی است که در گفتمان دینی ما معنا پیدا می کند و همیشه صبغه تقدس را در درون خودش دارد. این یکی ازپیام های بزرگ انقلاب است که مسائل معنوی و مادی و یا به عبارتی حسنه دنیا و آخرت چگونه می توانند با هم،

همراستا شوند اگر مسئولان از ظرفیت های معنوی، انسانی و فرهنگی کشور به درستی استفاده کنند ما می توانیم از کلمه جهاد برکات زیادی را نصیب این مرز و بوم کنیم.نکته دوم : در گفتمان دینی ما کلمه جهاد در کنار کلماتی مانند هجرت ایمان ، عبادت و... پازل گفتمان و دینی را تکمیل می کنند. در برخی موارد مفاهیم دینی به ما اشاره می کند که باید موانع را دور زد اما کلمه جهاد همیشه برخورد با مانع و رفع مانع را مورد توجه دارد. در همین راستا یکی از استراتژیهای مهم در سال جهاد اقتصادی شناسایی موانع اقتصادی کشور است.نکته سوم: هرگونه جهادی نیازمند دیده بانی و رصد دقیق است در همین زمینه اقتصاد دانان کشور باید افق ۲۰ ساله آینده اقتصاد دنیا و همچنین مزیت های نسبی کشور را رصد کرده و شناسایی کنند.نکته چهارم : یکی دیگر از استعاره هایی که کلمه جهاد برای ما به ارمغان می آورد بحث نقشه و طرح است، هر جهادی نیازمند طراحی نقشه عملیاتی است و این امر در واقع خواسته ای است که از سوی مقام رهبری در نخستین نشست اندیشه های راهبردی مطرح شد.نکته پنجم : پنجمین نکته در خصوص مفهوم جهاد اقتصادی مسائل مربوط به آرایش جهادی است.دستگاه های اجرایی کشور، دستگاه‌های قانونگذار ، نهادهای قضائی ، بخش های مردمی ، بخش های غیر انتفاعی وخصوصی کشور باید با یک راهبردی که از سوی دستگاه های سیاستگذار مشخص می شود یک آرایش جهادی به خود بگیرد.آموزش نیروها نیز آخرین نکته در باب مفهوم جهاد اقتصادی است. اگر در هر عملیاتی آموزش نیرو نداشته باشیم و نیروهای اقتصادی کشور را آماده نکنیم در صحنه جهاد دچار مشکل خواهیم شد.چرا جهاد اقتصادیانتخاب واژه جهاد اقتصادی به جای واژه های دیگر همچون تلاش ، جهش ، حرکت و... ، خود دارای پیام و معنای خاصی است، آنچه از این عنوان استنباطمی شود حاوی دو نکته مهم است . ۱) تلاش های اقتصادی سال های گذشته قابل انکار نیست چرا که از پیروزی انقلاب تاکنون حرکت های اقتصادی بسیار زیادی را شاهد بوده‌ایم. ۲) تفاوت بین جایگاه و نقش اقتصاد در نظام مردمسالار دینی با نظام های غربی لازم است رعایت شود چرا که مبانی فکری نظام هایسرمایه داری با مبانی اسلامی متفاوت است، جهان ، انسان ، ثروت، طبیعت و در مجموع رفتار اقتصادی در منظر اسلام با منظر نظام سرمایه داری غربی کاملاً مغایر و متماز است. سود و سود پرستی زیاده‌خواهی، اسراف و تبذیر ، ظلم و استثمار، طبیعت اولیه فعالیت های اقتصادی غیر اسلامی است در حالی که فعالیت اقتصادی در نگاه اسلام به عنوان ابزاری در راستای ارتقاء و تعالی و کمال باید دارای صبغه و روح الهی و انسانی باشد.پاتک های احتمالی دشمن در جهاد اقتصادییکی از ترفندهایی که دشمن در سال های اخیر در خصوص نظام اسلامی جامعه ما سرمایه گذاری کرده است ناکارآمد جلوه دادن نظام است. دشمن در واقع سعی کرده است تا نظام دینی و الگوی حکومتمردمسالارانه دینی را ناکارآمد جلوه دهد که خوشبختانه در عرصه های مختلف که دشمن این امر را مطرح کرده است با شکست روبه رو شده است.همچنین برنامه های دنباله دار و سریالی رسانه های خارجی دائماً تأکید داشته اند که تحریم های اقتصادی چه مشکلات عدیده ای را برای کشور ما به وجود آورده است. البته این تحریم ها برای ما عاری از مشکل نبوده اما هر تحریمی طبق تئوریهای اقتصاد بین المللفرصت های مناسب و مزیت های نسبی را نیز به همراه دارد.سخن پایانیامروز دنیای غرب قصد جلوگیری از پیشرفت ما را کرده است. آنها می خواهند با تحمیل تحریم و جلوگیری از پیشرفت ملت ایران ، استقلال و عزت ما را هدف قرار دهند. حال که رهبر انقلاب با ایستادگی های خود فضای جهادی جدیدی را برای جوانان و ملت ایران آماده کرده است باید قدر آن را دانسته و تمام همت و نیروهای خود را برای شکست طرح های ظالمانه غرب علیه کشور عزیزمان بسیج کنیم.

هوش هیجانی و مدیریت رفتار اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

هوش یکی از مهمترین سازه های فرضی است که از زمان مطرح شدن آن توسط آلفرد بینه در اویل قرن بیستم همواره برای تبیین موفقیت شغلی و کارایی به کار رفته است. هوش یکی از مهمترین سازه های فرضی است که از زمان مطرح شدن آن توسط آلفرد

بینه در اویل قرن بیستم همواره برای تبیین موفقیت شغلی و کارایی به کار رفته است. امروزه محققان علوم رفتاری دو صورت هوش عقلانی و هیجانی را ارائه می دهند. که این در واقع تقابل دو بعد رفتاری انسان به نام های احساس و منطق می باشد. امام علی(ع) می فرمایند: «به هنگام خشم نه تنبیه، نه تصمیم و نه دستور». این فرمایش بر کنترل رفتار و احساسات در هنگام هیجانات تأکید دارد ●.مفهوم هوش هیجانی (عاطفی)هوش هیجانی، یعنی به جای اینکه فقط منطق در تصمیم گیری ها مؤثّر باشد، از احساسات هم استفاده کنیم. در مورد هوش عقلانی و مزایای آن بسیار سخن گفته شده است. اما هوش عاطفی اصطلاحی است که در مورد آن کمتر شنیده ایم. در حالی که اثرات آن بر رفتار انسان فراوان و شگفت انگیز است. هوش عاطفی همچنین نقش موثری در آرامش انسان دارد. هوش عاطفی توانایی برای مدیریت اضطراب و کنترل تنش ها و انگیزه، امیدواری و خوشبینی در مواجهه با موانع در راه رسیدن به هدف است. در واقع این هوش عاطفی است که می تواند هوش عقلانی را به کار گیرد و در جهت مقصودش به پیش ببرد. شاید تا کنون افراد باهوش زیادی را دیده باشید که نه در شغل و کارشان و نه در روابط خانوادگی و روابط بین فردیشان و نه در تفریح و عشق ورزیدنشان و ... موفقیتی حاصل نکرده اند. و کسانی را هم می شناسیم که علی رغم اینکه از هوش سرشاری برخوردار نیستند زندگی آرام و موفقی داشته اند و حتی به سطوح بالای موقعیت ها اجتماعی دست یافته اند●. هوش هیجانی در گذر زمانارسطو اولین کسی بود که دو واژه احساس و منطق را درکنار هم قرار داد. او مثال می زند": عصبانی شدن آسان است، اما عصبانی شدن نسبت به فردی به صورت درست، تا حد معقول و درست در زمان درست و به دلیل درست، کاری ساده نیست".هوش عاطفی زمانی مورد توجه قرار گرفت که دنیل گولمن در سال ۱۹۹۵ کتاب خود را با عنوان " چرا هوش عاطفی می تواند مهمتر از IQ باشد "؟ به چاپ رساند.تا نزدیک به صد سال پس از ظهور علم روان شناسی، روان شناس ها وقتی که از" هوش "حرف می زدند، منظورشان هوش منطقی بود. آنها روز به روز، تست های هوششان را پیشرفته تر می کردند تا چیزی که به عنوان IQ (بهره هوشی) از آن در می آوردند، دقیق تر و دقیق تر باشد. آنها می گفتند که هر چه بهره هوشی بالاتری داشته باشید، موفّقیت بالاتری کسب می کنید؛ امّا تجربه عموم مردم، چیزهای دیگری می گفت. IQ در بهترین حالت، می توانست موفّقیت تحصیلی یک نفر را تضمین کند. چه قدر آدم، دور و بر ما هستند که بهره هوشی چندان بالایی ندارند، امّا بسیار آدم های موفّقی هستند! آنها از چه هوشی برای پیش بردن کارهایشان استفاده می کنند؟ این سئوالی بود که در نهایت، در دهه ۱۹۹۰ میلادی، ذهن روان شناسان را هم مشغول خودش کرد. پیتر سالووی، اوّلین نفری بود که اصطلاح هوش هیجانی» EQ را برای ویژگی این آدم ها به کار برد؛ اصطلاحی که رابطه تنگاتنگی با" شادکامی "و" خوشبینی "داشت ●.مهارت های هوش عاطفیهوش عاطفی مجموعه ای از مهارت ها در ارتباط با مواردی از قبیل؛ شناخت احساس خود، کنترل احساس خود، بر انگیختن و به هیجان آوردن خود، شناخت احساسات دیگران و تنظیم روابط با دیگران می باشد. هر کدام از شاخصهای پنج گانه فوق مباحث عمده ای در روانشناسی کاربردی و وروانشناسی علمی دارد. برای سال های متمادی تصور بر این بود که "IQ "یا ضریب هوشی نماینده میزان موفقیت افراد است. اما در دهه اخیر محققان در یافتند که IQ تنها شاخص ارزیابی موفقیت یک فرد نیست. آنها در حال حاضر مشغول تحقیق درباره "EQ "یا" هوش عاطفی "هستند. درابتدای پیدایش این سازه، روانشناسان بیشتر بر روی جنبه های شناختی همانند حافظه و حل مسئله تاکید می کردند . اما خیلی زود دریافتند که جنبه های غیر شناختی مانند عوامل عاطفی و اجتماعی نیز دارای اهمیت زیادی هستند. بعضی پژوهشگران بر این عقیده اند کهIQ در خوشبینانه ترین حالت ۱۰ الی ۲۵ درصد از واریانس متغیر عملکرد را تبیین می کند.هوش عاطفی یا هوش اجتماعی شامل ۴ مهارت درارتباط با خود، دیگران، آگاهی و اقدام است. که با ترکیب این ها, مؤلفه های بنیادی هوش عاطفی به دست می آید .بحث برانگیزترین حوزه ای که مبحث هوش عاطفی در آن وارد شده، حوزه مدیریت و مباحث سازمانی است. تحقیقات نشان می دهد هوش عاطفی در سازمان و مخصوصاً در حوزه مدیریت، اهمیتی فراتر از هوش منطقی یافته است. محققان دریافتند در محیط کار- یعنی محیطی که اغلب به عقل توجه می شود تا

قلب و احساسات- نه تنها مدیران و روسای شرکت ها نیازمند هوش عاطفی هستند، بلکه هر کسی که در سازمان کار می کند، نیازمند هوش عاطفی است.اما هر چه در سازمان به سمت سطوح بالاتر می رویم، اهمیت هوش عاطفی در مقایسه با هوش عقلی، افزایش می یابد ●.چگونگی توسعه و پرورش هوش هیجانیاکثر مهارت ها بر اثر تعلیم و تربیت توسعه می یابد. هوش هیجانی به وسیله رشد مهارت های هیجانی خاص قابل توسعه است. هوش هیجانی مفهومی، قابل یادگیری است. بر خلاف بهره هوشی که در طول زندگی سطح آن تقریباً ثابت است، هوش هیجانی را می توان افزایش داد. قبل از هر چیز انسان باید در باره احساسات و هیجانات اطلاعات بیشتری پیدا کنند و در باره انواع هیجان مثل شادی و غم، شجاعت و ترس، صبر و بی حوصلگی، عشق و تنفر و.... اطلاعات سازنده ای داشته باشد. با ایجاد یک محیط امن عاطفی می توان با آزادی در باره احساسات سخن گفت. آموزش مهارت های اجتماعی ار راه های افزایش هوش هیجانی است. این آموزش شامل برنامه کنترل خشم وعصبانیت، همدلی، پی بردن به تفاوت ها و شباهت های مردم، حل مسائل و مشکلات، برقراری ارتباط موثر، ارزیابی خطرات، تصمیم گیری، تقویت روحیه افراد گروه، ابتکار و مدیریت تغییر، استفاده از روشهای گوناگون برای متقاعد کردن دیگران و ... است.روان شناسانی که از هوش هیجانی، به عنوان مهم ترین عامل موفّقیت فردی دفاع می کنند، معتقدند که این نوع از هوش، اکتسابی است و می توان آن را پرورش داد. آنها راه های مختلفی را برای پرورش هوش هیجانی بدین شرح پیشنهاد می کنند؛ تشکیل گروه های دوستانه (به منظور شناخت احساسات خودش و دیگران)، تمرین حل یک یا چند مشکل، شناخت احساسات از طریق ادبیات و سینما، تنظیم احساسات بوسیله نوشتن(نوشتن، هم نوعی تخلیه هیجانی است و هم نوعی تنظیم هیجان) و قاطعیتِ محترمانه(در عین اینکه احترام دیگران را داریم، از حقّ خودمان هم دفاع کنیم ●).تجلی هوش هیجانی در ارتباطاتهوش هیجانی می تواند زمینه ای مناسب برای ساختن محیطی مطلوب برای یادگیری و برقراری ارتباط موثر باشد. تا به وسیله آن آزادانه نیازها و انتظارات خود را برای کسب حمایت از سوی دیگران ابراز کنیم. این امر ابزاری مطمئن برای بهبود ارتقای کیفیت زندگی محسوب می شود که در نهایت جامعه نیز از آن بهره مند می شود. اصولاً هوش هیجانی در ارتباطات تجلی می یابد. این ارتباطات از سویی حوزه درون فردی (ارتباط فرد با خود) و از طرف دیگر قلمرو میان فردی (ارتباط فرد با دیگران) را دربرمی گیرند. در قلمرو فردی، هوش هیجانی به قابلیت ها، شایستگی ها و توانمندی هایی می پردازد که ارتباط فرد با خود را تنظیم می کنند. در این حوزه با ویژگیهایی، مانند: آگاهی به خود، اعتماد به نفس، مدیریت هیجان ها و ابتکار عمل سروکار داریم. در قلمرو اجتماعی، هوش هیجانی به قابلیت هایی می پردازد که ارتباط فرد با دیگران را سامان می بخشند، ویژگی هایی، مانند: همدلی، آگاهی سازمانی، مدیریت تضاد و تعارض، کارگروهی، نفوذ، پرورش دیگران و ارتباط موفق با دیگران، که در این حوزه قرار می گیرند ●.سخن پایانیاگرچه انسان ها با ویژگی های گوناگون به دنیا می آیند و چگونگی برخورد آن ها با مسائلی از قبیل؛ برخوردهای اجتماعی، اشتیاق خجالت و غیره متفاوت است، اما هوش عاطفی کمک می کند تا انسان بر روی قابلیت های خاص عاطفی و یا عدم وجود آنها مطالعه کرده و خود را برای رویارویی با جامعه بیرونی آماده کند. اولین قدم برای افزایش هوش عاطفی، خودآگاهی است. خودآگاهی یعنی شما چه احساسی دارید و چرا دچار آن احساس شده اید. اگرچه ممکن است این کار در بدو امر برای بعضی از افراد مشکل باشد، اما زمانی که فرد شروع به درک خود می کند، می تواند دیگر مهارت های احساسی اش را نیز توسعه دهد و در نهایت به هوش عاطفی بالایی دست یابد. هدف از تقویت هوش عاطفی، آگاهی از احساسات و تربیت آنها برای غلبه بر موانع زندگی است. هوش هیجانی عامل مهمی در ایجاد تغییرات اساسی در زندگی است. از آنجا که هوش هیجانی مجموعه ای از مهارتهاست که اغلب آنها از راه آموزش قابل یادگیری و تقویت هستند، تعجب ندارد که مدارس را به عنوان مکان اصلی پرورش و ارتقای هوش هیجانی درنظر بگیریم.مهدی یاراحمدی خراسانی روزنامه رسالت (www.resalat-news.com)

کافی است به وجدانتان مراجعه کنید

!مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره : زمانی که انسان در همه حال خدای مهربان را ناظر بر اعمال و کردار وگفتار خویش ببیند و به این موضوع باور و اعتقاد قلبی داشته باشد هیچ گاه جسارتِ معصیت و انجام اعمال خلافِ اخلاق پیدا نمی کند. این فرموده امام (ره) که: « عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید.» در واقع تذکری جدی به انسانی است که بار امانت و خلافت ربوبی را به دوش می کشد تا بداند رفتارش در برابر ذات اقدس الهی انجام می پذیرد و اوست که از فاصله ای نزدیک تر از من به من نظاره ام می کند. امروزه یکی از معضلات جامعه بشری این است که قبح و زشتی هر گونه عمل خلاف اخلاقی ریخته شده است و انسان، خدایی که از ما به ما نزدیک تر است را فراموش می کند و از رحمت و گذشت الهی سوء استفاده می کند و بدین ترتیب در ورطه آلودگی گرفتار می شود. برای دوری جستن از این معضل تنها یک راه اساسی وجود دارد و آن در وجود خود انسان متجلی می گردد که با نظارت و حسابرسی مستمر نفس خویش مانع گمراهی شود. تعریف خود کنترلی درباره خود کنترلی تعریف خاصی ارائه نشده است، ولی می توان خود کنترلی را مراقبتی درونی دانست که بر اساس آن وظایف محول شده انجام و رفتارهای ناهنجار و غیر قانونی ترک می گردد بی آنکه نظارت و یا کنترل خارجی در بین بوده باشد هنگامی که کسی بی توجه به کنترل خارجی تلاش خود را مصروف انجام دادن کاری که بر عهده او واگذار شده است نماید و مرتکب خلافی از قبیل کم کاری، سهل انگاری نگردد از کنترل درونی بهره مند است. به عبارت دیگر: هرگاه عامل کنترل کننده از خارج به داخل انسان منتقل گردد به طوری که شخص با اختیار و آگاهی به ارزیابی و اصلاح عملکرد خود در قالب استانداردهای مشخص و در جهت اهداف مطلوب بپردازد، خودکنترلی تحقق یافته است. در این صورت است که نظارت خارجی در تحقق چنین رفتاری که متضمن انجام دادن وظیفه و ترک خلاف است نقشی نداشته و تنها مراقبت درونی است که موجب رفتار مز بور می گردد. بر طبق توصیه های دینی ما مبنی بر «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» و یا «موتوا قبل ان تموتو» انسان موظف است قبل از هرکس خودش به اعمال و رفتارش نظارت اساسی وعملی داشته باشد تا بتواند بر اساس شاخص های دینی رفتار خود را کنترل و اصلاح نماید. نقش و ضرورت خود کنترلی می توان ادعا کرد که اگر خود کنترلی ایجاد و تقویت گردد کارکردی به مراتب کارآمدتر از نظارت های خارجی دارد، زیرا در پاره ای از نظارت های بیرونی همواره این دغدغه وجود دارد که آیا از اعتبار و صحت کافی برخوردار است یا آنکه شائبه ها و غرض های دیگری در کار بوده و زد و بندهای رفاقتی یا کینه توزانه در آن نقش داشته است. از این رو باید پیوسته بر ناظران و بازرسان نیز ناظران دیگری گماشت تا مراقب صحت نظارت آنان باشند. در سامانه های اجتماعی نوعی طراحی سیستم های سایبرینک وجود دارد که می توانند حجم وسیعی از داده ها را بر اساس فرایندی پیچیده و در زمانی اندک به اطلاعات تبدیل کنند. اما مسئله خود کنترلی انسان ها در اجتماع که از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و مهارت های خاص و ویژه ای را مطالبه می کند به مانند طراحی سیستم های سایبرینک چندان کار ساده و آسانی نخواهد بود. بسترهای خود کنترلی هدفی که در نظام های خود کنترل دنبال می شود ارائه یک شخصیت سالم از انسان است که به بلوغ فکری رسیده و در برابر انواع آلودگی ها از خود مقاومت نشان می دهد و این میسر و ممکن نخواهد بود مگر بسترهای مناسب در آن جامعه فراهم گردیده تا خود کنترلی نهادینه شود. مواردی از قبیل : ۱) ایمان به خدا و اعتقادات مذهبی ۲) توجه به شخصیت و حرمت انسان ۳) امر به معروف و نهی از منکر بر اساس آموزه های دینی ۴) دادن انگیزه و تشویق افراد خود کنترل ۵) حس تعلق و وفاداری به ارزش های انسانی از مهم ترین بسترهای توسعه و بسط نظام خود کنترلی در اجتماع است.امیر المومنین علیه السلام در نامهای که به عثمان بن حنیف فرماندار بصره مینویسدمی فرماید: بدانید که هر ماموی پیشوایی دارد که به او اقتدا می‌کند و از نور علمش بهره میگیرد، شما خود میدانید که امام شما از دنیایش به دو پیراهن کرباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان بسنده کرده است. سپس میفرماید البته شما توان این گونه زندگی را ندارید. «الاوانکم

لاتقـدرون علی ذلک فاعینونی بورع و اجتهاد و عفـهٔ وسـداد» یعنی اکنون که نمیتوانیـد مانند من زندگی کنید، پس لااقل با التزام به چهار خصـلت مرا یاری دهیـد: گناه نکنیـد و در راه خدا و اجرای عدالت کوشا باشـید، دامن و شـکم خود را به حرام و شـبهه آلوده نسازید و در زندگی درست و راست کردار باشـید. و به راستی ورع و تقوی و پاکدامنی و درستکاری زمینه های خود کنترلی را در انسـان به وجود می آورد. که این امر نیازمنـد تلاـش و مجاهـدت انسـان در مسـیر انجـام واجبـات الهی و ترک محرمات است. خود کنترلی و ارزش و کرامت انسـان خود کنترلی ایجـاد حـالتی است در درون فرد که او را به انجـام وظایفش متمایل می سازد ، بـدون آنکه عامل خارجی او را تحت کنترل داشـته باشد. امام علی (ع) می فرمایند: «آنان که کرامت نفس دارند هرگز با ارتکاب گناه آن را پست و موهون نمی کنند». یکی از اعتقادهای اسـلامی که زمینه ساز تحقق خودکنترلی است؛ مسـئله ارزش و کرامت انسان است زیرا اگر انسان قـدر و منزلت و جایگاه رفیع خود را بهتر بشـناسد دیگر به امور پست و آلوده شـدن به زشتی ها رضایت نمی دهـد و برعکس شخصـی که برای خودش ارزش و منزلتی قائل نیست تن به هر ذلتی می دهـد و چنین شخصـی که خود از شـر اعمالش در امان نیست؛ بالطبع دیگران نیز از شـر او در امان نیستند : چنان که امام هادی(ع) می فرمایند: «هرکسی که در نزد خودش پست و بی ارزش است پس تو از شـر او در امان نباش» (ابن شـعبه،ص ۳۶۲). سـخن پایانی در عصـر حاضر جوامع مختلف می کوشند تا از راه های گوناگون خود کنترلی را تحقق بخشـند. در نظام اعتقادی اسـلام، هستی محدود به این جهان مادی نمی شود که با مرگ انسان پایـان پـذیرد بلکه این جهان تنها جزء کوچکی از هستی می باشـد و جسم انسان نیز جزئی از وجود او را تشـکیل می دهـد و پس از مرگ زنـدگی انسـان در مراتب بالاـتری از حیات ادامه پیـدا می کنـد. بنابراین نیستی برای انسان معنا نـدارد. زنـدگی در این جهان مقـدمه ای بر حیـات ابـدی اوست و نحوه زنـدگی در آن جهان بسـتگی به چگونگی زنـدگی او در این جهان است بنابراین لحظات زندگی انسان ارزش بی نهایت پیدا می کند زیرا سرنوشت ابدی او را رقم می زند. از این رو است که می بینیم تمامی پیامبران برای بیـداری و تنبّه بشـر بیش از هر چیز به مسـئله معاد اشاره کرده اند و بخش عظیمی از آیه های قرآن کریم نیز به این مسـئله اختصاص دارد. یکی از مهمترین ارزش های اسلامی که سر منشا ارزش های دیگر می باشد، تقوی است که مهمترین ثمره اعتقادهای اسلامی در زمینه خداشناسـی و توحیـد و معـاد می باشـد. از این رو خـود کنـترلی لاـزمه تحقق زنـدگی سـعادتمند در سـرای جـاودان است. روزنامه رسالت، شماره ۷۲۲۰ به تاریخ ۱۶/۱۲/۸۹، صفحه ۱۸ (اندیشه□)

مدیریت آهسته

مهدی یاراحمدی خراسانی

در زندگی چنان با سـرعت حرکت نکنید که دیگران مجبور شوند برای جلب توجه شما، پاره آجر به طرفتان پرتاب کنند. این جمله نشأت گرفته از داسـتانی بـدین شـرح است؛ «روزی مردی ثروتمنـد با اتومبیل گران قیمت خود با سـرعت زیاد از خیابان کم ترددی عبور می کرد. ناگهـان از بین دو اتومبیـل پـارک شـده در کنـار خیابـان، پسـر بچه ای پـاره آجری به سـمت او پرتـاب کرد. آجر به اتومبیل خورد وصدمه زیادی وارد ساخت. مرد پایش را روی ترمز گذاشت و سـریع از ماشـین پیاده شد. به طرف پسـرک رفت تا او را به سـختی تنبیه کند.پسـرک گریان با تلاش فراوان بالاخره توانست توجه مرد را به سمت پیاده رو، جایی که برادر فلجش از روی صندلی چرخدار به زمین افتاده بود، جلب کند. پسـرک گفت": اینجا خیابان خلوتی است و به ندرت کسی از آن عبور می کند. هر چه منتظر ایسـتادم و از راننـدگان کمـک خواسـتم کسـی توجه نکرد. برادر بزرگم از روی صـندلی چرخـدارش به زمین افتاده و من برای بلنـد کردنش زور کافی نـدارم". برای اینکه شـما را متوقف کنم ناچار شدم از این پاره آجر اسـتفاده کنم. " مرد متأثر شد و به فکر فرو رفت... برادر پسـرک را روی صندلی اش نشاند، سوار ماشینش شد و به راه ادامه داد ●مقدمهبرای سریع بودن، نخست باید آهسـته بود و همه چیز را درست دیـد. مفهومی که از مـدیریت زمـان در ذهن ها نقش بسـته، رسـیدن به هـدف در کوتاهترین زمان

است. در هزاره سوم انسان ها در همهمه شتاب زدگی و سرعت غوطه ورنـد به هم توصیه می کننـد که از این قافله پرشتاب عقب نماننـد و چنان بر همراهی این قافله تمرکز کرده اند که دیگر فرصتی برای درنگ و تأمل در اینکه به کجا می رویم؟ باقی نمی ماند. مدیران، سرعت را سرلوحه کار خود قرارداده اندو جنبش های کیفیت هم نتوانسته اند اولویت های مدیران را در شتاب برای رسیدن به هـدف ها، کنترل کننـد. غلبه کمیت بر کیفیت در اولویت ها از همین جا آغاز می شود و در جهان تجارت مدار امروزی، سازمان هایی که عمر مدیریت مدیران آنها کوتاه است، به این غلبه دامن می زنند ●.مفهوم مدیریت آهستهمدیریت آهسته می کوشد ایده ی پیوستگی منافع را بر اقتصاد و جامعه مستقر سازد تا به اثر و نتیجه مطلوب برسد. مدیریت آهسته به دنبال تبیین این مفهوم است که تمام کار مـدیریت دست یافتن به سود کوتاه مـدت نیست بلکه بایـد به دنبال هـدف های پیوسته بود. مطرح کننـدگان مـدیریت آهسته قصـد دارنـد آن را در فعـالیت هـای روزمره بـه صـورت مفیـد، اساسـی و سازنـده منعکس کننـد. مـدیریت آهسته (Slow Management) به عنوان راه حلی برای کاستن از تنش های شغلی و ابزاری برای خلق ارزش وبالا بردن قدرت ابتکار در حوزه کسب و کار، تاکید می ورزد و تولید آهسته و سنجش آهسته را به عنوان ابزارهایی کاربردی در خدمت مدیریت برای شکل دادن به سازمان های آهسته که زمان استقرار طولانی و رشد نمایی سریع دارند، معرفی می کند ●.مدیریت آهسته در گذر زمانکلماتی همچون: مدیریت آهسته، شرکت آهسته، شهر آهسته، غذای آهسته، کسب و کار آهسته، خبرنگاری آهسته و... یک به یک وارد ادبیات نوین اجتماعی می شونـد. این مفـاهیم شیوه زنـدگی و کار در دوره کنونی را به چالش می کشنـد و تضادهایی را در ذهن پدید می آورند. کارلو پترینی جنبش غذای آهسته را پایه گذاری کرد و شاید آن زمان کمتر کسی فکر می کرد که فلسفه او الهام بخش جنبش های گوناگون آهستگی شود. نگرشی که رویکردی دوباره به داستان مسابقه لاک پشت و خرگوش دارد و بار دیگر توانمنـدی هـای لاک پشت ها را به رخ خرگوش های بازیگوش می کشـد؛ گرچه تعلق داشتن به جنبش آهستگی به معنی همیشـه آهسته بودن نیست. حدود۴۴ سال پیش(۱۹۸۶) در ایتالیا، در اعتراض به تجاوز فست فودها یا غذاهای سریع به سبک زندگی سنتی نواحی مدیترانه، جنبش غذای آهسته به وسیله یک رستوران دار به نام کارلو پترینی پایه گذاری شد.جنبش غذای آهسته در بیانیه ای در سال ۱۹۸۹ وضعیت را این گونه بیان کرد: «ما برده سرعت شـده ایم و خود را در برابر ویروس خطرناکی که زندگی سریع نامیـده می شود بـاخته ایم، این ویروس عاداتمـان را از بین برده، حریم خصوصـی خانه های مان را مختل کرده و ما را مجبور ساخته که از غذاهای سریع استفاده کنیم». اصول جنبش پترینی انتخاب محصولات تازه محلی، آماده سازی آن براساس شیوه های سنتی و صرف غـذا به همراه دوستان و خـانواده بود و شعار جنبش: مردم خواسـتار کـاهش صـرف زمـان در آشپزخـانه هایشان هسـتند، اما دوست ندارند این کار به بهای از دست دادن طعم مناسب غذا و تغذیه نا درست تمام شود.کیفیت غذاهای سریع مورد پرسش بسیار است و علاوه بر آن، استفاده از آنهـا نوعی اعتیـاد به سریع تر و بیشتر خواستن را به وجود می آورد. پترینی می گویـد: در جهـان مـدرن، گاهی سرعت آن چنان بالا می رود که افراد نمی تواننـد هم پای تغییرات پیش رونـد.پرسش این است که چگونه می توان برای زندگی بهتر، از وقت، هوشمندانه تر استفاده کرد؟ برپایه این انتقادها، جنبش غذای آهسته، پایه جنبش بزرگتری شد که توسط مجله بیزنس ویک طرح شـده و اروپای آهسته نامیده شده است. این جنبـش اساساً حس شتاب و سرگشتگی ناشی از حرکت جهانی شدن را که کمیت را جایگزین کیفیت در همه شئون زندگی کرده است – مورد پرسش قرار می دهد و بر یادگیری دوباره هنر انجام دادن کارها به بهترین وجه ممکن و نه به سریعترین وجه ممکن تأکید دارد.مبانی اساسی دیدگاه مدیریت آهسته با توجه به رشد روزافزون فعالیت ها، رهبران اعتماد به تجربه ها، ذکاوت و شهودشان را از دست داده اند؛ عواملی که بسیار شخصی است و علمی نیست. وقتی فشار بی امان برای بهبود عملکرد و انجام سریع کارها وجود دارد، اما ایده روشنی برای «چگونه انجام دادن» در دست نیست، ساختن عددها گزینه مطمئن تری به نظر می رسد؛ حتی اگر عددهای مورد نیاز گیج کننده باشند و یا مفهوم مهمی را نشان ندهنـد. مـدیران، در تلاشی دامنه دار برای مـدیریت علمی و یافتن اطمینان و پایه های کمی برای تصـمیم شان، زمان، انرژی،

افراد و پول خود را، صرف سنجش هایی می کنند که ارزشی در بر ندارند. مبانی اساسی دیدگاه اجتماعی مدیریت آهسته را می توان به شرح زیر بیان نمود:۱) تلاش در جهت مزیت های مناسب در فرایندها و تهیه کالاهایی برای ارتقای زندگی.۲) شناخت سرچشمه های مواد و اینکه آیا آنها به محیط آسیب می رسانند یا خیر.۳) تولید کالاهای بادوام که در مواقع لزوم به راحتی قابل تعمیراند.۴) داشتن تعامل اخلاقی و رفتار منصفانه با همکاران، مشتریان، تامین کنندگان و فروشندگان.۵) پرورش، استفاده و یادگیری مهارت هایی که فرایند ساخت را ارتقا می دهند.۶) فراهم آوردن روش هایی برای لذت بردن و با رغبت انجام دادن ساخت آهسته ●.سخن پایانینباید تصور کرد که مدرنیته و آهستگی مخالف یکدیگرند؛ آهستگی، یک استراتژی برای هدایت و معنی دادن به مدرنیته است و می خواهد توازنی بین سنت و مدرنیته ایجاد کند. ذهن، هنگامی که در آرامش است، بینش خارق العاده ای به انسان می دهد. توجه به آهستگی که همرا تدبیر و خردگرایی باشد، ما را زودتر به سرمنزل مقصود می رساند. در ادبیات کهن و غنی ما بیت معروفی وجود دارد ": رهرو آن نیست گهی تند و گهی خسته رود – رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود. " غذاهای سریع، نیایش های سریع، خواندن سریع، پیاده روی های سریع، رشد سریعو ... شمایی از زندگی در عصر مدرن هستند. بسیاری از واژگان و خطوط، صداها و نشانه هاو بسیاری از نیازها و خواسته ها در طول مسیر مسابقه به سوی موفقیت و به دست آوردن نتایج، نادیده گرفته می شود. آهنگ تند زندگی جایی برای تفریح، استراحت، تعمق، روابط معنی دار و بالاتر از همه، جایی برای ارتباط با خالق بی همتا بر جا نمی گذارد. در واقع زمانی که از راه زندگیِ سریع ذخیره می شود، پیش از آن هدر رفته می رود، چراکه در بسیاری مواقع اصلاح اشتباه هایی که براثر عجله زیاد حاصل شده، وقت بیشتری طلب می کند و در پایان یک روز پرشتاب، افراد چنان خسته اند که نمی توانند از لحظه های باقی مانده روز لذت ببرند. در دنیای رقابتی امروزی، فشار زیادی برای دستیابی سریع به نتایج و به تبع آن تصمیم گیری های سریع وجود دارد. مدیران درگیر یک سیر دایمی از تصمیم های توفانی هستند که فقط تا بحران بعدی کارساز است و در واقع سازمان ها به سرعت از بحرانی به بحران دیگر می روند. در شرایطی که فلسفه مدیریت و تجارت، خلق ارزش است و این موضوعی نیست که به سرعت اتفاق بیفتد. آیا مدیران حق دارند به هر بهایی سریع باشند؟ در جهان آهسته، هدررفتن و زیان کمتری وجود دارد و زمان، قدرت ابتکار بیشتری را برای استفاده از منابع در اختیار قرار می دهد. مهدی یاراحمدی خراسانیروزنامه رسالت (http://www.resalat news.com)

محمد (ص) ، شمع جمع آفرینش

۱۱:۱۶ ، ۹۰

محمد (ص) ، شمع جمع آفرینشمهدی یـاراحمـدی خراسانی

تاریکی وظلمت، شرک وکفر، جنگ و خونریزی، نابرابری وبی عدالتی، کینه و دشمنی و ... همه جا را فرا گرفته است. دیگر انسانیت و اخلاق معنایی ندارد. محبت بی معناست. ارزش های اخلاقی حلقه مفقوده زندگی بشریت است. دختران حق زندگی ندارند وباید زنده به گور شوند ولی تعداد زیاد پسران نشانه خوبی برای هر خانواده است. با کوچکترین سوء تفاهمی جنگ های خونین و بی پایان رخ می دهد. اشرافی گری تنها ملاک شایستگی است. سیاه پوستان برده هستند و نژاد پست تر و بردگان از حداقل حقوق اجتماعی بی بهره اند. شکنجه ضعیفان امری طبیعی است و بالاخره انسان گرگ انسان است. اینها همه و همه تنها گوشه ای از ویژگی های دوره خاصی از تاریخ است؛ عصر جاهلیت . روح انسان به واسطه انتسابش به آستان ربوبی درغایت ظرافت و حساسیت است. اما چگونه است که تباهی همه جا را فراگرفته است؟ و چگونه می توان بشریت را احیا نمود؟ خداوند متعال برای نجات انسانها از گمراهی و برای هدایت بشریت" رحمه للعالمین "را به آفرینش عنایت فرمود. عالی ترین نمونه اخلاق و تربیت و والاترین الگوی کمالات انسانی برانگیخته می شود تا به مصداق آیه ی شریفه " و لکم فی رسول الله اسوه حسنه " اسوه ای

حسنه، نعمت آفرینش را کامل نماید. پیامبر گرامی اسلام (ص) ، هم او که برای همه عزیز و دوست داشتنی است و هم او که (محمد امین) است، همچون خورشید تابان در آسمان انسانیت می درخشد و کالبد ارزش های والای اخلاقی و کمالات وسجایای انسانی را روح می بخشد. الگویی به تمام معنا از جمیع کمالات و امتیازاتی که یک انسان در همه ابعاد وجودی خود می تواند داشته باشد در زندگی پر عظمت و شگفت آمیز آن حضرت ترسیم شده است که برای همیشه چون مشعلی فروزان فرا راه آدمیان پرتو افشانی می نماید .محمد، پیشوای عظیم الشان اسلام بسیار با ابهت بود، در دل ها جای داشت، عزیز و گرامی بود وقلب ها را تسخیر نموده بود. به زیبایی و پاکیزگی آراسته بود. در تنهایی محزون و متفکر و در میان جمع بشاش وگشاده رو بود و غالباً تبسمی بر لب داشت. کسی نتوانسته است و هیچ کس نیز نمی تواند او را آنچنان که هست بشناسد وتعریف کند. هیچ نویسنده و هیچ خطیب توانایی یارای ادای حق مطلب دروصف ابعاد شخصیت و خلق و خوی پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) را ندارد .وجود شریف حضرت محمد (ص) که بهانه خلقت است فصل جدیدی در زندگی بشریت به وجود می آورد. تعالیم وسیع و گسترده آن حضرت همچو خورشید در شب های تاریک و ظلمانی تابید و انسانیت را احیا نمود. در روزگاری که اشرافی گری و تجملات ملاک ارزش انسان ها بود، زواید معیشت را از زندگی خود حذف نمودند و با وجود اینکه با کوچکترین اراده می توانستند خزاین عالم را در اختیار داشته باشند، ساده و بی آلایش بودند. در دوره ای که دختران حق زندگانی نداشتند و زنده به گور می شدند ایشان دختر اطهر خود را تکریم نمودند و بر دستانش بوسه زدند. برادری و برابری را جایگزین برده داری و نژاد پرستی نمودند.جنگ های خونین و دراز مدت را به مودت و دوستی مبدل ساختند و دو قبیله اوس و خزرج را که سالیان سال با هم در جنگ بودند را به صلح و دوستی رهنمون ساختند.خداپرستی و وحدانیت را جایگزین شرک و بت پرستی نمودند وقلب انسان ها را با نور خدا روشن و منور ساختند. در عصر بی سوادی و جهالت مردم را به کسب علم و دانش توصیه می کردند"؛ حتی اگر در چین باشد ."این تنها قطره ای از دریای نعمتی بود که" ارحم الراحمین "با عطای" رحمه للعالمین "به بشریت کرامت نمود.نعمت بزرگ و وصف ناشدنی،که تنها خدا به خاطرعطای او بر مومنین منت نهاد ".لقد من الله علی المومنین اذ بعث فیهم رسولاًمن انفسهم ." و اما امروز؛ در عصر فرا صنعتی و در هزاره سوم که پیشرفت های قابل توجهی در صنعت و تکنولوژی بوجود آمده است نیز بشر درجاهلیت به سر می برد"؛ جاهلیت مضاعف. " جاهلیتی که به برکت! استعمار و استثمار اخلاقی و فرهنگی غرب به وجود آمده است. جاهلیتی که به واسطه زیاده خواهی و دنیا طلبی ایجاد شده است. امروز نیز ارزش های اخلاقی در جوامع مختلف رنگ باخته است. جاهلیت مضاعف نیز دختران را زنده به گور می کند اما نه جسم آنها را بلکه روح و روان وشخصیت و عفت آنان را. در عصر جدید هم شاهد جنگ های خونین طولانی مدت هستیم اما این بار با شعار دموکراسی، عدالتخواهی و بشر دوستی. در عصر جدید هم شاهد شکنجه ضعیفان هستیم اما این بار در زندان " ابوغریب " یا " گوانتانامو. " در عصر جدید هم بر سر پیامبراکرم (ص) خاکستر می ریزند اما به شیوه خود ... .پس باید بار دیگر دست به دامن " شمع جمع آفرینش " شویم همان وجود شریفی که تا ابد " چراغ افروز راه اهل بینش است " و همان پیامبر رحمتی که همواره نگران انسان هاست. پیامبر اعظم (ص) ، پیامبر رحمت و مهربانیها دوباره باید گوشه چشمی به انسان ها بیندازند و حیات بخش اخلاق و کمال باشند.آری ، امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند دستاویزی به سیره نبوی هستیم تا از جهالت رهایی یابیم و بتوانیم به مکارم اخلاقی دست یابیم چون تنها اوست که مکارم اخلاق را می تواند به اتمام برساند.اکنون که در ظلمت و تاریکی خورشید تابناک پیامبر اعظم فروزان شده است باید تلاش کنیم تا زمینه ظهور و بروز سیره آن حضرت فراهم شود. مقوله ای که تنها باید شرایطش را فراهم نماییم تا فرزند موعودش مهدی " عج " بیایند و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) باشند .در این مقطع زمانی که به قول خورشید انقلاب " یاد و نام پیامبر اعظم (ص) از همیشه زنده تر است " باید آموزه های ایشان را در برنامه زندگی خودمان قرار دهیم که به واقع اکنون بیش از هر زمان دیگری محتاج توجه و عنایت خاص حضرتش هستیم . مهدی یاراحمدی خراسانی روزنامه رسالت (www.resalat news.com)

اثرات نهادینه شدن «مثبت اندیشی» در اجتماع

مهدی یاراحمدی خراسانی

خوشبینی و مثبت اندیشی را می توان، استفاده کردن از تمامی ظرفیتهای ذهنی مثبت و نشاط انگیز و امیدوار کننده در زندگی، برای تسلیم نشدن در برابر عوامل منفی ساخته ذهن و احساسهای یاس آور ناشی از دشواری ارتباط با انسانها و رویارویی با طبیعت دانست.(الوود همپتن)تفکر مثبت چیزی بیش از افکاری است که در سر داریم و راهی است برای ورود و نزدیکتر شدن به زندگی ایده آل. یعنی اینکه در تمام موقعیت ها به جای تمرکز روی نقاط منفی روی نقاط مثبت تمرکز کنیم . این به معنای آن است که به جای آنکه خود را تحقیر کنیم برای خود ارزش قائل شویم. و همین طور درباره دیگران فکر کرده و با آنها کنار بیاییم. تفکر مثبت یعنی آنکه بهترین ها را از زندگی بخواهیم و یقین داشته باشیم که آن را به دست می آوریم. افراد مثبت از زندگی بیشتر سود می گیرند و سالم تر می مانند و روابط بهتری با دیگران دارند. پیامبر (ص) می فرمایند: «چه چیز نیکویی است خوشبینی.»!(مسند الشهاب)نهادینه شدن «مثبت اندیشی» در عرصه رفتار اجتماعی نه تنها هزینه ای ندارد بلکه با ایجاد زمینه های خاص بهبود عملکرد، سبب افزایش بهره وری می گردد.یکی از بهترین شیوه هایی که برای ایجاد تفکر مثبت می تواند بسیار مثمر ثمر باشد، «تلقین» است.دکتر «امیل گوئه» معروف ترین فردی است که کاربرد این تکنیک را مطرح نموده است. اساس این تکنیک بر استفاده از ضمیر ناخودآگاه استوار است؛ یعنی اینکه به واسطه تلقین نمودن، افکار مثبت و شادی بخش را هوشیارانه به اندرون خود بکشیم و برای حفظ و بقای آنها کوشش نماییم و افکار منفی و بدبینانه و مبتنی بر توهم و خیالات واهی و وسوسه ها و کوته نظری ها را دور بریزیم و به یاد داشته باشیم که شادی و نشاط واقعی و پایدار، در درون خود ماست. پس آن را به وسیله تلقین و ابزارهایی از این قبیل، از درون خود جستجو نماییم.این نکته را نیز توجه داشته باشیم: همچنان که تلقین مسائل مثبت به خود و دیگران در زندگی، از جمله نگاه خوشبینانه به اطراف و مسائل، زمینه ساز به وجود آمدن زندگی آرمانی می شود، تلقین منفی نیز می تواند اثرات بسیار مخربی را از خود به جای بگذارد. برخی از اثرات تفکر مثبت به شرح زیر است:۱- افراد خوشبین و دارای تفکر مثبت از «لحظه»ها استفاده می کنند. که این امر استفاده بهینه از زمان می باشد.۲- انسان دارای تفکر مثبت از امکانات موجود، هرچه هست، استفاده می نماید و منتظر کامل شدن تمام وسایل و زمینه های مورد نیاز نمی شود ؛ چرا که اولاً؛ "فردا دیر است" و ثانیا؛ آنچه اکنون داریم، هرچه باشد، بالاخره بخشی از چیزهایی است که باید باشند. یک ضرب المثل چینی می گوید: «اگر در جنگل زندگی می کنی، قدر چوب را بدان» و عرفا گفته اند: «هر سفر دور و درازی، با یک گام آغاز می شود.»۳- خوشبین بودن، هزینه چندانی نمی خواهد. فقط کافی است تصمیم و عزم جدی در کار باشد. اگر بر این باور باشیم که «ما وارثان بحق ملک الهی هستیم» و همواره با این نگاه، حرکت کنیم و بیندیشیم، تمامی آرزوهای ما به تدریج، جامه عمل خواهند پوشید.(والتر اندرسون)افرادی که تفکر مثبت دارند از زندگی و کار خود بیشتر سود می گیرند و سالم تر می مانند و روابط بهتری با دیگران دارند. این گونه افراد با دید مثبت به زندگی می نگرند به جای آنکه افسوس گذشته را بخورند با رضایت به آن نگریسته و به جای شک و تردید با امیدواری و خوشبینی به آینده نگاه می کنند. و این امر نشاط را به فرد هدیه می کند. مثبت اندیشی از طریق ؛ کاهش استرس، رسیدن اطلاعات جدید به مغز، افزایش خلاقیت، غلبه بر عقده خود کم بینی، کاهش بی قراری و شتاب، مغتنم دانستن فرصت ها و لحظه ها، و بالاخره با نگاه کردن از منظر یک انسان قدرتمند به موضوع زمینه ساز موفقیت، بهبود و افزایش امید و نشاط در اجتماع می گردد.لینک خبر: http://www.resalat-news.com/Fa/?code=۲۱۱۷۱منبع خبر: رسالت

مدیریت ذره بینـــــی؛ وسواسی ناخواسته

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: کنترل مقوله ای اساسی در مدیریت است. نقش کنترل در مدیریت تا بدانجاست که برخی از صاحب نظران در نگاهی افراطی مدیریت را مترادف کنترل تعریف نموده اند. از این رو شیوه ها و روش های کنترل و نظرات مترتب بر آن همیشه به عنوان عاملی مهم در دسته بندی های رهبری و مدیریت نقش دارد. در این راستا مدیریت ذره بینی، نمونه ای از ضعف مدیریتی است که بیانگر کنترل بیش از اندازه و غیر ضروری کارکنان توسط مدیریت و توجه شدید مدیر به جزئیات کاری است. مدیران ریز بین به دلیل غرق شدن در مسائل جزئی، کلیات را فدای جزئیات می کنند و از نگاه نقطه ای به جای نگاه فرایندی برخوردارند. مدیریت ذره بینی Micro management این گونه مدیریت معمولاً در بین افرادی رایج است که اصطلاحاً خود را «همه فن حریف» می پندارند. اکثر مدیران ذره بینی کسانی هستند که کارکنان را ابزار تحقق اهداف می دانند. تا زمانی که کارکنان انتظارات آنها را برآورده سازند، این مدیران مشکلی ندارند اما چنانچه کاری اشتباه انجام گیرد، رفتار های وسواس گونه خود را نشان می دهند. مدیریت ذره بینی در واقع توجه شدید به جزئیات و مسائل ریز و کنترل دقیق افراد می باشد. مدیران ذره بینی، مدیرانی هستند که به کارکنان خود بسیار نزدیکند. آنها مرتب بر کار افراد خود نظارت کرده و همواره خواه، مثبت یا منفی در رابطه با عملکرد کارکنان اظهار نظر می کنند. مدیریت ذره بینی در واقع یک وسواس ناخواسته و یک اختلال رفتاری- ارتباطی است. وسواس مدیران ریز بین، شامل حال همه کارکنان چه توانمند و چه ضعیف می شود . در حیطه کاری این گونه مدیران، هیچ کاری تفویض نشده و نظرات کارکنان نادیده گرفته می شود. احساس عدم اطمینان و شک و تردید مدیر نسبت به دیگران، کنترل شدید پرسنل را باعث می شود و همین امر موجب تکرار دوباره کارها، اتلاف وقت و انرژی و تحمیل هزینه های اضافی بر سازمان می شود. برخی از مدیران میکرو، معتقدند برای انجام درست کارها باید شخصاً اقدام کنند. آنها خود را بهترین تصمیم گیرندگان می دانند، تمام کارها و وظایف را در دست می گیرند و اجازه تصمیم گیری حتی به زیر دستان توانا نمی دهند. نشانه های مدیران ذره بینیاز طریق برخی نشانه ها مدیران ذره بینی شناسایی می شوند. این گونه مدیران معمولاً: زمان زیادی را صرف می کنند تا به کارکنان آموزش دهند دقیقاً چه کاری باید انجام شود. همچنین زمان زیادی را صرف بازبینی پروژه ها و بازدید از عملکرد انجام شده می کنند.مدیران میکرو از اینکه فردی بدون مشورت با آنها تصمیمی بگیرد یا کاری انجام دهد به شدت عصبانی می شوند. به جای توجه بر سیاستها و خط مشی ها، زمان زیادی را صرف جزئیات و مسائل کوچک می کنند. این گونه مدیران تفویض اختیار نمی کنند و خود مستقیماً کارکنان را هدایت می کنند. تاکید بیش از حد بر گزارش کاری از دیگر نشانه های این تیپ مدیریتی است. دلایل روی آوردن به مدیریت ذره بینیدلایل بسیاری وجود دارد که باعث می شود افراد، مدیریت ذره بینی را انتخاب کنند. مهمترین این دلایل عبارتند از: ۱- نامشخص بودن نقش ها و مسئولیت ها: زمانی که یک مدیر دامنه اختیارات و مسئولیت هایش نا مشخص است، خودش تشخیص می دهد که بهترین کار و شیوه چیست. بنابراین به کنترل بیشتر و دقیق تر روی می آورد. ۲- وجود بحران سازمانی: در زمان بحران، بسیاری از مدیران ترجیح می دهند که کنترل شدیدتری بر اوضاع سازمان داشته باشند. ۳- ترس از شکست: ترس از شکست، ترس از انجام اشتباهات، ترس از بروز بحران، ترس از بی نظمی و اغتشاش، ترس از دست دادن موقعیت کاری واختیارات و ... هر چند ترس یک رفتار غریزی است اما کنترل شدیدتر و بازبینی مجدد کارها، راهی برای غلبه بر آن تلقی می شود. نتایج مدیریت ذره بینیمدیریت ذره بینی ریشه در عدم اعتماد به دیگران داشته ومخرب کارتیمی و مانع رشد و پیشرفت و در برخی مواقع منجر به شکست سازمان می شود. در زیر به برخی اثرات و نتایج چنین شیوه ای اشاره می شود: * ارتباطات ضعیف: رفتار وسواس گونه چنین مدیرانی، مانع ارتباطات اصولی و صحیح بین مدیر و کارمند می شود. * گوشه گیری و کاهش روحیه کار تیمی: مدیران ذره بینی، کارکنان را گوشه گیر و منزوی می کنند وبدین ترتیب روحیه همکاری و کار تیمی بین افراد از بین می رود. * کار شکنی کارکنان: افراد تا حدی توانایی تحمل امر و نهی و اظهار نظر بی مورد را دارند. در بسیاری از مواقع کارکنان

به دنبال راه حلی برای تخلیه احساسات منفی خود می گردند و کار شکنی از جمله این روشهاست. * پنهان کاری: ترس از توبیخ و شماتت باعث می شود کارکنان برخی مسائل را از دید چنین مدیرانی پنهان کنند. * کاهش انگیزه و بهره وری: مدیریت ذره بینی باعث می شود که کارکنان انگیزه خود را از دست داده و بهره وری آنها کاهش می یابد. * افزایش تنش و استرس و حوادث ناشی از کار: مدیریت ذره بینی باعث می شود کارکنان دائم نگران و دلواپس بروز اشتباه باشند. *افزایش جابه جایی کارکنان و کاهش رشد سازمانی: توجه به جزئیات اگر چه بسیار خوب است اما افراط بیش از اندازه سبب ناراحتی کارکنان و تمایل آنها برای جابه جایی شغلی می شود. * اتلاف وقت و منابع سازمانی: تکرار مجدد یا اصرار مدیر بر انجام کارها توسط شخص وی منجر به اتلاف وقت و منابع و صرف هزینه های بالایی شود. راه حل مقابله با مدیران ذره بینی برای مقابله با مدیران ذره بینی نسخه واحد و راه حل از پیش تعیین شده ای وجود ندارد. برای کاهش کنترل چنین افرادی باید اعتماد آنها را جلب کرد، ترسشان را از بین برد و روحیه کار تیمی را تقویت نمود. علاوه بر این هدف گذاری صحیح و مشخص کردن حیطه وظایف و مسئولیتهای افراد و جلوگیری از ابهام نقش نیز موثر است. البته توجه به جزئیات و ریزبینی مدیر- تا اندازه معقول- نشان از توجه و علاقه مندی وی به کار و کارکنانش دارد. بنابر این نباید به اشتباه تصور کرد انتقاد از مدیران ذره بینی، دلیلی بر تاکید مدیریت ماکرو است. این دو شیوه در دو طرف یک طیف قرار می گیرند و در حالت افراطی و شدید هر دو مخرب هستند. مدیریت خردمندانه هرگز ارزش، اعتبار ، غرور و عزت نفس کارکنان را نادیده نمی گیرد و بابرقراری ارتباط صحیح با کارکنان و زیر دستان همواره با هدایت آنها، به توانمند سازی و بالندگی افراد نیز می اندیشد. سخن پایانی مدیریت ذربینی یک وسواس ناخواسته و یک بحران رفتاری – ارتباطی است که در درگیری با کار، تعارض با زیردستان، ریز بینی در عملکردها و تصمیمات و ... متجلی می شود. این گونه رفتار ریشه در عدم اطمینان و اعتماد مدیر دارد و مانع رشد و پیشرفت سازمان می شود. مدیران ذره بینی خود را بهترین تصمیم گیرندگان می دانند و به خود اجازه می دهند در مورد تمام وظایف و کارهای مرئوسین و کارکنان خود اظهار نظر نمایند. این گونه افراد به دلیل تاکید بیش از حد در مسائل جزئی، بهره وری کلی را فراموش کرده و در واقع کل را فدای جزء می کنند. که این امر سبب سلب احترام و اعتماد کارکنان زیر مجموعه آنها خواهدشد. برای برخورد موثر با مدیران ذره بینی باید: نیاز و خواسته هایشان را تشخیص و قبل از تقاضای وی در اختیارش قرار دهید، هنر ارتباطات را یاد بگیرید، به او نشان دهید که کارها و پروژه ها برایتان اهمیت دارد، انتظارات و خواسته های خود را به طور شفاف با او در میان بگذارید و در نهایت با قوانین و مقررات سازمانی آشنا باشید و آنها را به کار گیرید. زیرا مدیران ریز بین از اجرای دقیق مقررات و دستورالعمل ها لذت می برند.

مهم ترین حقوق محوری شهروند

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: به طور سنتی شهروند را معادل تبعه دانسته شده و به کسی گفته می شود که از حقوق مدنی، سیاسی یک جامعه ی دولت ـ ملت بهره مند است. بدین ترتیب بسیاری از انسان ها از تعریف مذکور و از شمول حقوق شهروندی خارج می شوند. در دیدگاهی وسیع تر، شهروند و حقوق شهروندی، صرف نظر از تعلقات ملی، همه ی افراد ساکن کشور را در بر می گیرد. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد.مفهوم شهروندبرای اینکه «شهروندی» دارای مفهوم و جوهره واقعی باشد، شهروندان باید بر مبنای معیارهای عینی و شفاف مورد قضاوت

قرارگیرند. لذا «شهروندی»در ابتدا خودش یک قواست و در ادامه زاینده حقوق متعدد دیگری برای شهروند می‌باشد. از این رو «شهروندی» توانائی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند و زندگی آنها از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت و یا صرفاً از روی یکی از هویت‌شان تعیین نمی‌شود. موقعیت شهروند به یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد. این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد و به او استقلال می‌دهد. این استقلال در مجموعه‌ای از حقوق انعکاس پیدا می‌کند که هر چند از نظر محتوی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت‌اند لیکن، همیشه بر پذیرش کارگذاری و فاعلیت سیاسی دارندگان آن حقوق دخالت دارند.مفهوم شهروندی در حقوق ایراناصطلاح «شهروند» در متن بسیاری از مقررات به کار رفته است. در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۸۳/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی، که در مقام صیانت حقوق قضایی شهروندی است، مثل حق دفاع متهم، رعایت موازین قانونی در موقع دستگیری، بازجویی و تحقیق از اشخاص، منع شکنجه و لزوم رعایت اصل برائت، به نظر می رسد که «شهروند» در این قانون منحصر به تبعه نبوده و همه ی افراد را صرف نظر از تابعیت و اقامت در بر می گیرد. در حالی که در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۸۳/۲/۲۱، در تبصره ی ۴ ماده ی ۱ که، اصطلاح «شهروندان خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران» و در ماده ی ۷ آن، که عبارت «نیازهای شهروندان» به کار رفته است، به نظر می رسد که منظور از شهروند فقط «تبعه» است.همچنین در آیین نامه ی تعزیرات حکومتی در شهرداری های کشور در خصوص شهروندان و کارکنان، مصوب ۱۳۶۷/۳/۲۵، و در قانون معاهده ی اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۱۶ مجلس شورای اسلامی، در ماده ی ۸ آن در خصوص تسهیلات برای «روادید برای شهروندان طرف دیگر» نیز منظور از شهروند، تبعه است. بنابراین می توان گفت که در نحوه ی استفاده از این اصطلاح در مقررات مدون، نظم خاصی حاکم نیست و در قوانین و سایر مقررات در هر دو معنا به کار گرفته شده است، اما به لحاظ محتوایی، چنان که در قسمت دوم ذکر می شود، در حقوق ایران در بهره مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در مواردی فرهنگی بین اتباع و غیر اتباع، حسب مورد، تفاوت های جزیی یا کلی وجود داردحقوق شهری و شهروندیحقوق شهروندی» مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است.در کشور ما مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست. در واقع حق شهروندی به اعتبار تابعیت برقرار می‌شود. بنابراین این تعریف واقعیت است که «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیرسیاسی (حقوق مدنی و بهره مندی‌های فردی و اجتماعی که دارای صبغه سیاسی نیستند) می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که «حقوق شهروندی» شامل هر سه نسل حقوق بشری که در سطح دکترین مطرح شده‌اند می‌باشند. این سه نسل شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوق همبستگی می‌باشدمدیریت شهری و حقوق شهروندیاز موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری، برنامه ریزی و مدیریت شهری در سطح جهانی مطرح شده ، بحث رابطه حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت شهری است.اهمیت حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد. معمولاً مقامات و مسئولان شهری، با مسائل و مشکلاتی مواجه‌اند که مقابله درست و عملی با این مسائل و مشکلات محلی و شهری منوط به تدوین قوانین و مقرارت برنامه ریزی شده است.مهمترین قوانین و مقررات در این زمینه عبارتند از: قانون برنامه ریزی شهری، قانون شهرداری، قانون توسعه شهری، قانون بهسازی شهری، قانون پاکسازی مناطق حاشیه نشین شهری، قانون دستیابی به زمین و قانون مربوط به آلودگی‌های زیست محیطی.بدیهی است فرآیند تصمیم گیری شهری زمانی موجب جلب منافع همگانی و مدیریت شهری خواهد شد که شهروندان بیشترین مشارکت را در تصمیم گیری‌ها از

خود نشان دهند. از این رو قانونمند کردن این روند کمک شایانی را به مدیریت شهری و شهروندان و مشارکت در تصمیم گیری‌ها می‌نماید.انواع حقوق شهروندیاز تعاریف مربوط به حقوق شهروندی، انواع آن قابل استنباط است. «شهروندی مجموعه ای از حقوق و وظایف است که دست یابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی را تعیین می کند.» تی. اچ مارشال شهروندی را به سه عنصر مدنی سیاسی و اجتماعی تحلیل می کند. شهروندی، موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع است (شیبانی، ۸۴). به طور خلاصه حقوق شهروندی به انواع زیر قابل تقسیم است.الف ـ حقوق مدنی: این حقوق شامل موارد متعددی است، مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد، منشأ ملی یا زبانی حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مثل حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری.ب ـ حقوق سیاسی: حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایند های آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در بر می گیرد. حق رأی و امکان تصدی مسؤولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت های سیاسی.ج ـ حقوق اقتصادی ـ اجتماعی: حقوق اقتصادی ـ اجتماعی، که از آن به «عضویت کامل در عرصه ی اجتماعی جامعه» نیز تعبیر شده است، موارد زیر را در بر می گیرد: حق مالکیت، حق کارکردن، برابری در فرصت های شغلی، حق بهره مندی از خدمات اجتماعی ـ بهداشتی، بهره مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کار افتادگی.د ـ حقوق فرهنگی: حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت ها، حق دست یابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنت ها و شیوه های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین المللی، احترام به تفاوت های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهم ترین حقوق فرهنگی است (گلدوزیان).هـ ـ حقوق قضایی: بهره مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله ی قضایی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی، حق انتخاب وکیل از مهم ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می گردد.سخن پایانیبرای تداوم حیات انسان در زمین، و حفظ روابط اجتماعی و سیاسی انسان ها، شناخت حقوق همدیگر و رعایت آن ضروری است. مهم ترین حقوق محوری شهروند از دیدگاه اسلام عبارت است از؛ حق حیات چرا که آن اولین حقوق شهروندی است که در اسلام مطرح و حائز اهمیت است. بنابراین تمام حقوق، به حیات انسان تعلق دارد، یعنی جان و حیات انسان محترم است و کسی حق تعرض و تعدی به آن ندارد. در باور و عقیده اسلامی، انسان تا حدی محترم و ارزشمند است که فلسفه وجود هستی بخاطر انسان است. در آیه ۲۹ سوره مبارکه بقره می خوانیم: «خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفریده .»این مخلوق با کرامت، حق حیات از مسلم‌ترین حقوق اوست، و سلب حق حیات از او جایز نیست؛ مگر در مواردی که قانون اسلام تشخیص بدهد آن هم در محکمه‌ای که بر اساس عدالت حکم صادر گردد. سلب حق حیات یک فرد بدون جرم (قصاص، فساد) همانند قتل تمام بشریت است. چنانچه در سوره مبارکه مائده/۳۲ آمده است: « هر کس، کسی را جز به قصاص و قتل، یا کیفر فسادی در زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته باشد، و هر کس، کسی را زنده بدارد، چنان است که همه مردم را زندگی داده باشد»

آموزه های بهار

"مهدی یاراحمدی خراسانی

هرپدیده و هرتجلی خود به نحوی هدایتگر انسان به اصل است وآن رانمی توان بی معنی دانست. بهار پدیده زیبایی است که باید آثار لطف وجمال وجلال خداوند گردون سپهر را در آن جستجو کرد. بهار فصلی است که هر انسانی را به تفکر و تأمل در زیبایی‌های طبیعت وا می‌دارد. از آنجا که به قول شیخ اجل سعدی شیرازی برگ سبز درختان در نظر هوشیاران و حقیقت جویان هر

ورقش دفتری از معرفت کردگار می باشد باید بهار را موسم حقیقت طلبی وخدا شناسی دانست. یکی ازخصوصیات تدبر وتعمق رویاندن اندیشه احساس دردل و روان آدمی است از این رو بهار تنها " دگرگونی در طبیعت " نیست، بلکه هنگامه " تحولی عمیق و هدفمند در روح و قلب آدمی " نیز می باشد. بدین صورت باید گفت: آمد و رفت بهار، تکرار درس های معلم طبیعت است که همواره در گوش انسان زمزمه گر این واقعیت است که ؛ رستاخیز آمدنی و بلاشک است و خداوند تمامی کسانی را که در قبرها آرمیده اند زنده می گرداند که این حقیقت در واقع بیانگر حیات مجدد و شور انگیز پس از مرگ می باشد.نرم نرمک صدای پای بهار به گوش می رسد و نسیم دل انگیزبهاری پیام طراوت و شادابی، امید و سرزندگی و شور و نشاط را به گوش همگان می رساند.چقدر تمام ناشدنیمی نمود شب های بلند و یلدایی زمستان !زمستان، امسال بیش از همیشه ادعای ماندگاری داشت .سردی ، جمود و تاریکی چنان همه جا را فراگرفته بود که گویی زمستان سیطره ای دائمی بر طبیعت و زمین دارد. ولی این بهار است که با دست و پنجه نرم کردن با آن بار دیگر پیروزمندانه و طرب انگیز شور زندگی را بر جمود و سردی مستولی می گرداند.زمستان رفت. چون مانند همه امور دنیوی محکوم به رفتن بود. اما با رفتن آن دو چیز به جا ماند: یکی پاداش بهار برای صابران و دیگری رو سیاهی برای ذغال.حیات دوباره طبیعت در واقع یکی از نمایش های خداوند مهربان در جهان است، طبیعتی که در فصل زمستان می‌میرد و سبزی وشادابی خود را از دست می‌دهد، اما در فصل بهار دوباره زنده شده وجانی تازه می گیرد. طبق تعبیر قرآن، خداوند بادها را می‌فرستد که ابرها را برانگیزد، آن گاه آن را به سوی سرزمین مرده می‌راند تا زمین را پس از مرگش دوباره زنده کند. توصیف طبیعت و حیات دوباره آن یک نمونه از شگفتی‌های طبیعت در قرآن است، اما جالب است بدانیم هدف این توصیف، نشان دادن طبیعی حیات انسان پس ازمرگ است. به عبارت دیگر برای آن است که بدانیم چگونه پس از آنکه تمام جسم پوسید و متلاشی شد، دوباره زنده می‌شود، همان‌گونه که طبیعت زمین پس از پژمردگی و خزان ومرگ حیاتی مجدد پیدا می کند.دستی در سراپرده طبیعت، نعمت بهار را برای انسان وتمامی جانداران تدبیر می کند و این نعمت درجهت آسایش و رفاه همراه با (ابر و باد و مه و خورشید وفلک) در کار است. بهار رستاخیز کوچک و سمبلی از رستاخیز بزرگ است. بهار فصل رویش، شادی و زندگی می باشد و از منظر قرآن آیه و نشانه‌ای است که باید مورد توجه اهل بصیرت قرار گیرد. خداوند متعال بارها در قرآن به فصل بهار و رویش گیاهان اشاره کرده و کلماتی مانند « نبت » و «انبات» بسیار در قرآن ذکر شده که هدف اصلی آن از بحث زندگی و احیای مجدد طبیعت ، تبیین و تمثیل واقعی از معاد و رستاخیز بوده است. در قرآن کریم نیز بهار به رستاخیز طبیعت تعبیر شده و این امر را می‌توان از آیه پنج سوره مبارکه «حج» نیز استنباط کرد. هدف اصلی قرآن از بحث زندگی و احیای مجدد طبیعت تبیین و تمثیل واقعی از معاد و رستاخیز بوده است. در واقع تجدید حیات طبیعت به خاطر آن است که خدای هستی بخش انسان را متوجه اعتقاد وباحقانیت زنده شدن بعد ازمرگ گردانیده و او را برضمیرخویش راسخ ترمی سازد. به بیان دیگر؛ بهار با خود پیام دارد. پیام زندگی، پیام دوباره زیستن و پیام دوباره نگریستن. بهار همراه با رویش، زیبایی و انبساط است و همین امر را باید مدنظر قرار داده و با تجدیدنظر در اعمال و رفتار به‌گونه‌ای عمل کنیم که زیبایی، زندگی و شادی آفرینی را برای خود ودیگران به ارمغان بیاوریم. مانند بیشتر عناصر طبیعت بهار نیزدرس هایی آموزنده و زندگی ساز دارد که حیات بخش و تأمل انگیز است. تنوع، شادابی، تبادل، تحول و حیات آفرینی مهمترین آموزه های بهار می باشد.۱- تنوع؛ در بهار، تنوع خاصی در رنگها و جلوه های طبیعت ، درختان، گیاهان و گلها مشاهده می شود. زندگی متعادل نیز باید برخوردار از تنوع ویژه ای باشد. کار، استراحت، اوقات فراغت، مطالعه، ورزش ، ارتباط با خدا و ... همگی عناصری از یک زندگی متنوع بوده و در جای خود، مهم و با ارزش تلقی می شوند.۲- شادابی؛ بهار، آکنده از شادابی و طراوت است،به گونه ای که معرّف تحول و دگرگونی در تمامی طبیعت می باشد. زندگی متعادل نیز برخوردار از شادابی و سرزندگی است. باید در زندگی مشوّق روح شادمانی و مسرت باطنی باشیم و هر یک بر دیگری در این امر، سبقت بجوییم.۳- تبادل؛ از زیبایی های بهار، تعادل در هواست؛ نه آن چنان سرد است که گزنده باشد و نه آن

انـدازه گرم است که سوزنده باشد. هوای ملایم و نسیم فرحبخش بهار، جان ها را گرمی می بخشد. باید درزندگی متعادل، با الهام ازمکتب بهـار، در روابـط متقابـل خویش به دور از هر گونه افراط و تفریـط ، مناسـباتی گرم و ثمربخش را پی ریزی کرد. روابط نه افراطی اسـت کـه بـه وابسـتگی و اتکـای بیش از حـد بینجامـد و نـه سـرد و قهر آمیز است که بـذرهای محبت و عـاطفه را از قلـوب برکند.۴- تحـول؛ طـبیعت پس از دوره افسـردگی و خمودی خزان در طراوت بهـار به وجـد می آیـد و دگرگونی هـایی را در خود پـذیرا می شود. انـدام خشـکیده گیاهـان و درختـان در گـذر از رکود و رخوت زمسـتان به شور و جـذبه بهـار، جوانه های حیات را برخود ظـاهر می سـازد. چنین تغییر و تحولی در طبیعت ، این پیـام را برای هر فردی در بردارد": حـال که طـبیعت متحول شـد، تنها انسان ها که برتر از طبیعت اند و اشـرف مخلوقات ، باید دراین دگرگونی ها برطبیعت، سـبقت جویند. "هر فردی باید نیک بیندیشد که نسبت به از دست دادن سرمایه عمر و سپری نمودن بهترینسال های زندگی، چه حاصلی اندوخته؟ و با چنین سرمایه ای، دست به چه معامله ای زده است؟ چنین انـدیشه ای ، بارور و زاینده است و انسان را فراتر از پوچی و ابتذال ، به رشد و تعالی می خواند. امام سجـاد علیه السـلام در دعـای مکـارم الاخلـاق می فرماینـد ": خـدایا به من عمرطولانی عطا فرما تا زمانی که عمرم در راه اطاعت و بنـدگی ات صـرف شود و اگر روزی برسـد که سال هـای زنـدگی ام چرا گاه شـیطان گردد ، مرا فرصت مـده".۵- حیات آفرینی؛ بهارحیـات است و حیـات آفرین، آن گونه که نسیم بهـاری بر روح هـا و جـان ها می وزد، حیاتی دوباره در کالبـدها می دمـد و به عبـارتی، بهارعلاـوه بر سر زنـدگی ، زنـدگی سـاز نیزهست.گفت پیغمبر به اصـحاب کبـار تن میوشـانیـد از بـاد بـهارآنچه با برگ درختان می کند بـا تن و جان شـما آن می کندبهار یعنی؛ آغازی دوباره بر پایان شیرین سختی ها، یعنی امیدواری به شکفتن مجدد، یعنی رسـتاخیز طبیعت، یعنی حیات بعـد از ممات و یعنی اشتیاق وصف ناپـذیر زندگی.خردمندان بر این موضوع وقوف کامل دارند که به دنبال هرسپیده دم، شب سیاهی نیز می باشد ودرپی هربهاردل انگیزی فصل دگرگونگری است به نام برگ ریزان و زمسـتان! پس عقل سـلیم حکم می کند به دنبال هرسـرور وشادمانی، فرا رسیـدن غمی بیکران را از یاد نبرد ولازمه همه اینها ابراز امتنان است وادای شکر به بارگاه خدای منّان.اکنون که با عنایت قادر متعال توفیق درک بهار دیگری حاصل گردیده است مستانه وشورانگیز از این نعمت بزرگ، به هنگـامه " ؛ اذا رأیتم الربیع " مشـتاقانه ذاکر و شـاکر نعمت هـای بیکران ایزد منـان خواهیم بود پس "؛ فـاکثرو ذکر النشور." http://www.resalat-news.com/Fa/?code=۵۷۷۸۷

تقوای جمعی؛ فصل الخطاب ارتباطات اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

و لبـاس التقوی ذلک خیر : اشاره : رهبر معظم می فرماینـد: « مجموعه ها و جمع ها و جریان ها، علاوه بر تقوای فردی اعضای خود، باید در نگاه کلان از تقوای جمعی نیز برخوردار باشـند چرا که در غیر این صورت، افراد متقی حاضـر در این جریان ها نیز، به علت خطای عمومی جمع، به انحراف و خطا می افتند.» ایشان با ذکر مثالی در این زمینه افزودند: «جریانی که اوایل انقلاب به جریان چپ مشـهور بود و شعارهای خوبی می داد با وجود داشتن آدم های با تقوا، از مراقبت و تقوای جمعی غافل شد و کار به جایی رسید که «فتنه گران ضـد امام حسـین (ع) و ضـد اسـلام و امام»، به آن ها تکیه کردنـد که این واقعیت نشان می دهـد غفلت از تقوای جمعی، خطری بسـیار بزرگ است. » بر این اساس در این مجال مطالبی در این زمینه ارائه می گردد.سخن اول: تقواتقوا از ماده « وقی» است که به معنای حفظ و صـیانت و نگهداری است. اگر این کلمه به صورت اسـمی استعمال شود مثل کلمه « تقوا» و یا کلمه « متقین» به پرهیزگاری ترجمه می شود. این کلمه از کلمات شایع و رایج دینی است در قرآن کریم به صورت اسمی و یا به صورت فعلی زیاده آمـده است تقریباً به همان انـدازه که از ایمان و عمل نام برده شـده و یا نام نماز و زکات آمده و بیش از آن مقدار که مثلاً نام روزه ذکر شـده از تقوا اسم برده شـده است .در نهج البلاغه از جمله کلماتی که بسـیار روی آن تکیه شده کلمه تقوا است در نهج البلاغه

خطبه ای طولانی است به نام خطبه متقین. این خطبه را امیر المومنین در جواب تقاضای همام فرمود. ابتدا حضرت از بیان ویژگی های متقین استکاف کرد و به ذکر سه چهار جمله اکتفا فرمودند ولی همام بن شریح که مردی مستعد بود قانع نشد و در تقاضای خود اصرار کرد . امیر المؤمنین شروع به سخن کرد و با بیان بیش از صد صفت و ترسیم بیش از صد رسم از خصوصیات معنوی و مشخصات فکری و اخلاقی و عملی متقیان سخن را به پایان رساند. مورخین نوشته اند که پایان یافتن سخن علی علیه السلام همان و قالب تهی کردن همام بعد از یک فریاد همان .سخن دوم: معنا و حقیقت تقواتقوا برای روح مانند خانه است برای زندگی و مانند جامه است برای تن. در قرآن مجید از تقوا به جامه تعبیر شده در سوره مبارکه اعراف آیه ۲۶ خداوند بعد از آنکه نامی از جامه های تن می برد می فرماید : « و لباس التقوی ذلک خیر» یعنی تقوا که جامه روح است بهتراست. تقوا به معنای عام کلمه لازمه زندگی هر فردی است که می خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی کند و از اصول معینی پیروی کند. بر این اساس تقوای دینی و الهی یعنی این که انسان خود را از آنچه از نظر دین واصول خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود.از آنچه در اطراف لغت تقوا گفته شد تا اندازه ای می توان معنا و حقیقت تقوا را از نظر اسلام دانست ولی لازم است به موارد استعمال این کلمه در آثار دینی و اسلامی بیشتر توجه شد تا روشن گردد که تقوا یعنی چه؟ انسان اگر بخواهد در زندگی اصولی داشته باشد و از این اصول پیروی کند خواه آنکه آن اصول از دین و مذهب گرفته شده باشد یا از منبع دیگری ناچار باید یک خط مشی معینی داشته باشد به عبارت دیگر هرج و مرج در کارهایش حکم فرما نباشد. لازمه خط مشی معین داشتن و اهل مسلک و مرام و عقیده بودن این است که به سوی یک هدف و یک جهت حرکت کند و از اموری که با هوی و هوسهای آنی او موافق است اما با هدف او و اصولی که اتخاذ کرده منافات دارد خود را نگهداری کند.سخن سوم: تقوای جمعی و آسیب های گروه در اسلام جمع گرایی و برگزاری اجتماعات اهمیت زیادی دارد. جمله معروفه ی " یدالله مع ید الجماعهٔ "نیز حکایت از این مهم دارد. برای همین ثواب برگزاری نماز به صورت جماعت یا شرکت در نماز جمعه غیر قابل شمارش است. نکته قابل ذکر این است که همانطور که اسلام به تشکیل اجتماعات اهمیت زیادی داده است برای برقراری و تداوم نظام های اجتماعی نیز قواعد وقوانین متعددی وضع نموده که رعایت آن ضامن بقای سلامت جمعی و گروهی است. افراد زیادی وجود داشته و دارند که در قالب رفتار فردی بسیار موجه و قابل قبول هستند ولی متأسفانه بعضاً مشاهده می گردد در قالب انحرافات گروه ها در مسیر یک جریان قرار گرفته و منحرف می شوند. که نمونه ی بارز آن امروز در ورزشگاه های کشور قابل مشاهده است. بسیاری از جوانانی که در قالب گروه های هوادار یک تیم ورزشی هستند به شخصه انسان های منظم و با ادبی هستند ولی در قالب گروه اجتماعی و در مسیر هیجانات یک مسابقه ی ورزشی از خود بی خود گشته و در یک حرکت عجیب فحاشی یا بی نظمی می کنند ویا به اماکن ورزشی آسیب وارد می نمایند. این خود مثال بسیار ساده ای است که به سایر گروه های اجتماعی نیز قابل تعمیم است. در تعریف گروه داریم": گروه چیزی فراتر از اجتماع افراد است "بر همین اساس برای مصون ماندن از آسیب های گروه ها یا اجتماعات با مفهوم " تقوای جمعی مواجه می شویم که مقوله ای فراتر از اجتماع افراد متقی است. سخن چهارم: مصادیق عملی مفهوم تقوای جمعی در نظام اسلامی تقوای جمعی مصادیق عملی دارد. اگرجریانات و گروه ها در نظام ارتباطات اجتماعی خود، جذب حداکثری و دفع حداقلی، اثبات خود به جای نفی دیگران، روحیه جمع گرایی، داشتن نظام سیستمی وکل نگر، در نظر گرفتن منافع ملی، تحمل نظرات مخالفین، احترام به قانون و حقوق دیگران و ... را رعایت نمایند تقوای الهی در قالب گروه ها و نظام های اجتماعی مختلف متجلی می گردد. سخن پایانیامروزه نظام اجتماعی به گونه ای است که آدمی برای رفع بسیاری از نیازهای خود به صورت فردی توانایی کافی ندارد. از این رو گروه ها، جمع ها، تشکل ها، حزب ها و سازمان های متعددی تشکیل گردیده است. به طوری که هزاره ی سوم هزاره سازمان هاست. حال اگر در ارتباطات اجتماعی افراد عضو گروه های مختلف، برای تحقق منافع گروه یا دسته ی خود منافع دیگران را نفی کنند –با عنایت به قابلیت هم افزایی گروهی– اتفاقات نا بهنجاری در اجتماع می

افتـد که به مراتب بدتر از عدم رعایت تقوای فردی است. حال که کلام رهبری فصل الخطاب است (باید باشد) پس دیگر تفسیر به رأی و اجتهاد شخصـی در نظام ارتباط اجتماعی معنایی ندارد. هر اجتماع و گروهی در هر جایگاه و مقامی که قرار دارد می بایست به حبل الهی متمسک شود و حول محور واحد که بر اساس دسـتورات خدا و معصوم(ع) نظام اسـلامی را مدیریت می کند خالصانه حرکت نمایـد و از ایجـاد تفرقه در بین مسـلمین پرهیز نمایـد. که فی الواقع " در خـانه اگر کس است یک حرف بس است. "واین یک حرف همانا رعایت تقوای جمعی برای سـلامت نظام ارتباطات اجتماعی است. از این رو لازم است همیشه از خـدا بخواهیم که به جمع مـا تقوا عنـایت فرمایـد": الهی انطقنی بالهـدی و الهمنی التقوی. "تقوای جمعی مفهومی است که بوسیله ی آن گروه هـای اجتماعی همواره خود را در چارچوب یک منشور اخلاقی که منبعث از شرع مقدس است دانسته و همواره رفتار خود را با آن تطبیق و تنظیم می نمایند.

دروغ نگی(م)!

مهدی یاراحمدی خراسانی

« أنَّ لَعْنَتَ اللّهِ عَلَیْه إن کـانَ مِنَ الْکـذِبینَ؛ لعنت خـدا بر او بـاد اگر از دروغگویان باشـد »: سـخن اول: دروغ: دروغ در حوزه رذایل اخلاـقی و نابهنجـاری اجتمـاعی به معنای سـخن ناراست، خلاف حقیقت و یا واقعیت و گفتاری ناحق است. البته برای دروغ اقسام و انواعی گفته انـد و برای هر یـک از آنهـا نـام هـای خاصـی گذاشـته شـده است. از جمله می توان به افـک و افترا اشاره کرد. راغب اصـفهانی در کتـاب مفردات الفـاظ القرآن بر این بـاور است که اصـل کـذب و دروغ در گفتار است. تفاوتی در دروغ از این لحاظ نیست که در گذشـته اتفاق افتاده باشد یا در آینده؛ چنان که تفاوتی از این جهت وجود ندارد که دروغ نسبت به وعده ای باشد که انجام نمی شود و یا امر دیگری باشـد.سـخن دوم: اولین دروغگو نخستین دروغ را شیطان به انسان گفت. ابلیس که خواهان خلافت الهی بر زمین بـود، علاـوه بر اینکه حقیقت را به گونه ای دیگر توصـیف کرد تـا انگیزه ای برای خوردن حضـرت آدم(ع) از درخت ممنوع شود، بـا سوگنـدهای دروغین خویش، وی را به انجـام این عمل واداشت: « فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّیْطانُ لِیُبْـدِیَ لَهُما ما وُورِیَ عَنْهُما مِنْ سَوْآتِهِما وَ قالَ ما نَهاکُما رَبُّکُما عَنْ هـذِهِ الشَّجَرَهِٔ إلاّ أنْ تَکُونا مَلَکَیْنِ أوْ تَکُونا مِنَ الْخالِـدینَ»؛ « سـپس شـیطان آن دو را وسوسـه کرد تـا آنچه را از انـدامشان پنهـان بود، آشـکار سـازد و گفت: پروردگارتان شـما را از این درخت نهی نکرده، مگر به خاطر اینکه (اگر از آن بخوریـد،) فرشـته خواهیـد شـد یـا جـاودانه (در بهشـت) خواهیـد مانـد».سـخن سـوم: همـه می داننـد همـه دروغ می گوینـد!دروغگـویی بـه عنـوان یـک رفتـار ناسـالم و نابهنجـار، از سـوی همه انسـان هـا در طـول تاریـخ بشـریت ناپسـند شـمرده می شود.دروغ، رفتاری است که در فرایند کلی رفتار انسان ها ثبت شده، جاافتاده و در شـرایط مختلف، با اشـخاص مختلف به کار برده می شود. عمل دروغ را نه تنها در گفتار و نوشـتار که در رفتار و کردار و در فکر و نگاه و سـکوت هم می توان بازشـناخت. هرچند دروغگویی به عنوان یـک نابهنجـاری اجتمـاعی از سوی دین، گناه بزرگ دانسـته شـده است و دروغگویان به عنوان دشـمنان خـدا شنـاخته شـده انـد، اما دروغگویی به عنوان رفتار اجتماعی، بخشـی از رفتارهای روزمره و زنـدگی اجتماعی ما را تشـکیل می دهـد. شگفت آنکه همه می دانیم دروغ می گوییم، می دانیم مردم دروغ می گوینـد، همه می دانند ما دروغ می گوییم و بالاخره همه می دانند همه دروغ می گویند!سـخن چهارم: شـیطان و ابلیس؛ منشأ دروغقرآن به انسان هشدار می دهد که شیاطین و یاران ابلیس الهام کنندگان دروغ بر دروغگویان هستند (شعرا: ۲۲۱) و آنان هستند که به این نابهنجاری دامن می زنند. قرآن به انسان هشدار می دهد که شیطان به عنوان بنیانگذار دروغ و کسـی که از این طریق کوشید تا به اهداف پست خود دست یابد، موجودی است که انسان را تشویق به دروغ می کند. قرآن در داسـتان آفرینش و خلافت انسان گزارشـی کامل از واقعه به دست می دهد و در آن جا به اموری توجه می دهد که بسیار حیاتی و حساس است. قرآن گزارش می کند که ابلیس برای دست یابی به اهداف خویش و خوار و گمراه

کردن انسان به دروغ متوسل می شود و نخستین موجودی است که از آن برای دست یابی به اهداف شوم خود سود می برد. به نظر می رسد که ابلیس بی دروغگویی نمی توانست آدم را گمراه کند و لذا برای گمراه کردن وی از سوگند دروغ بهره برد. سخن پنجم: چرا دروغ می گوییم؟چرا دروغ می گوییم : ما دروغ می گوییم تا کارمان پیش برود پس ما فی الواقع در یک موضوع طوری تغییر ایجاد می کنیم که طرف مقابل مان لذت بیشتری ببرد و خودمان نیز به موفقیت بیشتری دست یابیم مثلاً می گوییم " چقدر امروز عالی به نظر می رسی " و یا اینکه " من واقعا با تمام حرف هایت موافقم " در صورتی که یقین داریم حقیقت این نیست ولی برای دست یافتن به موفقیت و منافع بیشتر دروغ می گوییم گاهی اوقات نیز دروغ می گوییم زیرا می خواهیم اطرافیان خود را به آنچه می گوییم متقاعد کنیم تا آنها حرف هایمان را راحت تر و بیشتر باور کنند یا اینکه دلایل بسیاری را می توان برای دروغگویی ذکر کرد اما بطورکلی می توان گفت دروغ گفتن یک تاکتیک نادرست اجتماعی است برای رسیدن به آنچه که در صدد به دست آوردنش هستیم .سخن ششم: عامل های دروغگرایش به دروغ و دروغ گویی عامل هایی دارد که برخی از آن ها عبارتند از: وسوسه های شیطانی، چیرگی شیطان بر انسان، ضعف قدرت و نفاق، حسادت، گناه پیشگی و مکر. بی گمان حسادت، عامل بسیاری از نابهنجاری ها، و رذایل اخلاقی است و از این لحاظ می بایست گفت که حسادت حتی عامل مهم در کفر ابلیس و رانده شدن حضرت آدم(ع) از بهشت است. انسان به جهت حسادت نسبت به دیگری گرفتار اخلاق زشت دروغ می شود. نمونه و مصداقی که قرآن مطرح می سازد داستان برادران یوسف(ع) است که برای جلب اعتماد حضرت یعقوب و دست یابی به منفعتی، دروغ بر زبان راندند است. (یوسف آیه ۹ و۱۱) عامل دیگری که قرآن شناسایی ومعرفی می کند گناه پیشگی انسان است. در حقیقت دروغ گویی ریشه در گناه دارد از این رو در آیه ۷ سوره جاثیه می فرماید: وای بر هر دروغگوی گناهکار. در این آیه اثیم به عنوان تعلیل و علت و عامل دروغ بیان شده است. قرآن مکر زنانه را نیز به عنوان عامل دروغگویی مطرح می سازد. (یوسف آیه۲۵ تا ۲۸) شخص می کوشد تا با توجیه رفتار خویش و زشت نشان دادن رفتار دیگری خود را تبرئه نماید. از این رو مکر، هم می تواند زنانه باشد و هم غیرزنانه و هم دروغگویان از این شیوه برای دست یابی به اهداف خاصی بهره می برند.سخن هفتم: آثار دروغ و دروغگویی هر نابهنجاری آثار و تبعاتی در فرد و جامعه و در دنیا و آخرت به جا می گذارد. از مهم ترین آثار دروغگویی در حوزه اجتماعی، سلب اعتماد عمومی است. افزایش دروغ در میان افراد جامعه، هرگونه قضاوت و داوری درستی را سلب می کند و اشخاص در تعامل با یک دیگر نمی توانند به گفتارهای یک دیگر در هیچ حوزه ای اعتماد کنند. از آثار دیگری که قرآن برای دروغ بر می شمارد آثاری است که به حوزه شخصی باز می گردد. قرآن بیان می کند که نخستین کسی که از دروغ زیان می بیند خود دروغگوست. (غافر آیه ۲۸) قرآن از مردم می خواهد که از دروغ پرهیز کنند زیرا دروغگویی امری زیان آور برای انسان است (همان) افزون بر این موجب می شود تا در زمره ستمگران قرار گیرد (آل عمران آیه ۹۴ و انعام آیه ۲۱ و ۹۳ و ۱۴۴) و در دنیا از رستگاری محروم گردد (یونس آیه ۶۹ و نحل آیه ۱۱۶) و از هدایت الهی نصیب و بهره ای نبرد. (زمر آیه ۳ و نیز غافر آیه ۲۸) و در آخرت نیز روسیاه برانگیخته شود. (زمر آیه ۶۰) سخن هشتم: اهداف و انگیزه های دروغگویان۱- برخی برای رهایی از فشار قدرت و یا احساس فشار قدرت ظالمانه، به سمت دروغگویی گرایش می یابند و معتقدند که می توانند با دروغگویی، خود را از آسیب های احتمالی قدرت و اعمال آن دور نگه دارند.۲- پنهان کردن جرم و جنایت نیز از دیگر اهداف و انگیزه های دروغ گویی است؛ زیرا شخص از اعمال قانون می ترسد و می کوشد تا با نهان کردن جرم خویش از راه دروغگویی از زیربار مجازات، شانه خالی کند.۳- برخی نیز برای فریب دیگران از آن استفاده می کنند: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطانُ قالَ يا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لا يَبْلى»؛ «ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم؟».سخن نهم: مضرات دروغمهمترین مضرات دروغ به شرح زیر معرفی می گردد:۱- نابود کننده ایمان: به یقین اعمال نیک هر انسانی پاداش شایسته ای دارد، اما کسانی که می خواهند کارهای نیک خود را با گناه و دروغگوئی همراه سازند،

هرگز از کار خیر خود بهره ای نخواهنـد برد؛ زیرا دروغ گفتن به اصل ایمان لطمه می زنـد و عمل منهای ایمان به خداونـد چه اثری خواهـد داشت؟ امـام بـاقر «علیه السـلام» فرمود: «إنَّ الکَـذِبَ هُوَ خَرَابُ الإیمَـانِ؛ دروغ نـابود کننـده ایمـان است.»۲- شـاخص ترین علامت نفاق: خداوند متعال در سوره منافقون به بعضـی از نشانه های اهل نفاق پرداخته و به مردم معیار کلی معرفی می کند که اگر کسـی این صـفات نازیبـا را داشـته باشـد از او حـذر کنیـد و در معاشـرت با وی کمال احتیاط را داشـته باشـید.شاخص ترین علامت منافقین دروغ گفتن آنان در ارتباط با دیگران است. آنان نه تنها اخبار دروغ و گزاره های کذب را در گفت وگوهایشان به کار می گیرند، بلکه با قسم هائی که بر آن می افزایند در سقوط به دره هولناک معصیت شتاب می ورزند.۳- سلب اعتماد عمومی: انسان بر اثر دروغگوئی، نه تنهـا اعتمـاد به نفس خود را از دست می دهـد، بلکه اعتمـاد عمومی نیز از او سـلب شـده و جایگـاه اجتماعی اش متزلزل می گردد.در مقابـل، راسـتگوئی آن چنـان شخصـیت انسـان را بالاـ می برد که نه تنها مورد اعتماد عموم قرار می گیرد، بلکه مورد توجه بزرگـان و خواص نیز قرار خواهـد گرفت. روایت زیر این سـخن را کاملاًـ روشن می سازد.۴- در معرض لعن خداونـد: قرآن کریـم برای از میـان بردن ایـن صـفت زشـت، آثـار زیانبـار آن را بیـان می کنـد و می فرمایـد: «أنَّ لَعْنَـتَ اللّهِ عَلَیْه إن کـانَ مِنَ الْکـذِبینَ؛ لعنت خـدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد»۵- دوری از امام زمان(عج): حضـرت مهدی(عج) در مورد شـرایط دوسـتان راستین خود می فرماید: » فَلْیَعْمَلْ کُلُّ امْرِءٍ منکُم بِما یُقَرَّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنا وَلْیَتَجَنَّبْ ما یُدْنیهِ مِنْ کَراهِیَّتِنا وَ سَـخَطِنا؛ هر یک از شما باید به آنچه که او را به دوستی مـا نزدیـک می سازد، عمل کنـد و از آنچه که خوشاینـد ما نبوده و خشم ما در آن است، دوری گزینـد «بدون تردید دروغگو نمی تواند از دوسـتان خالص حضـرتش باشد.سخن دهم: موارد استثنا در مورد دروغناگفته نماند که در مورد دروغ مواردی اسـتثنا شده است که در آنها صلاح جامعه و افراد ملاک است. امام صادق (ع) فرمود: «المصلح لیس بکذّاب»؛ «کسی که واقعاً قصد اصـلاح داشـته باشد او در شمار دروغگویان نیست.»سخن یازدهم: الگوهای راست گویی۱- قرآن: امیرمؤمنان(ع) در گفت وگوها و رفتارهای فردی و اجتماعی خویش بر آیات الهی اصـرار ورزیـده و بر ترویج آن اهتمام ویژه ای داشت. آن حضـرت بر این باور بود که: قرآن راست ترین کلام است و ذره ای در آیات آن تردید وجود ندارد آن حضـرت می فرمود: « همانا این قرآن پنـد دهنده ای است که نمی فریبد و هدایت کننده ای است که گمراه نمی سازد و سـخنگویی است که هرگز دروغ نمی گوید.»۲- اهـل بیت(ع): سـیره ایشـان به عنوان برترین هادیـان بشـر و بهترین الگوهای انسانی می توانـد چراغ راه در این مسـیر گردد.حضـرت فاطمه (س) در خانه علی (ع) با عشق و صـفا و صـمیمیت زندگی کرد و در آخرین لحظات زندگی به شوهر وفادار خویش صادقانه اظهار داشت: « ای عموزاده! هیـچ گاه دروغ و خیانتی در زنـدگی از من ندیـدی و از وقتی که با من زنـدگی مشترک آغاز نمودی، هرگز با دسـتورات تو مخالفت نکردم». علی نیز در جواب او فرمود: «پناه به خدا [ای دختر پیامبر!] تو نسبت به خدا داناتر و نیکوتر و پرهیزکـارتر و بزرگوارتر و هراسـناک تر از آنی که بخواهم در مورد مخالفت با خود، تو را سـرزنش و توبیـخ نمایم.»۳- انسان های کامل: در مورد شـیخ عباسی قمی نوشته اند: در یکی از روزهایی که محدث قمی بیمار بود و بعد از آن رحلت نمود یکی از علمای تهران برای عیادت به حضورش رسـید. حاج شـیخ عباس آن روز بسیار متفکر و ناراحت بود. آن عالم پرسید: چرا ناراحتید؟ محدث قمی پاسـخ داد: در سـفری کـه به حـج رفتم در مکه معظمه خواسـتم به روش محـدثین که از یکـدیگر اجـازه می گیرنـد از یکی از محـدثان اهـل سـنت اجـازه نقـل حـدیث بگیرم. وقتی این منظور را بـا وی در میان نهادم، عالمی سنّی از من سؤالی کرد و من روی مصـالحی آن را انکـار نمـودم. اکنـون در این فکرم که فردای قیـامت چگـونه این سـخن غیر واقعی را در محضـر عـدل الهی تـوجیه کنم؟سـخن دوازدهـم: روانشناسی دروغنیمی از مردم جهان بطور میانگین در هر ۱۰ دقیقه سه دروغ می گوینـد از دروغ های پیش پا افتاده (من الان می خواسـتم بهت زنگ بزنم) گرفته تا دروغ های بزرگتر. پژوهشگران درباره اینکه " چرا ما دروغ می گوییم" " ؟ چرا حقیقت را وارانه جلوه می دهیم ؟ تحقیقاتی کرده اند و به این نتیجه نیز رسیده اند که دروغ گفتن همه گیر شده است و بیش از آنچه تصور می شود مردم به این عادت خو گرفته انـد. دروغ گفتن از پایین ترین سـنین زنـدگی ما شـروع می شود از همان دورانی

که تازه شروع به حرکت می کنیم. در ابتدا دروغ های مان ساده تر و بچگانه تر است و هرچه بزرگ تر می شویم دروغ ها شکل پیچیده تری به خود می گیرند و دیگر از دروغ های ساده خبری نیست در واقع یاد می گیریم که برای نجات خود از هر موقعیت آزار دهنده ای دروغ بگوییم. اگر چه از همان دوران کودکی دروغ گفتن را می آموزیم ولی دروغ گفتن نیز ریشه های تکاملی دارد اگر به زندگی حیوانات کمی توجه کنید در می یابید که آنها نیز دروغ های ساده می گویند. حتی گاهی اوقات برخی از آنها می توانند دروغ های پیچیده نیز بگویند. مثلا کرم شب تاب ، سیکنال هایی می فرستد تا گونه های دیگر کرم های شب تاب را جذب خود کند و کسی که به طرف او کشیده شود در نهایت طعمه او شده و خورده می شود شانپانزه و میمون، حیواناتی هستند که دروغ های پیچیده تری می گویند این حیوانات از نظر روانشناسی شخصیت های مرموزتری داشته و شباهت زیادی به انسانها دارند. از منظر روانشناسی مردم با دروغ گفتن پایه های روابط خود را با ارتباطات غلط و نادرست آغاز می کنند.سخن پایانیا آن که دروغ در میان همه ملت ها و ادیان امری ناپسند شمرده می شود ولی همگان بدان تمسک می جویند و برخلاف باورها و اعتقادات خویش دروغگویی را گاه به صورت پیشه و گاه به صورت موردی انجام می دهند. برخی از افراد بیش از دیگران به دروغ تمایل و گرایش دارند. این افراد کسانی هستند که از نظر شخصیتی، خود را با گناه آلوده کرده اند ولی از آن جایی که نمی توانند به آسانی و در همه جا رفتارهای نابهنجار و غیرقانونی خود را انجام دهند به دروغ گرایش می یابند تا در پناه دروغ، اعمال و رفتار خویش را پسندیده جلوه دهند. برخی بر این باورند که عامل فزاینده نابهنجاری ها و گناهان در شخص و جامعه، دروغ و دروغگویی است. هر چند که هنجارشکنی و گناه، ریشه در علل و عوامل دیگری دارد ولی افزایش گرایش فرد به گناه را می بایست در دروغگویی انسان دانست. اگر شخص به جهت کسب منافع و یا مصالح، قانون را زیر پا می گذارد و با عبور از قانون و هنجارهای پسندیده اجتماعی می کوشد تا به آن منافع دست یابد این عامل دروغ است که این مساله را سامان می دهد و با تغییر وجوه ناپسند و زشت آن، مساله را در ظاهر پسندیده و هنجاری می نمایاند. امام علی(ع) در خطبه ملاحم، شیوع دروغگوئی را از نشانه های آخر الزمان می فرمایند: «راستی از میان رفته و دروغ شایع می شود. مردم در زبان با هم دوست و در دل با همدیگر دشمن می شوند. به گناه افتخار می کنند و از پاکدامنی به شگفت می آیند.»

نگاهی به فلسفه وجوبی حجاب

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی

است، مبانی و ریشه و راه های این حقیقت را می توان از بطن قرآن و روایت های اصیل اسلامی به دست آورد.

سخن اول: مفهوم حجاب و عفافحجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می شوند و در نگاه اول به نظر می آید هر دو به یک معنا باشند, اما با جستجو در متون دینی و فرهنگ نامه ها به نکته قابل توجهی می رسیم و آن تفاوت این دو واژه است. در برخی کتب لغت حجاب را این گونه تعریف کرده اند: الحجاب: المنع من الوصول حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می شود. با توجه به معانی ذکرشده درمی یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است. اگر چه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است, ولی ظهور در نشئه مادی و طبیعی دارد یعنی پوشش ظاهری افراد و بویژه زنان را حجاب می گویند.که مانع از نگاه نامحرم به آنان می شود.گاه«عفت» به معنای قناعت آمده و مسایل مالی مورد نظر است, نظیر و آن کس که توانگر است, باید(از گرفتن اجرت و

سرپرستی)خودداری کند و آنکه تهیدست است, مطابق عرف بخورد. برخی از لغت شناسان عفت را به معنای" ترک شهوات و پاکی خوی و جسم "آورده اند.از مجموع معانی ذکرشده برای حجاب و عفاف می توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه بازمی دارد. عفاف، خویشتن داری با علائم و نشانه های رفتاری و گفتاری است و وجود آن بستگی به وجود نشانه های آن دارد پس حفظ عفاف بدون رعایت نشانه های آن ممکن نیست. عفت نمی تواند یک امر صرفاً درونی باشد و هیچ علامت بیرونی نداشته باشد. بخشی از تفاوت در نشانه های خویشتن داری زن و مرد، از تفاوت در خلقت آنها سرچشمه می گیرد و یکی از نشانه های عفاف پوشش است. عفاف بدون رعایت پوشش، قابل تصور نیست. نمی توان به زن یا مردی «عفیف» گفت در حالی که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می شود گرچه تفاوت رفتارهای انسانی و حیوانی ریشه در تفاوت خلقت و فطرت، گرایش ها و منش ها دارد. در اسلام از نشانه های برجستهٔ «عفاف» می توان به پوشش اسلامی (حجاب) اشاره نمود.(مطهری ۱۳۶۲)

سخن دوم: حجاب اسلامیاسلام آخرین آیین الهی و بالطبع کامل‌ترین دین است و برای همیشه و همه بشریت، از طرف خداوند عالم، نازل شده است، لباس را «هدیه الهی» معرفی نموده و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و انتظام مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است. از انحرافات و یا افراط و تفریط هایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است اجتناب نموده و در تشریع قانون، حدّ و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است.در حجاب اسلامی، سهل‌انگاری‌های مضروسختگیری‌های بی‌مورد، وجود ندارد. دستور به رعایت حجاب هم در قرآن کریم مطرح شده و هم در احادیث و روایات اسلامی. پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع)علاوه بر تأکیداتی که بر رعایت حجاب داشته‌اند، با ارائه دستورالعمل‌هایی، جامعه اسلامی را به‌سوی تهذیب و پاکی، رهنمون گشته‌اند.

سخن سوم: هدف و فلسفه حجاب هدف اصلی تشریع احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله‌ی تزکیه‌ی نفس و تقوا به دست می‌آید": هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِینٍ؛ اوست خدایی که میان عرب امّی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمیدانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند")از قرآن کریم استفاده میشود که هدف از تشریع حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست‌یابی به تزکیه‌ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی همچون: قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِکَ أَزْکی لَهُمْ؛ ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشمها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

سخن چهارم: مبانی و مصادیق حجاب احکام اسلام بر اساس جلب مصالح و دفع‌مفاسد مبتنی بر فطرت پاک انسان و عدم ضرراست خالق انسان بهتر از هر نهاد یا منبعی می‌داندکه نیاز فطری انسان چیست زیرا بدون تردید اگرپروردگار را تنها علت اصلی پیدایش عالم هستی‌بدانیم به طور قطع علم و عدالت آن ذات‌بی‌همتا اقتضا دارد که منبع اصلی قانون گذاری نیزبرای رفتار و گفتار شخصی و اجتماعی انسان باشد. خداوند تنها برای دین شرافت و کرامت قائل‌است و بر همین اساس پارساترین افراد را باکرامت‌ترین می‌داند و حجاب در تعریف خالق‌انسان‌یکی ازنمادهای پارسایی است زن مسلمان‌واقعی پارسا و با کرامت است وخداوند راضی‌نیست زیبایی و محاسن چنین زنی در منظر و دیدافراد فاسد قرار گیرد تا در بعضی موارد مورداستمتاع و شهوترانی آنان واقع شود. حرمت زن‌مسلمان به اعتبار اسلام و پارسایی اقتضا دارد که‌زن مسلمان برخلاف زن کافر، محاسن و زیباییهای‌خود را از نامحرمان بپوشاند و مجاز باشد تنها برای‌محارم تا حدودی و برای شوهرش هیچ گونه‌حجابی نداشته باشد.حجاب چشم" : قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ (نور؛۳۰) ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشمها را از نگاه ناروا بپوشند" ".قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ(نور؛

۳۱)ای رسول به زنـان مؤمن بگو تاچشـمها را از نگـاه نـاروا بپوشـند".حجاب در گفتار: نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتـاری زنـان در مقابـل نامحرم است: فَلا تَخْضَـعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ(احزاب؛۳۲) پس زنهـار نـازک و نرم با مردان سخن نگوییـد؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.حجاب رفتاری : نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دسـتور داده شـده است به گونهای راه نروند که با نشان دادن زینتهای خود باعث جلب توجه نامحرم شوند وَ لا یَضْـرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ ما یُخْفِینَ مِنْ زِینَتِهِنَّ(نور؛۳۱) و آن طور پای به زمین نزننـد که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.از مجموع مباحث طرح شده به روشـنی استفاده میشود که مراد از حجاب اسـلامی، پوشـش و حریم قایل شدن در معاشـرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشـش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. بنابراین، حجاب و پوشـش زن نیز به منزله‌ی یـک حـاجب و مـانع در مقابـل افراد نـامحرم است که قصـد نفوذ و تصـرف در حریم ناموس دیگران را دارند.

سخن پنجم: منـافع حجابپوشـش یـا حجـاب، به صورتی که زیبائی ها و زینت زن را بپوشانـد و او را از چشم چرانی مردم هرزه و بی تربیت، و آلودگـان به شـهوت حیوانی، و حالات شـیطانی حفظ کنـد دسـتوری قرآنی، و قانونی الهی، و تکلیفی انسانی، و برنامه ای اخلاقی است.حجـاب و پوشـش اسـلامی که بهترین نوع آن چـادر است، چادری که یادگار منبع عصـمت و عفتی چون فاطمه زهرا (علیها السـلام) است، هیچ مانعی در راه دانش طلبی و رشد و کمال زن ایجاد نمی کند، بلکه او را از بسـیاری از خطرات، و دامهائی که حیوان صـفتان در راه زیبارویان، و دختران و زنان جوان قرار داده اند حفظ می کند، و پاکدامنی و سـلامت و عفت و حیای او را برای شوهرش یا اگر ازدواج نکرده، برای مرد آینده اش محفوظ می گذارد.

سخن پایانیحجاب و پوشـش برای بانوان به ویژه حجاب برتریعنی چادر توجه به حریم عفاف وحراست آن ازاصـلی ترین سـنگرزنان وازمهم ترین وعمیق ترین وسودمنـدترین قـانون الزامی آفرینش برای آنهـا وجامعه است. بنابراین بایـد تمام ابزارهای فرهنگ ساز از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سـیما به سوی ارزش های اسـلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش و حجاب برتر و مطلوب و امنیت اجتماعی فراگیر است، هدایت شوند و همه افراد به مهم ترین وجهی رهنمون گردند.زن مظهرظرافت وجمال آفرینش است. اصـلاح جامعه درگرو تقوای زن و محیط خانواده کلاس درس اوست.برهمین اساس زن مربی بشـر است ومی توانـد با تربیت فرزند امتی را رهـایی بخشـد.حـال جایگـاه والای این گوهر آفرینش اقتضامی کنـدکه در صـدف حجاب قرار گیرد تا ارزش های او حفظ شود و این است فلسـفه پوشـش که خـدای حکیم برای ناموس خلقت واجب کرده است.فلسـفه حجاب حفظ ارزش والای زن اسـت وازهمین رواست که خداوندپوشش دینی رابراوواجب ونگاه به بدن و موی سر اوراحرام فرموده است.

جوان شایسته از منظر اسلام

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشـــاره: دوران نوجــوانی و جــوانی دوران حســـاس و ســـرنوشت ســـاز و تعییـــن کننـــده شخصـــیت فرد اســـت. در ایـــن دوران غرور،هیجـان،احسـاس، شـهوت و نـاپختگی عقلی بر شـخص سایه می افکنـد. چیزی که می توانـد این احساسات را در مسیر سالم، هیجان و غرور را در طریق مثبت و شـهوت را در مسـیر مشـروع هـدایت نماید، قانون الهی یعنی قرآن و احادیث معصومین(ع) است. جوانی بهترین و حساس ترین دوره عمر انسان به حساب می آیـد. در همین دوره است که انسان می تواند سـرنوشت خویش را رقم بزنـد و افق آینـده خود را روشن و درخشـان و یا آن را تیره و تار سازد. در واقع قالب وجودی انسان در این دوره شـکل می گیرد و آینـده او هم بر همین اساس رقم می خورد.جوانی از نگاه قرآن واحادیثاز منظر قرآن مجموع فراز و نشـیب زندگی انسان دارای سـه مرحله می باشد؛ مرحله ضـعف کودکی، دوران قوت و جوانی، مرحله ضـعف پیری. قرآن کریم و روایات اسـلامی به دوره حساس

نوجوانی و جوانی عمر انسان اهمیت ویژه ای داده اند.چنان که امام صادق(ع) در این باره به یکی از اصحاب خویش می فرماید: چون جوان مسلمان قرآن بخواند،قرآن با گوشت و خونش آمیخته شود و خداوند متعال او را در زمره پیامبران والا مقام نزد خود قرار می دهد و خداوند خود در قیامت مدافع وی باشد.همچنین قرآن کریم با طرح الگوهایی از جوانان شایسته همانند اصحاب کهف و برخی از پیامبران جوان الهی و یادآوری برخی از داستان ها و نکات اخلاقی و تربیتی سیمای جوان شایسته را ترسیم می کند.در این راستا یک جوان شایسته از دیدگاه قرآن کسی است که تقوا و پرهیزکاری را پیشه می کند. پیامبر اکرم(ص) می فرماید: خداوند متعال به وجود جوان عبادت پیشه و باتقوا بر فرشتگان می نازد و می فرماید:این بنده من را بنگرید به خاطر من از هوای نفس خویش دست کشیده است.ویژگی های جوان شاسیته بر اساس آیات الهیبا مرور آیات شریف قرآن کریم می توان موارد زیر را به عنوان مهم ترین ویژگی های یک جوان شایسته عنوان نمود:۱- داشتن ایمان و دوری از شرک: قرآن کریم می فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده ایمان بیاورید.۲- عدالت طلبی و حمایت از مظلومان: از آن جا که جوان هنوز در نابرابری های محیط غرق نشده و به آن خو نگرفته و آلوده نشده است صفت عدالت طلبی و حمایت از مظلومان در او بیشتر تجلی دارد. قرآن کریم در این باره به جوانان عدالت طلب و حامی مظلوم حضرت موسی(ع) اشاره می کند.۳- کوشش و تلاش: دوره جوانی زمان تلاش، کوشش و نشاط است. قرآن در این باره نیز حضرت موسی را یادآور می شود و او را سمبل و الگوی یک جوان فعال و تلاشگر و پرتحرک معرفی می کند که بدون سرمایه و ثروت برا ی حضرت شعیب کار کرد و بعد از انتخاب همسر و تشکیل خانواده با ثروت فراوان به شهر خود بازگشت.۴- حق پذیری: جوانان زودتر به حقایق دل می بندد و در عمل نیز بی باک و جسور اند و اگر چیزی را حق ببیند در تثبیت آن مقاومت می کند .قرآن کریم برخی از جوانان اصحاب کهف را چنین می داند و می فرماید: ما داستان آنان را به حق برای تو بازگو می کنیم، آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما برهدایت شان افزودیم.۵-شهامت و شجاعت: از دیگر ویژگی های یک جوان شایسته از نگاه قرآن داشتن شهامت و شجاعت است .این دو از صفات کمال انسان است که بیشتر در جوانان نمود دارد.از جمله این جوانان می توان به حضرت داوود و حضرت ابراهیم اشاره کرد.۶- عفت و پاکدامنی: از دیگر ویژگی ها ی یک جوان می توان به عفت و پاکدامنی اشاره کرد .قرآن کریم در جایی در باره حیا و عفت دختران شعیب می فرماید: ناگهان یکی از آن دو زن به سراغ او آمد در حالیکه که با نهایت حیا گام بر می داشت.۷- پرهیز از افراط و تفریط: پرهیز از افراط و تفریط و رعایت اعتدال از دیگر ویژگی های یک جوان شایسته است .امام موسی کاظم(ع) در این باره می فرماید بهترین کارها معتدل ترین و میانه ترین آن هاست.جوانان در این مقطع از سن باید احساسات و شور جوانی را در خویش کنترل و هدایت کنند و از افراط و تفریط در امور بپرهیزند.۸- خوش اخلاقی و تواضع در برابر مردم:لقمان حکیم به فرزند جوانش سفارش می کند:پسرم با بی اعتنایی از مردم روی بر مگردان و مغرورانه بر زمین را نرو که خدادند هیچ متکبر و مغروری را دوست ندارد.۹- عبادت و امر به معروف و نهی از منکر: یک جوان شایسته باید در اقامه ی نماز بکوشد و مردم را از منکرات و زشتی ها نهی و به خوبی ها دعوت کند و در برابر سختی ها و مشکلات صبور باشد.۱۰- نیکی به پدر و مادر: از ویژگی های یک جوان شایسته، نیکی به پدر و مادر است.خداوند می فرماید: به پدر و مادر خود نیکی کنید همچنین به خویشاندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و...۱۱- یادآوری معاد و روز قیامت: یک جوان شایسته از نظر قرآن هیچ گاه یاد مرگ و روز قیامت و حساب و کتاب اعمال آخرت را فراموش نمی کند.لقمان به فرزند خویش می فرماید": پسرم اگربه اندازه سنگینی دانه خردلی (عمل خوب یا بد) باشد و در دل سنگی یا در گوشه ای از آسمان ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را در قیامت برای حساب می آورد، خداوند دقیق و آگاه است".۱۲- اهتمام به ازدواج: ازدواج یکی از محبوب ترین نهادها نزد خداوند و از سنت های پیامبر اسلام(ص) است که با آن می توان خود را تضمین کرد .جوان برای رشد خود نیازمند به آرامش روحی و فکری است و این آرامش می تواند در سایه ازدواج مهیا شود.علاوه بر این ازدواج اولین مرحله خروج از خود

طبیعی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است و انسان را پخته و شخصیت او را اجتماعی و ثمراتی چون حفظ و تقویت ایمان،بهره مندی از نشاط جوانی،پاک ماندن از فساد و انحرافات جنسی ومحفوظ ماندن از بیماریهای عصبی و روانی را به ارمغان می آورد.۱۳- دوری از هوای نفس و شهوت: بالاترین غریزه انسان غریزه شهوت است که اوج آن در دوران جوانی است و بزرگترین مانع رشد یک جوان شهوت و هوای نفس اوست. حضرت علی(ع) در این باره می فرماید هر کس از شهواتش پیروی کند به تحقیق در هلاکت به نفسش کمک کرده است.۱۴- طلب شخصیت و عزت شخص:جوانان در طلب شخصیت و کسب عزت نفس می باشند و مایلند هر چه زودتر شخصیتی ثابت و مستقل برای خود بسازد و موجبات رشد خود را فراهم نماید و صلاحیت های لازم را برای پذیرش در جامعه به دست آورد.پیامبر(ص) در این باره می فرماید: فرزند در هفت سال اول به سبب ناتوانی جسم و نارسایی فکر مورد عطوفت و ترحم والدین است و والدین از روی رحمت به خواسته ای او عمل می کنند،لذا کودک بر پدر و مادر آقایی می کند .در هفت سال دوم به سبب اینکه به اندازه ای نیرومند شده مانند گذشته مورد ترحم نیست و وظایف خود را در قالب دستور از پدر و مادر می گیرد .در هفت سال سوم که دوره بلوغ و جوانی است دوره ای دارای ارزش های والااست و پیامبر اکرم با دادن نسبت وزارت به جوانان در حقیقت چنین نکته ای را مورد اهمیت قرار می دهد:اول اینکه جوان دارای ارزش است و باید مورد احترام و تکریم قرار گیرد.دوم اینکه طلب شخصیت با کسب عزت یعنی ارزشیابی انسان در مورد خودش که با مفهوم هویت در ارتباط است ارتباط مستقیم دارد و ضعف و قوت خصوصیات شخصیتی هر فرد با میزان موفقیت وی در کسب عزت نفس در ارتباط است.۱۵- الگو یابی: یکی از مهمترین ویژگی های شخصت انسان در دوران جوانی الگو یابی است که در راستای رشد و شکل گیری هویت شکل می گیرد. قرآن کریم پیامبر اسلام را بهترین شایسته ترین الگو معرفی می نماید.سخن پایانیبرخی از افراد به غلط جوانی را دوران جهالت و نادانی می دانند. و هرگونه اشتباهی را با دلیل جوانی توجیه پذیر می دانند این در حالی است که از نگاه اسلام -که جامع ترین مکتب آسمانی است- جوانی دوران تلاش و کوشش و تفکر است. از این رو اسلام فعالیت های خردمندانه در دوران جوانی را ارزشمندتر می پندارد. و عبادت و پرهیزکاری را بهترین همراه انسان در بهار زندگانی می شمارد" در جوانی پاک بودن شیوه ی پیغمبری است. "دین مبین اسلام بیشترین توصیه ها را در هدایت و تربیت نسل جوان و رسیدگی و ساماندهی امور آن ها دارد. فرصت زندگی اولین نعمتی است که خداوند متعال به انسان ارزانی داشته است که بهترین دوره ی آن جوانی است. از این رو باید به گونه ای زندگی کرد که مدیون جوانی نشویم و به گونه ای جوانی کنیم که شرمنده ی زندگانی خود نباشیم. به قول مرحوم شهریار:از زندگانی ام گله دارد جوانی امشرمنده ی جوانی از این زندگانی ام

روزه؛ تمرین تقوا

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: تقارن ماه رحمت و میهمانی الهی با روزهای گرم، بلند و طاقت فرسای تابستان فرصت مناسبی است که کوله بار سنگین گناهان را به زمین گذاشته و زنگار عصیان، زشتی و پلیدی را که بر جسم و جان خسته مان نشسته در برابر باران رحمت الهی قرار دهیم و به قول شاعر " دست از مس وجود چو مردان ره بشوئیم "و حق جویانه به سوی حضرت دوست پرواز کنیم. و به راستی چه زیباست بنده ی گنهکار خدای مهربان با نفس خویش پیکار می کند، نفس را به زانو در می آورد و در دریایِ رحمتِ کریمِ شکست ناپذیر شناور می گردد. امام صادق (ع) می فرمایند: هر کس در روز بسیار گرم برای خدا روزه بگیرد و تشنه شود، خداوند هزار فرشته را می گمارد تا دست به چهره او بکشند و به وی بشارت دهند تا هنگامی که افطار کند. (الکافی، ج ۴، ص۶۴). تقوا؛ علت اصلی روزهانگیزه وجوب روزه از سوی خداوند متعال تمرین تقوا از سوی روزه داران است. تقوا در فرهنگ قرآنی از جایگاه ارزشی والایی برخوردار است. چنان که بسیاری از احکام و پاداش ها مبتنی بر این اصل است و حتی دریافت پیام های وحی و قرار

گرفتن در مسیر هـدایت الهی و بهره منـدی از آن منوط به تحقق نوعی تقوای عقلانـی و عقلاـیی است. تقوا به معنای نگه داشت و پرهیز از پلشتی ها و پلیـدی های عقلانی و شـرعی است. خداونـد متعال در بیان علت و انگیزه وجوب روزه برانسان ها درهمه ادیان به تقوا اشاره می فرماید: «خداوند به عنوان قانون بر شما روزه را نگاشت و حکم کرد چنان که بر کسانی که پیش از شما بودند این حکم نوشته شده تا شاید شما تقوا پیشه کنید. (بقره آیه ۱۸۳) درآیه کریمه به صراحت بیان شده است که هدف از روزه دست یابی روزه داران به تقواست و به کارگیری واژه لعل (شاید) به این علت است که روزه به معنای تقوا نیست بلکه تمرین تقوایابی است. بر این اسـاس است که فعـل (تتقون) آورده شـده است. به بیـان دیگر اموری که در مجموعه روزه مورد توجه قرارگرفته حتی در میان خردمنـدان عـالم به عنوان اموری تمرینی برای ایجـاد تقوا و مهـار نفس مطرح است و آن را برابر بـا تقوا نمی شـمارند. کیفیت روزه داری خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه ای برای آفریدگان خود قرار داده تا با طاعتش برای خشـنودی او از یکدیگر پیشی گیرند. در صـحف ادریس پیـامبر (ع) در کیفیت روزه داری آمـده است": هر گـاه وارد مـاه صـیام شدیـد، پس خویشـتن را از هر پلیـدی و ناپاکی پاک سازیـد، (درون خود را برای پـذیرش عبادت ویژه خداوند پاکسازی نمائید) و روزه بگیرید برای خداوند با قلبی خالص و نورانی و پاک از فکرهای بد، و صداهای نامفهوم و بی‌معنی و زشت، زیرا خداوند حبس می‌نماید دل های ناپاک و نیت های غیر خالص شـما را و دهن های شما نباید فقط با امساک از خوردنی ها صائم و روزه‌دار باشد. بلکه باید جوارح شما از گناهان نیز روزه باشد (یعنی اعضاء شـما هم باید از معصـیت‌خدا امساک نماید) و همانا خداوند راضـی نمی‌گردد و خشنود نمی‌شود از شما به اینکه فقط از خوردنی ها پرهیز کنیـد، بلکه از کل منکرات و زشتی ها بایـد پرهیز نمائید تا آنجا که تغییر حالت پیدا کنید."روزه در آیات و روایات۱- پایه‌های اسلام: اسلام بر پنج چیز استوار است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. (امام باقر .ع.)۲- فلسفه روزه: خداوند روزه را واجب کرده تا بدین وسیله دارا و ندار مساوی گردند. (امام صادق .ع.)۳- یادآور قیامت: مردم به انجام روزه امر شده‌اند تا درد گرسـنگی و تشـنگی را بفهمنـد و به واسـطه آن فقر و بیچارگی آخرت را بیابنـد.(امام رضا .ع.)۴- زکـات بـدن: برای هر چیزی زکـاتی است و زکات بـدن ها روزه است. (پیامبر .ص.)۵- سپرآتش: روزه سپر آتش (جهنم) است. (پیـامبر .ص.)۶- برترین روزه: روزه قلـب بهـتر از روزه زبـان اسـت و روزه زبـان بهـتر از روزه شـکم است.(امـام علی .ع.)۷- روزه چشم وگـوش: آنگـاه که روزه می‌گیری بایـد چشم و گـوش و مـو و پوست تو هم روزه‌دارباشـند.«یعنی از گناهـان پرهیز کنـد.» (امـام صـادق .ع.)۸- روزه اعضاو جـوارح: روزه‌داری که زبـان و گـوش و چشم و جـوارح خـود را حفـظ نکرده روزه‌اش به چه کـارش خواهـد آمـد. (حضـرت زهرا .س.)۹- بهشـت و روزه‌دارن: برای بهشت دری است‌بنـام (ریـان) که از آن فقـط روزه داران واردمی‌شونـد. (پیـامبر .ص.) ۱۰- روزه خواری: هر کس یـک روز مـاه رمضـان را (بـدون عـذر)، بخورد روح ایمـان از او جـدامی‌شود. (امـام صـادق .ع.)۱۱- ماه رحمت: رمضـان مـاهی است که ابتـدایش رحمت است و میـانه‌اش مغفرت و پایـانش آزادی از آتش جهنم. (پیامبر .ص.)۱۲- ماه قرآن: هر کس ماه رمضان یک آیه از کتاب خـدا را قرائت کند مثل اینست که درماههای دیگر تمام قرآن را بخواند.(امام رضا .ع.) ادای حق روزهـدر کلاـم برزگـان دین آمـده است: حـق روزه را ادا نکرده فردی که زبـان و گـوش و چشم و جوارحش را از محرمـات حفظ نکرده باشـد. یعنی روزه در معنـای واقعی حفـظ شـکم از کـل خوردنی هـا و نوشـیدنی ها و مبطلات دیگر وخلاصه‌ای از اجتناب از گناهـان و معصـیت‌خداوند می‌باشـد، زیرا روزه‌دار بـدون پرهیز از تمامی محرمات روزه واقعی را تحقق نبخشـیده است. نقل است از پیامبر اعظم (ص) که می فرماینـد: پنج‌خصـلت موجب افطار روزه و بطلان وضوء می شود: «خمس خصال یفطرن الصائم، و ینقضـن الوضوء الکذب، و الغیبهٔ و النمیمهٔ، و النظر بشـهوهٔ، و الیمین الکاذبهٔ» پنج صفت است که روزه را باطل و وضوء را می‌شکند؛ دروغ و غیبت و سخن چینی و نظر شهوت انگیز، و قسم دروغ. سخن پایانیبا شروع میهمانی خدا و طلوع ماه مبارک رمضان آسمان لبخند می زند و در های آن در شب اول ماه گشوده می گردد و تا آخرین شب بسـته نمی شود. و چه زیباست در این روزهای بلند عشق بازی بنـده با مهرِ ثابت و عشقِ پایـدار"؛ خـدای مهربان. "رسول خـدا (ص) فرمود: روزه گرفتن در گرما، جهاد است.(بحارالانوار، ج ۹۶،

ص ۲۵۷). سفره رحمت و مغفرت پهن می شود و همه می توانند (یعنی باید بتوانند) در این ماه خود را از بند نفس رهایی ببخشند و لغزش های گذشته را جبران کنند تا مورد آمرزش الهی قرار گیرند. و فرمایش رسول گرامیِ حق تکلیف را بر مؤمنان روشن می نماید: « بدبخت واقعی کسی است که این ماه را پشت سر گذارد و گناهانش آمرزیده نشود »

جهـــاد اعتقـــادی

مهدی یاراحمدی خراسانی

پیامبر اعظم(ع): الصوم فی الحر جهاد: اشاره: روزه ماه رمضان و سایر عبادات و شعایرِ دین فقط فعالیت های جسمی نیستند، بلکه همه این ها اعمالی هستند که از عقل و دل سرچشمه می گیرند و در قالب حس می‌ریزند و با آن همراه می‌شوند. از همین رو، هرگاه این اعمال بدون مشارکت و حضورِ دل و عقل انجام گیرد، بی روح، بی‌هدف، و تقلیدی می‌شوند و درواقع: انجام می گیرند اما تأثیری نمی‌بخشند. تقارن ماه رحمت و میهمانی الهی با روزهای گرم، بلند و طاقت فرسای تابستان فرصت مناسبی است که کوله بار سنگین گناهان را به زمین گذاشته و زنگار عصیان، زشتی و پلیدی را که بر جسم و جان خسته مان نشسته در برابر باران رحمت الهی قرار دهیم و به قول شاعر " دست از مس وجود چو مردان ره بشوئیم "و مجاهدانه و حق جویانه به سوی حضرت دوست پرواز کنیم. روزه؛ جهاد اعتقادیرمضان موسم تمرینِ جهاد است و آمادگی برای جنگ و ستیز با نفس اماره و آغاز بازگشت به خدا. اگر مبارزه با نفس را جهاد اکبر بدانیم روزه نوعی" مبارزه با نفس "ونوعی جهاد است که از اعتقادات ناب اسلامی نشأت می گیرد. روزه یک توفیق بزرگی است که چنین عمل مشقت زایی را برای ما آسان می‌نماید و بوستانی از خوبی‌ها را در اختیارمان می گذارد دل، قلب، روح و جان آدمی کانونی شریف و حساس است و آفریدگار هستی عرش خویش را دل مؤمنان قرار داده است. ولی گاهی این گوهر وجود آدمی دچار هیجان‌های منفی و تشویش‌ها و اضطراب‌های بیهوده می گردد، از جمله داروهای شفابخش این تلاطم‌های روحی روزه است که تمایلات را کنترل و تعدیل می‌نماید. رسول اکرم(ص) روزه را به یک سپر تشبیه کرده‌اند. به برکت این ویژگی روزه دار مراقب است از راه حق منحرف نگردد و از کژی‌های زبانی، رفتاری و کرداری پرهیز می کند و با زبان حال خویش می گوید این نفس اماره می‌خواهد چنین پاسبان قوی را که وجودم را تحت نظارت گرفته و این نگهبان مفید و مهربان را که قوای رذیلت و نکوهش شده را به زندان افکند از بین ببرد امّا دستش کوتاه است و به برکت معنویت روزه قادر نیست مرا از صراط حق منحرف کند.انگیزه وجوب روزه از سوی خداوند متعال تمرین تقوا از سوی روزه داران است. خداوند متعال در بیان علت و انگیزه وجوب روزه برانسان ها به تقوا اشاره می فرماید: «خداوند به عنوان قانون بر شما روزه را نگاشت و حکم کرد چنان که بر کسانی که پیش از شما بودند این حکم نوشته شده تا شاید شما تقوا پیشه کنید. (بقره آیه ۱۸۳) درآیه کریمه به صراحت بیان شده است که هدف از روزه دست یابی روزه داران به تقواست و به کارگیری واژه لعل (شاید) به این علت است که روزه به معنای تقوا نیست بلکه تمرین تقوایابی است. بر این اساس است که فعل (تتقون) آورده شده است. به بیان دیگر اموری که در مجموعه روزه مورد توجه قرارگرفته حتی در میان خردمندان عالم به عنوان اموری تمرینی برای ایجاد تقوا و مهار نفس مطرح است و آن را برابر با تقوا نمی شمارند. فواید روزه در آیات و روایاتاز نگاه آیات و روایات، روزه‌دارای آثار و فضایل زیادی دارد. برخی از مهم ترین آن عبارتند از: ۱- سلامت جسم و بدن: پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: صوموا تصحّوا؛ روزه بگیرید تا تندرست بمانید (شوید). یکی از پزشکان روسی به نام الکسی سوفورین روزه طبی (یعنی فرد ۴۰ روز فقط آب بخورد) برای تجویز بیماری‌های صعب‌العلاج تجربه کرده و نتایج موفقیت آمیزی از آن به دست آورده بود که استدلال این طبیب بدین شرح است: انواع بیماری‌ها از غذاهای زاید و اضافی که از معده می گذرد و به تصرف بدن نمی‌رسد، سرچشمه می گیرد. این مواد غذایی اضافه، تولید عفونت‌هایی می کند که بهترین شرایط را برای نشو و نمای میکروب‌ها و باکتری‌ها فراهم می‌سازد. بنابراین، اساس درمان همه آنها نیز

مصرف‌کردن و نابود ساختن آن مواد اضافی از طریق گرسنگی و امساک از غذاست. این دو اصل همان است که در عبارت کوتاه و پرمعنی از یک حدیث مشهور که از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده، صریحاً آمده است: المعدةُ بیتُ کلّ داء، و الحمئة رأس کل دواء؛ (بحارالانوار، ج ۱۴) معده خانه تمام دردهاست و امساك بالاترین داروهاست. ۲- تعادل اقتصادی: امام صادق (ع) می‌فرماید: بـه راستی خداونـد روزه را واجب کرده تـا بـه وسـیله او بیـن اغنیـا و فقرا مساوات و برابری وجـود آیـد و ایـن برای آن است که ثروتمندانی که هرگز درد گرسنگی را احساس نکرده‌اند، به فقرا ترحم کنند. زیرا اغنیا هرگاه (خوردن و آشامیدنی) اراده کردند (و هـوس هر نـوع مأکولات و مشروبات کردنـد) برایشـان میسر اسـت. پس خداونـد تبـارك و تعـالی (روزه را واجب کرد) کـه بین بندگانش از فقیر و غنی، برابری به وجود آورد و اینکه سرمایه‌داران مسلمان درد گرسنگی را لمس کنند تا بر ضعفاء رقّت آورند و بر گرسنگان عالم ترحم کنند.۳- مهار شـهوت جنسـی (عفاف): روزه یکی از راه‌های مهار طغیان شهوت جنسی است، بنابراین میان عفت و روزه، رابطه مستقیم وجود دارد، پیـامبر اکرم (ص) می‌فرمایـد: ای گروه جوانان! کسـی که از شـما توانایی بر ازدواج داشـته باشـد، ازدواج کنـد، زیرا ازدواج سبب می‌شود که از نوامیس مردم چشم فرو بنـدد و دامـان خویش را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ کند و کسـی که توانایی بر ازدواج ندارد، روزه بگیرد.۴- اخلاص: حضـرت فاطمه (س) می فرمایند: خداوند روزه را به خاطر تثبیت اخلاص واجب فرموده است.۵-آرامش قلب: امام باقر (ع) فرمود: الصیام و الحـج تسـکین القلوب: روزه و حجّ آرامش‌دهنده قلوب آدمیان است. ۶- ورود به بهشت: قـال رسول‌الله: انّ الجنّه باباً یـدعی الـدّیان لا یـدخل منه الّا صائمون: برای بهشت دری است به نام ریّان که فقـط روزه‌داران از آن در داخـل می‌شونـد.۷- دعـای ملائـک: رسول اکرم (ص) می‌فرمایـد:: انّ الله وکّلَ ملائکـهٔ بالـدّعاء للصّائمین:خداونـد ملائکه‌ای را مأمور کرده است تا به روزه‌داران دعا کننـد.۸- اسـتجابت دعا: امام رضا (ع) می‌فرماید: دعوةالصائم تسـتجاب عند افطاره: دعای روزه‌دار هنگام افطار به اجابت می‌رسد. ۹- دور کردن شیطان از انسان: از آثار دیگر روزه در روایات، می‌توان به دور کردن شـیطان از انسان و قبولی اعمال و شـفاعتش نام برد.۱۰- یادآور قیامت: مردم به انجام روزه امر شده‌انـد تا درد گرسنگی و تشنگی را بفهمند و به واسطه آن فقر و بیچارگی آخرت را بیابند.(امام رضا .ع.)۱۱- زکات بدن: برای هر چیزی زکاتی است و زکـات بـدن هـا روزه است. (پیـامبر .ص.)۱۲- سپرآتش: روزه سپر آتش (جهنـم) اسـت. (پیـامبر .ص.)روزه در امت هـای پیشـینوقتی از حضـرت امام رضا (ع) درباره فلسفه روزه می پرسند، ایشان می فرمایند: همانا مردم مأمور به روزه گرفتن شدند تا درد و ناگواریهای گرسـنگی و تشـنگی را دریابند و آنگاه اسـتدلال کنند بر سختی های گرسنگی و تشنگی و فقر آخرت که پیامبر اکرم (ص) در خطبه شـعبانیه فرمودنـد؛ به وسـیله گرسـنگی و تشـنگی از روزه داریتـان، گرسـنگی ها و تشـنگی های روز قیامت را به یاد آوریـد، که این یادآوری انسان را به فکر تـدارک برای قیامت می انـدازد تا جـد و جهد بیشتری در کسب رضای خدا بنماید .قرآن کریم به وجود روزه در امت های گذشـته تصـریح می کنـد: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ»مفسـرین نیز معتقدند اصل روزه در تمام ادیان آسـمانی بوده است و حتی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که از زمـان آدم روزه واجب بوده است. امـا در کیفیت و کمیت آن در ادوار گذشـته تفاوت داشت. در برخی ادیان، روزه به معنای خودداری از بعضـی از امور چون خوردن گوشت و سـخن نگفتن آمـده است. گـاهی ایـام روزه چهـل روز بوده است.گاهی شب و روز را روزه می گرفتنـد و گاهی دو روز را به هم متصل می کردنـد که به آن، روزه وصال می گفتندسـخن پایانیمؤمنانی که درماه خـدا روزه می گیرنـد و میهمان حضـرت رحمان می گردند در دایره کرامت الهی قرار گرفته و از سـفره ی رحمت او مسـتفیض می گردنـد که این وعـده ی خـداست و خدا خُلف وعده نمی‌کند. به راستی چه زیباست بنده ی گنهکار خدای مهربان با نفس خویش پیکار می کند، نفس را به زانو در می آورد و در دریایِ رحمتِ کریمِ شـکست ناپذیر شناور می گردد. امام صادق (ع) می فرمایند: هر کس در روز بسیار گرم برای خدا روزه بگیرد و تشنه شود، خداوند هزار فرشته را می گمارد تا دست به چهره او بکشند و به وی بشارت دهنـد تا هنگامی که افطار کنـد. (الکافی، ج ۴، ص۶۴). سـفره رحمت و مغفرت پهن می شود و همه می تواننـد (یعنی بـاید

بتوانند) در این ماه خود را از بند نفس رهایی ببخشند و لغزش های گذشته را جبران کنند تا مورد آمرزش الهی قرار گیرند. و فرمایش رسول گرامیِ حق تکلیف را بر مؤمنان روشن می نماید: « بدبخت واقعی کسی است که این ماه را پشت سر گذارد و گناهانش آمرزیده نشود ». در راه مهر ثابت و عشق پایان" خدای مهربان "و بر مبنای اعتقادات قلبی خویش با نفس اماره و وسواس خناس مبارزه می کنیم و خدا رایاری می دهیم و خوب می دانیم که"؛ خدا هر کس را که یاریش کند، یاری می‌کند".

کشتی نجات نظام اسلامی و جذب حداکثری

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: رهبرمعظم انقلاب (در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۶ اسفند۸۸) فرمودند": کسانی که حاضر نیستند اکثریت را قبول کنند، کسانی که ... یک نقطه‌ی قوت را برای نظام، می‌خواهند به یک نقطه‌ی ضعف تبدیل کنند، این‌ها در واقع دارند خودشان را از یک کشتی نجات – که نظام اسلامی است – بیرون می‌اندازند. و الا هیچ‌کس نمی‌خواهد کسی را از کشتی نجات بیرون بیندازد. نظام اسلامی به همه می‌گوید: «بیایید با ما باشید و وارد این کشتی نجات شوید. ولا تکن مع الکافرین؛ هود، ۴۲» هدف و مبنا این است".رویه مهر و رویه قهر برمبنای مبانی فقهی و اسلامی مدیریت باید مظهر دو نوع از صفات باشد؛ رویّه مهر و رویّه قهر. این دو صفت لازم است در مدیریت به صورت همزمان وجود داشته باشد. مدیر باید با جاذبه و ارزیابی، انسان های محروم و مشتاق و لایق را به سوی خود جذب کند و آنان را دلگرم و ثابت قدم نگه دارد و با قهر و خشم، نااهلان را از خود دور سازد و دست نااهلان را از دراز شدن به سوی حریم های محترم مال و جان مردم کوتاه کند. محبت و مشکل گشایی، عدالت محوری، زهد و پاکی، تلاش و جسارت و قدرشناسی، از جمله صفاتی هستند که با تحقق آن ها مدیریت، جمالی زیبنده می یابد و این ها موجب توفیق و کام یابی مدیر می گردد و صفاتی همچون: پای بندی به قانون، برخورد با متخلف و جدیت و دقت در حسابرسی و نظارت؛ هیبت، وقار و شکوه لازم را برای مدیر اسلامی می آفریند و بر حول مدیریت او، دیواره آتشینی ایجاد می کند که حوزه مدیریت او را از دستبرد و سوءاستفاده بدخواهان و نااهلان محفوظ نگه می دارد و موانع را از سر راه مدیریت برطرف می سازد.برطبق آموزه های مدیریت اسلامی ولی فقیه کسی است که در دایره دستورات و احکام اسلامی امور جامعه ی اسلامی را مدیریت می نماید. و مسلماً هر سخن و هر کلامی که می گوید منشأ و ریشه ی آن در قرآن و سنت است (باید باشد). از این رو نگاه مرحمت آمیز و همراه با صبر و گذشت رهبری معظم نظام اسلامی به افرادی که به دلایلی از قبیل؛ عدم بصیرت، هیجان زدگی در مواجهه با تبلیغات رسانه های بیگانه، فریب خوردگی و ... اشتباهاتی را مرتکب شده اند ریشه در رأفت اسلامی دارد. کما این که اوج این رفتار مرحمت آمیز اسلامی را پیامبر اعظم(ص) پس از فتح مکه از خود نشان دادند. اما مسلماً این رفتار تا جایی ادامه دارد که افراد خود را از دایره رحمت و گذشت خارج نسازند". ما هیچ کس را از نظام بیرون نمی‌کنیم؛ اما کسانی هستند که خودشان، خودشان را از نظام خارج می‌کنند؛ و صلاحیت حضور در چارچوب نظام اسلامی را از دست می دهند که از دست داده‌اند".مفهوم جذب حداکثری" جذب حداکثری "یک فرهنگ است. فرهنگی بر گرفته از مبانی فکری دینِ رأفت و پیامبر رحمت آن. فرهنگی که به دنبال مدیریت هیجانات اجتماعی و اصلاح رفتار است. تا بوسیله ی روح معنوی اسلام افراد بیشتری را در کشتی نجات نظام اسلامی نشاند و از گمراهی نجات دهد. همچون کشتی نوح؛ که پیامبر شریف الهی تا آخرین لحظات ممکن افراد را بر سوار شدن بر آن تا دستیابی به فلاح و نجات توصیه می نمودند. امروز جذب حداکثری همان فرهنگ را مطالبه می کند. بر اساس همین تفکر سیاست نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب این بوده که معاند را به منتقد و منتقد را به موافق تبدیل کند. سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی که بارها رهبر فرزانه انقلاب خاطر نشان کردند، اهمیت و ضرورت این مقوله را نشان می دهد. برای دستیابی به معنای واقعی جذب حداکثری باید صبور بود. نمی توان جواب هرگونه بدی یا مخالفت را بلافاصله و باشدت بیشتر

پاسخ داد و خود را معتقد به راهبرد جذب حداکثری دانست. جذب حداکثری و یک استثنا باید توجه داشته باشیم اصل کلی جذب حداکثری –که حاصل رأفت اسلامی است– با یک تبصره کامل می شود. تبصره ای که در آن افرادی را که عالمانه و عامدانه در مسیر دشمن حرکت می کنند و در نهایت گستاخی مِهر نظام اسلامی را با عداوت پاسخ می دهند استثنا می نماید. بی شک این نظام متعلق به تمام کسانی است که در این مملکت و خارج از آن به اصالت تمدن و دین این دیار وابستگی دارند. بطور کلی سیاست نظام این است که تمامی گروه ها و جریانات سیاسی در چرخش قدرت مشارکت داشته باشند و سند این مدعا دست به دست شدن قدرت در میان گروههای مختلف سیاسی درون نظام است. اما امروز شرایط خاصی در کشور وجود دارد که می بایست نسبت به اعمال رفتار تسامحی نظام با برخی از کسانی که عمداً در راستای دشمنی با ملت ایران گام بر می دارند، کمی شدت عمل به خرج داد. برخی جریانات داخل متأسفانه با استفاده از امکانات نظام به انقلاب لطمه وارد می سازند. یعنی به راحتی در قدرت نشسته اند و تیشه به ریشه ملت می زنند. اینها مال این است که به آن محور مشترک عقیده ندارند و البته سیاست نظام هم در مقابل کسانی که اینگونه رفتار می کنند، تا یک جایی تحمل است و قطعاً وقتی از حد تحمل خارج شوند، برخورد نظام یک برخورد دافعه ای و تقابلی خواهد بود. بعضی ها به اشتباه سعی دارند مفهوم جذب حداکثری را به همه تعمیم دهند، در حالی که این اصلاً کار درستی نیست و روی دیگر جذب، دفع است هر چند حداقلی باشد.سخن پایانیامروز علی رغم تمامی ناملایمات سیاسی و تحریم های اقتصادی که توسط ایادی استکبار جهانی در ارتباط با جمهوری اسلامی رخ می دهد کشتی نظام اسلامی با سلامت و صلابت از تلاطم امواج عبور کرده و خود را به ساحل سعادت و سلامت نزدیک و نزدیک تر می نماید. مسلماً هر گونه حرکت انحرافی و فتنه انگیزی نمی تواند خللی در مقابل کشتی نظام که بر پایه ی مبانی اسلام عزیز، ولایت فقیه و شور و اشتیاق قاطبه ی ایرانیان مؤمن و مسلمان در حرکت است ایجاد نماید. پس باید بدین نکته توجه داشت که چند سنگ ریزه نمی تواند مانع حرکت کشتی نظام اسلامی شود جز اینکه افراد منحرف و فتنه انگیز خود از سلامت و سعادت باز می مانند. باید به فرموده ی رهبری با تقوای جمعی به ریسمان محکم الهی چنگ زد و با اتحاد و همدلی و صبر و تحمل در مقابل سختی ها و سعه ی صدر در مقابل نظرات مخالف خود، بر کشتی نظام اسلامی بنشینیم تا با یاری خداوند مهربان به فلاح و رستگاری نائل شویم.آفریده ها، با درک جمال الهی مجذوب و مشتاق او می گردند و از درک آثار جلال خداوند، به ترس و خشوع می افتند. دو بال شوق و خوف، برای کمال آفریده ها ضروری است و انسان چون خلیفه خداست، باید مظهر اسمای خدا باشد و هر دو گونه از اسمای جلالی و جمالی، در صفات و اعمال او نمودار باشد که بر اثر این نمود، فرد جاذبه و دافعه پیدا می کند. ائمه معصومین(ع)که مظهر انسان کامل بودند، بیشترین جاذبه و دافعه را داشتند. جاذبه آنان؛ پیروان را به تولی و محبت فرامی خواند و دافعه قوی آنان؛ دشمنان را به شدت از آنها دور و جدا می ساخت.یا رب این قافله را لطف ازل بدرقه باد   که ازو خصم به دام آمد و معشوقه به کام

غـــم و شـــــادی از منظر دین

مهدی یاراحمدی خراسانی

غم و شادی از انفعالات و کیفیات نفسانی محسوب می‌شوند؛ غم نتیجه تأثّرنفس است از حصول امری مکروه و شادی زاده تأثّر آن از امری مطلوب و دوست‌داشتنی درروایات آمده است که معصومان و مؤمنان حزن و اندوهشان در دل است و شادمانی وسرور درچهره‌شان درباره امام علی (ع) هم می گویند که پس از درگذشت پیامبر اعظم (ص) و حضرت فاطمه (س) بسیار محزون شدند. ایشان می‌فرمایند که « امّا حُزنی فَسرْمَدُ» یعنی حزن من محصول عواطف جاودانی من است در این مجال برآنیم تا، درباره غم و شادی و معانی و مفاهیم مختلف آن از منظر دینی مطالبی ارائه نمائیم.مقدمه:شادی و امید طبیعت زندگی هستند با وجود این، غم و نا امیدی حقایقی هستند که به سراغ هر موجود زنده ای می آیند. اسلام دینی است که به روابط اجتماعی و چگونه حاضر شدن

دراجتماع و خوشرو و خنده رو بودن در جامعه و زدودن غبار غم از چهره دوستان بوسیله شادابی و خندان بودن تأکید بسیاری کرده است و از مؤمنان خواسته است تا از اخمو بودن و تلخی کردن و غمگین بودن دوری کنند چرا که هم در زندگی خود آن ها و هم بر اطرافیان آنها اثر منفی می گذارد.در فرهنگ شیعی" شادی و غم "دارای معنا، تفسیر وتعریف خاصی می باشد.حضرت علی (ع) در نامه ۲۲ نهج البلاغه به عبدالله بن عباس می فرمایند": پس باید شادی تو از دسترسی به امور آخرتت باشد، و حسرتت بر آنچه از آخرت از دست داده ای. به هر چه از دنیا دست یافتی شادی بسیار مکن، و به خاطر آنچه از دنیا از دستت رفت به بی تابی حسرت مخور و همه اندیشه ات باید در امور پس از مرگ باشد. "و همچنین در جایی دیگر ایشان فرمودند": با به دست آوردن مالی از دنیا شادمان می گردید و متاع بسیار آخرت را از دست می دهید و اندوهناک نمی شوید ("نهج البلاغه، خطبه۱۱۴)غم و شادی یعنی چه؟انسان در زندگی روزمره براثر کار و فعالیت‌های روزانه و حرکت در پیچ و خم‌های دشوار زندگی، دچار خستگی و ملال‌خاطر می‌شود. برای رهایی از این وضعیت لازم است بخشی از اوقات فرد به شادی و تفریح اختصاص داده شود تا روح انسان صفا و طراوت یابد. درواقع، همان‌طور که جسم انسان نیاز به غذا و انواع ویتامین‌ها دارد، روح انسان نیز به تنوع، استراحت، تفریح و شادی نیازمند است.واژه شادی واژه ای فارسی است که در معنای حاصل مصدری به کار می‌رود. مهم‌ترین برابرهای آن عبارت‌اند از: شادمانی خوشحالی بهج بهجت استبهاج بشاشت مسرّت نشاط طرب ارتیاح وجد، انبساط سرور، فرح سرّاء، مرحان خوشدلی رامش مقابل غم و اندوه سوگ تیمار، کروز و کروژ و ... که بعضی از این واژه‌ها عربی هستند و در قرآن نیز به کار رفته است و امّا واژه غم که کوتاه‌شده غمّ (با میم مشدّد) است لفظی عربی و کلمه‌ای قرآنی می‌باشد. این‌واژه در پارسی به تخفیف میم استعمال می‌شود و در هر دو زبان تازی و پارسی در معنای اسمی ومصدری به کار می‌رود. مهم‌ترین برابرهای آن عبارت‌اند از: حزن اندوه کرب گرم تیمار،خَمدوک حَزَن کمَد، حَوبه مَعطاء، اندیشه نَجد، خُیس شَجَن فَرَم زَلَه غُمَّه و غُصّه آدرنگ وآذرنگ و ....غم و شادی درفرهنگ اسلامی :دین اسلام کاملترین دین هاست که به تمام امور در زندگی توجه کرده است. بر این اساس" غم و شادی "نیز از مباحثی است که اسلام بدان توجه کافی مبذول داشته است. دینی که برای تمام امور زندگی برنامه و راه کار به ما نشان داده است. شادی کردن و دوری ازغم منفی و احساس خوشبختی کردن از اصلی ترین برنامه های آن است. با عنایت به سخنان بزرگان دین و سفارشاتی که در قرآن کریم شده است اگر بگوییم دین اسلام و فرهنگ اسلامی مساوی است با نشاط، امید و شادی، سخنی به گزاف نگفته ایم. چون در واقع دستورات دین اسلام مبتنی و منطبق بر خواسته های فطری انسان هاست. و برای درست زندگی کردن و سعادتمند شدن هم دراین دنیا و هم درجهان آخرت است. دقت در سخنان ائمه و پیامبر اعظم (ص) اهمیت فوق العاده ی شادی و تبسم و خوشرویی را نشان می دهد.با عنایت به مطالب فوق الذکر باید به این نکته اذعان نمود که: فرهنگ غنی اسلام جایی برای غم و اندوه نیز به عنوان واقعیت غیر قابل اجتناب زندگی در نظر گرفته است. و آن غم و اندوه بر فراق محبوب و اندوه بر گناهان و اشتباهات زندگی و غیره است و هم چنین احساس همدردی با دوستان و خانواده در دنیاست. در فرهنگ اسلامی دردی که برای دیگران باشد، همیشه لذیذ است. این مطلب چه رازی دارد؟ خدا خودش می داند. هم چنان که درد دیگران داشتن لذیذ است، درد هجران حق هم لذیذ است. بوعلی در اشارات درباره این مسئله که گاهی یک چیز درد هست، ولی در عین اینکه درد است لذیذ است، مثال می آورد. می گوید این نوع درد نظیر خارش بدن است که بدن خارش می کند و سوزش دارد و انسان وقتی خارش می دهد، (محل خارش) درد می کند و در عین اینکه درد می کند، خوشش می آید. این درد، درد تلخی نیست. این درد، دردی است که جان را می سوزاند، اشک را جاری می کند اما غم محبوب است، غم مطلوب است. انسان از یک سلسله غمها همیشه فرار می کند، ولی چطور می شود که اگر به ما بگویند مجلس ذکر مصیبت امام حسین (ع) برقرار است و مجلس خیلی خوبی است، می خواهیم به آنجا برویم؟ انسان تا دلش نسوزد و درد نگیرد، اشک نمی ریزد ولی در عین حال انسان دلش می خواهد به این مجلس برود، این درد را احساس کند و این اشک را بریزد، وقتی این قطرات اشک می ریزد، انسان صفائی

را احساس می کند که آن درد، دیگر در مقابل این، چیزی نیست، این است درد انسانیت.مصادیقی از غم و شادی در قرآن کریم:قرآن کریم در آیاتی پراکنده عوامل متعددی که موجب شادی ودوری از غم است بیان می کند. در این مجال برخی از آن ها ارائه می گردد:- ایمان: مهمترین عامل شادی ایمان به خداست. «الا بذکر الله تطمئن القلوب »- رضایت : « قل بفضل الله وبرحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر ممّا یجمعون..ای رسول به خلق بگو شما باید منحصراً بفضل و رحمت خدا شادمان شوید که آنها بهتر ومفید تر از ثروتی است که برخود اندوخته اید . »- کمک به مسکین (انفاق):« ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً » و طعامشان را به سبب دوستی خدا به مسکین و یتیم و اسیر می دهند وبرای رضای خدا و خداوند در روز قیامت ، روز حساب از آنها استقبال می کند در حالیکه شادمان و مسرورند .- شادی های بی جا و آثار شوم آن (غم) :« و إذا اذقنا الناس رحمة فرحوا بها إن تصبهم سیئة بما قدّمت ایدیهم إذا هم یقنطون.. و مردم بر آنند که هرگاه ما به لطف خود رحمتی به آنها چشاندیم شاد شده واگر رنج و بلائی از کرده خودشان ببینند درآن حال از خداوند نومید می شوند.» یعنی اگر ما امور را واگذاربه خداوند کنیم دردرونمان شاد خواهیم بود.غم و شادی درکتب آسمانی:در سایر کتب آسمانی نیز در مورد غم و شادی مطالبی نقل گردیده است. مثلاً : درکتاب زبورحضرت داود (ع) می خوانیم (غم های شدید بسیار می باشد اما هر که به خداوند توکل دارد، رحمت اورا احاطه خواهد کرد،ای صالحان در خداوند شادی ووجد کنید و ای همه راست دلان ترنم کنید،جان منتظر خداوند می باشد او اعانت و سپر ماست زیرا که دل ما در او شادی می کند ودرنام قدس او توکل داریم، ای خداوند رحمت توبر ما باد .)در انجیل آمده است : (ای برادران مسیحی من شما را خیلی دوست دارم و دلم برای شما تنگ شده چون شادی من و پاداش زحمات من هستید ،عزیزان به خدا وفادار بمانید و همیشه در راه خداوند شاد باشید.) و النهایه در اوستا می خوانیم («ای فردا» مرا از بهترین کردارها و گفتارها بیاگاهان و مرا با توانایی خود از آن ستایش که باغ بندگان است آگاه ساز تا زندگی به خواست شما شاد وخرم و تازه گردد.)غم و شادی در روایات:در مورد غم و شادی واقعی و غم و شادی منفی در روایات اسلامی سخنان گهرباری نقل شده است. به عنوان مثال شادی کردن مؤمنان خود یک عمل پسندیده و خوب بیان گردیده است که زدودن غم و اندوه از چهره مؤمن باعث شاد شدن دل او درقیامت می شود و بهشت برای کسانی که دل مؤمن را شاد می کنند مباح شمرده شده است و بعد از سلامتی و تندرستی بزرگترین نعمت خنده است و اینکه شادی مایه آرامش روان است و غم و اندوه نفس را در تنگنا قرار می دهد و آرامش را از بین می برد. حضرت علی (ع) می فرمایند: (اندوه جسم را تباه می کند و کسی که غم او بسیار باشد اندوه او به درازا می کشد.غررالحکم، ج ۱،ص۴۵۴)جایگاه و عوامل شادی در آموزه های دینی:در آموزه های دینی، داشتن نشاط و روحیه شاد لازمه ی یک زندگی موفق است. در اسلام، نکات ارزشمندی درخصوص ایجاد شادی و نشاط آمده است. شادی می‌تواند برای خود فرد و گاهی نیز دیگران سازنده باشد. مفهوم شادی مجموعاً حدود ۲۵ بار با الفاظ مختلف در قرآن کریم آمده است. ازجمله مباحثی که در متون دینی به آن اشاره شده است، گره‌گشایی از مشکلات مردم و «ادخال سرور» و ایجاد شادمانی در آنهاست. در این منابع از کسانی که موجبات دلخوشی و شادکامی مردم را فراهم می آورند، ستایش شده و آنها سزاوار نعمت‌ها و پاداش‌های خداوند در آخرت، خوانده شده‌اند. امام‌رضا(ع) می‌فرماید: «اوقات روز شما ۴ ساعت باشد؛ ساعتی برای خلوت با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌هایتان واقف می‌سازند و... و ساعتی را هم به تفریحات و لذایذ خود اختصاص دهید و از مسرت و شادی ساعات تفریح، انجام وظایف وقت‌های دیگر را تأمین کنید.» (یعنی از ساعات تفریح نیرو بگیرید و از این نیرو برای انجام وظایف استفاده کنید. بحارالانوار، ص ۳۲۱)از نگاه دین مهمترین عوامل شادی زا در زندگی انسان ها عبارت است از: محبوبیت،مقبولیت،موفقیت ،عوامل شادکامی پایدار،ایمان، هویت ملی و فرهنگی،خلاقیت،تجربه های عارفانه،حل مسئله و مشکل،پرهیز از گناه، رضایت و تحمل،تبسم و خنده، تنوع ظاهری،بوی خوش، کار و تلاش،تفریح و تفرج،سیر وسفر،تفکر در آفرینش و کشف حقیقت، رسیدگی به دیگران،با بچه ها بودن،استفاده از روشهای

استعاره ای، شعری در بیان نظرات،داشتن دوستان ساده و خوش مشرب،تقویت عزت نفس،هدیه دادن و مهربانی کردن و گره گشایی از کار دیگران.غم وشادی از دیدگاه عرفان اسلامی و مولانادر عرفان اسلامی غم مساوی و معادل با شادی و حتی شادی وصف ناپذیر، می باشد و منظور ازغم یک رهایی درونی، تخلیه کامل ذهنی و احساس سرخوشی و سرزندگی و پرواز روحانی است. بله این شادی نیست مگر به خاطرسبکی روح. این غم از نظر روانشناسی یک شادمانگی واقعی است. دری ازدرهای آسمانی، شادی و مستی عاشقانه است که تمام ذرات وجود یک عارف را در برمی گیرد و مملو از شور و عشق و لذت می کند. شادمانی واقعی یعنی لذت بردن از لحظه لحظه زندگی. پس در عرفان اسلامی غم هجران معشوق و دوری یار، مقدمه شادی و غم رسیدن به محبوب و یار زیباترین و باشکوه ترین شادمانگی است و لذتی وصف ناپذیردارد.در این رابطه مولانا می گوید: غم و شادی در پی یکدیگرند این و آن لازم و ملزوم همند.از نظر مولانا عوامل غم اعمّ از نوع محمود یا نامحمود آن می‌توانند مختلف باشد که در اینجابه تعدادی از آنها اشاره می‌شود:غرور و خودبینی (انسان مغرور، همه چیز را برای خود و در خدمت خویشتن می خواهد، پس وقتی که با نبود آنها روبه‌رو می‌شود، دچار غم و اندوه‌می گردد(، فرورفتن در معاصی و شهوات (مقصود از عقل کل خداوند است مولانا عقیده دارد که مجموع عالم صورت عقل کلّ‌است ، دوری از معشوق و اصل خود مرغ پرّنده چو ماند در زمین باشد اندر غصّه و درد و حنین) ،آرزوهای دراز(در نظر مولانا، یکی از علل غم طول امل است و ترس از طول امل در کلام‌حضرت علی (ع) هم آمده است" من بر شما از دو چیز بیشتر می‌ترسم دنبال هوای نفس رفتن و آرزوی دراز در سر پختن)نتیجه:از منظر دین غم و شادی واقعیت بلا اجتناب زندگی هستند. با این وجود نگاه دین، شادی آفرین است. و سیره و سنت معصومین(ع) به عنوان حقیقت تدین حکایت از سرزندگی، نشاط و شادابی دارد حتی در سخت ترین حالات و ساعت زندگیشان. انسان باید موقعیت ها را بشناسد و نگرش مثبت در آنها داشته باشد. در آموزه های دینی راه ها و روش های مختلفی برای چگونه شاد زیستن وجود دارد که برخی آن عبارت است از: توکل به خدا، رضایت از زندگی ،بخاطر عشق با مشکلات مبارزه کردن، فروتنی و تواضع، شجاعت و هدفمندی، دوری از خاطرات منفی، انعطاف پذیری ، کرامت نفس داشتن ،داشتن جسم سالم و ورزش کردن، اعتدال و میانه روی، صداقت و راستی، باور خوشبختی،بخشش وگذشت، برنامه ریزی و نظم ، اعتقاد به ارزشها و...منابع: قرآن کریم/ نهج البلاغه/ ولیزاده، صمد؛ زندگی شادمانه، انتشارات نگرش روز/غررالحکم، ج ۱/صدوق، الخصال/ فصلنامه شورای فرهنگی زنان/www.modiryar.com

نظام مدیریت شهری

مهدی یاراحمدی خراسانی .

اشاره: امروزه بحث عدم تمرکز در ساختار حکومت ها و به دنبال آن رشد، توسعه و استقلال سازمان های محلی، شوراهای شهری و شهرداری ها در شیوه ی اداره کشورها از اهمیت زیادی برخوردار گردیده است. در واقع رشد سازمان های محلی و شهرداری ها و شوراهای تصمیم گیری شهری نشانه ای مناسب برای افزایش مشارکت مردم در فرآیند تصمیم گیری دموکراتیک است. به موازات این حرکت لزوم نهادینه شدن اصول علمی مدیریت شهری برای بهره برداری حداکثری از منافع فعالیت های منطقه ای با در نظر داشتن نگاه ملی اهمیت بیشتری می یابد. به همین منظور فرآیند آموزش اصول مدیریت شهری و ابعاد آن باید به صورت گسترده ای در جامعه صورت پذیرد.شهر چیست؟ شهر مرکز فرصت و محیطی برای ارائه توانائی های بالقوه انسانی است. از ابتدای پیدایش شهرها، شهر با نقش های اداری- سیاسی و مذهبی شناخته می شد بنابراین اولین شهرها دارای نقش اداری-سیاسی بوده اند. لیکن امروز، شهرها دارای کارکردهای متنوعی بویژه کارکردهای اقتصادی- صنعتی و خدماتی-خدمات رسانی می باشند شهر بر اساس بخشی از سلسله مراتب سیستم قضایی و تقسیمات سیاسی - جغرافیایی هر کشور براساس شاخصه‌های مختلفی مانند؛ نوع حکومت،

مدیریت، سطح آگاهی، علاقه‌مندی اجتماعی و مشارکت مردم در نظام تصمیم گیری و... شکل می گیرد. در تعریف شهر وحدت نظر وجود ندارد و در تعاریف بیان شده بر مواردی نظیر تعداد جمعیت، نوع فعالیت های اقتصادی، حوزه اداری و موارد دیگری اشاره شده است. لیکن در بعد جهانی برای شناخت شهر از روستا بیشتر بر تعداد جمعیت تاکید شده است. در برخی کشورها در شناخت شهر از روستا کارکردهای اقتصادی به همراه میزان جمعیت اساس کار قرار می گیرد. بنابراین تأکید بر یک عامل در شناخت شهر کفایت نمی کند. انواع شهرها و ویژگی های آن هاتأکید بر نقش شهر (یا نوع کارکرد آن) به صورت مناسب تری ما را در شناخت شهر و تمایز قائل شدن بین شهر و روستا هدایت می کند. در شناخت شهر به دو کارکرد بیشتر توجه می شود؛ یکی اینکه شهرها کارکرد غیر کشاورزی دارند و دوم اینکه اغلب شهر ها به تولید کالا و بیش از آن به مبادله کالا می پردازند؛ یعنی اینکه فعالیت های غیر کشاورزی بر اقتصاد شهر غلبه دارد. شهرها می توانند در اندازه های گوناگون شکل بگیرند؛ کوچک، متوسط، بزرگ و بسیار بزرگ. از دو جنبه می توان به انواع شهر ها پرداخت. یکی از بعد کارکردی (فعالیت و نقش) و دیگر از بعد اندازه (کوچک و بزرگ بودن). الف- کارکرد و نقش: در این دیدگاه شهر ها بر نوع فعالیت غالب طبقه بندی می شوند: مانند شهرهای فرهنگی، شهرهای مذهبی و زیارتگاهی،شهرهای اداری-سیاسی، شهرهای صنعتی-خدماتی و ....ب- اندازه و وسعت: در این دیدگاه عامل جمعیت در تقسیم بندی شهر ها نقش مهمی را بازی می کند در ایران حداقل جمعیت برای شهر ۱۰۰۰۰ نفر می باشد. با عنایت به شرایط کشورمان انواع شهر ها را بیان می کنیم:۱: بازار شهر؛ ۱۰-۵ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: دهستانی)۲: روستا-شهر؛ ۲۵-۱۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: بخش)۳: شهر کوچک؛ ۵۰-۲۵ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: شهرستان)۴: شهر متوسط کوچک؛ ۱۰۰-۵۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: شهرستان)۵: شهر متوسط؛ ۲۵۰-۱۰۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: ناحیه ای)۶: شهر بزرگ میانی؛ ۵۰۰-۲۵۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: استانی)۷: شهر بزرگ؛ ۱۰۰۰-۵۰۰ ؛ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: منطقه ای)۸: کلان شهر (متروپل)؛ ۲/۵-۱ میلیون نفر جمعیت. (عملکرد: کلان منطقه ای)۹: کلان شهر (متروپل ملی)؛ ۲/۵ میلیون نفر جمعیت و بیشتر.(عملکرد: ملی)مفهوم مدیریت شهریمدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر به‌منظور ارتقاء مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با درنظر داشتن، و تبعیت از اهداف و سیاست های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور. مدیریت شهری باید برای شهر برنامه‌ریزی کند، فعالیت های شهر را سازمان دهد، بر فعالیت های انجام شده نظارت کند، حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش لازم را در سازمان مدیریت شهری و سایر سازمان ها و شهروندان ایجاد نماید. به نقل از پاول‌هوس و کنت بلانچارد معمولاً مدیریت شهری به عنوان زیر مجموعه‌ای از حکومت محلی تعریف شده و شهرداری خوانده می شود.نظام مدیریت شهرینظام مدیریت شهری با هدف اداره مطلوب امور شهر، سعی دارد روابط میان عناصر شهری را هماهنگ سازد. به‌دلیل گستردگی و میان رشته‌ای بودن سیستم مدیریت شهری به‌مثابه یک سیستم باز، عوامل مختلفی در آن دخالت دارد و بدون شناخت این سیستم نمی‌توان عناصر و روابط را در جهت اهداف آن تغییر شکل داد، زیرا هنر برنامه‌ریزی، شناخت عناصر سیستم و ایجاد روابط بین آن عناصر است، به‌نحوی که این مجموعه عناصر در جهت هدف سیستم عمل کنند. بی‌توجهی به اجزاء همچنین عدم کشف روابط و میزان تأثیر هریک از عناصر در نظام تصمیم‌گیری هرگز به یک نظام تصمیم‌گیری منسجم، مؤثر و معطوف به اهداف مطلوب منجر نخواهد شد. از این رو می بایست با ارائه تعریفی از مدیریت شهری، جایگاه آن را در سیستم مدیریت جامعه مشخص کرد و با بیان اهداف و راهبردهای این نوع مدیریت، ویژگی ها و معیارهای مطلوب سیستم مدیریت شهری را نیز نشان داد.تعریف سیستم مدیریت شهرینگاه صحیح در مدیریت شهری نگرش سیستمی است. هدف سیستم مدیریت شهری به‌مثابه جزئی از سیستم حکومتی، اداره امور شهرهاست. و نقشی که دولت برای این سیستم قایل می‌شود، تعریف این هدف را روشن می‌سازد. تردیدی نیست که این تعریف، هرچه باشد، هدف سیستم مدیریت شهری در جهت اهداف ملی بوده و با آن همسوست و از کلیات آن تبعیت می‌کند. به‌همین دلیل است که برنامه‌های این سیستم برای سامانـدهی امور شهر، به‌طور کلی در چارچوب برنامه‌های

کلان و قوانین جاری کشور تدوین می گردد و اقدامات این سیستم ناقض مقررات قانونی کشور نیست. در واقع مدیریت شهری در قالب نظام برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و قضایی حاکم بر کشور، اقدام به تهیه برنامه‌های توسعه شهری برای شهر می کند و سپس آن برنامه را در چارچوب نظام اداری - اجرایی حاکم، به پروژه‌های عملیاتی تبدیل کرده و به مرحله اجرا می‌رساند.سخن پایانیمدیریت شهری یکی از مسائلی است که امروزه شهرها با آن دست به گریبان هستند مدیریت مطلوب می تواند شهرها را به سوی رشد فرا خواند و آسایش ساکنان آن را فراهم سازد و مدیریت نامطلوب شهر را به سمت زوال هدایت کرده و نیازهای شهروندان را مرتفع نمی سازد. نظام تصمیم گیری شهری به‌عنوان یک سیستم باز برای خود اهداف، محیط، منابع و شیوه‌های خاص اجرایی را داراست و چنانچه هریک از این عوامل به‌عللی به رکود کشیده شود سیستم دچار اختلال گردیده و نمی‌تواند به عملکرد بهینه خود بپردازد و لذا ضروری است که همواره دیدگاه سیستمی به نظام مدیریت شهری تسری داده شود، شرایط و محیط مورد نیاز برای فعالیت سیستم مدیریت شهری مهیا گردد، به نقش مردم و مشارکت آنها در مدیریت شهری اهمیت داده شود وارتباطات درون سیستمی و برون سیستمی به‌گونه‌ای برقرار گردد که حداکثر بازدهی را برای اهداف سیستم ارائه دهد. مدیریت شهری در گذشته به صورت متمرکز (از بالا به پایین) بوده، به تدریج دولت ها دریافتند که با کمک گرفتن از ساکنین شهر می توانند نیازهای آنها را بهتر شناخته، شهر را بامدیریت مطلوب تری اداره نمایند. در نتیجه الگوی مدیریت غیر متمرکز (از پایین به بالا) جایگزین الگوی متمرکز (از بالا به پایین) گردید. براین اساس، کارآیی مدیریت شهری وابستگی مشخصی به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی، یکپارچگی اجتماعی و رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از قبیل مهارت و انگیزه‌های سیاستمداران و اشخاص استفاده‌کننده از این سیاست ها دارد.

پیش نیازهای تحقق جهاد اقتصادی

مهدی یاراحمدی خراسانی

ملت در این جهاد اقتصادی همه شریک‌اند(رهبر معظم)؛ اشاره": من امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کرده‌ام. این معنایش این است که ملت ایران در این برهه‌ی از زمان، جهادش به طور عمده در عرصه‌ی اقتصاد است ".بیانات رهبر فرزانه انقلاب بیان‌گر بهترین مسیر برای تحقق پیشرفت توأم با عدالت و ارتقای ایران اسلامی است. این موضوع به طور ویژه در ابتدای هر سال با توجه به نام‌گذاری سال جدید تبلوری دیگر یافته و تبدیل به انگیزه‌ای مضاعف در میان مردم و مسؤولان برای اجرای منویات ایشان می¬شود.(باید بشود) نام‌گذاری سال ۹۰ به عنوان «جهاد اقتصادی» برای نشان دادن مسیر و نوع جهت‌گیری برای مردم، دولت، مجلس و همه ارکان مؤثر کشور است. باید دقت کنیم که تعبیر جهاد در فرمایشات رهبری معظم یک بار معنایی عمیقی دارد و با بهره گیری از این تعبیر باید مجاهدت کرد و مجاهدگونه در عرصه‌های اقتصادی عمل نمود. تعریف عملیاتی جهادبرای ملتی که معنای جهاد را با حضور هشت ساله ی خود در میدان های مبارزه علیه دشمن درک نموده است تعریف جهاد "زیره به کرمان بردن "است. دوران دفاع مقدس برای ما، هم جهاد نظامی بود هم جهاد سیاسی. هم جهاد اقتصادی بود و هم جهاد علمی. به بیانی دیگر مجالی بزرگ برای هنرنمایی جوانان این مرز و بوم که زیبایی های مقاومت و جهاد اسلامی را به رخ جهانیان بکشند. برای بررسی مفهوم عملیاتی جهاد به چند نکته که از میان فرمایشات رهبر معظم انقلاب (در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه) اقتباس شده است بسنده می کنم:۱- جهاد با تلاش فرق دارد: این جهادی که امروز باید انجام دهیم -جهاد اقتصادی- از جهادهائی که تا امروز ملت ایران انجام داده، مشکل‌تر نیست؛ اما باید بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم. جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. ۲- رویارویی با دشمن؛ بار معنایی ویژه جهاد: جهاد یک بارِ معنائی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویاروئی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک

وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که بخصوص یک دشمنی سینه به سینه‌ی شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد. ۳- انواع جهاد: ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال (جنگ) باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه‌ی اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است.۴- معادل جهاد در ادبیات امروز: اگر بخواهیم در ادبیاتِ امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می‌شود «مبارزه». جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه‌ی اقتصادی.۵- نیت خدایی: نیت اگر نیت خدائی باشد، می‌شود جهاد فی‌سبیل‌اللّه. وقتی انسان برای اعلای کلمه‌ی حق، اعلای کلمه‌ی اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد می‌شود جهاد فی‌سبیل‌اللّه. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی‌سبیل‌اللّه وجود دارد.پیش نیازهای تحقق جهاد اقتصادیمسلماً برای تحقق جهاد اقتصادی نیازمند فراهم آوردن زمینه ها و پیش نیازهایی هستیم که اقتصاد کشور را در مسیر توسعه بیمه نماید. برخی از این پیش نیازها به شرح زیر است:اول: تعریف اسلامی از علم اقتصاد": جهاد "یک واژه ی اسلامی و از فروع دین است. پس تحقق جهاد اقتصادی بر بستر علوم غربی ممکن نیست. پایه و مبنای علوم انسانی ای که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه ها باید کار کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه های نو و گشودن افق های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد. خوشبختانه ما پیشرفت کرده ایم؛ به وضوح می شود این را دید. برای تحقق جهاد اقتصادی باید عمل مالی و اقتصادی ما بر اساس مفاهیم مالی و اقتصادی اسلام باشد. اقتصادی که درآن ربا حرام است. و قرض الحسنه، انفال، بیع، خمس، زکات و ... درآن تعریف شده است. در این مقام توجه دقیق به مسأله عدالت و توسعه اقتصادی، رشد، سنت تسخیر طبیعت به وسیله انسان، توصیه های اسلام در مورد استعمار، استثمار، استصلاح زمین و سرمایه ها، احیاء موات، وجوب خمس و زکات، نفی سبیل کفار بر مسلمین، فلسفه اموال و فلسفه خلقت انسان، از پیش نیازهای ضروری جهاد اقتصادی است.دوم: نقشه عملیاتی: یکی دیگر از استعاره‌هایی که کلمه جهاد برای ما به ارمغان می‌آورد، بحث نقشه و طرح است. ما می‌دانیم که هر جهادی نیازمند طراحی نقشه‌ی عملیاتی است. این دقیقاً خواسته‌ای است که سال گذشته از سوی رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی مطرح شد که گفتمان‌سازی و ظرفیت‌سازی بسیار خوبی نیز در جامعه‌ی نخبگانی کشور در مورد آن ایجاد شد.سوم: رفع موانع توسعه اقتصادی: در گفتمان دینی ما کلمه جهاد در کنار کلماتی مانند هجرت، ایمان، عبادت و... پازل گفتمانی دین را تکمیل می‌کند. در برخی موارد، مفاهیم دینی به ما اشاره می‌کنند که باید مانع را دور بزنید، مثل کلمه هجرت. ولی کلمه جهاد همیشه برخورد با مانع و رفع مانع را مورد توجه دارد. این در معنای جهاد حالت تأکید و تصریح دارد. در همین راستا یکی از استراتژی‌هایی که تحقق جهاد اقتصادی باید سر لوحه‌مان باشد این است که باید جهاد عظیمی در شناسایی موانع توسعه اقتصادی کشور صورت دهیم. موارد و موانعی که دست و پا گیر است. معمولاً- در نگاه نهادی برخی از مقررات، آیین‌نامه‌ها یا ترکیب‌های نهادی و یا به تعبیر دانشگاهی برخی از مواد یا تفاسیر قانونی که امروزه در بدنه اجرایی ما وجود دارد، معمولاً به شکل مانع عمل می‌کنند.چهارم: آموزش و تربیت نیروها: همان طور که برای جهاد نظامی سال ها آموزش، تمرین و مانور لازم است، آموزش و تربیت نیروهای مختلف تأثیر گذار در عرصه اقتصادی از پیش نیازهای تحقق جهاد اقتصادی است. اگر نیروهای اقتصادی کشور را آماده نکنیم، مثل هر عملیاتی که اگر آموزش و تربیت نیرو نداشته باشیم، در صحنه جهاد اقتصادی دچار مشکل خواهیم شد. البته بخشی از آموزش نیروها بحث عمومی است، یعنی بدنه‌ی آموزش و پرورش و دانشگاه‌های کشور و در نهایت رسانه‌ها و به‌طور مشخص رسانه‌ی ملی، باید حرکتی جهادی داشته باشند و یک برنامه‌ی مدون در جهت آموزش و تربیت نیروهای کشور نسبت به مقتضیات یک جهاد اقتصادی ارائه و اجرا کنند.پنجم: داشتن دیدگاه جامع و سیستمی: هرگونه جهادی نیازمند دیده‌بانی و رصد دقیق است. استراتژی اساسی که اقتصاد ایران در مسیر تحقق جهاد اقتصادی باید لحاظ کند، یک دیده‌بانی

و رصد جامع و فراگیر و درعین حال سیستمی است. ما باید دقیقاً رصد کنیم که تحولات جهانی در اثر چیست و به چه مسیری سوق پیدا می کند؟ ما باید افق بیست سال آینده اقتصاد دنیا را و همچنین مزیت‌های نسبی کشور خودمان را رصد کنیم و بشناسیم. ما سریعاً باید خودمان را برای دهه‌های آینده به کمک رصد و دیده‌بانی‌ای که صورت می‌دهیم، ارتقا دهیم و به مسائلی که از طریق علم تولید ثروت می کنند، بیشتر توجه کنیم. دیدگاهِ اقتصادیِ جامع و سیستمی مقوله ای است که به نقاط ضعف و قوت خود در عرصه های مختلف کشاورزی، صنعتی، تولیدی، خدماتی، معدنی و ... توجه دارد و همچنین فرصت ها و عوامل تهدید آفرین محیطی را نیز به خوبی می شناسد.ششم: تلاش، احساس مسئولیت و اتحاد همگانی: یکی از پیش نیازهای اساسی تحقق جهاد اقتصادی احساس مسئولیت و کوشش همگانی در کنار روحیه جهادی آحاد جامعه است. که در این راستا توجه به مواردی از قبیل؛ همکاری سه قوه، اتحاد و انسجام ملی، قطع وابستگی از درآمدهای نفتی، تعیین شاخص های مفید برای الگوی مصرف، داشتن راهبرد اساسی در مواجهه با قدرت ها و غول های اقتصادی دنیا، همه جانبه گرایی از پیش نیازهای ضروری است.هفتم: توجه به اقتصاد در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: از آنجا که اقتصاد به عوامل زیادی اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و ... وابسته است برای تحقق جهاد اقتصادی می بایست در کنار سایر جنبه های توسعه براساس الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی مورد توجه قرار گیرد.سخن پایانیجهاد اقتصادی موجب به فعل درآمدن قابلیت ها، ظرفیت ها و شرایط بالقوه کشور می شود.ماهیت فعالیت اقتصادی به‌گونه‌ای است که قهراً کاربرد مفهوم «جهاد» درباره آن، ناظر به معنای اول؛ یعنی جد و جهد و اهتمام مضاعف برای رتق و فتق امور است. این سعی بلیغ نیز لاجرم محصور در مصادیق اقتصادی مشخص و قابل احصا است. تحقق جهاد اقتصادی به الزامات و ضروریاتی نیاز دارد. الزاماتی مثل آن که همه ارکان اجرایی کشور که دست‌اندرکار و مجری چنین اصلی هستند باید مبتنی بر برنامه‌ای مشخص و روشن اقدامات خود را سامان دهند و از بی‌برنامگی و تصمیم‌های نادرست و شتاب‌زده پرهیز کنند زیرا مطالعات تاریخی نشان داده هرگاه مجریان و مسئولین به الزامات قانونی و برنامه‌های مدون و مصوب پایبند بوده‌اند سریع‌تر به اهداف توسعه‌ای خود دست یافته‌اند. اسلام خواستار انسان و جامعه رشید است. رشد مورد نظر اسلام در زمینه سرمایه های مادی همان توسعه اقتصادی است که انسان و جامعه رشید در مسیر آن قرار دارند.

دفاع از فرهنگی مقدس

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: انقلاب اسلامی ایران تحت هدایت مردی از جنس مردم و با وحدت و شور بی نظیر آحاد جامعه بدون وابستگی به هیچ کشور و جریان و گروهی خاص شکل می گیرد و استعدادِ همدلی یک ملت را در عرصه ی جهانی به رخ می کشد. هر چند این کشور –همانند خیلی از ممالک مستکبر غربی– از لحاظ پیشرفت های تکنولوژیکی و صنعتی در سطح عالی قرار ندارد ولی از چنان روحیه ای برخوردار است که –در صورت اراده– برای رسیدن به هدف خود از جان مایه می گذارد. کما این که بارور شدن نهال انقلاب تنها از خون هزاران شهید گلگون کفن میسر گردید. این ویژگی می تواند ایران را در عرصه ی جهانی قدرتمند نماید. لذا آنان که به تعبیر امام (ره) چشم دیدن استقلال و آزادی مردم در انقلاب " پابرهنگان و مستضعفان " را ندارند راهی جز ایجاد جنگی ددمنشانه و بیرحمانه برای تخلیه عقده های خود نمی بینند. پس چنان جنگ بیرحمانه ای به راه می اندازند که اثبات کنند": حماقتشان انتهایی ندارد."مقدمهسال ها از روزهای دفاع مقدس می‌گذرد و به ظاهر از آن دوران بجز خسارت‌های مالی و جانی، خاطرات تلخ و شیرین، جراحت های هر روز ملتهب‌تر از دیروز، چیز دیگری باقی نمانده است، اما نباید فراموش کرد که هدف، "جنگ "نبود. هدف، دفاع از اسلام و کیان مقدس آن بود و این همان آرمان مقدسی است که در راستای نبرد حق علیه باطل که از آدم(ع) شروع شده است و تا پیروزی نهایی حق توسط منجی عالم بشریت مهدی(عج) ادامه خواهد یافت. این نبرد حق علیه باطل

در همه روزگارها وجود داشته داشت و هرگز تعطیل بردار نبوده است و نخواهد بود؛ هر چند که شیوه‌های آن ممکن است در ادوار مختلف متفاوت باشد. وقتی یک ملتِ آزاده کیان و ناموس خود را در مقابل گرگ های درنده ی وحشی در خطر می بیند تنها هدف خود را" جنگ جنگ تا پیروزی "قرار می دهد تا یک بار برای همیشه به مستکبران نشان بدهد " هیچ غلطی نمی توانند بکنند "و درس عبرتی برایشان در تاریخ به ثبت برسد که" غلطِ زیادی موقوف."چرایی آغاز جنگ تحمیلیایران که تا قبل از پیروزی انقلاب به عنوان یک قدرت منطقه‌ای حافظ منافع غرب تلقی می‌شد و به عنوان مانعی در برابر نفوذ گسترش کمونیسم بود، با پیروزی انقلاب اسلامی با ارائه الگوهای جدیدی در سیاست خارجی خود، با شعار «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» استراتژی وابستگی را به استراتژی عدم تعهد تغییر داد. امریکا که یار دیرین خود و منافع بسیاری را در منطقه از دست داده بود در صدد برمی‌آید که از طریق عراق ایران را متنبه کند تا پاسخی به امریکا ستیزی که در ایران به راه افتاده بود داده باشد و به همین دلیل چراغ سبز را به عراق نشان می‌دهد. از طرفی رسیدن به آب‌های ساحلی و دسترسی به مناطق مهم و استراتژیک حاشیه خلیج‌فارس جزو استراتژی عراق به ویژه حزب بعث بود که این هدف از دو راه محقق می‌شد؛ دسترسی به بخشی از مناطق ساحلی ایران و تسلط بر جزایر بوبیان که جزو خاک کویت بود، اما صدام حسین اعلام کرد که عراق آماده است تمام اختلافات خود با ایران را از راه زور حل کند. این موضع گیری آشکارترین اعلام آمادگی عراق برای فشار به ایران در راستای سیاست واشنگتن بود؛ سیاستی که از طرق مختلف مثل تطمیع بر صدام تحمیل شده بود.تحرکات عراق رفته رفته از سال ۵۸ شروع شد. جنگ هشت‌ساله که با تحریک و حمایت همه‌جانبه استکبار جهانی توسط رژیم بعثی عراق بر مردم ایران تحمیل شد، تنها محدود به خطوط مقدم جبهه‌ها نبود، بلکه تمام سرزمین اسلامی، اعم از شهرها و روستاها را دربرگرفت. در عراق نیز صدام جنگ تبلیغاتی شدیدی علیه ایران اسلامی را آغاز نمود و در تلویزیون دولتی به بهانه باز پس‌گیری سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک حملات مستقیم و غیرمستقیم تبلیغاتی را متوجه ایران کرد و سرانجام پس از یک دوره مذاکرات مسئولان عراقی با مسئولان امریکایی و حضور برخی فرماندهان ارشد نظام شاه در عراق، وزارت امور خارجه آن کشور به صورت رسمی در ۲۶/۶/۵۹ طی یادداشتی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو کرد و ارتش عراق در ۳۱/۶/۵۹ حمله سراسری خود را آغاز کرد.لذا سردمدار عدالت‌خواهی دوران، بنیانگذار انقلاب اسلامی، ملت را به جهاد اسلامی فراخواند و باید به حق گفت که ملت نیز به بهترین وجه ممکن لبیک گفتند و به سوی میدان های جنگ شتافتند و چه بسیار که از خود و عزیزانشان گذشتند، اما حتی یک وجب از خاک میهن را به اسارت ندادند. در این جنگ نابرابر ایران با تکیه بر نیروهای مردمی، ارتش و سپاه پاسداران هشت سال جانانه دفاع کرد تا اینکه در سال ۱۳۶۷ قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.و اما اکنون؛ دفاع از فرهنگی مقدسهر چند در ارتباط با نحوه ی مدیریت جنگ نظرات متفاوتی نقل می گردد و بعضاً شاهد انتقاداتی نیز در این راستا هستیم اما نباید از این نکته ی مهم فراموش کرد که هشت سال دفاع مقدس سرمایه ای جاودان برای ایران اسلامی است. سرمایه ی ارزشمندی که حاصل خون هزاران شهید و فداکاری و مجاهدت انسان های آزاده ای است که از جان و مال خود گذشته اند. فارغ از اختلاف نظراتی که در ارتباط با شیوه ی اداره جنگ تحمیلی و یا پذیرش قطعنامه وجود دارد آنچه مسلم است تمام دلسوزان و علاقمندان انقلاب اسلامی بر یک نکته اساسی وحدت نظر دارند و آن حفظ آزادگی و استقلال کشور و اتحاد و همدلی در برابر تجاوز و بداندیشی بیگانگان است. در واقع هشت سال دفاع مقدس تنها یک جنگ قهرمانانه و یا یک دفاع جانانه نیست. دفاع مقدس یک فرهنگ است. فرهنگ ایثار، مجاهدت، مقاومت، صبر، اتحاد، همدلی و هزاران واژه ی دیگر. نبایستی تجلیل و قدردانی از افرادی که بدون هیچ چشم داشت مالی با نثار جان و مالشان و صرفاً با هدف صیانت از اسلام و دفاع از تمامیت ارضی این مرز و بوم قیام و در جبهه های حق علیه باطل شرکت نمودند، به این دوره کوتاه محدود گردد. به یاد بیاوریم که در هشت سال دوران دفاع مقدس انبوهی از فرهنگ ها و شخصیت ها شکل گرفت به طوری که جمعی از رزمندگان دعوت حق را لبیک گفتند به درجه رفیع شهادت نائل آمدند، تعداد دیگری جانباز و ایثارگر ماندند، گروهی

در زمره آزادگان قرار گرفتند و جمعی دیگر با یاد و خاطره جبهه و جنگ در عرصه های سازندگی کشور حضور یافتند. فرهنگ دفاع مقدس فرهنگ پایداری، مجاهدت و صبر است. فرهنگی که به ما می آموزد برای رسیدن به اهداف متعالی باید کمر همت بسته و با تمام سختی ها و فتنه ها مبارزه نمود. هر چند به ظاهر جنگ به پایان رسیده، ولی آنچه بر جهان حاکم است نشان می دهد ما نباید مبارزه و جنگ را تمام شده تلقی کنیم. که به فرموده ی امام راحل": ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم، زیرا انقلاب ما اسلامی است... تا بانگ لا اله الا ا... و محمد رسول ا... بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبران هست، ما هستیم. "و این در واقع همان دفاع جانانه از فرهنگی مقدس است.سخن پایانیبه قول شهید آوینی: «شهدا ماندند و زمان ما را با خود برده است.» کاش زمان بایستد تا این‌قدر از شهدا دور نشویم. شهدای ما آسمانی بودند؛ اما از آسمان نیامده بودند. فرشته‌ها گفتند: «آیا می‌خواهی انسان را خلق کنی که بر روی زمین خون‌ریزی کند؟» خداوند متعال فرمود: «من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.» باید به این راز خدایی فکر کنیم! ما هم خیلی روی خاک نمی‌مانیم. باید بار دیگر با خدای خود پیمان ببندیم که در راه ارزش های مقدس خود تا آخر ایستاده ایم و مجاهدان این عرصه به اندازه ی جان عزیز می داریم: مرا عهدی است با جانان که تا جان در بدن دارم هواداران کویش را چو جان خویش پندارم

اقتصاد اسلامی؛ بستر تحقق جهاد اقتصادی

مهدی یاراحمدی خراسانی روحیه جهادی لازم است نه اسقاط تکلیف (رهبر معظم)؛ مقدمه : فرهنگ جهاد یعنی ایمان به خدا، توجه داشتن به ارزش های دینی و دفاع از ارزش های حاکمیت اسلامی. اگر کاری را برای خدا انجام ندهیم نمی توانیم مدعی جهاد باشیم باید کوششمان خالصانه باشد. حرکت جهادی را می توان مولود ادبیات و فرهنگ انقلاب اسلامی دانست که دراین شرایط ناکارآمدی عرصه اقتصاد، جهادگران را به مبارزه با خود فرا می خواند. بسیاری از متفکران و اقتصاددانان اسلامی بیش از همه به دنبال درک و معرفی سیستم ایده آل اقتصاد اسلامی بوده‌اند و از این رو اغلب نوشته‌های مدون در این رشته به بیان مکتب و سیستم اقتصادی اسلام اختصاص داشته است. هر چند به تعبیر مرحوم شهید مطهری(ره): «قوانین اقتصاد اسلامی نمی‌تواند و نباید بر خلاف اصول اولیه اقتصاد نظری باشد، چه در غیر این صورت شکست یا رکود و سرانجام مرگ اقتصادی این جامعه بیمار حتمی است.» لکن نامگذاری امسال توسط مقام معظم رهبری خود یک اقدام راهبردی است. که ضرورت احیای اقتصاد اسلامی با در نظر گرفتن قوانین علم روز اقتصاد را نشان می دهد.ضرورت درکِ مفهومِ اسلامیِ جهاد اقتصادیانقلاب اسلامی حرکتی نوپاست که در متن نظامِ فراگیر و عمومی شدهٔ بین‌المللی، مبتنی بر اصول، فرهنگ و اقتصاد غربی، نضج یافته است و در مسیر این حرکت، البته، رویارویِ انواع تهاجمات، در عرصه های مختلف قرار گرفته است. طبیعی است که چنین حرکتی هنوز به مرحله تولیدی، اثربخشی و تمدن سازی نرسیده و بدین سبب میراث دار و وام گیرندهٔ، البته به شکل ناقص، همان ساختارهایی است که علی رغم ناسازگاری با اصول انقلاب، گریزی از وجود و به کارگیری آنها نیست. این امر موجب ناکارآمدی و ناسازگاری و اختلال در ابعاد مختلف زندگی شده که بخصوص در عرصه اقتصاد، ناکامی های مرتبط با آن به شکلی عینی تر قابل درک است و بر همین اساس است که پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی و سپری شدن دوران تثبیت، در دهه چهارم در بسترِ گفتمان پیشرفت و عدالت، ضرورت توجه به عرصه اقتصاد از موضعِ جهادی مورد توجه قرار گرفته است. جهاد از تعالیم اصلی اسلام است و از این جهت مبتنی است بر پایه های جهان‌بینیِ آن، که حرکت آگاهانه به سوی خدا را وجهِ تامّ و کامل زندگی او می داند. جهاد یک کلمه ارزشی و اسلامی است که جز فروع دین می باشد. این کلمه از ریشه «جَهد و جُهد» به معنای مشقت و زحمت فراوان، برگرفته شده و به معنی کوشش،رنج و تلاش فراوان است. البته باید توجه داشت که جدیت در مسائل اقتصادی و جهادی بمعنای کم کاری در زمینه های دیگر همچون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیست. بی شک جهاد اقتصادی تحقق نخواهد یافت مگرآن که بسترهای مناسب تحقق

آن که اقتصاد اسلامی است بوجود آید.بنابراین مفهوم جهاد را نمی توان منفکّ از مفاهیم بنیادی دیگری چون توحید، معاد و نبوت شناخت. جهاد را می توان واجد شرایطی دانست، که در آن انسان از هر چه که داراست به تجارتِ کسب رضایت خداوند و البته تعالی خود می گذرد و از رهگذرِ چنین اراده ای به قدرتی دست می یابد که در کارزارِ یک مبارزه، موانع آفاتی و انفسی را در جهت نیل به مقصود در می نوردد. و در ازای این حرکت مغفرت، رحمت و هدایت الهی را نصیب خود می کند". آن ها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند ("!التوبهٔ/۲۰)اقتصاد اسلامی بستر تحقق جهاد اقتصادیواژه «اقتصاد اسلامی» یک مشترک لفظی است که دارای ابعاد مختلفی است. هر یک از صاحبنظران و متفکران مرتبط با این حوزه دینی و فکری بر اساس بینش و گرایش هایی که داشته‌اند به نحوی بر دامنه ابعاد آن افزوده‌اند. عمده‌ترین ابهام در تعریف و تبیین وظایف و ابعاد آن ارتباط با حوزه دین اسلام به عنوان مجموعه معارف مرتبط با وحی که از راه کتاب و سنت به ما رسیده است و حوزه علم اقتصاد که در پی شناسایی و کشف روابط ثابت رفتاری در میان متغیرهای اقتصادی است، می‌باشد. از سوی دیگر گستردگی دامنه بحث و اختلاف در ابعاد آن بیش از همه بیانگر میزان انتظاراتی است که درباره آن وجود دارد. بسیاری از مسلمانان در جوامع اسلامی بر اساس شناختی که از اقتصاد صدر اسلام و موازین شرعی دارند انتظارشان این است که رهبران جامعه و کارگزاران نظام اجتماعی با مبنا قرار دادن این الگوها مشکلات اجتماعی و اقتصادی امروزی را مرتفع سازند. این مهم به ویژه در طی ۵۰ سال اخیر که جوامع اسلامی با ناکارآمدی الگوهای سرمایه داری و سوسیالیستی مواجه بوده اند بروز بیشتری یافته است.برای تحقق جهاد اقتصادی ابتدا باید اقتصاد اسلامی در کشور نهادینه شود. اقتصاد اسلامی دارای مشخصات متنوع و مختلفی است. در ذیل به چهار دسته از مشخصه های کلی اشاره می شود. این مشخصه‌های کلی، اقتصاد اسلامی را از دیگر مکتب‌های اقتصادی تفکیک می کند. با در نظر گرفتن هر یک از این چهار مشخصه، اقتصاد اسلامی فرق اساسی و ماهیتی با دیگر مکاتب اقتصادی پیدا می کند: (آیت الله هاشمی شاهرودی)۱– مفاهیم مبنایی اقتصاد اسلامی: مفاهیم مبنایی در واقع مشخصات فلسفی اقتصاد اسلامی است. نمی‌توان مسائل اقتصادی را مجزا از مبانی فلسفی دانست و برای اعتقادات نقشی در مسائل اقتصادی قائل نشد. تمام مسائل اقتصادی تحت تأثیر مفاهیم مبنایی اعتقادات و ایدئولوژی‌ها قرار دارد. قهراً هر اقتصادی نیاز به شاخص‌های مبنایی و فلسفی دارد و متکی بر مبانی فلسفی است. حتی اقتصادهایی که سعی می کنند خودشان را مجزای از ایدئولوژی‌ها مطرح کنند – اقتصادهای نظام سرمایه‌داری – آن‌ها هم مبتنی بر یک سلسله مفاهیم مبنایی است که به عنوان پیش فرض‌های مسلم پذیرفته شده است. از این رو برای دستیابی به اقتصاد اسلامی در نظر گرفتن مفاهیم مبنایی آن ضروری است.۲– منابع اقتصاد اسلامی: که مشخصات فقهی اقتصاد اسلامی است. بحث منابع اقتصاد اسلامی یا منابع کشف اقتصاد اسلامی، برنامه‌ریزی کلی اقتصاد اسلامی از طرف شارع مقدس، تأثیر فقه و درک شرایط زمان و مکان، منابع شناخت اجتهادی اقتصاد اسلامی، فرق مباحث اقتصادی با مباحث فقهی دیگر، این ها همه مربوط به بحث مشخصات فقهی اقتصاد اسلامی است. ۳– حقوق اقتصادی: که مشخصات حقوقی اقتصاد اسلامی است. اقتصاد اسلامی در مفاهیم مبنایی و در حقوق اقتصادی، واقع گراست. تعاریفی که در جهان بینی اسلامی از انسان می شود تعاریف واقعی است، یک بعدی نیست، بلکه همهٔ ابعاد انسان را در نظر گرفته است. و لذا این مشخصه‌هایی که ذکر شد مفاهیم ذهنی و رویایی نیست ـ چنان که در برخی مکاتب مطرح است ـ بلکه مفاهیمی است با مبنای منطقی و منسجم با فطرت و واقعیت‌های حیاتی انسان. در اسلام، اصلی به نام اولویت حقوق اجتماعی بر حقوق فرد داریم. در آنجا می گوییم اگر در جایی حق اجتماعی یعنی عدالت اجتماعی در تضاد با حق فرد قرار بگیرد آنجا حق عامه بر حق فرد قدم است. درمسائل فقهی هم همین را می گوییم.۴– مشخصات تحلیلی اقتصادی: خیلی از بحث‌های اقتصادی مبتنی بر تحلیل‌های اعتقادی یا به اصطلاح مبتنی بر یک سلسله پیش فرض‌های اعتقادی است. مثلاً وقتی انسان اقتصادی را تعریف می‌کنند، انسان را دارای مفهوم مشخصی از سود، زیان و مسائل دیگر فرض می کنند و بعد تحقیقات اقتصادی فراوانی را بر

اساس این پیش فرض‌ها که صرفاً مربوط به جهان بینی یک مکتب در مورد انسان است، پی ریزی می کنند.سخن پایانیمفهوم جهاد اقتصادی یعنی همان اقتصاد مبتنی بر فرهنگ اسلام و این که تمامی برنامه های اقتصادی با اسلامی بودن سیاست های اقتصادی، سنخیت و همخوانی داشته باشد. بی شک دست یابی به این هدف در گرو شناخت آفت های اقتصادی، دشمنان اقتصادی و برنامه ریزی مدوّن و دقیق است. تلاش گران و مجاهدان عرصه اقتصاد در چارچوب حکومت اسلامی باید بیش از هر چیزی خود را با احکام اقتصادی دین مبین اسلام آشنا و مسلح سازند. تا در این رهگذر زمینه و بستر مناسب تحقق جهاد اقتصادی و پیشرفت کشور بر اساس الگوی اسلامی- ایرانی فراهم گردد. چیستی و مفهوم شناسی جهاد اقتصادی شاخص‌ها و ویژگی‌ها، اصول و اهداف آن، بسترهای لازم یا الزامات جهاد اقتصادی مهم ترین موضوعات راهبردی در زمینه جهاد اقتصادی به شمار می‌روند. حرکت جهشی و جهادگونه و بسیجی همراه با مبارزه، توجه به توحید به عنوان یک ارزش اساسی، اقدام برای کارهای بزرگ و زمین مانده، پایداری، استمرار و استقامت در کارهای بزرگ، سطح میادین بزرگ و پر کردن خلأها و حرکت‌های مردمی و تقویت تعاونی‌های بزرگ از مهمترین اصول جهاد اقتصادی است.

شرح صدر اندیشه ها

مهدی یاراحمدی خراسانی

امام موسی صدر کیست؟ امام موسی صدر در ۲۴ اسفند ۱۳۱۷ در شهر قم و در یکی از خانواده های علم و اجتهاد به دنیا آمد. وی تحصیلات علوم دینی را در شهر قم به اتمام رساند و پس از آن در رشته حقوق از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۳۸ به دعوت سیدعبدالحسین شرف الدین پیشوای شیعیان لبنان به این کشور عزیمت کرد و پس از شرف الدین به توصیه وی مسئولیت رهبری شیعیان لبنان به ایشان سپرده شد. امام موسی صدر همراه با کار فرهنگی و حرکت فقرزدایی از جامعه مسلمانان لبنان به ایجاد تشکیلات اسلامی برای احقاق حق مسلمانان و مبارزه مؤثر با صهیونیسم نیز اقدام نمود. مجلس عالی شیعیان لبنان، حرکت المحرومین و ... از تشکیلاتی بود که با همت ایشان ایجاد گردید.امام موسی صدر و تحریم صهیونیستامام موسی صدر که مبارزه سختی را علیه صهیونیسم جهانی بنیان نهاده بود برای شیعیان لبنان یک ناجی بزرگ بود و علما و چهره های برجسته لبنان اعم از شیعه و سنی او را یاری بزرگ برای خود می دانستند. امام موسی صدر به شیعیان آموخت که هرگونه داد وستدی با صهیونیستها حرام می باشد. او سازمان نظامی امل را با هدف دفاع از جنوب لبنان در برابر تعرضات صهیونیست ها بوجود آورد. امام موسی صدر بانی مبارزه مردمی با نظام طائفه گری بود و عامل مؤثری در مقابله با سلطه خواهی اقلیت مارونی بر کشور اسلامی لبنان به شمار می آمد. امام موسی صدر یک ماه قبل از هجرت تاریخی امام خمینی به پاریس طی مقاله ای در روزنامه لوموند از انقلاب اسلامی ایران به عنوان ادامه حرکت انبیاء الهی یاد کرد و امام خمینی را بعنوان یگانه رهبر بزرگ انقلاب به دنیای اسلام معرفی نمود.امام موسی و نوسازی اندیشه دینیدر میان عالمان دینی کسانی که گام در راه تجدید و نوسازی اندیشه دینی قدم گذاشته‌اند، نادرند. حساسیت این نوسازی آن گاه بیشتر شد که مسلمین با تمدن جدید غرب مواجه شدند و جامعه مسلمین عقب‌ماندگی خود را احساس کرد. این احساس سبب گشت تا معدودی از عالمان دین در سنت‌های سَلَف وآن چه به نام فرهنگ اسلامی وجود دارد، تجدید نظر کنند تا بتوانند اسلام را از خطر انزوا ومسلمین را از زیان عقب‌ماندگی نجات دهند. امام موسی صدر نسبت به دردهای جامعه و پیرایه‌های بر دین نشسته یک آسیب‌شناس بود، او در صدد بود تا هندسه دین را به گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای انسان امروز باشد، ترسیم کند. شک نیست که در کنار تحوّل علوم بشری وحضور انسان در عرصه دنیای جدید بازبینی وبازسازی در تفکر دینی ضروری می‌نمود.در این میان امام موسی صدر شخصیتی بود که در دانش دین مجتهد بود و دروس حوزوی را تا مرحله اجتهاد طی کرده بود و مبادی و مبانی اسلام را نیک می‌شناخت. هم به نیکی شاگردی کرده بود و هم شاگردان نیکی را تربیت

کرده بود. از سویی دیگر سر در جهان بیرون داشت و مکاتب فکری عصر جدید را از نظر گذرانده بود و نکات ضعف و قوت آن را نیك دریافته بود. از آنجا که امام موسی صدر ذلّت و عقب‌ماندگی مسلمین را از نزدیک دیده بود وخود را در رنج و درد آنان شرکت می‌داد، به این تأمل نشسته بود که باید مسلمین را با تکیه بر اسلام نجات داد و برای نجات مسلمین با تکیه بر اسلام، نخست باید اسلام را از برچسب‌های گوناگون و پیرایه‌هایی که به آن بسته‌اند رهایی بخشید.انسان از نگاه امام موسی صدرنگرش امام موسی صدر به انسان دقیقاً همان نگرش اسلام به انسان است. انسان در دیدگاه امام موسی صدر «بما هو انسان» مقدس است؛ ایشان با تکیه بر تعاریف قرآنی اظهار می‌کند که کرامت انسان پیش از پذیرفتن هر دین، نژاد و یا زبانی قابل احترام است. امام صدر معتقد است که ادیان در خدمت انسان هستند و نه انسان در خدمت ادیان. اگر انسان را مرکزی‌ترین موجود آفرینش در دیدگاه امام موسی صدر بدانیم، طبیعتاً همه احکامی که این عالم شیعی درباره انسان صادر می‌کند، غیر از چیزی است که دیگران می‌بینند. این نگرش بر سه پایه استوار است که همه انسان ها در آن مشترك اند. اصل نخست این است که جوهر رشد انسان ها یکی است. اصل دوم، عدم تفاوت میان افراد بشری از حیث اعتبارات خلقی و تکوینی و جنسی است و اصل سوم، تساوی کامل از نظر حقوق و واجبات میان انسان هاست. انسان امام موسی صدر انسان است به تمام معنی کلمه. انسان برای او عطیه الهی است. خداوند خالق این انسان این موجود را به عنوان هدیه ای به عالم کون و مکان عرضه کرده است. انسان برای او مخلوقی است که بر صورت و صفات خالقش آفریده شده و خلیفه خدا بر روی زمین است. و چون چنین مقامی از سوی خالق جهان بر او ارزانی گشته پس غایت هستی است. این موجود آغاز و فرجام اجتماع است و مقصد همه حرکت ها و رویکردهای بشر در طول تاریخ و در تعامل با جامعه و در طول اوج و فرودهای تاریخ انسانی همین موجود است". طبع انسان مدنی و اجتماعی است"و این انسان اجتماعی تا حد زیادی از طبیعت و موجودات اطراف خود متاثر است. این موجود مدنی الطبع از دیدگاه امام صدر" موجودی است عینی که با موجودات عینی دیگر، از نظر آزادی انتخاب، متفاوت است، بدین معنا که رفتار و اعمال او ناشی از تعقل و اراده اوست"و نه متاثر از آنچه دیگری امر می کند و مدعی می شود که اعمال و رفتارش کاملا عقلانی است و اگر جایی هم به تکافوی ادله بر سر مسئله ای رسید نه به فرموده کسی که بنا به علت ها انتخاب می کند. انسان بدان میزان از دیدگاه امام موسی صدر ارزشمند است که صراحتاً می گوید" : برای انسان گرد آمده ایم، که ادیان برای او آمده اند "و یا می گوید": ادیان یکی بودند، زیر در خدمت هدفی واحد بودند: دعوت به سوی خدا و خدمت انسان و این دو نمودهای حقیتی یگانه اند ". در واقع در انسان شناسی امام موسی صدر کل کون و مکان و ادیان و رسولان برای انسان بر زمین نازل شده است و این مسئله را تا حدی گسترش می دهد که با هم عرض کردن دعوت به سوی خدا و خدمت به انسان را این دو را نمودهای حقیتی یگانه می داند. و این نتیجه مشخص اندیشه ای است که ادیان را در خدمت انسان می داند و برای اندیشه ای، دینی و ایدئولوژی ای ارزش قائل است که در خدمت انسان باشد و نه اینکه بخواهد انسان را به خدمت خویش بگیرد. در انسان شناسی امام صدر و در ارتباط با جامعه آن انسان مدنی الطبع صراحتاً گفته می شود که "جامعه فقط برای انسان است و بس آنچه در زمین به عنوان ثروت در اختیار انسان قرار گفته امانت خدا در دست انسان است و پس اصل و اساس انسان است نه ثروت. همه گروهها و جوامع برای خدمت به انسان شکل گرفته اندو این انسان گوهر یکدانه هستی است و محور جهان مخلوقات. "انسان در نزد امام موسی صدر و هم اندیشان او بدون هیچ نقطه ممیزی عزیز است و محترم و باید گرامی داشته شود. انسانی که از او پرسیده نمی شود شیعه است یا سنی. مسلمان است یا مسیحی یا یهودی و یا زردشتی. موحد است یا ماتریالیست. کمونیست است، بهائی است یا معتقد به هر اندیشه و ایدئولوژی. انسان برای امام موسی صدر انسان است بماهو انسان. ارزش انسان برای او ماهوی است و ناشی از همین وجود انسانیش. او همه را در برابر خداوند برابر می دانست مگر به تقوایشان که آن را هم نه بشر با تقوا سنج های بشری که به نظارت های غیر منطقی می انجامد می تواند اندازه بگیرد که مکیال و میزان آن را خدا دارد و بس. امام موسی صدر و سرنوشت نامعلومامام موسی صدر در مدت ۲۰ سال که در لبنان اقامت داشت

تلاش های فراوانی در جهت ارتقاء کمی و کیفی رفاه شیعیان و تقویت دین و اعتقادات و اخلاقیات آنان به عمل آورد. او به دنبال تلاش و اقدامات فراوان و مؤثر علیه صهیونیسم سرانجام در شهریور سال ۱۳۵۷ پس از سفر به الجزیره و مذاکره با مقامات آن کشور وارد لیبی شد و پس از ۵ روز اقامت در لیبی خبر ناپدید شدنش اعلام گردید. با این حال، دولت لیبی همواره نقش خود را در ربودن امام موسی صدر انکار کرده است. اکنون بعد از سقوط رژیم قذافی با وجود اظهار نظرهای فراوان هنوز خبری قطعی از وضعیت ایشان در دست نیست. امید است انشاءالله با سقوط دیکتاتور لیبی خداوند متعال عاملان محروم ساختن شیعیان از وجود شریف ایشان را رسوا نماید.

بحران؛واقعیتی جدایی ناپذیرازسازمانها

بحران؛ واقعیتی جدایی ناپذیر از ماهیت سازمان‌هانویسنده: مهدی یاراحمدی خراسانی

این مقاله در نشریه علمی، پژوهشی و اطلاع رسانی انجمن مدیریت ایران (ماهنامه مدیریت- شماره: ۱۰۱ – ۱۰۲) پذیرفته و به چاپ رسیده است. (دارای شماره استاندارد بین المللی ۷۴۴۵-۱۰۲۳) چکیده: در عصر جدید و در هزاره سوم بحران‌ها واقعیتی جدایی ناپذیر از ماهیت درونی سازمان‌ها گردیده‌اند. بحران‌ها در واقع در اثر رخدادها و عوامل طبیعی و غیرطبیعی (به طور ناگهانی)پدید می‌آید وسختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند. مدیریت بحران برای مواجهه با موقعیت‌های غافل‌گیرکننده و غیر منتظره پیش از هر چیزی نیازمند تجربه، آمادگی، مهارت، سرعت عمل، هوشمندی و خلاقیت است. مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی وعملکرد می‌باشد. که با مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری برای کاهش اثرات بحران است. دانشمندان بر این موضوع اتفاق نظردارند که در هنگام بحران بیشترین فشار بر مدیران سازمان وارد می‌گردد. از این رو مدیران برای مواجهه مناسب با بحران نیازمند ایجاد آمادگی و پرورش قابلیت‌های خود می‌باشند .مدیریت بحران با توجه به نوع بحران‌ها (طبیعی-غیرطبیعی) و همچنین با عنایت به چرخه بحران نیازمند انجام اقداماتی هستند که ضمن انجام آن اولاً- حتی‌المقدور خساراتی ناشی از بحران را به حداقل برسانند و ثانیاً مانع وقوع اتفاقات ثانویه گردند.۱) مقدمه «بحران» مقوله‌ای است که همهٔ سازمان‌ها و جوامع کم و بیش و با توجه به ماهیت و فعالیتشان به گونه‌ای با آن روبرو هستند. بروز خطرات، سوانح و بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی به همراه حوادث غیر قابل پیش‌بینی واقعیتی است که بشر در طول تاریخ همواره با آن آشنا بوده است. صنعتی شدن جوامع و گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و نقل و انتقادات اطلاعات به طور وسیع و همچنین بزرگترشدن سازمان‌های اجتماعی که همراه با موفقیت‌های فراوان تکنولوژیکی و اجتماعی بوده است. نه تنها میزان بروز خطرات غیر منتظره را کاهش نداده است بلکه در بسیاری موارد افزایش نیز داده است. به بیان دیگر امروزه بحران‌ها در سازمان نهادینه گردیده‌اند و واقعیتی جداناپذیر از ماهیت درونی سازمان‌ها شده‌اند. از این رو سازمان‌ها مجبورند همراه با افزایش پیچیدگی و توان تولیدی خود، توان رویارویی و مواجهه با بحران‌های مختلف را در خود افزایش دهند. امری که تنها با برنامه‌ریزی‌های میان مدت و بلند مدت ممکن می‌گردد.۲) بحرانبحران در واقع حالتی است کاملاً- غیر منتظره و غافلگیر کننده که در آن فرصت برای تصمیم‌گیری بسیار کم است . در چنین شرایطی دیگر نمی‌توان از روش‌های معمول برای نشان دادن عکس‌العمل استفاده کرد. در این حالت مدیریت پیش از هر چیزی به تجربه، مهارت، سرعت، هوشمندی، خلاقیت و موقع سنجی نیاز دارد و با توجه به اطلاعات موجود باید هر چه سریعتر موضوع ارزیابی و نسبت به آن اقدام شود. بحران در واقع وضعیتی است که در اثر رخدادها وعوامل طبیعی و غیرطبیعی (انسان) به طور ناگهانی پدید آمده و یا ظاهر می‌شود.همچنین سختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری تعریف بحران بعلت اینکه تا کنون در خصوص آن توافقی میان صاحب‌نظران پدید نیامده است کار ساده‌ای نیست، واژه بحران در واقع معادل. Crisis در زبان انگلیسی است که از پزشکی

وارد علوم اجتماعی و اقتصادی شده است. در پزشکی وضعیت بحران بر حالتی گفته می‌شود که ارگانیزم دچار بی‌نظمی شده و به خطر افتاده است. در زمینه مسائل اجتماعی بحران حالتی است که جامعه و سازمان از نظم عادی خارج و دچار آشفتگی می‌شود.با عنایت به مطالب فوق‌الذکر، بحران در واقع شرایط عادی است که در آن مشکلات ناگهانی و پیش‌بینی نشده‌ای پدیدمی‌آید و در چنین شرایطی ضوابط و هنجارها وقوانین مرسوم دیگر کارساز نیست.۳) مدیریت بحرانمدیریت بحران ناظر بر پنج مقوله «سازماندهی»، «ارتباطات»، «تصمیم گیری»، «شناخت عوامل بحران» و «طراحی» است. کنترل بحران در مواقعی که سازمان دهی نیروهای مقابله کننده با بحران بیشتر باشد آسان‌تر است.مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی و عملکرد می‌باشد. که با مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری است که بوسیلهٔ آن بتوان از بروز بحران‌ها پیشگیری نموده و یا درصورت بروز آن در خصوص کاهش اثرات، آمادگی لازم، امدادرسانی سریع و بهبودی اوضاع سازمان اقدام نمود.هراندازه میزان ارتباطات بین ارگان‌های مقابله‌کننده با بحران بیشتر باشد مدیریت بحران از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود.سرعت تصمیم‌گیری در مدیریت بحران از اهمیت بسیاری برخوردار است. در واقع بین سرعت تصمیم‌گیری و سرعت کنترل بحران ارتباط مستقیم وجود دارد به بیان دیگر هر اندازه سرعت تصمیم‌گیری از سوی مدیریت بحران بیشتر باشد، سرعت کنترل بحران نیز بیشتر خواهد بود.مساله اصلی در مدیریت بحران، چگونگی سنجش فوریت و اولویت تهدید است. در سنجش، طبقه‌بندی و تشخیص اولویت و فوریت تهدید عوامل بسیاری تأثیرگذار هستند. زمان تهدید، مکان و شدت تهدید، توان و قدرت تهدید، عامل تهدید، عمق و دامنه تهدید، نوع تهدید، هدف مورد آماج تهدید و ابزار تهدید از مهمترین این عوامل هستند.۴) مدل چهار لایه برای تدبیر بحران‌هادانشمندان مدیریت در این که هدف اصلی در مدیریت بحران، بهره گیری از مهار خسارات از طریق پاسداری از منافع خودی می‌باشد اجماع نسبی دارند. اندیشمندان برای تدبیر بهینه بحران‌ها ، مدل‌های چهارلاله را پیشنهاد نموده‌اند. در این مدل چهار عامل اساسی وجود دارد که در مواجهه با بحران نقش تعیین‌کننده‌ای دارند:۱ـ انسان: عامل اول انسان، شخصیت و رفتار اوست. رفتار انسان دربرابر بحران به دو صورت می‌تواند باشد؛ در حالت اول انسان به مقابله با بحران می‌پردازد و در حالت دوم در مقابله با بحران برخورد انفعالی دارد.۲ـ فرهنگ جامعه: عامل دومی که در تدبیر بهینه بحران‌ها نقش تعیین کننده‌ای دارد فرهنگ جامعه می‌باشد. فرهنگ جامعه در چگونگی مواجهه با بحران نقش اساسی دارد.۳ـ ساختار ارتباطی: ساختار ارتباطی در لایه سوم قرار دارد. که می‌تواند در بحران ستیزی و یا بحران‌پذیری سازمان مؤثر باشد. ارتباط واحدها با هم میزان پیچیدگی، تمرکز، اختیارات، رسمیت، سلسله مراتب، و ...از عوامل تأثیر گذار لایه سوم است که در ساختار ارتباطی بحران قرار می‌گیرد.۴ـ استراتژی و خط‌مشی‌ها: در آخرین لایه برای تدبیر بحران (در مدل چهار لایه) استراتژی و خط‌مشی‌ها و شیوه‌های مقابله در مدیریت بحران قرار دارد که جز عوامل اساسی تدبیر بهینه بحران‌ها می‌باشد.با توجه به لایه‌های ذکر شده، تدبیر در مدیریت بهینه بحران‌ها به موفقیت در چهار لایه. اتخاذ سیستم‌های جامع و مبتنی بر افق‌های مکانی و زمانی وابسته می‌باشد. توجه کافی به هر یک از عوامل اساسی ذکر شده در لایه‌های مختلف نقش تعیین کننده‌ای در مدیریت بهینه بحران‌ها دارد.مدیریت بحران هر چقدر در عوامل تأثیر بحران در لایه‌ها مختلف از شناخت و آگاهی بیشتری برخوردار باشد مسلماً در کنترل و تدبیر بهینهٔ آن توانمندتر خواهد بود.۵) بحران در سازمانبحران جزجدایی ناپذیر اکثر سازمان‌های اقتصادی اجتماعی، سیاسی و ... است. به بیان دیگر اکثر سازمان‌ها در زمان‌های خاص با بحران روبرو می گردند. بحران در سازمان‌ها می‌تواند به انفجار اطلاعات، جهش تکنولوژی، رکودتورمی، بحران در محیط زیست بحران پولی و ...اشاره نمود. امروزه تعادلات و ارتباطات بین سازمان‌ها بسیار گسترده شده است. همین گستردگی ارتباطات، سبب پیچیدگی سازمان‌ها اجتماعی شده است. که این خود می‌تواند منجر به ایجاد بحران‌های جدید گردد.یکی از ویژگی‌های بحران در سازمان این است که سبب ایجاد فشار بر مدیران می شود. کیفیت کار نامطلوب مسائل شدید روحی و روانی: مشکلات خاص اجتماعی، نارضایتی کارکنان و... از مهمترین عواملی هستند که فشار بحران سازمان‌ها را بریدتر بیشتر

می کنـد.سازمان‌هایی می توانند در مقابل حوادث پیش‌بینی نشده و بحران‌ها از خود واکنش مناسب و به‌موقع نشان دهند و که از قبل پیش‌بینی لازم توان خود را در مواجهه بـا بحران‌هـا افزایش داده باشـند. سازمان‌هایی بایست برای موفقیت در اداره بحران نسبت به تجهیز و اندیشیدن تمهیـد لازم برای لایه‌های بحران اقـدام کند.۶) تـأثیر بحران بر مـدیرانهمانگونه که ذکر شـد بحران‌ها به طور غیر منتظره‌ای مـدیران را برای ادارهٔ سازمـان خود بـا شـکل و چـالش روبرو می کنـد.تحقیقـات نشان داده است. در اکثر سازمان‌هایی که بحران حاصل شده است بیشترین فشار بر مدیران سازمان وارد گردیده است. این مسئله ضرورت افزایش قابلیت مدیران برای مواجهه با حوادث و جریان‌های غیرقابل پیش‌بینی را پیش از پیش نمایان می کنـد.در عصـر جدیـد و در هزاره سوم مدیران در مواقع مختلف می‌بایست ۵ نوع فشار را تحمل نماینـد.۱ـ زیستی: فضـای زیستی روز به روز تحت تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های تولیـدی تحت فشار بیشـتری ناشـی از آلـودگی قرار می گیرد۲ـ فضـای اجتمـاعی: بـا تـوجه بـه افزایش ارتباطـات، تکـثیر نهادهـا، و سازمان‌هـا و افزایش پیچیدگی‌ها دومین فشار از فضای اجتماعی سرچشمه می گیرد. و باعث یک رشته عکس‌العمل‌های زنجیره‌ای می گردد.۳ـ اطلاعاتی: امروزه مـدیران بـا توجه به دامنه گسترده فعالیت‌هـا، روابـط واحـدها و همچنین متغیر بودن و پیچیـدگی محیـط پیرامون خود نیـاز به اطلاعـات دارنـد از این رو سومین فشار از ناحیه فضای اطلاعاتی است. به بیان دیگر بایـد گفت که همه سازمان‌ها و سیسـتم‌ها برای حـل مشـکلات خود به طور روز افزونی به اطلاعات نیاز دارنـد.۴ـ فضای سیاسـی: قدرت های سیاسـی امروزه دارای پیچیدگی‌هایی هسـتند که برروی سازمان‌هـای اجتمـاعی تـأثیر گذارنـد. یکی از دلایل عمـده این مسـئله این است که امروزه روابط میان سازمان‌ها گسترش یافته و نظارت قدرت حاکمه بر فعالیت‌های سازمان‌ها بیشتر اعمال می‌شود. از این رو چهارمین فشار از ناحیه فضای سیاسـی بر مدیران وارد می شود.۵ـ افکـار عمومی: با توجه به افزایش رسانه ها و نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطی اهمیت افکار عمومی پیش از پیش نمایـان گردیـده است. بـدین ترتیب از نـاحیه افکار عمومی نیز بر مـدیران فشار وارد می‌شود. به بیان دیگر از آنجا که عملکرد سازمان‌ها در زنـدگی جامعه اثر دارد افکار عمومی نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهـد.موارد اولیه و ... نیز می توانـد به موراد ذکر شده اضافه گردد و سبب ایجاد شرایط بحرانی شود.در زمان وقوع بحران در سازمان شرایطی ایجاد می‌شود که دو شاخصهٔ مهم دستپاچگی و شتاب‌زدگی از مهمترین ویژگی‌های آن است. در چنین شرایطی مدیران می‌بایست با توجه به حاد بودن موضوع نسبت به اخذ تصـمیم‌گیری صـحیح، سریع و به موقع اقدام نمایند. حفظ خونسردی در شرایط حاد بحران از اهمیت زیادی برخوردار است که می‌تواند اخذ تصمیم‌های نادرست را تا حد زیادی کاهش دهد. رویارویی صحیح و واقع بینانه و تصمیم‌گیری مناسب، بهینه و به موقع از لازمه‌های اساسی شـرایط بحرانی است. که می‌توانـد فشارهای ناشـی از بحران را برای مدیران تا حد زیادی کاهش دهد.۷) انواع بحرانبحران‌ها به طور کلی به دودسـته تقسـیم می‌شونـد:۱ـ بحران‌هـای طبیعی: بحران‌هـایی هسـتند که براثر عوامل طبیعی ایجاد می‌شوند. از قبیل سـیل، آتش‌سوزی زلزله.۲ـ بحران‌هـای غیر طبیعی: بحران‌هـایی هسـتند که بر اثر عوامل غیرطبیعی ایجاد می‌شونـد. بحران‌هـای غیرطبیعی در سازمان‌ها به چهار دسـته تقسـیم می‌شونـد.الف) بحران‌های مالی : منظور بحرانهایی است که در اثر اختلال در کـارکرد نظامهای مالی سازمان رخ می‌دهـد و موجب آشـفتگی اساسـی در سازمان می‌شود از قبیل: مفقود شـدن ، اسـناد مالی با اهمیت، جعل اسـناد مالی با اهمیت ، وارد شـدن خسارات شدیـد مالی ، اختلاس ، عدم تحقق درآمدها ، افزایش غیر مترقبه هزینه‌ها، از بین رفتن منابع تأمین وجوه ، شیوع رشوه، بلوکه کردن دارایی‌ها.ب) بحران‌های اطلاعاتی امنیتی: بحران است که دراثر اختلال در طراحی، تجهیزات و کـارکرد نظام‌های حفاظتی، اطلاعاتی، امنیتی و رایانه‌ای در سازمان رخ می‌دهـد و موجب آشـفتگی در سازمان می‌شـود. از قبیـل تقلـب و دسترسـی غیرمجـاز، استراق‌سـمع در خطـوط ارتبـاطی اطلاعـاتی، افشـای غیرمجـاز اطلاعـاتی، حسـاس، بمب‌گذاری، ناکارآمدی سـخت افزار و نرم افزار، مفقود شد مدارک و داده‌ها، عدم تبادل و انتقال اطلاعات.ج) بحران‌هایی انسانی: منظور بحرانی است که دراثر اختلال در کارکرد منابع انسانی سازمان رخ می‌دهد و موجب آشـفتگی اساسی در سازمان می‌شود. از قبیـل تحریم کـاری، اعتصـاب نشسـته یـا تخصـص در محـل کار، اعتصاب تهدیـد کننـده، اعتصاب نوبتی، خرابکاری در محل کار،

اعتصاب ناگهانی و غیررسمی، اشغال محل کار، اعتصاب همدردی، اپیدمی، آشوب کارکنان، کمبود علم و تجربه در کنار هم در سازمان، بحران نیروی انسانی، ممانعت از بکارگیری نیروی انسانی جدید، حاکمیت عملکرد گروههای غیررسمی منفید) سایر موارد: از قبیل؛ جنگ شورش وبلوای عمومی، قطع خطوط ارتباطی، برق، آب و گاز در اثر عوارض سازمانی با فراسازمانی.۸) چرخه مدیریت بحرانچرخه مدیریت بحران عبارتست از:۱ـ پیشگیری: اقدامات با هدف جلوگیری از وقوع مخاطرات یا کاهش آثار زیانبار آن.۲ـ آمادگی: اقداماتی است برای افزایش توانایی سازمان در انجام مراحل مختلف مدیریت بحران. آمادگی شامل جمع‌آوری اطلاعات، پژوهش، برنامه‌ریزی، ایجاد ساختارهایی مدیریتی، آموزش، تأمین منابع، تمرین و مانور است.۳ـ مقابله: ارائه خدمات اضطراری و فوق‌العاده بدنبال وقوع بحران است با هدف حفاظت از منابع مختلف سازمان در جلوگیری از گسترش خسارات مقابله در حوادث غیرطبیعی شامل شناسایی دامنه بحران، ریشه‌یابی عوامل پدیدآورندهٔ بحران، استفاده از ابزارهای انسانی، اطلاعاتی و فیزیکی مورد نیاز برای مقابله با بحران است.۴ـ بازسازی: بازگرداندن شرایط یک سازمان آسیب دیده پس از بحران به شرایط عادی با درنظر گرفتن ویژگی‌های سازمان موفق و کلیه ضوابط ایمنی. ۹) اثرات عمومی بحراناثرات عمومی کلیه بحران‌ها بصورت زیر طبقه‌بندی می‌شود:۱ـ فوت۲ـ مصدومیت۳ـ خسارت و ازدست دادن دارایی۴ـ خسارت و نابودی مواد محصولات غذایی۵ـ قطع جریان تولید۶ـ قطع روند عادی زندگی ۱۰) خصوصیات بحرانبا توجه به اثرات عمومی بحران، خصوصیاتی به‌شرح زبر برای بحران متصور است.۱ـ از دست رفتن کنترل حوادث و افراد۲ـ ایجاد نگرانی، پریشانی، دستپاچگی و سردرگمی در تصمیم‌گیری۳ـ کمبود اطلاعات۴ـ کمبود وقت برای تصمیم‌گیری۵ـ تهدید اهداف، مقاصد و فرصت‌ها۶ـ ضرورت تصمیم‌گیری سریع۷ـ آثار و نتایج زیان‌بار۸ـ ایجاد وضعیت نامطلوب و عدم اطمینان۹ـ دگرگونی روابط بین افراد (ایجاد دگرگونی، برخورد، درگیری و ... بین افراد)۱۱) اقدامات لازم برای مواجهه با بحرانبر اساس چرخه زمان بحران، در سه قطع پیش‌از بحران، حین بحران و پس از بحران اقدمات زیر ضروری است.۱ـ اقدامات پیش از بحران شامل موارد زیر است:تشکیل کمیته‌های اجرایی، انتخاب اعضای کمیته اجرایی، جمع‌آوری اطلاعات و آمار ضروری، تدوین خط‌مشی‌های بهینه، تصویب خط‌مشی‌های مدون، پیش‌بینی، برگزاری دوره‌های آموزش لازم جهت آمادگی و اقدام در مواقع ضروری.۲ـ اقدامات حین بحران شامل موارد زیر است :اعلام وضعیت بحرانی، فعال‌کردن کمیته‌های اجرایی، بررسی وقوع بحران در بخشهای مختلف، فرماندهی عملیات، کنترل و هدایت بحران، گزارش مستمر وضعیت بحران، ارائه راه‌کارهای بهینه در مورد نحوه عملیات، ایجاد هماهنگی بین کارکنان، اطلاع رسانی و هشدارهای لازم.۳ـ اقدامات پس از بحران شامل موارد زیر است:اعلام پایان وضعیت بحرانی، برآورد پیامدها و خسارات حاصله از بحران، هماهنگی جهت جمع‌آوری آوارها و مواد زائد در بحران‌های طبیعی، تهیه لیست مالی خسارات مالی، انسانی، فیزیکی و تجهیزاتی، برنامه‌ریزی جهت ترمیم خسارات وارده، بازگرداندن وضعیت عادی، برنامه‌ریزی جهت پیشگیری از حوادث مشابه در آینده و بروز حوادث ثانویه، ثبت و بایگانی مستندات و تجارب وقایع.۱۲) نتیجه‌گیریبحران حالتی غیرمنتظره و غافلگیر کننده است که همه سازمان‌ها کم‌وبیش با آن مواجه هستند. از اینرو می‌بایست با درک واقعیت بحران و اثرات با تمهید اندیشه های آثار منفی و خسارات آن را به حداقل ممکن رسانید. حفظ خونسردی، کاهش عوامل استرس‌زا، پرهیز از درگیری با دیگران، سرعت عمل در تصمیم‌گیری، دقت در کردار به‌همراه توکل به خداوند متعال برای مددرسانی درهنگام بلایا و سختی‌ها ازمهمترین لازمه‌های بایسته در زمان وقوع بحران است.برای آنکه بتوانیم همیشه در برابر بحران‌ها عکس‌العمل مناسب داشته‌باشیم می‌بایست از قبل با انجام پیش‌بینی‌های لازم ضمن ارائه آموزش‌های ضروری و برگزاری مانور، احساس نیاز در منابع انسانی برای آشنایی با اصول مدیریت بحران را ایجاد نماییم تا از این‌طریق در هنگام وقوع بحران دچار سردرگمی و دستپاچگی در عمل نشویم.اقدامات سریع برای حفظ و نگهداری اموال سازمان ضروریتی است که می‌بایست در هنگام وقوع بحران بدان اهتمام ورزید.منابع و مأخذ۱ـ تسلیمی، محمدسعید، مدیریت تحول سازمانی، انتشارات سمت.۲ـ الوانی، سیدمهدی، مدیر بحران آفرین، مجله کنترولر، سال اول شماره‌های

۳و۴.۳ـ تاجیک، محمدرضا، مدیریت بحران.۴ـ رضائیان، علی، اصول مدیریت، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.۵ـ محمدزاده، عباس، مدیریت توسعه، انتشارات سمت، تابستان ۱۳۸۱.۶ـ ناطقی الهی، فریبرز، مدیریت بحران زمین‌لرزه ابرشهرها با رویکرد به مدیریت بحران، زمین‌لرزه شهر تهران ۱۳۸۲.۷ـ طرح جامع مدیریت بحران شهر تهران، دبیرخانه طرح جامع مدیریت بحران شهر تهران، ۱۳۴۳.۸ـ لایحه قدیمی جهت تقویت و عملیاتی نمودن سیستم مدیریت بحران شهر تهران.۹ـ جزوات دانشگاهی

Crisis Management

Crisis management is a relatively new field of management. Typically, proactive crisis management activities include forecasting potential crises and planning how how to deal with them, for example, how to recover if your computer system completely fails. Hopefully, organizations have time and resources to complete a crisis management plan before they experience a crisis. Crisis management in the face of a current, real crisis includes identifying the real nature of a current crisis, intervening to minimize damage and recovering from the crisis. Crisis management often includes strong focus on public relations to recover any damage to public image and assure stakeholders that recovery is .underway

راهنمایی نوشتن طرح تحقیق

۳۹۰ ، ۱۰:۵۹ راهنمایی نوشتن " طـرح تحقـیـق" ترجمه: مهدی یاراحمدی خراسانی- هانیه مازندرانی

DRY YOUR tears, my darling, for love that has opened our eyes and made us its servants will grant us the blessing of patience and forbearance. Dry your tears and be consoled, for we have made a covenant with love, and for that love shall we bear the torment of poverty and the bitterness of misfortune and the pain of separation. این مقاله در نشریه علمی، پژوهشی و اطلاع رسانی انجمن مدیریت ایران (ماهنامه مدیریت- شماره: ۱۰۷ – ۱۰۸) پذیرفته و به چاپ رسیده است. (دارای شماره استاندارد بین المللی ۷۴۴۵-۱۰۲۳) طرح تحقیق (proposal) رسمی برای تحقیق لازم بوده است .این وسیله ای است که به واسطه‌ی آن هیأت دانشگاه تحقیق شما را ارزیابی می کند. مراحل پیشرفت این طرح در صورتی می‌تواند تمرین ارزشمندی باشد که عامل تعین کننده ای برای رسیدن شما به اهدافتان باشد. اهداف پروژه تحقیقاتی وطرح آن را به وضوح مشخص کنید. طرح توسعه یافته راه مهمی است که در آن شما می توانید درک خود را از تحقیق نشان دهید و تفکرات خود را با دیگران مکاتبه کنید. این رهنمودها برای یاری شما در جهت استخراج عقایدتان مهیا شده است. آنها نیازهای طرح اصلی را بنا می کنند.۱- عنوان و مشکلات شایعموضوع تحقیق بر اساس مسئله ای که قابل بررسی است تنظیم می شود موضوع باید:واضح توضیح داده شود و در یک یا دو جمله خلاصه گردد.بعد از مشورت با سر پرست معین گردد.موضوع معمولاً به عنوان مسئله یا سؤالی که نیاز به پاسخ دارد، ساخته می شود.بیان موضوع خواننده شما را به پرسش هایی در مورد ارزش کار دعوت می نماید. یک طرح تحقیقی خوب در یک عنوان حیرت آور تحقیقی، شناخته می شود. لازم به گفتن نیست که بیان شما حاصل از علایق وعقاید شما، مشورت با سرپرست ودیگران خواهد بود.قالب بندی سؤالات همیشه آسان نیست و شما نیاز به پرسش از خود دارید که آیا سؤالات تحقیقی واقعاً مسئله ای است که پرسیده و پاسخ داده شود؟ قالب بندی این مسائل در ساختار یک تحقیق بسیار سخت است گر چه برای

محققین باز بینی و تنظیم آن به عنوان پیشرفت تحقیق یک کار رایج است.مسئله ی مهم این است که نگرش و تصور شما از موضوع چگونه است؟ چیزی که برای استخراج درک شما در مورد مسئله ای که بر روی آن کاوش می کنید مورد نیاز است.۲- سابقه و بافت متنعنوان تحقیق شما لازم است که در بافت و زمینه خودش قرار داده شود. درروش گرافیکی این زمینه شما لازم است که نشان دهید چگونه و چرا عنوان اهمیت پیدا می کند و چرا ارزشمند است؟ این یعنی:بافت مشکلات تحقیق- چگونه به وجود می آید؟خلاصه کردن مطالب مهم چه نتایجی و برای چه کسی خواهد داشت؟مراجعه به موضوعات کلیدی که به عنوان مربوط می شوند.زمینه می تواند در چند روش مهیا شود. علایق شخصی و یا وابستگیهای نظری شما تحقیق را گسترش داده و خلق می کند. صفحه بندی آن در توسعه ی نظری یافت می شود یا به ادبیات مربوط می گردد. جایی که اعمال حرفه ای کانون و نقطه ی اصلی است، شما ممکن است بخواهید رویه یا تغییرات سازمانی متن را تجزیه و تحلیل کنید.در هر صورت، شما باید توانایی هایی که برای شکل دهی تحقیقتان به بازی گرفته می شوند را خلاصه کنید. این تجزیه ها باید شما را به استنطاق مفروضات خودتان در مورد اینکه چرا موضوع مهم است، هدایت کند شما باید بپرسید که چه علایقی تحقیق را به جلو می راند و از چه نقطه نظری این موضوع مهم است؟۳- چارچوب نظری و ادبیات مربوطچارچوب نظری مسئله ی تحقیق را در ارتباط با ادبیات مربوطه با دقت شرح می دهد، او باید به چنین مطالبی رسیدگی کند:موجود بودن تحقیق و رابطه اش با موضوع شمادید نظری مربوط یا جنبه ی فکریکلیدی کردن تصورها یا شکل دادن دیدگاه خودتانممکن کردن مسیر تحقیق که احتمال دارد پیگیری کنید.طرح شما لازم است نشان دهد که چگونه تحقیق طرح ریزی شده با بدنه مطالعات مربوط یا ادبیات مرتبط است.راه رسمی درست برای انجامش این است که خلاصه ی متن بازبینی شده ادبی بر روی مدلهای سنتی دانشمندان را به صورت خلاصه بنویسید. این همیشه ممکن نیست، مخصوصا اگر رابطه ی کوچکی با تحقیق گذشته وجود داشته باشد. دیگر آنکه خلاصه کردن انواع منابع تئوری که ممکن است تحقیق شما را شکل دهد.اگر چه تمام طرح ها (PROPOSAL) لازم نیست که شامل یک چارچوب ادراکی باشند، طرح تحقیق توسعه یافته این کار را انجام خواهد داد. این می تواند نتیجه ای که درک شما را بیان می کند، در بر داشته باشد.۴- روش تحقیق و علم اخلاقمتودولوژی حقیقتا روش تحقیقی است که شما به پیشرفت یا استعمال کردن و صفحه بندی آن ها تمایل دارید .این فراتر از توصیف تکنیک وشیوه های مطرح شده است و باید فرضیات کلیدی، روش ساختاری شما را طرح ریزی کند.این ممکن است بعضی از نتایج روش تحقیق که شما پیش بینی کرده اید در پیشرفت دیدگاه تحقیقی شما به وجود آید، از پیش خبر دهد.چگونگی شرح طرح تحقیق شما بستگی دارد به دیدگاهی که شما دارید.تقسیم انواع روش تحقیق چنین است:مراجعه به پذیرش روش یا رویکردبرجسته کردن مشکلات در راه توسعه ی دیدگاه مناسبیان چگونگی اطلاعات تولید شده، تشریح و گزارش آننتایج سندهای اخلاقی در دانشگاهاگر شما برای مقدار کمی مطالعه برنامه ریزی کنید، شما در روشها نکته برداری و تجزیه را ترجیح می‌دهید.طرح تحقیق کیفیتی، به توصیف نتایج جزیی کیفیتی نیاز دارد. عمل روش تحقیق محققان نیاز به توضیح در طول ترم، پیشرفت برنامه ریزی و نتایج صورت های مختلف توسعه ی آن و مانند آن دارد.۵- طرح تحقیق و جایگاه آنمهمترین بخش این طرح برنامه ریزی محقق در کلیه مراحل به سوی تکمیل تحقیق می باشد. برنامه‌ریزی شما باید وظیفه ای که در هر مرحله بازبینی ادبی به عهده ی شماست، معین کند. چارچوب تحقیق، تشریح روش، نکته برداری یافته ها وغیره را معین کند.این وظایف باید معین کند که چه نوشته ای چگونه وچه زمانی تکمیل خواهد بود.این ها به ما کمک خواهند کرد برای:نمایش تحقیق به عنوان کار ترمی دانشگاه به وسیله دوره ی مناسبتوضیح موضوعات نوشتاری دانشگاه برای هر ترمتوضیح دیگر نتایج در مرحله ی داده شده مانند سمینار یا کنفرانسمجاز بودن برای تجدید نظر وبررسی پایان نامه درطول ترمشما وقت بی حد و اندازه برای تکمیل این مدارج ندارید.برای تکمیل در زمان کوتاه و برنامه ریزی چگونگی دست یابی به آن بر نامه ریزی کنید. راه پیشنهادی برای توصیف زمان مناسب در برنامه ی ارائه شده نشان داده شده است.۶- نوشتن تحقیقتهیه پایان نامه وظیفه نوشتاری چالش انگیزی است و می تواند

برای تعیین اینکه چه نتایج نوشتاری در هر مرحله خواهد بود، مورد کمک قرار گیرد.دانشجویان علاقه مند استادان، برای درک پژوهشگرانه در طول ترم کار می کنند. گر چه زمینه تحقیقشان خیلی در گیر کننده نباشد.مکملهای اخیر بهترند، اگر پایان نامه در سر تا سر نوشته های تکمیلی ویژه شامل فیش های تحقیق که باید در سمینار و کنفرانس حاضر باشد، توسعه یابد.تقاضاهای نامزدی پزشکی، سمینار تأیید پزشکی را تکمیل می کند.۷- تحقیق مناسبتوضیحات زیر چگونگی مدارج تحقیق پایان نامه ی برنامه ریزی شده در طول فرآیند را بیان می‌کند:۱- تحقیق، فیش در بحث، پایان نامه، خلاصه رئوس، پایان نامه (طرح تحقیق پیشرفته)۲- فیش برداری استد لالی و چارچوب ادراکی، بازبینی ادبی(خواندن ادبیات تحقیق مذاکره و ارزیابی فعالیت)۳- پیش نویس بخش روش تحقیق، آزمایش موارد انتخابی مورد نگارش، بررسی دوباره بخش های ادراکی (زمینه ی تحقیق، پیشرفت طرح آزمایشی، پیشرفت برنامه ی داده ها)۴- فیش های کار شده در زمینه تحقیق، مورد نگارش قرار دادن روشهای تحقیق(زمینه ی تحقیق، اتمام روشها و تکمیل)۵- پیش نویس بخش تجزیه، آماده سازی برگه کنفرانس، پیش‌نویس بخش آخر (تجزیه)۶- بخش آخر، باز بینی پایان نامه و ساختارش، سمینار یا برگه کنفرانس (بازبینی پایان نامه)۷- بازبینی نهایی، عنوان ژورنال (فرمانبرداری و آزمون)نکته :طرح تحقیق اصولا برای تصمیم گیری در مورد پذیرش مورد استفاده قرار می گیرد، دور از انتظار است که این نهایت و اتمام کار باشد. بعد از شروع تحقیق این طبیعی است که طرح تحقیق به عنوان نتایج پژوهش در بعضی مواقع به صورت معتبر مورد اصلاح قرار گیرد.

Guide to writing a research proposalBy: University of technology sydney

DRY YOUR tears, my darling, for love that has opened our eyes and made us its servants will grant us the blessing of patience and forbearance. Dry your tears and be consoled, for we have made a covenant with love, and for that love shall we bear the torment of poverty and the bitterness of misfortune and the pain of separation.A formal proposal is required for admission to a research degree. It is one means by which university committees assess and approve your research candidature.The process of developing the proposal can be a valuable exercise, one which can help you determine your focus, clarify what is involved in your research project and plan its development. A developed proposal is an important way in which you can demonstrate your understanding of research and communicate your ‘research thinking’ to others.These guidelines are provided to help you draw out your ideas. They state the requirements of a sound proposal. ۱ Topic and problematicThe research topic formulates a problem that is worthy of research. The topic should:be stated clearly and succinctly in one or two sentences.be determined after consultation with potential supervisors.The topic is usually framed as a ‘problem’ or question in need of an answer. The topic statement will invite your reader to ask why it is significant and ‘worth doing’. A good research proposal identifies in the research topic a ‘problematic’ to be investigated. Needless to say, your statement of this will result from discussion of your area of interest with potential supervisors, mentors and others.Framing the question is not always easy, and you need to ask yourself whether your proposed ‘problem’ or ‘research question’ is really the question to be asked and

answered. The framing of the problematic is crucial in setting up the research, though it is a common for researchers to revise and reformulate this as the research progresses.An important issue is how you theorise or conceptualise the topic—what needs to come through is your understanding of the problematic you are exploring.۲ Background and contextYour research topic needs to be located in its context and background. In sketching this background, you need to show how and why does the topic come to be important and why is it worth researching? This means:contextualising the research problem—how does it arise?outlining its significance—what will be the outcomes, and for whom?referring to key issues that are associated with the topicBackground can be provided in several ways. Your theoretical interests or concerns may have generated the research, and its justification is to be found in a theoretical developments or related literature. Where professional practice is the focus, you may want to describe and analyse the context of policy or organisational changes.In any case, you should summarise the influences which come into play to shape your research. The analysis should lead you to interrogate your own assumptions about why the problem is significant. You need to ask what interests are driving the research, from whose point of view the problem is 'significant'?۳ Conceptual framework and related literatureA conceptual framework elaborates the research problematic in relation to relevant literature. It should deal with such matters as:existing research and its relevance for your topicrelevant theoretical perspective or perspectiveskey ideas or constructs in your approachpossible lines of inquiry you might pursueYour proposal needs to show how the proposed research relates to a body of related studies, or literature. The orthodox way to do this is to write a brief version of the literature review on a traditional science model. This is not always possible, especially if there is little related past research. Another is to outline the kinds of theoretical sources that will inform your research—the available research perspectives.Though not all proposals need to include an elaborated conceptual framework, a well-developed proposal will do so. This can take up so-called 'conceptual issues' which express your understanding of the topic and the problems in researching it.۴ Methodology and ethicsMethodology put simply is the research methods you intend to develop or employ and their justification. It is more than a description of the techniques or procedures proposed, and should outline the key assumptions your approach makes. It may foreshadow some of the 'methodological issues' which you anticipate will arise in developing your research approach.How you describe your methodology will depend on

what kind of approach you are taking. The methodology section typically might:refer to a accepted method or approachhighlight problems in developing a suitable approach (methodological issues)describe how information will be generated, analysed and reporteddocument ethical issues in view of UTS Ethics Committee requirements (see the guidelines on ethics included in this handbook)If you plan a quantitative study, you will refer to method, data collection and analysis. Qualitative methodology will need to describe issues in managing qualitative data. An action research methodology needs to be described in terms of planning a process and the outcomes of different phases of the process, and so on.۵ Research plan and timelineAn important part of the proposal is planning the research in all its stages up to completion. Your plan should specify what tasks you will complete at each stage – literature review, research framework, description of method, writing up of findings and conclusions and so on. These tasks should specify what writing tasks will be accomplished and when. It is helpful to:diagram the research as a semester by semester timelinestate semester writing objectives for each semesterstate other outcomes at a given stage, such as seminar or conference papersallow a semester for revising the thesisYou do not have an indefinite amount of time to complete the degree. Plan to complete in the minimum time, and plan how you will achieve this. A suggested way to describe the timeline is shown on the attached planner.۶ WritingThesis preparation is a challenging writing task. It will be helpful for you to specify what writing outcomes there will be at each stage. The Faculty encourages students to understand their research in terms of scholarly writing, whether or not field research is involved. Early completion is more likely if the thesis develops through specific writing commitments including short papers which may be presented at seminars and conferences. UTS requires doctoral candidates complete a doctoral assessment seminar (see guidelines elsewhere in this handbook).۷ Research TimelineThe following illustrates how a research degree thesis might be planned over six semesters:A formal proposal is required for admission to a research degree. It is one means by which university committees assess and approve your research candidature.The process of developing the proposal can be a valuable exercise, one which can help you determine your focus, clarify what is involved in your research project and plan its development. A developed proposal is an important way in which you can demonstrate your understanding of research and communicate your 'research thinking' to others.These guidelines are provided to help you draw out your ideas. They state the requirements of a sound

proposal.semesters:a. Proposal. Paper on the thesis argument. Thesis outline.(Proposal developed)b. Short papers on rationale & conceptual framework, review of literature.(Reading of literature. Negotiate access to field)c. Draft methodology chapter. Trial write-up of selected material. Re-work conceptual chapter.(Field research: develop and pilot procedures. Database development)d. Short papers on field research. Write up research procedures.(Field research: finalise procedures and complete.)e. Draft analysis chapter. Prepare conference paper. Draft conclusions.(Analysis)f. Final chapter. Revise and refine thesis structure. Seminar or conference paper.(Revision of thesis)g. Final revisions. Journal article.(Submission and examination)Note:The research proposal which is submitted with an application is used primarily for making a decision about admission. It is not expected that this will be definitive or final. After commencing a research degree, it is normal for research proposals to be modified as a result of further study and investigation, sometimes in substantial ways.

جهاد اقتصادی مبتنی بر اصول

مهدی یاراحمدی خراسانی

مقدمه: هر چند اداره حکومت ابعاد مختلفی از اقتصاد، سیاست، هنر، اجتماع و روابط بین الملل را در بر می گیرد، اما تردیدی نیست جامعه ای که پای اقتصادش بلنگد، فقط از منظر اقتصادی عقب نخواهد بود بلکه در سایر حوزه های به هم پیوسته اش نیز به مقصد نخواهد رسید. از این رو در سال های اخیر، مقام معظم رهبری اسامی سال ها را با محوریت اقتصادی تعیین می کنند مانند اصلاح الگوی مصرف، همت و کار مضاعف و جهاد اقتصادی. «جهاد» به نهایت کوشش، سعی و تلاش در هر امری گفته می‌شود. «اقتصاد» نیز به معنای «میانه روی» است. نام گذاری امسال به عنوان «جهاداقتصادی» بی شک امری تشریفاتی نبوده و اهدافی از این موضع، مدنظر است. جهاد اقتصادی یعنی همه در کنار هم، اقتصاد مملکت را با تلاش، وجدان کاری، بهره وری، صرفه جویی، اصلاح الگوی مصرف، خودداری از هدردادن پول، انرژی و... بسازیم.اول: جهاد اقتصادی و فقه شیعهاسلام به عنوان دین کامل بشریت به مسلمین توصیه می‌فرماید که در مسائل اقتصادی و مالی، طوری با جدیت کار و تلاش کنید که انگار تا ابد در این دنیا زنده‌اید و در مسائل معنوی، طوری عمل کنید، که انگار امروز آخرین روز زندگیتان است. فقه شیعه این انعطاف و زمان‌شناسی را دارد که بتواند به‌روز گردد و بدین سان جهاد به عنوان یکی از فروع دین به ابعاد فرانظامی تعمیم یابد؛ جهاد علمی، جهاد فرهنگی، جهاد سازندگی و ... و امروز نیز جهاد اقتصادی به این گفتمان وارد شده است. در بین ابعاد مذکور اقتصاد در مقایسه ابعاد مختلف پیشرفت یک کشور با کشورهای دیگر از ویژگی عام‌تری برخوردار است. به بیان دیگر متأسفانه یا خوشبختانه حوزه اقتصاد و شاخص‌های مربوط به آن از برجستگی ویژه‌ای بهره مند است و نهادهای بین‌المللی نیز توسعه را در این بعد خلاصه می‌کنند. بنابراین برای اثبات کارآمدی نظام دینی در عرصه اقتصاد و اجتماع و سیاست، رسالت سنگینی بر دوش پیشکسوتان و دلسوزان انقلاب اسلامی است. جهاد اقتصادی که گفتمان عمومی امسال کشور است، یکی از عرصه‌های اثبات این کارآمدی است و از جمله مسائلی است که همه مردم (بدون استثنا) آن را لمس می‌کنند و هر کسی درحد فهم و تجربه خود درباره آن به قضاوت می‌نشیند، بنابراین آن سوی اثبات کارآمدی اقتصادی نظام اسلامی، رضایت عمومی خواهد بود. اما ابعاد جهاد اقتصادی چیست و

چگونه بایـد بدان ورود کرد؟ مفهوم جهاد اقتصادی یعنی همان اقتصاد مبتنی بر فرهنگ اسـلام و این که تمامی برنامه های اقتصادی با اسـلامی بودن سیاست های اقتصادی، سنخیت و همخوانی داشته باشد. پس پاسخ سؤال مذکور در سایه تحقیق و تفحص در متون اقتصاد اسـلامی محقق خواهـد شد. در اقتصاد اسـلامی برخلاف اقتصاد غربی هم اعتقاد به معاد و هم اعتقاد قلبی به عدالت اجتماعی وجود دارد.دوم: رابطه معنـادار جهـاد اقتصـادی و جهـاد علمی جهـاد اقتصادی رفع محـدودیت ها، فقر و نابرابری در کشور از طریق ایجاد یک رونق اقتصادی است که برای تحقق آن بایـد رفتار همه عوامل اقتصادی، جهاد گونه باشـد زیرا دستیابی به جهاد اقتصادی مستلزم اعمال رفتارهای غیرخودخواهانه و ایثار توسط همه افراد جامعه می باشـد. توسـعه علمی بخشـی از توسـعه اقتصادی است که می توانـد وجهه جهاد اقتصادی را تقویت کنـد. هر قـدر مجاهدت بیشتری در پیشـرفت اقتصادی خود از راه حلال و مبتنی بر علم و دانش برگرفته از اصول دینی انجـام دهیم، سود آن به اجتماع و ملت می‌رسـد. کشور هم که از لحاظ اقتصادی پیشـرفت خیره‌کننـده ای داشـته باشـد، طبعاً تبدیل به الگویی برای سایر کشورها می‌شود. در کنار این موارد، هر قدر در مسائل اقتصادی، بیشتر جلو برویم و اقتصاد کشور و تولیـد و صادرات خود را رشـد دهیم، از بیگانگان، بیشتر مسـتقل می‌شویم. یکی از نتایـج مجاهـدت علمی در امر اقتصاد، اگر با روش‌های صـحیح انجام شود، اسـتقلال مملکت است؛ موضوعی که آرزوی همه ملت است.سوم عدالت شـرط تحقق توسـعه اقتصادیبا مطالعه ابعاد اقتصادی حکومت امام علی(ع) به این نکته برخورد می کنیم که در انـدیشه ایشان عدالت‌شـرط لازم و ضروری توسـعه اقتصـادی جـامعه است. چنان که بـدون عـدالت هرگز با افزایش تولیـد درآمـد، نمی‌توان رفاه همگانی را به ارمغان آورد، بلکه پس از مدتی، جامعه به بن بست‌خواهد رسید. عدالت اقتصادی به قدری اهمیت دارد که گاه حاکم اسلامی باید افزایش تولیـد جامعه را فـدای برقراری عدالت و توزیع عادلانه درآمد موجود کند. توزیع نابرابر بیت‌المال موجب رفاه مادی قشـری خاص و محرومیت‌سایر اقشار جامعه خواهـد شد، ولی توزیع عادلانه آن موجب آسایش و رفاه نسبی تمام اقشار خواهد گردید.نابسامانی‌های منتج از سیاست‌های غلط تقسیم درآمد در گذشته، تنها با کنار نهادن شیوه گذشته سامان نمی‌یابد، بلکه باید در کنار آن، اموالی که بنـاحق از حساب عمومی برداشـته شـده و به جیب افرادی خاص ریخته شـده، بازگردانـده شود. ملاک مصادره ثروت‌های بادآورده انبـاشت آن از طریق غیرقـانونی نیست؛ معیـار اساسـی، ناحق و غیرمشـروع بودن آن است.از این‌رو درنگاه امام علی(ع)، اگر حاکمی همچون عثمـان هم بنـاحق اموال مسـمانان را به دیگران ببخشـد، در عین قـانونی بودن، بایـد مصادره شود. ترس از مخالفت صاحبان ثروت و ملامت و سـرزنش آنان نباید حکومت اسلامی را از مصادره اموال زیاده‌خواهان باز دارد، گرچه به جنگی مثل جنگ جمل بینجامد. همه مسـلمانان جامعه اسلامی در بهره‌مندی از درآمد ملی حکومت‌برابرند و هیچ امتیازی برای مردم یک شهر نسبت‌به شهر دیگر وجود ندارد، حتی تدین و تعهد بالای افراد در حکومت اسلامی ابزاری برای کسب امتیاز مادی افزون‌تر به حساب نمی‌آید. از این رو امام(ع) می فرمایند ": قسم به خدا اگر با آن اموال‌شان زنانی را کابین بسـته و یا کنیزانی خریده باشـند، آن را بازپس خواهم گرفت؛ زیرا عـدالت مـایه گشایش است و آن که عـدالت‌برایش گران آیـد، تحمل ظلم برایش گران‌تر خواهـد بود". چهارم: اصول تحقق جهـاد اقتصادیاقتصـادی که بـا جهـاد و تلاـش الهی، شـکوفا شود و تمام آحاد مردم در آن شـرکت جوینـد، بی شک نقشه ی دشـمنان را با شـکست مواجه و کید آنان را به خودشان برمی گرداند. جهاد اقتصادی مبتنی بر اصولی است که مهم‌ترین آن عبارتند از:۱- خلاـقیت، نوآوری و کـارآفرینی: تلاـش جهت ابـداعات، بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها و کارآفرینی یکی از اصول مهم تحقق جهاد اقتصادی است که تعبیر علمی آن تولیـد ثروت از دانش است. بدون تردید باید در کنار عوامل داخلی و خارجی عقب‌ماندگی ایران در سال های گذشته، به مسئله ذخایر زیرزمینی و خصوصاً نفت اشاره کرد. طبق تحقیقات علمی، وجود منابع خدادادی یکی از عوامل مهم در افول نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی است. ملتی که از زیر زمین ارتزاق می کنـد مجبور نمی‌شود تا اسـتعدادهای خود را برای کشف مسیرهای تازه به کار گیرد. ۲- صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف و تبذیر: هدر ندادن منابع، پیشگیری از اسراف و تبذیر، درست مصرف کردن از اصولی است که می‌تواند به اندوخته‌ها و ذخایر ملی بیفزاید و توزیع منابع را تا حدودی عادلانه نماید. باید

اندیشه ولخرجی به یک ضد ارزش تبدیل شود و قناعت به عنوان یک شاخص اسلامی برجسته شود. اولین راه برای مشارکت مردم در تحقق جهاد اقتصادی صرفه جویی و پرهیز جدی از هدردادن منابع است.۳- تکیه بر تولیدات داخلی: در سال جهاد اقتصادی باید هدف نهایی رسیدن به تولید صادرات گرا و تبدیل شدن ایران به یک کشور صادراتی باشد. تولید دارای ابعاد گوناگون است. از یک طرف اشتغال را افزایش می‌دهد و از طرفی واردات را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن اثر روانی آن یعنی افزایش اعتماد به نفس ملی و غرور ملی ارتقا خواهد یافت و اثرات هویت‌بخش آن بر شخصیت تک‌تک مردم نیز مؤثر خواهد بود. استقلال اقتصادی از مسیر تولید می گذرد. بنابراین تولیدات استراتژیک باید در اولویت جهاد اقتصادی قرار گیرد و موانع تولید باید شناسایی و برطرف شود و اصل تولید نیز به مثابه ارزش معرفی شود. ۴- ایجاد سیستم مناسب اقتصادی در عرصه تولید و مصرف: صرفه‌جویی ممکن است در برخی از حوزه‌ها یا بعضی از خانواده‌ها به صورت شخصی و فردی انجام گیرد، اما کشور نیز نیازمند نهادمند شدن روش‌های درست مصرف کردن است. هدفمند کردن یارانه‌ها نمونه‌ای از این تمرین و آموزش عمومی است که اثرات آن در کمترین فرصت ملموس و قابل احصا است. بنابراین باید همه اهرم‌ها و مکانیسم‌هایی که می‌توانند از هدر رفتن منابع خدادادی و تولیدی کشور جلوگیری کند به کار افتد تا فرهنگ عمیق آن در نسل‌های آینده نهادینه شود.۵- عدالت توزیعی: بخش‌های وسیعی از کشور همچنان از مشکلات روزمره زندگی رنج می‌برند و عدالت توزیعی را هنوز به صورت عینی درک نکرده‌اند. باید عدالت توزیعی و خدمت‌رسانی در سال جهاد اقتصادی از ضریب و اهتمام ویژه‌ای برخوردار شود تا عدالت ساری و جاری شود. ۶- فقرزدایی: فقر زدایی ، پروسه ای است که نتیجه آن ، ایمان زایی ، اندیشه گستری، رفاه عمومی، زدودن بسیاری از تخلفات و جرم ها و عداوت ها و ... است و البته این مهم نیز با شعار و بخشنامه و دستورالعمل های بی پشتوانه میسر نمی شود.۷- وحدت و ثبات: تحقق اصول ذکر شده در بندهای قبلی نیازمند تمرکز اذهان و اراده‌ها و برنامه‌ها بر مسأله های اقتصادی کشوراست. از این رو حفظ وحدت ملی، کوشش همگانی و حفظ آرامش جامعه از اصول بلاانکار جهاد اقتصادی است. امسال که به سمت انتخابات مجلس در زمستان می‌رویم باید مراقب بود که دعواهای قدرت به جهاد اقتصادی سایه نیفکند و آن را تحت تأثیر قرار ندهد. نخبگان سیاسی و اجتماعی اگر داعیه ورود به قدرت یا اثبات حقانیت خود را دارند باید در مسیر جهاد اقتصادی تلاش کنند. محبوبیت، کارآمدی و ذهنیت مثبت اجتماعی نیز در این مسیر قابل تحقق است، بنابراین مباحث بیهوده می‌تواند جهاد اقتصادی را مختل کند و تقلیل دهد. ۸- تلاش هدفمند و مبتنی بر برنامه ریزی: باید جهت‌گیری برنامه‌ریزی دولت و نظام به سمت و سوی جهاد اقتصادی باشد و از اعمال و رفتارهای نمادین یا شتاب‌زده به صورت جدی خودداری شود. بدون برنامه‌ریزی صحیح و عمیق، جهاد اقتصادی در حوزه رسانه‌ای باقی خواهد ماند. از این رو هر گونه تلاش و کوششی در این زمینه می بایست مبتنی بر فکر، اندیشه و علم باشد. سخن پایانیاگر قرار است دهه آینده برای ما «دهه پیشرفت وعدالت» باشد، به عنوان پیش نیازِ ضروری چاره ای جز بازنگری در اقتصاد کشور و بازسازی آن بر اساس معنویت و آموزه های دینی نیست؛ چرا که کشور عقب مانده یا مرفه، اما رنجور از فقر و فساد و تبعیض، هیچ گاه نمی تواند الگوی مقبولی برای جهان امروز ارائه نماید. در واقع در دنیای امروز مبارزه اصلی در سازندگی و پیشرفت کشورهاست و تلاش برای پیش افتادن کشور در این مسابقه نابرابر جهانی که نهایتاً به قدرت و تعیین کنندگی نظام در جامعه بین المللی می انجامد. از این رو رهبر انقلاب حرکت عادی در جبهه اقتصادی را کافی ندانسته و می فرمایند: « در عرصه‌ی اقتصادی با حرکتِ جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم.»

جلوه های زیبایی عاشورا

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره ": ما رایت الا جمیلا؛ " حضرت زینب کبری(س) این جمله را در مجلس یزید در شام فرمود، زمانی که یزید بن معاویه در مجلسی عمومی، رو به حضرت نمود، و در حالتی که مست غرور بود گفت: خدا را شکر که شما را خوار نمود! بعد از حضرت زینب(س) سؤال کرد: کار خدا را با برادر و اهل بیت چگونه یافتی؟ یزید قصد داشت همه جنایات خویش را با نسبت دادن به خواست خدا صحیح جلوه داده و کارهای خود را بر اساس حق توجیه نماید! زینب کبری در جواب فرمود": و ما رأیتُ الاّ جمیلاً...؛ هیچ چیز جز زیبایی ندیدم. اینان (امام حسین و یارانش) گروهی بودند که خداوند شهادت را برای آنان مقرّر نمود و در قیامت خداوند بین تو و آن‌ها قضاوت می‌نماید"...زیبایی در نگاهگاهی زیبایی در نگاه و دید انسان است، نه در دیدنی ها. آنکه به چشم «نظام احسن» به همه هستی می نگرد، از این نگاه، خیلی چیزها هم «زیبا» دیده می شود. بستگی دارد تا چه عینکی بر چشم زده باشیم و از کدام زاویه به هستی و حوادث بنگریم. «زیبا بینی » هستی و حیات، هم آرامش روح می بخشد، هم صلابت و پایداری و پایمردی می آفریند و هم قدرت تحمل ناگواری ها را می افزاید. از این نگاه «عاشورا» همان گونه که زینب(س) فرمود، جز «زیبایی » نبود. انسان موحّد چون می‌یابد که بر اساس مصلحت خداوند، این واقعه به وقوع پیوسته و حکمت خدا بر آن تعلّق گرفته، در هر لحظه و هر کاری به رضای او راضی است و آن حادثه را که خداوند پسندیده است، زیبا می‌یابد؛این اوج عرفان و عشق الهی است که: «من از درمان و درد و صل و هجران/ پسندم آنچه را جانان پسندد»جلوه های زیباییآنچه زینب(س) در مقابل طعنه دشمن نسبت به این حادثه، می فرماید" ما رایت الا جمیلا - جز زیبا ندیدم "پیشتر آرزوی حسین(ع) بود که در طلیعه این سفر، آرزو کرده بود که آنچه پیش می آید و آنچه اراده خداست، «خیر» برای او و یارانش باشد، چه به صورت «فتح » ، چه به شکل " شهادت؛ «"ارجو ان یکون خیرا ما اراد الله بنا، قتلنا ام ظفرنا» زیبا دیدن خواهر و خیر دیدن برادر، مکمل یکدیگرند. جلوه های زیبایی و نمادهای جمال در آینه کربلا بسیار است، که در این مجال به صورت مختصر بدان پرداخته می شود:جدایی حق و باطل: از مهم ترین جلوه های زیبایی عاشورا خط کشی میان انسان های دیومنش و فرشته خو بود.وقتی خوبی و بدی و حق و باطل با هم در آمیزد تیرگی باطل، حق را هم غبارآلود و ناپیدا می کند.در چنین ظلمت کده ای گمراهی اندیشه ها و انسانها طبیعی است و کفر نقابدار، مسلمانان ساده لوح وسطحی نگر را به شبهه می افکند!زیبایی کار حسین آن بود که مشعلی روشن کرد تا راه، روشن و تیرگی زدوده شود و چهره ها در آن هوای گرگ ومیش نمایان و بازشناسانده شود،تا دیگر فریب و نقاب بی اثر شود. مفهوم تازه ای از پیروزی: از دیگر زیبایی های عاشورا، مفهوم تازه ای از پیروزی بود.عاشورا نشان داد که در اوج مظلومیت هم می توان فاتح و پیروز بود. این همان «پیروزی خون بر شمشیر» است. عده ای به غلط، پیروزی را تنها در «غلبه نظامی» می پندارند وشکست را در مظلومیت و شهادت. با این دید، همه آن حوادث تلخ، چون پیامدی به سود اسلام و حق داشت، جمیل و شیرین بود. وقتی ابراهیم بن طلحه از امام زین العابدین پرسید: «چه کسی غالب شد؟» حضرت فرمود: آنگاه که وقت نماز فرا می رسد، اذان و اقامه بگو، خواهی فهمید که چه کسی پیروز شد!»هدایت در پرتو حماسه: نتیجه خون امام(ع) و پرداختن به خون امام، حماسه است. نتیجه نور امام (ع) و پرداختن به نور امام، هدایت است. در یک جامعه هم هدایت باید باشد و هم حماسه. یک جامعه بیشتر از آن که به حماسه نیاز داشته باشد به هدایت نیاز دارد. انسان بیشتر از آن که به حماسه نیاز داشته باشد به هدایت نیاز دارد. در ماجرای کربلا، نگاه می کنیم، زینب (س) به چه چیزی توجه داشت ؟ اگر او می خواست به شهادت ها توجه داشته باشد تمام چیزهایی که می دید برایش درد بود نه زیبایی. ولی ایشان چون هدایت را می بیند از زیبایی می گوید.تجلی کمال انسان: این که انسان تا کجا می تواند اوج بگیرد، زلال شود، خدایی گردد، فانی در خدا شود، در «میدان عمل» روشن می شود. کربلا نشان داد که سقف تعالی انسان و آستانه رفعت روحی و تصعید وجودی و ظرفیت کمال جویی و کمال یابی او تا کجاست. پرونده آن حماسه نشان داد «که تا چه حد است مقام آدمیت» . این نکته برای جویندگان ارزش ها بسیار زیبا و قابل توجه است. تجلی رضا به قضا: کربلا تجلی گاه رضای انسان به قضای خدا بود. امام حسین(ع) در واپسین لحظات حیات در قتلگاه چنین زمزمه می کرد: «الهی رضی بقضائک » . همچنین

خواهر بزرگوار و صبور خویش را نیز به همین نکته توصیه کرده بود: «ارضی بقضاء الله»در مقامات و مراحل عرفانی و سلوک، رسیدن به مقام «رضا» بسی دشوار و بس ارجمند است. اگر حضرت زینب، حادثه کربلا را زیبا می بیند، به خاطر بروز این شاخصه متعالی در عملکرد ولی خدا سیدالشهداست و یاران و دودمانش. این مرحله از عرفان، یعنی خود را هیچ ندیدن و جز خدا هیچ ندیدن و در مقابل پسند خدا اصلا پسندی نداشتن. حرکت در مسیر مشیت خدا: برای زینب(س)، که پرورده دامان وحی و تربیت شده مکتب امام علی(ع) است، نهضت امام معصوم در بستر مشیت الهی، اوج ارزش ها و زیبایی هاست. وی مجموعه این برنامه را از آغاز تا انجام، زیبا می بیند، چون تک تک صحنه ها را منطبق با آن «خواسته ربوبی» می بیند. آیا با این تحلیل و نگاه، حادثه عاشورا زیبا نیست؟ عنصری که امام را به کربلا می کشانُد ، یاوران را به عاشورا می کشانُد، خواست خداست، مشیت خداست. زیباترین جلوه این است که انسان، یک عمل و حادثه را در بستر «مشیئة الله » و همسو با «خواست خدا» ببیند. اگر سالار شهیدان و یارانش به خون نشستند و اگر زینب و دودمان مصطفی به اسارت رفتند، این در لوح مشیت الهی رقم خورده بود و چه جمالی برتر از این که کارگروهی با جدول مشیت خدا هماهنگ گردد؟! مگر به حسین بن علی (ع) از غیب، خطاب نیامده بود که خواسته خدا آن است که تو را کشته ببیند؟ «ان الله شاء ان یراک قتیلا» و مگر مشیت خدا آن نبود که عترت پیامبر در راه نجات دین و آزادی انسان، به اسارت بروند؟ «ان الله شاء ان یراهن سبایا» پس چه غم از آن شهادت و این اسارت؟ هر دو، هزینه ای بودند که برای بقای دین و افشای طاغوت، می بایست پرداخته می شدند، آن هم عاشقانه، صبورانه و قهرمانانه! فداکاری و ایثار: این صحنه، از درخشان ترین جلوه های زیبایی است. کسانی که در سر دوراهی رفتن و ماندن، «ماندن » را که نشان «وفا» و «ایثار» است بر می گزینند و «زندگی بدون حسین» را ذلت و مرگ می شمارند. آن خطبه امام، آن ابراز وفاداری یاران، آن سخنان و سؤال امام با قاسم، آن شب بیداری اصحاب تا سحرگاهان، آن زمزمه تلاوت قرآن و نیایش از خیمه ها، آن اعلام وفاداری یاران در حضور زینب کبری و امام حسین (ع)، هر کدام برگی زرین از این «کتاب جمال » است. چرا زینب، عاشورا را زیبا نبیند؟ مکتب آزادگی: آنچه در کربلا اتفاق افتاد، به یک «بنیاد» تبدیل شد، برای مبارزه با ستم در طول تاریخ و در همه جای زمین. آیا این زیبا نیست؟ لحظه لحظه های عاشورا، به صورت یک «مکتب» در آمد، که به انسان «آزادگی » ، «وفا»، «فتوت »، «ایمان »، «شجاعت »، «شهادت طلبی »، . . . و «بصیرت » آموخت. آیا این زیبا نیست؟ سخن پایانیحضرت زینب(س) با استفاده از دو اصل «پیکار» و «تبلیغ »، رسالت عاشورای امام خویش را با همه ویژگی هایش به طرز صحیح به پایان می رساند و با قهرمانی خاص خود در بحران های فرساینده زندگی مسؤولیت خویش را فراموش نمی کند و بسان یک «پیامبر تبلیغی » نقشه طرح ریزی شده مکتب انقلاب حسین(ع) را شکل می بخشد.حضرت امام سجّاد (ع) خطاب به عمه ی بزرگوارخویش می فرمایند: «أنتِ بحمدلله عالِمَةٌ غیرَ مُعَلَّمَة و فَهِمَةٌ غیرَ مُفَهِّمَة» این جمله را اگر بفهمیم مقام حضرت زینب کبری (س) را فهمیده‌ایم. نواده بزرگ پیامبر، دختر سخنور و دانشمند علی، فرزند شجاع و پارسای زهرا، چهره نمونه بانوان تاریخ و الگوی شایسته همه زنان عالم. در واقع فاجعه آفرینان کوفه و شام، فکر می کردند با قتل عام اصحاب حق، خود را جاودانه می سازند. ولی در نگاه ژرف زینب(س)، آنان گور خویش را کندند و چهره نورانی اهل بیت روشن تر و نامشان جاودان و دین خدا زنده و کربلا یک دانشگاه شد. و این بود که در مقابل سخن نیشدار و زخم زبان یزید ملعون فرمود: ما رایت الا جمیلا . . . جز زیبا چیزی ندیدم!

مسائل اجتماعی و سیر تکاملی کارکرد مدیریت شهری

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: امروزه شهرها محیط مناسبی برای ارائه توانائی های بالقوه انسانی هستند. از ابتدای پیدایش شهرها، شهر با نقش های اداری، سیاسی و مذهبی شناخته می شد بنابراین اولین شهرها دارای نقش اداری سیاسی بوده اند. لیکن امروز، شهرها دارای کارکردهای

متنوعی بویژه کارکردهای اقتصادی، صنعتی،

خدماتی، فرهنگی و اجتماعی نیز می باشند. که بعد اجتماعی آن روز به روز پررنگ تر و اثر گذارتر می شود. مسایل اجتماعی در دنیای معاصر یک پدیده نوظهور است. به تبع تحولاتی که در جامعه رخ داده است کم‌کم بحث مسایل اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. اولین خواستگاه های مسایل اجتماعی در غرب و در قرن نوزدهم بوده است که انقلاب صنعتی و انقلاب‌های متعدد اجتماعی بی‌نظمی‌های متعددی را در جوامع غربی ایجاد کرده بود. از این رو نظریه پردازان مدیریت سازمان های محلی و شهرداری ها معتقدند برای اداره ی مناسب شهر می بایست مسائل و اثرات اجتماعی فعالیت ها شهرها به روشنی مشخص، ردیابی و مدیریت گردند.سیر تکاملی کارکرد مدیریت شهریآن چه امروزه در اکثر کشورهای توسعه یافته مشاهده می شود نظام مدیریت واحد شهری است که از طریق اعمال آن کلیه ی فعالیت های سازمان های محلی بصورت سیستماتیک و وابسته به هم اداره می گردد. در واقع شهرداری ها و سازمان های اداره ی شهر سه دوره ی تکاملی را طی کرده اند: دوره ی اول زمانی بود که شهرداری ها به عنوان نهادهای صرفاً خدماتی شناخته می شدند. سپس شهرداری ها در دوره ی دوم حیات خود ماهیت عمرانی و فنی پیدا کردند و امروزه در کامل ترین حالت خود و در دوره ی سوم حیات خود ضمن حفظ ویژگی های قبلی کارکردهای فرهنگی و اجتماعی نیز دارند. که در دوران سیر تکامل، فناوری های مختلف در مسیر توسعه ی نظام اداره شهر به کار گرفته شده است که نمونه ی بارز آن حرکت شهرداری ها به سمت الکترونیکی کردن ارائه خدمات می باشد. شناخت مسائل اجتماعیمسئله اجتماعی را جامعه شناسان، فاقد محتوایی دقیق می دانند. برخی می گویند دایره این اصطلاح می تواند وضع یا شرایط کلی اجتماعی را که سبب بروز دشواری خاصی می شود، ساختارهای اقتصادی نامطلوبی که به بروز نابرابری های بزرگ می انجامد و یا بی عدالتی های نهادینه شده و نارضایتی و نابسامانی عمومی را، در برگیرد. عده ای دیگر نیز معتقدند مسئله اجتماعی در شرایط و اوضاع خاصی به کار می رود که نیاز به بهسازی احساس شود.اگر اندکی در جنس مساله اجتماعی دقت کنیم، می‌بینیم که تعریف آن کار ساده‌ای نیست. به همین خاطر تعریفی مطلق، پایدار و فراگیر از آن را نمی‌توان ارائه داد. بنابراین هر نوع تلقی از مساله اجتماعی و همچنین تعریف آن بر اساس زمان، مکان و موقعیت با وضعیت‌های خاص، متغیر است. البته نباید اینگونه تصور کنیم که این تغییرپذیری و نسبیت نافی قانونمندی های حاکم بر فرآیند پیدایش و تحول آن هاست. برای تعریف مساله اجتماعی نیاز به چند معیار داریم تا بتوانیم بر اساس آن ها به تعریف مساله بپردازیم. این معیارها عبارتند از: تفاوت میان معیارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی، منشاء اجتماعی داشتن، شرایط غیرمطلوب، قضاوت اکثریت مردم، تاثیر مستقیم و غیرمستقیم داشتن، شایع بودن و امکان تغییر و کنترل مساله اجتماعی.در تعریف مسایل اجتماعی دو نوع رویکرد قابل تشخیص است؛ ۱- رویکرد کلاسیک: که مسئله اجتماعی را امری عینی و بیرونی می‌داند. نابهنجاری‌ها و وقایعی که نظم و تعادل اجتماعی را برهم می‌زد و اکثریت افراد جامعه درگیر آن مشکل و مسئله بودند. ۲- رویکردهای نوین: رویکردهای نوین مسئله اجتماعی یک امر ذهنی است. یعنی هر چیزی را که بیشتر مردم یا بیشتر افراد جامعه مشکل یا اختلال بدانند. یک مسئله اجتماعی است.در عصر جدید مدیران عرصه ی شهری قبل از ورود به هر فعالیت یا به کارگیری هر گونه فناوری یا ارائه ی هر گونه خدمت اثرات اجتماعی آن را نیز می باید مد نظر قرار دهند. سکونت در" شهر "آثاری بر زندگی فردی و جمعی انسان‌ها می‌گذارد که از حدود دو قرن پیش تاکنون، موضوع تأمل اندیشمندان اجتماعی بوده است. چند وجهی بودن این اثرات و نیز فرایندها و جریانات موجود در درون اجتماعات شهری، متفکران بسیاری را از علوم مختلف به خود مشغول داشته است. مسایل اجتماعی همیشه محل بحث و مناقشه جدی گروه های مدیریتی بوده است. برخی وسعت اثرات مخرب یک پدیده را دلیلی بر مسأله بودن آن دانسته، عده‌ای فراگیر و گستردگی یک موضوع به تمام سطوح جامعه و برخی اتفاق نظر ذهنی مردم بر موضوعی را حاکی از مسأله و مشکل اجتماعی بودن آن تلقی می‌کنند. این تنوع تعاریف و برداشت‌ها به ناچار در مهندسی اجتماعی، اولویت‌بندی مسائل برای حل معظلات اجتماعی را مطالبه می نماید. حل مسایل اجتماعی در حوزه شهری باید

به صورت زیر تعریف می گردد:۱- مشکل: از مشکل به سمت تعریف مشکل پیش می رود و ابتدا به شناسایی مشکل و سپس به تعریف آن می پردازد.۲- تجزیه و تحلیل: از تعریف مشکل به سمت تحلیل و توضیح مشکل پیش می رود.۳- آزمایش: از تحلیل به سمت پردازش مسأله، تکوین الگو و آزمایش فرایند می رود.۴- کمک: از پردازش الگو به سمت مداخله و ارزیابی و در نتیجه کمک به جامعه برای حل مشکلات پیش می رود. چارچوب های نظری مسایل اجتماعیبه نظر می‌رسد در رویکردهای نوین مسایه اجتماعی جنبه ذهنی بسیار حائز اهمیت است. چرا که تا مسئله‌ای به خودآگاهی انسان نیاید هر چقدر هم شایع باشد، تبدیل به مسئله اجتماعی نمی‌شود؟ همچنین الویت فعالیت ها با توجه به چارچوب‌های نظری و رویکردهایی که نسبت به مسایل اجتماعی وجود دارد اتخاذ می‌شود. برای مثال برخی از دولت‌ها ممکن است براساس رویکرد ایدئولوژیک یا دینی مسایل اجتماعی را تعریف کنند، در حالی که در جامعه ممکن است ذهنیتی نسبت به این مساله وجود نداشته باشد خصوصاً در جوامعی که دولت‌ها و حکومت‌ها نقش مهمی در ساختار اجتماعی دارند، این رویکردها از دید عده‌ای مهم است، چون دولت‌ها با صرف پول و هزینه، سعی در رفع آن دارند. در آن جامعه شما می‌بینید که پول صرف می‌شود، قانون رفع می‌شود ولی مساله حل نمی‌شود. به این خاطر که با رویکرد جامعه‌شناختی مساله تعیین نشده است. بلکه اولویت‌های یک گروه خاص مساله را تعیین کرده است.روش دیگر تعیین اولویت براساس رویکرد کلاسیک می باشد. در این حالت بدین صورت است که ما انبوه مشکلات اجتماعی را در غربالی می ریزیم و در نهایت دانه درشت‌ها و مسایلی که از این غربال رد نمی‌شود را به عنوان مساله اجتماعی تعیین کنیم. چون نمی‌توانیم به همه مسایل بپردازیم، وقت، انرژی و توان لازم برای این کار وجود ندارد.ولی رویکردهای نوین به این روش اولویت‌بندی مسایل اجتماعی انتقاد می کنند و معتقدند که مسایلی که به این طریق انتخاب می‌شود از جمله مسایلی است که همه افراد در جامعه به نوعی به آن عادت کرده‌اند. جامعه شناسی شهری و مسایل اجتماعیجامعه شناسی؛ مطالعه علمی واقعیت های اجتماعی است که از سه جنبه ریخت شناسی ساختاری و فرهنگی و روانی مورد بحث و مطالعه قرار گیرد. و شهر؛ تولیدکنندهٔ فرهنگ است. اگر از جنبه مادی و خارجی آنرا مورد نظر قرار دهیم، شهر بدوا انبوهی از افراد انسانی و فضایی را که در آن سکونت گزیده‌اند شامل می‌شود. در اینجا نظم جاری مربوط به مسائل زیر در خور توجه است و شهرداری‌ها؛ اصلی‌ترین نهاد فرهنگی اجتماعی کشور هستند و توجه همزمان به روح و کالبد شهرها و در نظر گرفتن مسائل فرهنگی و ارزشهای دینی همگام با توسعه شهری، بارها مورد تاکید مسؤلان ارشد نظام قرار گرفته است. جامعه‌شناسی شهری از جمله شاخه‌های معرفتی است که صرفاً و اختصاصاً" شهر "را به عنوان یک "محصول اجتماعی، "کانون توجه و مطالعهٔ خود قرار می‌دهد. امروز شهرسازان، معماران و مهندسان شهری بیش از پیش به میزان قابل توجهی از ره آورد جامعه شناسی شهری استفاده می کنند و مفهوم شهر سازی و شهرنشینی را منحصر به جنبه معماری آن نمی‌دانند. نباید از یاد بُرد که" فقر شهری "و نابسامانی‌های ناشی از کجروی و وقوع انواع جرائم در شهرها بود که نخستین دستمایه‌های مطالعات جامعه‌شناسی را فراهم ساخت. اما این علم به مرور، مسائل و موضوعات پیچیده‌تری را مورد تحلیل قرار داد که همگی بر محور زندگی شهری استوارند. مسائل و موضوعاتی چون جنبش‌های شهری، هویت شهروندی، وجود و گسترش مناطق جرم، مشارکت شهروندان و نهایتاً حکمرانی شهری از جمله مسائل متأخر در این علم‌اند. سخن پایانیتحولات و رشد علم و فن آوری با همه‌ی تغییرات مثبتی که بوجود آورده، به امنیت اجتماعی و حل مسایل شهرها کمکی نکرده است. گزارش سازمان های معتبر جهانی نشانگر رشد فزاینده، خشونت، تبهکاری، بزهکاری جوانان، حاشیه نشینی و توسعه فقر علیه ایمنی و امنیت شهرهاست. به اعتقاد اندیشمندان نیاز به امنیت در میان سایر نیازها از اهمیت بالاتری برخوردار است. هر پدیده اجتماعی از منظر رویکردها و نحله های مختلف در علوم اجتماعی، دارای ابعاد و سطوح مختلفی است که هر نظریه نیز در تلاش برای شناسایی و سنجش برخی از این ابعاد و سطوح مورد نظر است. مسئله اجتماعی همانند منشوری است که چشم ساده انگار می تواند با اولین مخروط ازآن به انگاره تامیت رسیده و مخروط های دیگر این منشور را نادیده بیانگارد. دراین بخش لازم است که به زوایا و ابعاد پیچیده تر این

بازیابی و بازکاوی یک مسئله اجتماعی توجه شود. در رویکردهای نوین برای تشخیص مساله اجتماعی کافی است به این نکته توجه شود که بیشتر افراد یک جامعه چه چیزی را مشکل می‌دانند، نه این که چه چیزی به لحاظ عینی بیشتر مشکل است. وقتی مساله‌ای را که بیشتر آدم‌ها به عنوان مساله می‌شناسند، مساله اجتماعی شناختیم امکان کنترل و حل وجود دارد.

امام مهربان؛ بهترین همسایه

مهدی یاراحمدی خراسانی

از هزار وانـدی سـال پیش که قلب نـازنین امـام ابوالحسن‌الرضا(ع) از تپش ایسـتاد و از آن لحظه که پیکر پاکش را به آغوش خاک تیره سپردند و شیعیان و دوستداران حضرتش گرداگرد قبر مطهرش بی‌قرار در مدار عشق او جاودانه می‌گردیدند تا به امروز، حضور مبارکشان در ایران و وجود مرقد مطهر و

بارگـاه ملکـوتی ایشـان در ارض اقـدس رضوی همواره مـایه برکت و مباهـات مردم ایران زمین بوده و این نعمـتی بس بزرگ برای ایرانیان است که کسـی در این میان نتواند «از عهده شـکرش به درآید».امام رضا(ع) روز یازدهم ذیقعده سال ۱۴۸ق در مدینه متولد شدنـد. مادربزرگوارشان «تکتم» نام داشت که بعـد از تولـد حضـرت، از طرف امام کاظم(ع) طاهره نام گرفت. نام مادر حضـرت را «نجمه» نیز گفته‌اند. نقش انگشتری آن حضـرت «ماشاءا... ولا قوه الاّ باا...» بوده است. نام حضـرت علی، کنیه ایشان ابوالحسن الثانی و لقبشـان رضـاست. امـامت ایشـان در سـال۱۸۳ در سـن ۳۵سـالگی آغـاز شـد و ۱۹ یـا ۲۰سـال به طول انجامیـد.اخلاـق و سـیره رضویحضـرت چنـد ویژگی خیلی مهم دارند؛ یکی اینکه راضـی و رضا هسـتند یعنی زود می‌گذرند و از این رو امام رأفت هسـتند. دیگر اینکه عالم آل‌محمد(ص) هسـتند. ایشان همچون نیاکان بزرگوارشان، از مقام علمی بسـیار والایی برخوردار بودند، تا آنجا که ایشان را عالم آل‌محمد(ع) لقب داده‌اند.بیست و چند سال بیشتر نداشـتند که در مسـجد رسولا...(ص) به فتوی می‌نشسـتند. علمشان بی‌کران و رفتارشـان پیـامبرگونه و حلـم و رأفـت و احسانشـان شامـل خـاص و عـام بـود. دورانی کـه امـام رضـا(ع) در آن زنـدگی می‌کردند عصـر شکوفایی علم و سرازیر شدن علوم مختلف ملت‌ها و تداخل فرهنگی مردمان آن روزگار بود. در این زمان پیشرفت علوم باعث پیدایش افکار و عقاید انحرافی و مشـرب‌های فکری گوناگون کلامی و فلسـفی شده بود که همین امر چالشـی جدی در برابر عقایـد و آموزه‌های ناب اسـلامی و شـیعی به‌شـمار می‌رفت. امام رضا(ع) با درک این خطرات و تهدیـدها از فرصت پیش‌آمده نهایت بهره‌برداری را کردنـد و به روشـنگری‌های فراوان در زمینه تبیین عقایـد اسـلامی و نمایانـدن راه مسـتقیم الهی دست زدند.در کتـاب «اهـل‌بیت عرشـیان فرش‌نشـین» در مورد ایشـان آمـده است؛ « امام‌رضا(ع) کسـی را با عمل و سـخن خود نمی‌آزرد، تا حرف مخاطب تمام نمی‌شـد سـخنش را قطع نمی‌کرد. هیچ نیازمندی را مأیوس باز نمی‌گرداند. در حضور میهمان به پشتی تکیه نمی‌داد و پـای خود را دراز نمی‌کرد. هرگز به غلامـان و خـدمه دشـنام نمی‌داد و با آنان می‌نشـست و غـذا می‌خورد. شب‌ها کم می‌خوابیـد و قرآن بسـیار می‌خواند. اکثر شب‌هایش را از سـر شب تا صـبح بیدار بود. شب‌های تاریک در مدینه می‌گشت و مسـتمندان را کمک می‌کرد. در تابسـتان بر حصـیر و در زمستان بر پلاس زندگی می‌کرد. نظافت را در هر حال رعایت می‌فرمود و عطر و بخور بسیار به کار می‌برد. جامه ارزان و خشن می‌پوشـید، ولی در مجالس و برای ملاقات‌ها و پـذیرایی‌ها لباس فاخر در بر می‌کرد. غـذا را انـدک می‌خورد و سـفره‌اش رنگین نبود. در هر فرصت مقتضی، مردم را به وظایفشان آگاه می‌کرد.»کانون مهر و عاطفهامام رضا(ع) کانون مهر و عـاطفه به مردم و مظهر عشق و محبت به آنان بود. از این رو، در زیارتنامه آن حضـرت یکی از ویژگی‌هایش رأفت و مهربانی یـاد شـده است و چنین می‌خوانیم؛ «السـلام علی‌الامـام الرئوف»، سـلام و درود بر امـام و پیشوای بـا رأفت و مهربان (مفاتیـح‌الجنان). به‌راستی بایـد گفت این لقبی است که از سوی پروردگار به آن بزرگوار عنایت شـده است. مهربانی، محبت و رافت آن بزرگوار بر کسـی پوشـیده نیست. به گونه ای که اگر بخواهیم در این‌باره مطالبی بنگاریم، از بحث در این نوشتار خارج می‌شویم. امام رضا(ع)

یـاور درمانـدگان و پنـاه بی پناهـان بود؛ چه بسـا یتیمـانی که گرمی دست او را بر سـر و صورت خود احساس کرده‌انـد و چه بسـیار مستضـعفان و گرفتـارانی که در سـایه یـاری رسانـدن‌های او به خیری دست یافتنـد. آری، او پناه غم‌دیـدگان و فریادرس دردمنـدان بود.حق همسایگیهمسایگی و مجاورت ایرانیان با امام مهربانی‌ها و عالم آل‌محمد حضـرت رضا(ع) توفیق و نعمتی است که بی‌شک خداونـد متعال از چگونگی بهره‌مندی ما از این فرصت در روز قیامت سـئوال می‌کند. مگر نه این است که براساس آموزه‌های دینی مـا همسـایه بر همسـایه حقی دارد که بایـد نسـبت به ادای آن اهتمـام ورزد؟ پس اکنون که بـا ایرانیان در همراهی با بهترین همسایه توفیق داشته‌اند بایـد فرهنگ رضوی را در همه ابعاد زنـدگی فردی و اجتماعی خود جاری سازنـد و خود را در محضـر امام ببینند و رفتـار و گفتـار و کردار خویش را بـا آموزه‌هـای رضوی همسو و هماهنـگ کننـد و بر خود ببالنـد که امروز سـایه امام هشـتم(ع) بر سرزمین ایران و بر دل ایرانیان مستدام است.

سزد که بر سر خورشید سایه اندازیمکنون که سایه شمس‌الشموس بر سر ماست

http://shahrara.com/۱۳۹۰,۱۱,۳.html

نقش انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشـاره: انقلاب اسـلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و تفکرات امـام خمینی(ره) به دنیـا شـکل تـازه ای بخشـید و حرکت نوینی را در جهان پدیـدار کرد که اتحاد مسـلمانان مهم ترین ثمره آن بود.در برخی از دوره ها تغییراتی در جهان رخ داده است، اما درجهان اسـلام به ویژه در خاورمیـانه بـا پیروزی انقلاب اسـلامی ایران یک جهت مشـخص شـد. تأثیر انقلاب اسـلامی ایران در تحولاتی که امروز در خاورمیـانه رخ می دهـد، غیرقابل انکار است. از یک طرف به عنوان آلترناتیوی دربرابر امپریالیسم جهان ظهور کرد و از طرف دیگر به مسـلمانان با یک تفکر نوین، انگیزه بخشـید. بعد از این، جهان اسـلام از راه و روش هایی که انقلاب اسلامی ایران نشان می دهد حداکثر بهره را خواهد برد چون در این دوران جهان اسلام بیش از هر زمان دیگر به انقلاب اسلامی ایران نیاز دارد. تأثیرات انقلاب اسـلامی ایران بر جهـان اسـلام و جهـان عرب به حـدی است که سیاسـتمداران و جـامعه شـناسان غرب به آن اعتراف می کننـد. این تـأثیرات تنهـا به داخـل مرزهـای ایران محـدود نشـد، بلکه به کشورهای همسایه هم سـرایت کرد.انقلاب اسـلامی ایران؛ نقطه عطف جنبش های اسـلامیبیداری اسـلامی مقوله ای است که همزمان با تهاجم همه جانبه غرب علیه جهان اسلام وعصر استعمار، شروع شد و از آغاز تا عصـر امام خمینی(ره) مراحل گوناگونی را پیمود. این حرکت که مشخصاً با اندیشه های افرادی چون سید جمال الدین اسـدآبادی شـروع شـده بود، همواره در میان حلقه های محـدود و معین بروز یافت و هیـچ گاه نتوانست به مثابه یک گفتمان مسلط عمل کند، با این حال وقوع انقلاب اسلامی را میتوان نقطه عطفی در حرکت جنبشهای اسلامی معاصر محسوب کرد.چرا که انقلاب اسـلامی با تکیه بر اصول و ارزش‌های اسـلامی، با رهبری امام خمینی(ره) توانست به شـکل نهضت اسـلامی و انقلابی در میان سایر دولت هـای اسـلامی مطرح و به این شـکل الگویی الهـامبخش برای مسـلمانان در سـطح جهان شود. با این وجودبسیاری از صاحب نظران و پژوهشـگران، معتقدند که انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعـالیت هـای مؤثر اسـلامی در جوامـع مسـلمانان بوده است.ایران؛ قرارگـاه مسـلمانانإقبال لاـهوری در کتـاب فلسـفه خود پیش‌بینی می‌کنـد که تهران در آینـده قرارگاه مسـلمانان خواهـد شـد. همین طور هم شد و پس از انقلاب اسـلامی، ایران به صورت ام‌القرای اسلام در آمد. زیرا انقلاب اسلامی ایران، در پیدایش، کیفیت مبارزه و ا نگیزه از سایر انقلاب ها جداست. به عبارت دیگر، این انقلاب بر آمده از مذهب، به احیای دین و تجدید حیات اسـلام در ایران و جهان مدد رساند که یکی از ا بعاد آن، تولد و تداوم بخشی به حیات جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر در دو دهه اخیر است.که سرآمد این نهضت ها، انقلاب در تونس، مصر، بحرین،

لیبی و یمن بود که همه را در منطقه و دنیا غافلگیر کرد؛ عده‌ای از اصل رخداد چنین حادثه‌ای با این قدرت و سرعت متعجب شدند، ولی برخی تنها از سرعت وقوع و گسترش آن متحیر شدند، ولی منتظر وقوع آن بودند. جمهوری اسلامی در جهت دادن به بیداری و احیای تفکر اسلامی نقش هدایت کننده را ایفا نموده و ضمن مقابله با حرکت های انحرافی در جهت وحدت اسلامی و حمایت از نهضت های اصیل اسلامی گام های مؤثری برداشته است.واکاوی پدیده بیداری اسلامی بیداری اسلامی بعنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر امروز در قالب یک جنبش اجتماعی و سازمانی رخ نموده است. این جریان در عرصه منازعات سیاسی و امنیتی علاوه بر اینکه موجودیت و نفوذ خود را به اثبات رسانیده است می رود تا به قدرت بلامنازع نقش آفرین در سطح جهانی تبدیل شود. نهضت های اسلامی و جریانهای فعال متأثر از متن مردم جوامع اسلامی، شعائر و شعارهای انقلابی ایران مانند جهاد، شهادت و ایثار را به عنوان اصول اساسی مبارزاتی خود پذیرفته اند. پدیده انقلاب اسلامی پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد و مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی های خود آگاه کرد و طلسم شکست ناپذیر بودن غول استبداد و استعمار و امپریالیسم را ابطال نمود و این مساله خود جسارت و اعتماد به نفس را به ملت های مسلمان بازگرداند. امروزه امواج بیداری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت در سراسر جهان بوده و ارزشهای اسلامی نیز در حال احیا می باشند. موج بیداری اسلامی باعث شکست سیاستهای استعماری شده است و دشمنان سعی دارند تا با این موج عظیم که در سراسر دنیا فراگیر شده مقابله کنند.زمینه های تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامیانقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده است که موجب تغییر و دگرگونی معادلات سیاسی و موازنه قوا در مقیاس جهانی به سود ملت های اسلامی شده و اکنون با گذشت سه دهه از عمر پر برکت آن، راهبرد تفکر اسلامی به مثابه الگویی نجات بخش برای تمام ملت های اسلامی و بشریت محسوب می شود. بدون تردید موارد مشترک فراوانی بین انقلاب اسلامی ایران و آرمان های جهان اسلام وجود دارد که اهم آنها عبارتند از:۱- ایده واحد: انقلاب اسلامی ایران، بر پایه وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اکرم (ص) بنا شده است، سایر جنبشهای اسلامی نیز دراین خصوصیت باانقلاب اسلامی ایران نقطه اشتراک دارند.۲- دشمن یکسان: انقلاب ایران و جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترکند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل است، کیان اسلام را تهدید می‌کننددر حالی که انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی و نه غربی» عَلَم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است.۳- آرمان مشترک :انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز در آوردن پرچم لااله‌الاالله در سراسر جهان از طریق نفی قدرت‌ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده‌های مردمند.۴- وحدت‌گرایی: تأکید انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت همه قشرها و همه مذهب‌های اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی، زمینه دیگر گرایش جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است؛ چون، انقلاب اسلامی با الگوپذیری از اسلام ناب محمدی (ص)هیچ تفاوتی بین مسلمانان نگذاشته بلکه در جهت اتحاد مسلمانان گام برداشته است.۵- مردم مداری: مردم‌گرایی انقلاب اسلامی، عاملی در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است. رهبری انقلاب ۱۳۵۷، بر این باور بود که باید به ملت‌ها بها داد نه به دولت‌ها. سخن پایانیبدون تردید انقلاب اسلامی تحت رهبری حضرت امام خمینی(ره) با برشمردن نقاط اشتراک مسلمانان سراسر جهان و با زنده کردن روح بیداری و خیزش اسلامی توانست اعتماد به نفس را در بین توده های مسلمانان بازگرداند و می رود تا بیدار نمودن مسلمانان از خواب غفلت، آنها را از زیر یوغ استعمار و استبداد خارج نماید. همچنین آنان در سرتاسر جهان با تأسی از آرمان های والای انقلاب اسلامی و با تکیه بر قرآن و شعائر اسلامی، سرنوشت خود را از دست حاکمان وابسته به امریکای سلطه گر جدا کرده و زیر پرچم انقلاب اسلامی در مسیر استقلال و آزادی گام برمی

دارند. امام خمینی(ره) همواره بر این نکته اساسی تأکید داشتند که معنای صدور انقلاب ما، این است که همه ملت ها بیدار شوند و همـه دولت‌هـا بیـدار بشونـد و خودشـان را از این گرفتاریهـایی که دارنـد نجـات بدهنـد. امیـد می رود به برکت انقلاب اسلامی و گسترش روح بیداری و خیزش اسلامی در سراسر جهان اسلام و حتی سایر ملتهای آزادیخواه، بارقه های استکبار ستیزی و ضد استعماری بیش از پیش نمود یابد و سردمداران نظامهای سلطه ضمن گردن نهادن به خواسته های به حق مستضعفان و مسلمانان جهان به خاك مذلت کشیده شوند و ندای الله اکبر در سراسر گیتی طنین انداز شود.

معضلی به نام تنبلی اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: اسلام به کار و تلاش ارزش بسیار والایی داده است، به گونه ای که کار کردن را از بزرگ ترین عبادت ها و وسیله ای برای تقرب به پروردگار شمرده است. قرآن کریم کارکردن را با ارزش می دانـد و می فرمایـد: «نیست برای انسان، مگر بازتاب عمل و واکنش کارش ». (نجم:۴۰) از سوی دیگر

بی کاری و تن آسایی صفاتی هستند که در ادبیات دینی، با نفرت و نکوهش از آنها یاد شده است. در اسلام کار به عنوان یک دستور دینی واجب است. در روایتی از پیامبر اعظم(ص) آمده است: «تلاش در جهت کسب روزی حلال، بر هر زن و مرد مسلمان واجب است»

تنبلی اجتماعیدر بین مسائل اجتماعی و مشخصه‌هایی که کم و بیش، از آنها با عنوان آسیب‌های فرهنگی و یا اجتماعی یاد میشود، خصوصیتی اخلاقی را مشاهده می‌کنیم که به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، بسیاری از ویژگی‌های نامطلوب ما بر روی آن سوار شده است و در فرهنگ و خصلت جمعی ما ریشه دارد. این خصوصیت اخلاقی، تنبلی اجتماعی است که بسیاری از عادات فرهنگی و صفات اجتماعی ما از آن مایه می‌گیرند و تغذیه می‌کنند. آنچه روشن است «تنبلی اجتماعی» یکی از مهمترین ویژگی‌های رفتاری ناپسند ایرانیان است. این مساله بویژه در عدم تمایل به درس خواندن در مدارس و دانشگاه‌ها، و در کار اداری کارمندان، و در میزان بالای تماشای تلویزیون در ایران به جای کتابخوانی، در تمایل زیاد به استخدام در دستگاه دولتی و عدم تمایل برای کسب تخصص و مهارت و کارآفرینی، در وجود تعطیلی های فراوان سالانه، در پدیده‌ای به نام بین التعطیلین، و در موارد فراوان دیگر موجود است. همین شیوع و گستردگی آسیب‌های اجتماعی «تنبلی اجتماعی» نشان از اهمیت ریشه یابی و تبیین دقیق این خصلت فرهنگی ایرانیان است.

تنبلی و انواع آن درجامعهتنبلی تمدید یا اطاله وضعیت فعلی و عدم تمایل به تغییر رفتار یا وضعیت که نوعی رخوت و رکود است. تنبلی دو حالت دارد: تنبلی فردی و تنبلی اجتماعی. تنبلی فردی حالتی است که فرد میان دو انتخاب مخیر میشود، یکی لذت آنی و دیگری نفعی شخصی در آینده که برای کسب آن نفع، باید از این لذت گذشت. انتخاب کردن و نیز علم به زیانآور بودن انتخاب لذت فعلی و سودمند بودن نفع آینده، ابعاد مهم تنبلی هستند. انتخاب در اینجا به معنای آن است که یک کنشگر عاقل، بهصورت نسبی از مزایا و معایب هر دو گزینه آگاه است، یعنی میداند که الان چه میکند و میداند که انتخاب لذت آنی در زمان حال، چه زیانی برای فرد در آینده دارد، و با علم به این دو گزینه، «انتخاب» میکند.نوع دیگر تنبلی، تنبلی اجتماعی است. تنبلی اجتماعی گاه محصول تنبلی افراد جامعه و برآیند تنبلی آنها است. یعنی وقتی جمع کثیری از افراد، بیعمل و لذتطلب هستند، در سطح جامعه نیز این فرآیند مشاهده میشود. این نوع از تنبلی پیامدهای متعدد دارد. پایین بودن سطح بهرهوری اداری، عدم اقبال بهکار طولانیمدت و سخت و بین التعطیلین، از این نمونه است. اما بعد دیگر تنبلی اجتماعی، حالتی است که افراد سطح فردی رفتاری نسبتا مطلوب دارند، اما این رفتار در سطح جمعی به نتیجه مطلوب منتج نمیشود که دلیل آنهم ناهماهنگی در سطح نهادهای اجتماعی است.

نگـاهی به عوامـل ایجـاد تنبلی اجتمـاعی برخی از کارشـناسان معتقدنـد بسـیاری از رفتارهـای نامنـاسب اجتمـاعی ما بر جریان تنبلی اجتمـاعی حرکت می کنـد . یکی از حوزه هـای جدی این رفتـار، حوزه روابـط کار است. موضوع کار به عنوان منبع امرار معاش و کسب درآمـد و رفاه از یک سو و از طرف دیگر پرورش روحیه خودباوری، امیـد به آینده و اعتماد به نفس از طرف دیگر، یکی از مهم ترین نیازمنـدی انسـان را تشـکیل می دهـد. بـا این حـال این غـذای روح و تعالی بخش وجـدان انسانی، برخی مواقع به سوهان روحی بدل می شود که عامل را از عمل بیزار می کند. این بیزاری و بی میلی نسبت به کار و تصوراتی که در اطراف آن پدیدار می شود، موجب تنبلی اجتماعی در حیطه روابط کار است. اما علت این گریز از کار چیست؟بـدون شک نیاز ها و توقعات درونی انسان بر محیط اطراف او تأثیر گذارنـد. کنش‌های درونی، انسان را به سوی خواسـته هایش هـدایت می‌کنـد. کار یکی از عرصه‌های بروز این کنش هـای درونی است. افراد موفق کسـانی هسـتند که کـار و شـغل خود را از روی رغبت بر می گزیننـد و این اصـل در کنـار ویژگی مهم تلاش و پشـتکار، که ریشه ای انکار ناشدنی در علاقه دارد، می‌تواند دروازه های موفقیت را به روی فرد باز کند.کسب ثروت بدون تلاش و کوشش رویایی است که در برخی جوامع به دلایل متنوع گسترش یافته است. این دلایل بیشتر حول چند محور گردش می کننـد. منـابع ملی، غارت دیگران و طرح های اسـتعماری و نهایتاً بیماری های اقتصادی از جمله مهمترین دلایل به وجود آمـدن. تنبلی اجتماعی هسـتند.گاهی شـخص به کار مورد نظر خود دست پیـدا می‌کنـد اما عوامل بیرونی منجر به بروز افسـردگی و دلزدگی شخص نسبت به کار وتنبلی در آن می شوند. تصورش را بکنید که با شور و شوق، هر روز به سر کاری می‌روید که به آن علاقه داریـد و امیدواریـد آینـده جـذابی را برای‌تان رقم زنـد ، اما بعـد از گـذشت مـدتی شاهـد درجا زدن خودتان هستید، مدیر به ابتکار و خلاقیت و تلاش شـما بهایی نمی دهـد و شـما در برابر بوروکراسـی خشک و نامتعارف اطراف‌تان، اندک اندک به حاشـیه رانـده می‌شویـد و یکنواختی به سـراغ شـما می‌آید، امری که دروازه دلزدگی و عدم رغبت به شـغل و تنبلی است. یکی دیگر از این عوامل بیرونی که در منظر برخی کارشـناسان حتی باعث بروز ضـعف‌ها و بیماری هاری روانی نظیر افسردگی در میان طیف شاغلین محسوب می شود، تحمـل یـک فرودست به عنوان فرادست در محیـط کار است . این امر به وضوح حتی در همان ابتـدای کار برای شما نوعی سـرخوردگی ایجاد خواهد کرد که در نهایت به شدت از راندمان کاری شـما خواهد کاست و تنبلی شـما در پرداختن به شغل مورد نظر را رقم خواهـد زد. برخی آفت تکرار را از عوامل بروز تنبلی در کار می داننـد. به این معنی که فرد شاغل مدت های متمادی در محیطی مشـغول به کار باشـد تکرار وظایف او را مبـدل به ماشـینی خواهـد کرد که تنها به صورت روتین اقدام به اجرای دستورالعمل های خاصی می کند

راه چـاره در چیست؟ایران بعـد از کشورهـای عربی و آفریقایی رتبه سوم تنبلی در جهان را دارد.بنابراین تنبلی اجتماعی نه تنها یک نارسایی بسـیار مهم اجتماعی است بلکه یک معضل مـدیریتی نیز در ایران قلمـداد می شود که سال های طولانی ست کارشـناسان و متخصـصان و اسـتادان مـدیریت نتوانسـته اند برای آن راه حلی پیدا کنند. با این وجود بیش از همه اصـلاح مدیریت به عنوان ابزاری منـاسب برای ارتقـاء کیفیت کار در جامعه به چشم می آیـد. مـدیریت مناسب قادر است توانایی های کارمنـد و کارگر را تشـخیص دهـد و همچون یک مربی فوتبال او را در پستی به کار گیرد که بیشترین کمک را به هم تیمی هایش برساند. مدیریت مطلوب قادر است افراد کاردان ولایق را به عنوان مسئول کسانی که از مهارت کمتری برخوردارند قرار دهد، چنین شـرایطی اطاعت از مافوق را برای شاغـل ممکن تر و قابل تحمل تر خواهـد کرد. این مـدیریت صـحیح است که می توانـد تشویق و تنبیه را در موارد لازم به کار گیرد و بـا ارتقـاء و یـا پـاداش کارمنـد و کـارگر را نسبت به نوع ر فتـار منـاسب دلگرم و از خطرات ناشـی از کاهلی بیم دهـد. این مـدیریت منـاسب در سـطح کلاـن با تصویب و البته اجرای قوانین مناسب می توانـد شاخص های دسـتمزد را به واقعی بودن نزدیک کنـد و بـا کنترل زیـاده خواهی های اقتصادی برخی که به نوعی عامل ایجاد بیماری در اقتصاد و روان جامعه هسـتند، مسیر حرکت برای کسب ثروت را در منظر جامعه، تلاش و کوشش صادقانه در کار و شغل مناسب ترسیم کند.

سخن پایانیدر ادبیات اسلامی، بخشی از عزت نفس، در گرو کار و تلاش و پرهیز از تنبلی است. کار کردن، موجب می شود انسان به کمک دیگران امید نبندد و دست تکدی و نیاز به سوی این و آن دراز نکند. انسان باید بکوشد با کار و حرفه ای مخارج زندگی خود و خانواده اش را تأمین کند و اسیر محبت و منت دیگران نشود. شایدبه همین سبب است که امام علی(ع)در وصیتی به فرزندش امام حسن(ع)فرموده است: اگر می خواهی آزاد باشی و حریت داشته باشی، مانند بندگان و غلامان زحمت بکش و کار کن. امید و آرزوی خود را از مال جمیع انسان ها قطع کن، هرگز چشم طمع به مال و ثروت و اندوخته دیگران نداشته باش.

انتخابات،کشتی نجات نظام اسلامی و جذب حداکثری

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: رهبرمعظم انقلاب (در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۶ اسفند۸۸) فرمودند": کسانی که حاضر نیستند اکثریت را قبول کنند، کسانی که ... یک نقطه‌ی قوت را برای نظام، می‌خواهند به یک نقطه‌ی ضعف تبدیل کنند، این‌ها در واقع دارند خودشان را از یک کشتی نجات - که نظام اسلامی است - بیرون می‌اندازند. و الا هیچ‌کس نمی‌خواهد کسی را از کشتی نجات بیرون بیندازد. نظام اسلامی به همه می‌گوید: «بیایید با ما باشید و وارد این کشتی نجات شوید. ولا تکن مع الکافرین؛ هود، ۴۲» هدف و مبنا این است ".رأی ملت؛ میزان استامروزه بسیاری از کشورهای جهان، ادعای مردم سالاری دارند، ولی به جرأت می توان گفت نظام جمهوری اسلامی، زیباترین شکل از مردم سالاری را در قالب دین و شریعت ایجاد کرده است؛ به صورتی که در این نظام، هم حضور مردم در امر اداره جامعه، بسیار جدّی و پررنگ است و هم اصول و ارزش های دین به خوبی اجرا و رعایت می شود. انتخابات و فرآیند برگزاری آن علاوه بر مفاهیم مختلفی که در عرصه ی بین المللی به عنوان نمادی از دموکراسی و مشارکت مردمی در تصمیم گیری ها دارد در ادبیات انقلاب اسلامی معنای دیگری را نیز به دنبال دارد. و آن تجلی وحدت آحاد جامعه در مشارکت حداکثری است. وقتی در نظام فکری جمهوری اسلامی " میزان رأی ملت است " گروه های مختلف سیاسی اجتماعی کشور بدین وسیله خود را در بوته ی آزمون قرار می دهند تا عیار فعالیت های سیاسی خود را در چارچوب برگزاری انتخابات سالم و آزاد بسنجند.رویه مهر و رویه قهر برمبنای مبانی فقهی و اسلامی مدیریت باید مظهر دو نوع از صفات باشد؛ رویّه مهر و رویّه قهر. این دو صفت لازم است در مدیریت به صورت همزمان وجود داشته باشد. مدیر باید با جاذبه و ارزیابی، انسان های محروم و مشتاق و لایق را به سوی خود جذب کند و آنان را دلگرم و ثابت قدم نگه دارد و با قهر و خشم، نااهلان را از خود دور سازد و دست نااهلان را از دراز شدن به سوی حریم های محترم مال و جان مردم کوتاه کند. محبت و مشکل گشایی، عدالت محوری، زهد و پاکی، تلاش و جسارت و قدرشناسی، از جمله صفاتی هستند که با تحقق آن ها مدیریت، جمالی زیبنده می یابد و این ها موجب توفیق و کام یابی مدیر می گردد و صفاتی همچون: پای بندی به قانون، برخورد با متخلف و جدیت و دقت در حسابرسی و نظارت؛ هیبت، وقار و شکوه لازم را برای مدیر اسلامی می آفریند و بر حول مدیریت او، دیواره آتشینی ایجاد می کند که حوزه مدیریت او را از دستبرد و سوءاستفاده بدخواهان و نااهلان محفوظ نگه می دارد و موانع را از سر راه مدیریت برطرف می سازد.برطبق آموزه های مدیریت اسلامی ولی فقیه کسی است که در دایره دستورات و احکام اسلامی امور جامعه ی اسلامی را مدیریت می نماید. و مسلماً هر سخن و هر کلامی که می گوید منشأ و ریشه ی آن در قرآن و سنت است (باید باشد). از این رو نگاه مرحمت آمیز و همراه با صبر و گذشت رهبری معظم نظام اسلامی به افرادی که به دلایلی از قبیل؛ عدم بصیرت، هیجان زدگی در مواجهه با تبلیغات رسانه های بیگانه، فریب خوردگی و ... اشتباهاتی را مرتکب شده اند ریشه در رأفت اسلامی دارد. کما این که اوج این رفتار مرحمت آمیز اسلامی را پیامبر اعظم(ص) پس از فتح مکه از خود نشان دادند. اما مسلماً این رفتار تا جایی ادامه دارد که افراد خود را از دایره رحمت و گذشت خارج نسازند". ما هیچ کس را از نظام بیرون نمی‌کنیم؛ اما کسانی هستند که خودشان، خودشان را از

نظام خارج می کنند؛ و صلاحیت حضور در چارچوب نظام اسلامی را از دست می دهند که از دست داده‌اند".مفهوم جذب حداکثری" جذب حداکثری "یک فرهنگ است. فرهنگی برگرفته از مبانی فکری دینِ رأفت و پیامبر رحمت آن. فرهنگی که به دنبال مدیریت هیجانات اجتماعی و اصلاح رفتار است. تا بوسیله ی روح معنوی اسلام افراد بیشتری را در کشتی نجات نظام اسلامی نشاند و از گمراهی نجات دهد. همچون کشتی نوح؛ که پیامبر شریف الهی تا آخرین لحظات ممکن افراد را بر سوار شدن بر آن تا دستیابی به فلاح و نجات توصیه می نمودند. امروز جذب حداکثری همان فرهنگ را مطالبه می کند. بر اساس همین تفکر سیاست نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب این بوده که معاند را به منتقد و منتقد را به موافق تبدیل کند. سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی که بارها رهبر فرزانه انقلاب خاطر نشان کردند، اهمیت و ضرورت این مقوله را نشان می دهد. برای دستیابی به معنای واقعی جذب حداکثری باید صبور بود. نمی توان جواب هرگونه بدی یا مخالفت را بلافاصله و باشدت بیشتر پاسخ داد و خود را معتقد به راهبرد جذب حداکثری دانست. جذب حداکثری و یک استثنا باید توجه داشته باشیم اصل کلی جذب حداکثری -که حاصل رأفت اسلامی است- با یک تبصره کامل می شود. تبصره ای که در آن افرادی را که عالمانه و عامدانه در مسیر دشمن حرکت می کنند و در نهایت گستاخی مِهر نظام اسلامی را با عداوت پاسخ می دهند استثنا می نماید. بی شک این نظام متعلق به تمام کسانی است که در این مملکت و خارج از آن به اصالت تمدن و دین این دیار وابستگی دارند. بطور کلی سیاست نظام این است که تمامی گروه ها و جریانات سیاسی در چرخش قدرت مشارکت داشته باشند و سند این مدعا دست به دست شدن قدرت در میان گروههای مختلف سیاسی درون نظام است. اما امروز شرایط خاصی در کشور وجود دارد که می بایست نسبت به اعمال رفتار تسامحی نظام با برخی از کسانی که عمداً در راستای دشمنی با ملت ایران گام بر می دارند، کمی شدت عمل به خرج داد. برخی جریانات داخل متأسفانه با استفاده از امکانات نظام به انقلاب لطمه وارد می سازند. یعنی به راحتی در قدرت نشسته اند و تیشه به ریشه ملت می زنند. اینها مال این است که به آن محور مشترک عقیده ندارند و البته سیاست نظام هم در مقابل کسانی که اینگونه رفتار می کنند، تا یک جایی تحمل است و قطعاً وقتی از حد تحمل خارج شوند، برخورد نظام یک برخورد دافعه ای و تفابلی خواهد بود. بعضی ها به اشتباه سعی دارند مفهوم جذب حداکثری را به همه تعمیم دهند، در حالی که این اصلاً کار درستی نیست و روی دیگر جذب، دفع است هر چند حداقلی باشد.سخن پایانیانتخابات مجلس شورای اسلامی پیش روی ماست. اهمیت و حساسیت این دوره از انتخابات بر هیچ کس پوشیده نیست. به همین دلیل، همکاری و مشارکت برای هر چه باشکوه تر برگزار شدن آن بر همگان ضروری است.امروز علی رغم تمامی ناملایمات سیاسی و تحریم های اقتصادی که توسط ایادی استکبار جهانی در ارتباط با جمهوری اسلامی رخ می دهد کشتی نظام اسلامی با سلامت و صلابت از تلاطم امواج عبور کرده و خود را به ساحل سعادت و سلامت نزدیک و نزدیک تر می نماید. مسلماً هر گونه حرکت انحرافی و فتنه انگیزی نمی تواند خللی در مقابل کشتی نظام که بر پایه ی مبانی اسلام عزیز، ولایت فقیه و شور و اشتیاق قاطبه ی ایرانیان مؤمن و مسلمان در حرکت است ایجاد نماید. پس باید بدین نکته توجه داشت که چند سنگ ریزه نمی تواند مانع حرکت کشتی نظام اسلامی شود جز اینکه افراد منحرف و فتنه انگیز خود از سلامت و سعادت باز می مانند. باید به فرموده ی رهبری با تقوای جمعی به ریسمان محکم الهی چنگ زد و با اتحاد و همدلی و صبر و تحمل در مقابل سختی ها و سعه ی صدر در مقابل نظرات مخالف خود، بر کشتی نظام اسلامی بنشینیم تا با یاری خداوند مهربان به فلاح و رستگاری نائل شویم.آفریده ها، با درک جمال الهی مجذوب و مشتاق او می گردند و از درک آثار جلالل خداوند، به ترس و خشوع می افتند. دو بال شوق و خوف، برای کمال آفریده ها ضروری است و انسان چون خلیفه خداست، باید مظهر اسمای خدا باشد و هر دو گونه از اسمای جلالی و جمالی، در صفات و اعمال او نمودار باشد که بر اثر این نمود، فرد جاذبه و دافعه پیدا می کند. ائمه معصومین(ع)که مظهر انسان کامل بودند، بیشترین جاذبه و دافعه را داشتند. جاذبه آنان؛ پیروان را به تولی و محبت فرامی خواند و دافعه قوی آنان؛ دشمنان را به شدت از آنها دور و جدا می ساخت.با

رب این قافله را لطف ازل بدرقه باد که ازو خصم به دام آمد و معشوقه به کام

تأثیر تولید ملی بر پدیده های اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: « سال ۹۰ (که سال جهاد اقتصادی نامیده شد) در داخل کشور سال بروز اقتدار ملت بود.. جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام شدنی باشد. مجاهدت اقتصادی و حضور جهادگونه در عرصه های اقتصادی برای ملت ایران یک ضرورت است.من امسال تقسیم میکنم مسائل مربوط به جهاد اقتصادی را. یک بخش مهم از مسائل اقتصادی برمی گردد به تولید داخلی. اگر با توفیق الهی و اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان بتوانیم مسأله تولید داخلی را آنچنان که شایسته است رونق بخشیم و پیش ببریم بدون تردید بخش عمده ای از تلاش های دشمن ناکام خواهد ماند...» این سخنان بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب بود. سالی که به فرموده ایشان حوادث بسیاری در سطح جهان، منطقه و کشور روی داد که در مجموع به سود این ملت تمام شد و ملت ایران آمادگی خود را در تمام عرصه های گوناگون علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نشان داد.

مقدمهسال ۹۰با عنایت رهبر معظم به مسائل ویژه اقتصادی، سال جهاد اقتصادی نام گذاری شد و ایشان امسال را نیز با توجه به گستردگی مسأله جهاد اقتصادی و لزوم تلاش تمام مسئولین و مردم برای مقابله با تحریم های دشمن و خنثی ساختن اثر آنها سال «تولید ملی،حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام گذاری نمودند. در عصری که اقتصاد و اثرات آن برحوزه های مختلف –خصوصاً مسایل اجتماعی– حرف اول را میزند نمی توان به مسائل اقتصادی و تبعات ناشی از آن بی تفاوت بود. وقتی بسیاری از پدیده های فرهنگی،اجتماعی،سیاسی و ...از این مهم نشأت می گیرند و برای تکامل باید وارد چرخه اقتصاد شوند چطور ممکن است رهبر فرزانه و با تدبیر انقلاب آن را نادیده بگیرند؟ اثرات اجتماعی پدیده ها از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی ها، محرومیت های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواست ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبهکاری، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیب ها شده است. از این رو مطالعه پدیده های مختلف از منظر اجتماعی ضروری است.

تولید ملیلازم است قبل از بررسی ارتباط بین تولید ملی و پدیده های اجتماعی ابتدا مفهوم تولید ملی را از نظر علمی بیان کنیم: تولید ملی به ارزش پولی همه ی کالاها و خدماتی که در دوره ی معینی، معمولاً یک سال، در کشوری و توسط مردم همان کشور تولید شده، گفته می شود. درآمد ملی نیز به ارزش پولی تمامی درآمدهایی که در دوره ی معینی در کشوری در جریان تولید، کسب شده گفته می شود. تولید ملی را با توجه به اینکه هزینه های تولید از آن کم شده یا نه می توان به دو زیرشاخه تقسیم نمود: ۱.تولید خالص ملی ۲. تولید ناخالص ملی. برای بدست آوردن میزان تولیدات خالص ملی هزینه استهلاک را از آن کم می کنند و محصول خالص ملی ارزش کالاها و خدمات تولید شده ای خواهد بود که پس از کسر هزینه استهلاک بدست می آیند و نتیجه نهایی به عنوان تولید خالص ملی شناخته می شود. تفاوت تولید خالص با تولید ناخالص نیز در این است که در محاسبه تولید ناخالص ملی احتیاجی به کسر هزینه استهلاک نیست.

پدیده های اجتماعی و تولید ملیهرچه از زندگی در جامعه ناشی شود را باید پدیده اجتماعی به حساب آورد. فقر، طلاق، بیکاری، جرم، بالارفتن سن ازدواج، تکدی گری و.. . البته اینها پدیده های منفی اجتماعی هستند که در کنار پدیده های مثبت ظاهر می شوند.در اینجا یک نکته حائز اهمیت است و آن نکته این است که اگر به ریشه یابی این پدیده های منفی بپردازیم درمی یابیم که بیشتر آنها به مسائل اقتصادی برمی گردد.بیکاری، فقر می آورد و فقر منجر به ارتکاب انواع جرایم،طلاق و بالا-رفتن سن ازدواج،تکدی گری و.... می شود. اما چه عاملی باعث بیکاری می گردد؟ آیا جز این است که مصرف تولیدات و کالاهای خارجی

منجر به کنار زده شدن تولیدگران داخلی و گوشه نشینی آنها می شود؟هنگامی که ایرانی به تولید محصولات مورد نیاز بپردازد و این محصولات از سوی مصرف کنندگان داخلی مورد استقبال قرار گیرند می توان تیشه بر ریشه بیکاری زد و در راستای ریشه کن نمودن فقر گام برداشت. هنگامی که کالاهای بی کیفیت خارجی در بازار با قیمتی نازل به فروش برسند چطور می توان انتظار داشت زمینه اشتغال زایی برای جوانانی که در رشته های مختلف صنعتی تحصیل کرده اند فراهم شود؟ هنگامی که بهترین میوه و مرکبات در کشور ما تولید می شود چه لزومی دارد از کشورهای دیگر واردات داشته باشیم؟متأسفانه بیکاری ریشه بسیاری از نابهنجاری های اجتماعی است و یکی از عوامل ایجاد این معضل بزرگ عدم توجه به تولیدگران داخلی می باشد. بسیاری از طلاق هایی که در جامعه رخ می دهد بر اثر بیکاری و فقر مالی خانواده است. و فقر زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را ایجاد می کند. بخش اعظمی از اعتیادی که اندیشمندان از وجود آن به عنوان یک معضل بزرگ دم میزنند در اثر فشارهای مالی پدید می آید.شاید اغراق آمیز به نظر برسد اما اجازه بدهید طرح واره ای در خصوص ارتباط بین توجه به تولید داخلی و پدیده های اجتماعی مجسم کنیم؛ زمانی که یک جوان که در زمینه های مختلف صنعتی یا کشاورزی تحصیل کرده است وارد چرخه تولیدگری می شود و با انبوه کالاهای وارداتی و سیل جمعیت استقبال کننده از آنها مواجه می گردد ناچار است شغل خود را رها کرده و به مشاغلی روی بیاورد که در حیطه تخصص اش نیست بنابراین به بیکاری پنهان دچار می شود. مسلماً این شخص نمی تواند آن طور که باید در کار خود پیشرفت کند و چه بساحتی آن را رها نماید. حال اگر وی دارای خانواده باشد باید بار مخارج سنگین خانواده را نیز به دوش کشد و آنچان که باید نمی تواند مخارج خانواده و تحصیل فرزندان خود را بپردازد و چه بسا فرزندانش را نیز از تحصیل محروم کند همان گونه که درحال حاضر بسیاری از کودکان کار دارای چنین شرایطی هستند. و بالاخره تحت این فشارهای زیاد یا زندگی اش از هم می پاشد و یا ممکن است زمینه ارتکاب انواع جرایم برای وی فراهم شود و به انواع جرایم از قبیل؛ سرقت، قاچاق و ... نیز دست بزند. حال شرایطی را تصور کنید که یک کشور به خودکفایی رسیده و مصرف کننده کالای تولیدی خود باشد؛ در این حال نه تنها زمینه تحصیل جوانان در رشته های متنوع صنعت و کشاورزی فراهم می شود بلکه کشور به جای وارد کننده تبدیل به صادرکننده ای می شود که در عرصه جهانی می تواند حرف نخست را بزند.در این شرایط زمینه اشتغال برای افرادی فراهم می شود که در شغل خود مهارت و تخصص کامل دارند و با علاقمندی آن را دنبال می کنند و در آن به پیشرفت های چشمگیری می رسند. بنابراین دیگر دغدغه اشتغال و تورم را نخواهند داشت، از پس تأمین مخارج زندگی خود بر می آیند و به راحتی ازدواج می کنند و کمتر شاهد فسادهای اجتماعی خواهیم بود.

ضرورت کوشش همگانی در حمایت از تولید ملی برای حمایت از تولید ملی نیازمند کوشش همگانی آحاد جامعه هستیم. نه تنها مسئولین موظفند از تولیدگران داخلی حمایت نمایند و از ورود بی رویه کالاهای وارداتی به کشور جلوگیری کنند بلکه مردم نیز باید به تولید و مصرف بهترین کالاهای ایرانی روی بیاورند. وظیفه تک تک اعضای این ملت است که در راستای ریشه کن کردن بیکاری و معضلات ناشی از آن از طریق حمایت از تولید ملی گام بردارند. واضح است که وقتی جوان ایرانی اطمینان داشته باشد که جامعه به تخصص و مهارت وی نیاز دارد حداکثر تلاش خود را برای افزایش این تخصص در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب جامعه می نماید و استعداد خود را صرف گام برداشتن در راه های بزهکارانه نمی کند.کشور چهارفصل ایران دارای منابع غنی انرژی،خاک حاصلخیز،آب و هوای مناسب، دریاهای پربرکت و از همه مهمتر نیروی انسانی جوان و باهوش است. ملت ایران باید بیش از پیش خود را باور کند و مجال تولید را به جوانان و تولیدگران بدهند.

سخن پایانیشرایط کسب و کار و ارزش های اجتماعی در کشور ما تابع شرایط خاص خود بوده و با سایر کشورها تفاوت دارد. نباید فراموش کنیم که از دیرباز در سایه برخی سیاست گذاری ها و اقدامات غیراصولی دستگاه های مسئول نه تنها کالاهای خارجی را وارد می کنیم، بلکه بدون ایجاد محدودیت های منطقی و متعادل، بقدری ساز و کار ورود محصولات خارجی را تسهیل می نماییم

که بخش قابل توجهی از داشته های خود در بخش صنعت را نیز بطور کامل از دست می دهیم. تحریم کشور ایران شاید در ابتدا پدیده ای ناخوشایند به نظر برسد اما در حقیقت لطفی ناخواسته به کشور است که با فرصت اندیشی می تواند زمینه استقلال و روی آوردن به تولید ملی را افزایش دهد و نه تنها مسئولین بلکه مردم را نیز به تکاپو و تلاش روزافزون وادارد. دشمن تصور می کند که با تحریم این ملت می تواند ایران را درعرصه کار و تولید زمین گیر کند درحالی که هرچه بیشتر بر این ملت سخت بگیرد خود را خسته و ناتوان تر کرده و ایرانیان را به سوی کشف استعدادهای خود سوق می دهد. همانطور که خداوند متعال می فرماید: « چه بسا چیزی را ناخوشایند بدانید در حالی که خداوند در آن خیر فراوانی قرار داده است /نسا۱۹»

درآمدی بر نظم اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: امیرمؤمنان(ع) در وصیتی خطاب به فرزندانشان می فرمایند: « شما (دو فرزندم حسن و حسین) و همگی فرزندانم و هر کس که نامه ام به او برسد را سفارش می کنم به ملاحظه کردن از خدا و نظم در امور» بر اساس آنچه امام می فرمایند مخاطب این وصیت، همه ی کسانی هستند که این نامه و این وصیت به آنها می رسد؛ یعنی ما هم مخاطب کلمات امیرالمومنین(ع) هستیم. در معارف اسلامی تقوا با نظم آمده است. اساتید اخلاق اسلامی تقوا را نظم فردی و نظم را تقوای جمعی می‌دانند. این‌که سفارش می‌کنند «در جماعت خلوت کنید» به همین معنی است که بتوانید هر چیزی را در جای خودش انجام دهید. تقوا یعنی انسان جای‌گاه و موقعیت خودش ر ا بفهمد و تکلیفش را در آن موقعیت ادا کند؛ و در حالت کلی آدم باید بفهمد در این عالم آمده است که چه بکند، و همان کند.مقدمهمقوله نظم اجتماعی از مباحثی است که در طبقه بندی موضوعات جامعه شناختی، نقطه مقابل جامعه شناسی تغییرات اجتماعی و بویژه در تعارض با مباحث تغییرات عمیق و انقلابات اجتماعی است. نظم یعنی هر چیزی در جای حقیقی خود باشد. براساس حدیث ذکر شده این دو– یعنی نظم و تقوا- بر هم اثر می‌گذارند و از هم اثر می‌پذیرند. آدم‌های منظم هستند که می‌توانند زندگی خود را مدیریت کنند و انسان‌های باتقوا هستند که در تشکیلات می‌توانند منظم و گروهی کار کنند. در مباحث نظم اجتماعی، دو سؤال عمده وجود دارد: ۱. نظم اجتماعی چگونه به وجود می آید؟ ۲. تداوم نظم اجتماعی چگونه ممکن است؟ منظور از سؤال اول این است که اولین جوامع چگونه شکل گرفته است. اما در سؤال دوم، از شکل گیری جامعه سؤال نمی کنند، مسئله این است که این نظم به وجود آمده ـ به هر دلیل ـ چگونه درهم نمی ریزد؟ امروزه سؤال اول چندان اهمیتی ندارد؛ چرا که زندگی اجتماعی به هر حال، شکل گرفته است. اما سؤال دوم، اساسی است؛ زیرا علی رغم وجود بحران های ویرانگر اجتماعی و سیاسی، جوامع همچنان پابرجا هستند.تعریف نظمنظم، ترتیب دادن به هر چیز و یک نوع رابطه ی هماهنگ میان اجزای یک مجموعه، برای تحقق یافتن هدف مشخصی است. به گونه ای که هر جزیی از اجزای مجموعه، مکمّل دیگری بوده و فقدان هر یک سبب می شود که مجموعه، هدف خاص و اثر مطلوب را از دست بدهد. نظم اولین قانون جهان است. به بیان دیگر واقعیت نظم در یک پدیده ی طبیعی، جز این نیست که اجزای مختلفی از نظر کیفیّت و کمیّت دور هم گرد آیند، تا در پرتو همکاری اجزای آن، هدف مشخص تحقّق یابد. مضمون نظم، اندیشه چیزهایی را که هر یک به جای مطلوب نشسته‌اند و دقیقاً مرتب گشته‌اند، در ذهن متبادر می‌سازد. از این رو نظم، در حد گروه‌های انسانی، به معنای آرامش، انتظام و اطاعت است.تبیین مفهوم نظم اجتماعینظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش ها و قوانینی است که اساس و قوام جامعه هستند. که یکی از عوامل برقراری آن رعایت حقوق اجتماعی است. اگر مردم به حقوق یکدیگر احترام بگذارند، و حقوق فرد و جامعه رعایت شود نظم اجتماعی تحقّق می یابد. پس از اینکه انسان ها زندگی اجتماعی تشکیل دادند، عامل تداوم این زندگی اجتماعی چیست؟ اسلام چه سازوکارهایی اندیشیده است تا نظم اجتماعی برهم نریزد؟ عامل ثبات و نظم اجتماعی در عمل

کردن به قوانین پدید می آید. در جوامع بدوی، قوانین تدوین شده ثبات کمتری داشتند، اما قوانین جوامع متمدن از ثبات نسبی برخودار است، و هر قدر جامعه پیشرفته باشد، می تواند قوانین مستحکم تری تدوین کند. ضامن اجرای قوانین، هم درونی است و هم بیرونی که همان حکومت است. اما آیا هر قانونی قادر است نظم اجتماعی مطلوب را در جامعه ایجاد کند؟ پاسخ علّامه طباطبائی به این پرسش منفی است. از نظر ایشان، با این قوانین نمی توان به حد مطلوب نظم اجتماعی دست یافت.اختلاف اساسی اسلام با نظریه های جامعه شناسی در مورد «نظم اجتماعی»، در انسان شناسی و ضمانت اخلاقی برای برقراری نظم اجتماعی است. بدون اعتقاد به مبدأ و معاد، اخلاق معنای صحیحی ندارد. بیشتر نظریه پردازان غربی انسان هایی معتقد نیستند. پس تکیه کردن آنان بر «اخلاق» به عنوان ضمانت اجرای قوانین و نیز تکیه بر «مذهب» به عنوان عامل پیوند میان افراد جامعه، در مکاتب سکولاریستی قابل دفاع نیست. مفهوم نظم اجتماعی می‌تواند به طور مستقیم هماهنگی، تعادل و انسجام روابط اجتماعی را برساند که مجموعه افراد جامعه را از طریق فعل و انفعال و ساز و کارهای اقتصادی و سیاسی به سوی زندگی مشترک جلب می کند و حیات جمعی را امکان پذیر می‌سازد.رویکردهای اصلی جامعه شناسی در تشریح نظم اجتماعیاغلب نظم اجتماعی به نظم رایجی گفته می‌شود که اطاعت همگان را از یک نظم ارزشی رایج به منظور مرجح داشتن طبقات و قشرهای اجتماعی ممتاز، اولویت می‌بخشد. اساس چنین نظمی بر این اندیشه استوار است که ثروت اساسی یک جامعه را صلح و آرامش تشکیل می‌دهد. نتیجه‌ای که از آن گرفته می‌شود این است که همه اعضا باید خواه ناخواه در برابر نظام سیاسی اجتماعی، یا شکلی از سازمان اجتماعی سرتمکین فرو آورندکه خود موجبات تداوم نابرابری‌ها و بی¬عدالتی¬ها و تنازعات اجتماعی را فراهم می‌آورد. در زمینه توضیح نظم اجتماعی در جامعه سه رویکرد اصلی در جامعه شناسی وجود دارد:۱- رویکرد فایده ای: این رویکرد که جایگاه کمتری در نظریات جامعه شناسی دارد و بیشتر در تئوری‌های اقتصادی مطرح است می گوید: به نفع خود افراد است که نظم اجتماعی را به خصوص در جوامع پیچیده‌ای که تقسیم کار در آن‌ها وافر است و مردم متقابلاً به یکدیگر وابسته‌اند حفظ کنند. ۲- رویکرد فرهنگی: نقش هنجارها و ارزش‌های مشترک را مورد تأکید قرار می‌دهد. ۳- رویکرد تحمیلی: قدرت و سلطه را به صورت‌های گوناگون نظامی، قضائی، معنوی، اقتصادی در ایجاد نظم تأکید می کند. بین نظریه پردازان جامعه شناسی مارکس و وبر از مفسران رویکرد تحمیلی هستند.راه کارهای اسلام برای تأمین نظم اجتماعیاسلام خواهان جامعه سالمی است که سعادت دنیوی و اخروی افراد در آن جامعه ممکن باشد. بنیادهای نظام اجتماعی اسلام بر این باور استوار است که همه انسان ها برابرند و یک اجتماع بشری را تشکیل می دهند. نظم و ترتیب بین گروههای مختلف جامعه و افراد آن و به تعبیر دیگر«نظم اجتماعی» در بسیاری از ارزشهای دینی نهفته است و امر به آنها امر به نظم است. لذا می توان گسترهٔ نظم اجتماعی را در زوایای ارزشهایی چون عدل، وفای به عهد، نماز جماعت و... دنبال نمود و بیان داشت که هرگونه انحراف اعتقادی، فقهی و اخلاقی دین اسلام گونه ای از بی نظمی است. از نظر اسلام، نظم اجتماعی باید طوری باشد که در سایه آن، به حقوق و آزادی های فردی آسیبی نرسد. مهمترین راه کارهای اسلام برای تأمین نظم اجتماعی عبارتند از:۱- توحید: اسلام برای تأمین سعادت دنیا و آخرت بشر، اصلاحات خود را از دعوت به «توحید» شروع کرد تا تمامی افراد بشر یک خدا را بپرستند و آنگاه قوانین خود را بر همین اساس تشریع نمود و تنها به تعدیل خواست ها و اعمال اکتفا نکرد، بلکه آن را با قوانینی عبادی تکمیل نمود و نیز معارف حقّه و اخلاق فاضله را بر آن اضافه کرد. ۲- آیین های جمعی: دراسلام توصیه شده است برخی از عبادت ها همچون نمازهای یومیه و نماز جمعه به صورت جماعت برگزار شود. این عمل زمینه تفاهم، عشق و محبت و به دنبال آن نظم اجتماعی را میان مسلمانان ایجاد می کند. ۳- حاکمیت دین: در جامعه اسلامی، همه نهادها در خدمت دین قرار می گیرند، برخلاف جامعه شناسان غربی که دین را نهادی در کنار سایر نهادهای اجتماعی قلمداد می کنند. از نظر اسلامی، «دین برنامه صحیح و مطلوب زندگی آدمی است که جمیع ابعاد و وجوه حیات فرد و جامعه را فرا می گیرد و علاوه بر اعتقادات، اخلاق و عبادات، به معنای اخص ـ شامل انواع و اقسام حقوق، از جمله حقوق سیاسی، حقوق قضائی، حقوق جزائی، حقوق بین الملل،

حقوق اقتصادی و حقوق مدنی (نظیر حقوق خانواده) می شود» و این نگرش سبب توسعه نظم اجتماعی است.۴- مشارکت مردم: مشارکت و هماهنگی مردم یک جامعه اسلامی در تحقق بخشیدن به رفع نیازهای زندگی اجتماعی تکلیفی است قطعی که زمینه ساز تحقق نظم اجتماعی است.۵- مسئولیت متقابل فرد و جامعه: نقش افراد مکمّل نقش جامعه بوده و میان این دو همبستگی و مسئولیت متقابل وجود دارد. افراد در مقابل جامعه مسئولند. البته این مسئولیت تنها در برابر جامعه مطرح نیست. از سوی دیگر، جامعه نیز در برابر افراد مسئول است. جامعه باید امنیت و آسایش افراد را فراهم کند. ۶- توجه به رفتارهای اجتماعی در سطح خرد و کلان: اسلام آیین زندگی است و بنابراین، برای همه عرصه های اجتماعی بشر برنامه دارد. عمل به حقوق و وظایف در همه سطوح فردی و اجتماعی، چه از طرف فرد و چه از طرف جامعه، بسترساز نظم اجتماعی است. اسلام علاوه بر اینکه برای هر موقعیتی حقوق خاصی در نظر گرفته است، به انسان ها توصیه می کند: با هم روابط دوستانه برقرار کنند. ۷- مبادله: «مبادله» به عنوان قوام زندگی اجتماعی بیان می شود. نقش مبادله چنان است که بدون آن، جامعه حتی برای لحظه ای دوام نمی آورد. «شکی نیست که قوام اجتماعی، که بشر تشکیل داده، بر مبادله مال و عمل پایدار است و قطعاً اگر چنین مبادله ای در کار نبود، مجتمع انسان، حتی یک چشم برهم زدن، قوام نمی داشت. راه بهره مندی انسان در اجتماعش غیر از این نبوده که اموری از مواد اولیه زمین گرفته و به قدر وسعش، روی آن عمل نموده و از نتیجه عملش، مایحتاج خود را ذخیره می کرده است و مازاد بر احتیاج خود از آن حاصل را به دیگران می داده و در عوض، سایر مایحتاج خود را از آنچه در دست دیگران بوده، می گرفته- » (تفسیر المیزان)۸- وضع قوانین کیفری: تعلیمات اخلاقی به خاطر نداشتن ضمانت اجرائی برای کسانی که از فطرت خود به دورند، برای نظام بخشیدن به جامعه کفایت نمی کند. اسلام بعد از ترویج تعلیمات اخلاقی در مرحله ی بعدی به وضع قوانین مدنی حاکم بر روابط انسان ها اهتمام می ورزد.عدالت اجتماعی زمینه ساز نظم اجتماعیعدالت از مفاهیمی است که بشر، هم در حیات طبیعی خود، ضرورت آن را احساس کرده، و هم آنجا که آن را به یک ارزش ذاتی دانسته، وجود آن را در میان قوای نفس و ضمیر آگاه خود و در میان روابط اجتماعی جهت «به زیستن» مهم می داند. همچنین رویکرد اسلام به مساله نظم اجتماعی، نگاهی کلان نگر است و در مواجهه با بی نظمی، اسیر ظواهر نظم نمی شود و هر نظمی را طلب نمی کند. «عدالت اجتماعی» در اسلام یک اصل اساسی است. هیچ یک از مکتب های بشری نمی توانند ادعا کنند که راه کارهای آنان برای نظم اجتماعی منجر به اجرای عدالت اجتماعی می شود. در منطق اسلام، در جامعه ای که به شدت نامتعادل است و اختلافات طبقاتی در آن چشمگیر است نمی توان انتظار داشت امنیت اغنیا محفوظ بماند. نمی توان انتظار داشت کارگران و کارمندان با حداقل حقوق و مزایا، نظاره گر درآمدهای کلان و اقدامات استثمارگرانه و سودجویانه صاحبان قدرت و ثروت باشند و آنان بی هیچ توقع، خدمات سالم اداری و فنی مورد نیاز آن غارتگران را فراهم آورند. نمی توان انتظار داشت کاخ ها و منازل مجلل در نگاه حسرت بار محرومین باشد و هزاران قلم کالاهای لوکس و گران قیمت هر لحظه شعله نیاز را دامن زند و آتش آن دامن گیر جامعه نگردد. طبیعی است در این شرایط امنیت و نظم روابط اجتماعی به خطر می افتد و متاسفانه در این هنگامه، فقط غارتگران آسیب نمی بینند بلکه زیان اصلی متوجه اقشار و گروههائی است که در این عرصه در دور باطل انحراف گرفتار نیامده اند. سخن پایانیتکیه اسلام بر نظم اجتماعی، بیشتر بر اخلاق مبتنی بر معاد و قانونمندی جامعه است. جامعه باید بستر رسیدن افراد به سعادت دنیوی و اخروی را فراهم کند. چنین جامعه ای به قوانین دقیقی نیاز دارد و مسلّماً تدوین چنین چیزی از توان بشر خارج است. بشر با توجه به محدودیت هایی که دارد، نمی تواند به قوانین فرازمانی و فرامکانی دست یابد، مگر از طریق اتصال به منبع مافوق بشری. در واقع، اسلام نیز با این نظر موافق است که افراد تنها در سایه زندگی اجتماعی، می توانند به خواسته هایشان دست یابند و بنابراین، انسان ها از روی ناچاری ـ ولی با اختیار ـ به زندگی اجتماعی تن در داده اند و به هر صورتی که شده است، باید در جامعه نظمی برقرار باشد و برقراری این نظم بدون کسانی که از اجرای قوانین و حقوق فردی و اجتماعی دفاع کنند، ممکن نیست. پس قانون به مجری نیاز دارد. اسلام، هم قوانین خاصی عرضه می

کند و هم برای مجریان قانون، شرایطی قایل است و احراز این شرایط در مواردی در دست بشر نیست. اسلام راهنمایی کامل برای تمام جنبه های زندگی انسان است. قوانین اسلامی به امور مدنی و کیفری محدود نمی شود، بلکه شامل امور اداری، اقتصادی و اجتماعی، ملی و بین المللی است. دستیابی به نظم پایدار اجتماعی از طریق تحقق عدالت اجتماعی ممکن می گردد. و عدالت اجتماعی با رعایت حدود تقوای فردی و جمعی بوجود می آید.

حمایت از تولید ملی در سایه اصلاح الگوی مصرف

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: مسئولین کشور در درجه‌ی اول - چه قوه‌ی مقننه، چه قوه‌ی مجریه، و چه سایر مسئولین کشور؛ قوه‌ی قضائیه و غیر آنها - و اشخاص و شخصیتها در رتبه‌های مختلف اجتماعی، و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند. اینجور مصرف کردن در همه‌ی زمینه‌ها - در امور ضروری زندگی، در زیادی‌های زندگی - مصرف کردن بی رویّه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ماست...(از بیانات رهبر انقلاب در نوروز۸۸)ما باید بتوانیم از کارِ کارگر ایرانی حمایت کنیم؛ از سرمایه‌ی سرمایه‌دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان‌پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلیِ صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران، تقویت چرخه‌ی تولید و اتقان در کار تولید است. و سهم مردم - که به نظر من از همه‌ی اینها مهمتر است - مصرف تولیدات داخلی است...(پیام نوروزی رهبر معظم ۹۱)مقدمهکشور ایران به منظور دست یابی به اهداف تعیین شده در سند چشم انداز بیست ساله و توسعه اقتصادی،اجتماعی و سیاسی به تولیدات ملی و سرمایه گذاری داخلی نیازمند است درصورتی که مصرف بی رویه کالاهای وارداتی مانع سرمایه گذاری شده و باعث خروج مقدار زیادی ارز از کشور می شود. در جهان امروز کشوری قدرتمند است که صادرات ان بیشتر از وارداتش باشد وکشوری که در کوچکترین اقلام خود به سایر کشورها نیازمند باشد نمی تواند به اهداف بلند مدتی که در قانون برای خود تعریف کرده است دست یابد .چنین کشوری گرچه به ظاهر مستعمره نیست اما در اصل تحت استعمار پنهان قرار دارد.اما باید توجه داشت ك این معضل زمانی بزرگتر می شود که یك ملت به علت مصرف زدگی و تقلید از فرهنگ بیگانه و در شرایطی که خود توانایی تولید را دارد به واردات کالا روی بیاورد.بنابراین شاید بتوان اولین گام در حمایت از تولید ملی و سرمایه گذاران داخلی را اصلاح الگوی مصرف دانست.اولویت بندی نیازها و اصلاح الگوی مصرف مصرف یعنی استفاده درست و به اندازه از منابع طبیعی برای زنده ماندن و زندگی کردن. مصرف کردن محصول، انرژی، خدمت و یا هرچیز دیگری ناشی از احساس نیازی است که در انسان پدیدار می گردد و الگوی مصرف در واقع همان نیازهای ماست که بر اساس فرهنگ موجود در هرجامعه اولویت بندی می شود. محورهای مهم الگوی مصرف در اقتصاد ایران شامل مصرف انرژی،آب و مواد غذایی است.اصلاح الگوی مصرف نیز باید در این زمینه های مهم انجام گیرد.البته اصلاح الگوی مصرف و صرفه جویی به منظور کم مصرف کردن و سخت گیری نیست زیرا همانطور که اسراف در شرع و نزد عقلا ناپسند است تفریط و بخل نیز مذموم شمرده شده است و آیه شریفه«کلوا و اشربوا و لا تسرفوا»ساده ترین مصداق و شاهد گواه بر این ادعاست.برای اصلاح الگوی مصرف ابتدا باید نیازهایمان را اولویت بندی کنیم.با کمی دقت می توان نیازهای حقیقی را از نیازهای کاذب بازشناخت و آنها را از سبد مصرفی زندگی فردی و اجتماعی دور ریخت. بخشی از نیازهای کاذب در اثر تبلیغات در افراد ایجاد میشود.این تبلیغات می تواند به صورت مستقیم از طریق رسانه و انواع بروشور وغیر مستقیم مانندچشم و هم چشمی ها انجام شود.مثلا افراد در اثر دیدن تبلیغات یك وسیله به ان احتیاجی ندارند اما احساس می کنند لازم است ان را تهیه کنند و نکته جالب اینجاست که بیشتر این افراد پس از تهیه وسیله احساس پشیمانی میکنند.باید دانست که چشم و هم چشمی در رفت و آمدهای

خانوادگی نیز از دیگر عواملی است که موجب احساس نیاز کاذب می شود و تنها به مصرف روزافزون کالاهای وارداتی و کناره گیری تولیدگران داخلی منجر می گردد.اصلاح الگوی مصرف از طریق تولیدکالای مرغوب ایرانیاصلاح الگوی مصرف تنها به اولویت بندی نیازها و صرفه جویی محدود نمی شود.استفاده از کالاهای تولید شده در داخل کشور نیز از دیگر مصادیق مهم اصلاح الگوی مصرف است.زمانی که الگوی مصرف برخی خانواده ها استفاده از اجناس خارجی باشد هرچقدر هم که بخواهند در مصرف صرفه جویی کنند نمی توانند مدعی اصلاح گری در مصرف خود باشند.استفاده از اجناس خارجی موجب افزایش واردات و خروج مقادیر زیادی از ارز کشور می شود و امکان سرمایه گذاری دولت را برای اقدامات زیرساختی محدود می کند. البته این مقوله تنها به مصرف کنندگان محدود نمی شود بلکه تولید کنندگان نیز باید در کنار صرفه جویی در مصرف انرژی از مواد مرغوب در فرآیند تولید استفاده نمایند. کالای تولید شده ملی باید آن قدر مرغوبیت داشته باشد که خریدار مجبور نشود در طی یک مدت کوتاه چندین بار آن کالا را تهیه کند زیرا در آن صورت اصلاح الگوی مصرف نه از سوی تولیدکننده رعایت شده است و نه از سوی خریدار. در این صورت تولیدکننده با ریخت و پاش و ساخت کالای نامرغوب زمان و سرمایه را هدر می دهد و خریدار نیز مجبور می شود بخش اعظمی از درآمد خود را به تهیه چندین باره یک کالاـ اختصاص دهد و در آخر هم به جنس خارجی که فکر می کند مرغوبیت بیشتری دارد روی بیاورد.راهکارهای حمایت از تولید ملی و اصلاح الگوی مصرفبرای حمایت از تولید ملی و اصلاح الگوی مصرف راهکارهای گوناگونی وجود دارد. در این بخش چند راهکار مهم ارائه می گردد: ۱- فرهنگ سازی از طریق تبلیغات: تبلیغ یکی از مهمترین عامل جهت دهی به افکار مردم است. تبلیغات می تواند جمع کثیری از مردم را به کالا و حتی عملی جذب کند و یا آنها را از آن دور نماید.تبلیغات از راههای گوناگون انجام میشود؛ تبلیغات محیطی از طریق بنرها و پوسترها،تبلیغ در صدا و سیما به صورت مستقیم نظیر کلیپ های تبلیغاتی و غیر مستقیم مانند پوشش بازیگران و مجریان صداو سیما و حتی بسته بندی محصولات از جمله انواع تبلیغ می باشند.اما نکته مهم اینجاست که تبلیغات باید مردم را به سوی تولید و مصرف کالای ملی و به کار گیری الگوی مصرف صحیح سوق دهد.واضح است که فعالین عرصه صداوسیما بخصوص بازیگران الگوی قابل توجهی برای مردم هستند. با کمی دقت می توان متوجه شد که به محض اینکه یک بازیگر نوع خاصی از پوشش یا کالایی خاص را استفاده می کند بازارها به سرعت پر از آن کالا می شوند و با استقبال خوبی نیز مواجه می گردند.بنابراین چه خوب است که بازیگران و مجریان صداوسیما با انتخاب کالا و پوشش ایرانی و پرهیز از ریخت و پاش در برنامه های تلویزیونی، مردم را به مصرف کالاهای داخلی و اصلاح الگوی مصرف سوق دهند.۲- آموزش: آموزش از یک سو به مصرف کنندگان و از سوی دیگر به تولیدکنندگان بر می گردد.آموزش مصرف کنندگان که همان فرهنگ سازی است.اما آموزش تولیدکنندگان به معنای آن است که با ارتقای سطح آموزشهای فنی و حرفه ای در مدارس و ایجاد رشته های متنوع صنعتی و آسان سازی ورود دانشجویان به دانشگاه و تحصیل در این رشته ها مهارت آنها را افزایش دهیم.زمانی که تولیدکنندگان بتوانند به صورت علمی و تخصصی به تولید کالا بپردازند تمامی راهکارهای افزایش سطح کیفی تولید را نیز فرا میگیرند.۳- تجهیز و احداث کارخانه ها و مراکز تولیدی: در اینجاست که سخن رهبری معظم در خصوص لزوم حمایت از سرمایه گذار ایرانی و کارگر ایرانی مصداق پیدا می کند.سرمایه گذاران لازم ست با بکار بردن سرمایه های خود برای ایجاد کارگاههای تولیدی و کارخانجات زمینه اشتغال را برای تولیدکنندگان داخلی فراهم کنند تا اینکه از این سرمایه برای واردات کالاـ استفاده نمایند.در این حال نه تنها زمینه ورود جوانان متخصص و ماهر در عرصه تولید فراهم می شود بلکه واردات کالا نیز کاهش می یابد، کشور به خودکفایی می رسد و با افزایش سطح کیفی و کمی محصولات داخلی، الگوی مصرف مردم نیز تغییر می کند.۴- قوانین و مدیریت کشور: ایجاد قوانینی برای اصلاح الگوی مصرف نظیر هدفمندسازی یارانه ها و سهمیه بندی بنزین موجب تغییر بسیاری در الگوی مصرف خانوارهای ایرانی شد.سوخت و انرژی،آب و نان از جمله اقلامی بودند که متاسفانه بدون هیچ گونه ملاحظه ای با ریخت و پاش بسیاری

مصرف می شدند،اما سهمیه بندی بنزین و هدفمندسازی یارانه ها نه تنها موجب صرفه جویی در مصرف این اقلام شد بلکه با ذخیره سازی سوخت و انرژی و صادرات آن امکان ذخیره سازی ارزی در کشور فراهم شـد.حال نیز دولت لازم است با ایجاد قوانین ویژه و افزایش فرصت برای سرمایه گذاران داخلی زمینه افزایش تولیدات ملی را گسترش دهد.۵- مارك پوشی؛ عامل مهم جلوگیری از تولیـد ملی: متاسـفانه مـارك پوشـی معضـلی است که هم اکنون شاهـد آن هستیم.بخش اعظمی از این عادت نادرست نتیجه تهاجم فرهنگی است.جنگ نرم همین است.جنگ نرم الگوها را تغییر می دهد،افکار را تحت تاثیر قرار می دهد و در آخر با تغییر ارزش ها رفتـار هـا را دگرگون میسازد.اما تبلیغاتی که از سوی شـبکه های خارجی در این راسـتا انجام می شود بی هـدف و تنها برای فروش محصولاـت خـود نیسـت.دشـمن می خواهـد بـا این تیر دو نشـان را هـدف قرار دهـد؛ از سـویی فرهنـگ خـود را به صـورت کـاملا نـامحسوس به ما تحمیل کنـد و از سوی دیگر با ایجاد وابسـتگی در جوانان نسبت به محصولات خود از تولیـد ملی توسط ایرانیان و پیشـرفت آنها جلوگیری کنند.مارك پوشـی نه تنها موجب گوشه نشینی تولیدگران داخلی می شود بلکه الگوی بسیار ناصحیحی در مصـرف است.به طور مثال کفشـی با کیفیت مناسب که تولید داخل است ممکن است ۲۰هزارتومان فروخته شود اما یک کفش بی کیفیت فقـط به خـاطر داشـتن یک مارك به بیش از صـدهزارتومان خریـد و فروش گردد.آیا این اسـراف و خیانت به اقتصاد کشور نیست؟ کشور ایران با تمـدن ۲۵۰۰سـاله خود می توانـد الگویی برای جوانان سایر کشورها باشـد نه اینکه مقلـد فرهنگهایی شود که هیـچ ریشه و اساسـی ندارنـد.این کشور بـا منابع سـرشار خود می توانـد یکی از بهترین تولیدکننـدگان و صادرکننـدگان در عرصـه جهانی باشد بجای آنکه به خاطر کالاهایی که جوانان تنها برای مد گرایی استفاده می کنند وابسته به سایر ملل گردد.سخن پایانیدو مفهوم حمایت از تولید ملی و اصـلاح الگوی مصـرف نباید به شعار تبدیل شوند بلکه مهم این است که آنها را عملیاتی کنیم.یادمان باشد که تنها ما و نسل حاضر نیستیم که قرار است در این کشور زندگی کنیم. آیندگان ما و فرزندانمان پس از ما اداره این مملکت را بـدست می گیرنـد. پس بایـد برایشـان چیزی بـاقی بگـذاریم. نبایـد تنهـا نـامی از ایران و بازارهـایی مملـو از اجنـاس خـارجی به آینـدگانمان بسپاریم. حق فرزندان ماست که در آسایش و نعمت زندگی کنند.حق دارند از انرژی به اندازه کافی اسـتفاده نمایند و در بازار کار مجالی برای فعالیت داشـته باشند.حق آنهاست که سربلندی کشورشان را در عرصه های جهانی تولید ببینند واین حق را ما و فعالیت امروزمان برای آنها ایجاد می کند.

عرصه های کار در مدیریت روابط عمومی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: نیاز به شـناخت و درک متقابل به منظور تسـریع دردستیابی به مقاصـد و اهداف، امروزه درسازمان ها و ادارات به عنوان یک اصل اساسی درمدیریت پذیرفته شده است. این ارتباط که ازآن به عنوان روابط عمومی یاد می شود یکی ازمهم ترین و با ارزشترین عوامـل مؤثر در سـرنوشت هر سازمـان و گروه محسـوب می گردد. امروزه روابـط عمومی به عنوان علم دارای اصول و مبـانی اولیه می‌باشـد. عمومـاً شاهـد آن هستیم که واژه روابـط عمومی در میـان مردم اسـتفاده می‌شود بـدون در نظر گرفتن این که واقعـاً روابط عمومی چیست؟ آیـا در زمره علوم پـایه قرار می‌گیرد یـا هنری است که از خلاـقیت بهره می‌گیرد و خود پس از موسـیقی، نمـایش، سینمـا و ... هنر هشـتم خوانـده می‌شود.مقدمهـدر عصـر ارتباطـات و اطلاعـات روابـط عمومی از عناصـر اصـلی ارتباطات است. زیرا ماهیت و مجموعه فعالیت های آن به طور عمـده "؛ ارتباطی، تعاملی و تبادلی " است. امر مشارکت با مقوله اطلاع رسانی که از مهم ترین رویکردهـای روابط عمومی است آغاز می شود و بسیاری دیگر از کارهای اجرای تحقق مشارکت از جمله تمهیـدات ترغیبی، همـان امور رایـج کاربردی روابط عمومی است. شایسـته نیست که ارتباطات مردم با سازمان ها سـرد و عاری از مهر و رغبت باشـد، بجـاست، که بـا انجام مطالعات و بررسـی های لازم اساساً معلوم شود که سازمان های ما واقعاً به چه رویه و رویکردی برای تعامل با

مردم نیاز دارد؟ یکی از عواملی که در سرنوشت هر گروه و فرد اهمیت و ارزش دارد و آن ها را برای رسیدن به هدفشان یاری می دهد، کیفیت رابطه آن ها با افراد و مؤسساتی است که با آن سر و کار دارند.تعریف روابط عمومی اصطلاح روابط عمومی، ترجمه واژه انگلیسی public Relations برای نخستین بار در آمریکا به کار برده شد و در ایران نخستین بار در شرکت نفت به کار رفته و دفتری در آن شرکت ایجاد شد. روابط عمومی هنر است، علم است، فن است. روابط عمومی نقش های گوناگونی را درجایگاه های متفاوت وشرایط متمایز ازیکدیگر ایفا میکند. اما دو نقش قابل تفکیک آن درارتباطات درون سازمانی وبرون سازمانی ازمیان سایر نقشها نمایانتر و مهمتر است. قرن حاضر را علاوه بر تسخیر فضا، اتم، کامپیوتر، لیزر و غیره بحق عصر ارتباطات نامیده اند. وسایل ارتباطی مانند مطبوعات، رادیو، تلویزیون بسیاری از شیوه های زندگی را عوض کرده است و گویی که دنیای گسترده ما به دهکده جهانی تبدیل شده است. روابط عمومی ها؛ پُلهای ارتباطی بین سازمانها و جمعیتها و طرفهای ذیربط، بیان کننده و منادی اخبار و اطلاعات سازمانها به مخاطبین خود هستند. روابط عمومی بر شانه راست بار" اقناع "و بر شانه چپ خود "ترغیب "را حمل می کند که این دو رسالت عظیم شاخه های هدف نهایی آن ایجاد حسن تفاهم است. عرصه‌های کار در روابط عمومی در عرصه‌های کارروابط عمومی فعالیت‌های وابسته شامل مجموعه هایی می‌شود که کالاها و خدمات روابط عمومی عرضه می‌کنند. فعالیت‌های متنوعی از قبیل پیام‌رسانی طراحی و گرافیک تبلیغات چاپ و نشر، تولید محصولات سمعی و بصری و مانند آن‌ها. افزون بر این سازمان‌های پشتیبانی دهنده در حرفه روابط عمومی مانند مراکز پژوهشی و آموزشی سازندگان ابزار و تجهیزات و مواد و لوازم مصرفی ارتباطی عوامل توزیع و پخش اقلام ارتباطی و هدایا نیز در این عرصه فعال هستند. اکثر این سازمان‌ها بدون این که خود را وابسته به این حرفه بدانند، در درجه اول به محصول خود نظر دارند و در بهترین حالت به روابط عمومی به عنوان یک منبع درآمد توجه می‌کنند و در عین حال خود را جزیی از این عرصه مهم تلقی نمی‌کنند. از طرفی شرط موفقیت در این حرفه دستیابی به جایگاه واقعی روابط عمومی است که از طریق انجام فعالیت‌هایی نظیر نوآوری کارآفرینی استانداردسازی مشاوره پژوهش توزیع محصولات روابط عمومی و مانند آن ها، در این عرصه تحقق می‌یابد و برای ایجاد چنین زمینه‌ای اعمال سیاست‌های حمایتی و تقویت توان کارشناسی این حوزه قطعاً موثر خواهد بود. عرصه های کار در روابط عمومیامور اجرایی مدیریت روابط عمومیروابط عمومی عمل مدیریت است که به وسیله آن افراد جامعه مورد سنجش قرار می گیرند و روش کار و طرز عمل یک فرد یا مؤسسه یا مصلحت عمومی منطبق می شود و برنامه ای برای جلب تفاهم و مقبولیت عامه به موقع اجرا گذاشته می شود .بر این اساس امور اجرایی روابط عمومی عبارتند از:۱- ارتباط با رسانه های جمعی: گسترش وسایل ارتباط جمعی کار را برای روابط عمومی ها آسان نموده است. توسط این ابزارها داده ها و دریافت های لازم برای آن ها فراهم می شود. ۲- تشکیل گردهمایی: مؤسسات مختلف بر حسب موارد در طول سال مبادرت به تشکیل مجالس، سمینارها، نمایشگاه ها و به طور کلی گردهمایی می کنند که برگزار کننده یا هماهنگ کننده ی آن ها واحد روابط عمومی است. ۳- تنظیم و انتشار اطلاعیه: منظور از اطلاعیه ها انواع گزارش ها ، آگهی ها ، تابلو ها ، پوسترها ، تراکت ها و موارد مشابه می باشد. رعایت تناسب در حجم، اندازه متون، انتخاب پیام های کوتاه وجذاب، پرهیز از مطالب نامربوط رعایت خوش خطی و خوش لحنی و موازین اخلاقی و وجدانی باید مد نظر باشد. ۴- بریده جراید: از کارهای معمولی و جاری و روز مره روابط عمومی تهیه بریده جراید است. برای تسهیل نمودن دسترسی به اطلاعات جراید برای مدیران و دست اندرکاران که دقت کافی را ندارند از این شیوه بهره می جویند. ۵- نشریه داخلی: در یک مؤسسه که متوسط و یا بزرگ است تنظیم و انتشارات یک نشریه داخلی یا خبرنامه از طرف روابط عمومی آن یک ضرورت است که بر حسب مقتضیات می تواند روزانه، هفتگی یا ماهانه باشد. ۶- هنرهای انتشاراتی: عکاسی، فیلمبرداری، خطاطی، نقاشی و کاریکاتور و گرافیک از شاخه های هنری هستند که در امور مطبوعاتی و انتشارات، تبلیغات و رادیو و تلویزیون کاربرد خبری تزئینی دارند. لذا روابط عمومی برای تهیه فیلم مستند، خبری، عکس و اسلاید، پوستر و بروشور آگهی و موارد مشابه به صاحبان این هنر ها نیاز مبرم

دارد. ۷- آرشیو: روابط عمومی باید آرشیوی که محتوای آن را سوابق کارکردها و فهرست خلاصه ای از همه فعالیت های مؤسسه یا سازمان تشکیل می دهد در اختیار داشته و توسط متصدی ماهر و متخصص بایگانی و نگهداری کند. ۸- مصاحبه: در جریان امور جاری برحسب مقتضیات و ملاحظات گوناگون انجام مصاحبه هایی با خبرگزاری ها و وسایل ارتباط جمعی ضرورت پیدا می کند. که گاه طرف مصاحبه مسئول روابط عمومی است. که باید از عهده ی اجرای آن بر آید. ۹- افکار سنجی: انتقادها، پیشنهادها، تقاضاها، گله مندی ها، تقدیرها چراغی فرا راه متولیان و متصدیان مؤسسه یا سازمان است. ۱۰- کدخدا منشی: اِعمال روش کدخدا منشی در حل اختلافات با تعالیم قومی و مذهبی مردم نیز مطابقت و ملازمت دارد و از نظر روان شناختی نیز نمونه خوبی برای ارضای میل به مطرح شدن و مورد توجه قرار گرفتن می باشد. بجاست که مدیر روابط عمومی که لباس میانجی گری و وساطت به قامت دارد در این گونه موارد با حسن تدبیر ملاحظه کند. ۱۱- نظر خواهی عمومی: یکی از جلوه های خوب و ارزنده در مدیریت روابط عمومی شیوه مطلوب و کار ساز نظر خواهی عمومی است. ۱۲- کمیته همیاری: کارکنان یک مؤسسه در دنیای درون خود قصه ها دارند. یکی از اختلاف خانوادگی رنج می برد شخصی از تبعیضی که بر او رفته ناراحت است، فردی برای احقاق حق خود از دادگاه نیاز به مشاوره حقوقی دارد و ... زیباترین وانسانی ترین کار یک روابط عمومی لایق و مدّبر کشف محترمانه این گونه رازهاست و حتی المقدور دفع و رفع این معظلات که البته این خدمت خدا پسندانه در کیفیت خدمت کارکنان اثر مثبت خواهد داشت.سخن پایانیروابط عمومی در پی ارتباط دو سویه با مخاطب بوده و صرفاً به دنبال " اطلاع‌رسانی نیست بلکه مکمل این فرآیند را" اطلاع‌یابی می‌داند. در واقع روابط عمومی از طریق" اطلاع‌یابی بر اهمیت تأثیرپذیری از افکار عمومی صحه می‌گذارد. روابط عمومی درحقیقت، ابزار دوگانه ای است که از یک سو باعث آگاهی مدیران از محیط پیرامون آن ها می شود و از سوی دیگر باعث انعکاس درست فعالیت آنان به جمعیت مخاطب می گردد. برقراری این ارتباط دوطرفه در هر سطحی، مترادف سطح توفیق روابط عمومی است. مدیریت روبط عمومی مسئولیتی است که برای انجام آن باید از ویژگی های خاصی برخوردار بود که مهم ترین آن عبارتند از: علاقه، تخصص، تجربه، شناخت سازمان ومخاطبین و بهره مندی از ویژگی های اخلاقی و رفتاری خاص. به تدریج که جامعه پیچیده تر شد و حرفه ها به سوی تخصصی شدن پیش رفت، روابط عمومی نیز با آن گام بر داشت. هراندازه ارتباط در روابط عمومی گسترش یافته باشد، همان اندازه آن فرد، گروه و سازمان در دستیابی به اهداف خود موفق تر می شوند. با توجه به وظایف کلی، روابط عمومی در حقیقت می تواند در حکم واسطه میان دولت و مردم نقش قابل قبولی ایفا کند. آن ها می توانند با تنظیم برنامه دقیق به سؤال ها و شک ها و تردید ها پاسخ بدهند. روابط عمومی، اصالتاً مبتنی بر دو مقوله اطلاع رسانی و متقاعد سازی است.. لذا ضرورتاً باید آن را به خوبی شناخت و نحوه استفاده کاربرد از آن را فراگرفت. هم اینک، دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی دولت در راستای ضرورت انجام این مهم، یعنی آموزش و باز آموزی فنون روابط عمومی را فراهم نموده است. امروز که روزگار پر تحول و پیچیده و نوگرایی است، برای اثبات کارایی روابط عمومی ها، باید مجموعه سازمان متبوعه خود را با کارهای مناسب و جدید کامیاب کنند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹